

پیروزی بر خشونت:

تامین امنیت
زنان و دختران

رهنمودِ عمل



مهنائز افخمی
هاله وزیری

WLP
WOMEN'S
LEARNING
PARTNERSHIP

پیروزی بر خشونت: تأمین امنیت زنان و دختران

رهنمودِ عمل

مهناز افخمی
هاله وزیری

سازمان بین المللی آموزش و همکاری زنان

Women's Learning Partnership
For Rights, Development and Peace (WLP)

4343 Montgomery Avenue, Suite 101
Bethesda, MD 20814

Tel: (301) 961-2774

Fax: (301) 961-2770

Email: wlp@learningpartnership.org
wlp@learningpartnership.org

Cover Design and Layout by Xanthus Design

© Copyright 2012

By Women's Learning Partnership for Rights, Development, and Peace (WLP)

ISBN 978-0-9807679-4-0

Persian Adaptation

فهرست مطالب

۱	قدرتانی و سپاس
۲	آشنایی با ما
۳	سازمان‌های همکار با «سازمان بین‌المللی آموزش و همکاری زنان»
۸	سبب‌ها و پیامدهای خشونت علیه زنان و دختران: آموزش برای امنیت و مسالمت
جلسه‌های کارگاه	
۱۴	بخش الف: خشونت در فضای خصوصی
۱۵	جلسه ۱: دیدار و آشنایی برای ایجاد گروه آموزشی
۱۸	جلسه ۲: آزارهای زبانی و روانی در خانه
۲۲	جلسه ۳: بدرفتاری با خدمت کاران خانگی
۲۷	جلسه ۴: خشونت شریک زندگی
۳۵	جلسه ۵: ختنه زنان
۴۲	جلسه ۶: ازدواج اجباری و عروسان خردسال
۵۵	جلسه ۷: قتل‌های ناموسی
۶۶	بخش ب: خشونت در اجتماع
۶۷	جلسه ۸: تعرّض جنسی در فضاهای همگانی
۷۵	جلسه ۹: تعرّض جنسی در محل کار
۸۱	جلسه ۱۰: تجاوز و تعرّض جنسی
۹۰	جلسه ۱۱: جرایم ناشی از نفرت پراکنی علیه زنان همجنس‌گرا
۹۸	جلسه ۱۲: روسپیگری
۱۰۶	بخش پ: خشونت از سوی دولت، فراسوی مرزها و در عرصه جهانی
۱۰۷	جلسه ۱۳: قاچاق زنان برای بردهداری جنسی
۱۱۴	جلسه ۱۴: تجاوز به مثابه سلاح جنگی
۱۱۹	جلسه ۱۵: نقش و حقوق زنان و دختران در فعالیتهای بازسازی پس از پایان جنگ؛ قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد
۱۲۵	جلسه ۱۶: نتیجه‌گیری و ارزیابی تجربه‌ها و پیشنهادها

برای آگاهی های بیشتر

۱۳۳ پاکین ارتورک: «مقررات سازمان ملل متحد برای رفع خشونت علیه زنان:

۱۳۹ ژاکلین پتنگی: ملاک ها، ابزارها و رهنماها برای استفاده بهینه از آنها»
«پیکار با خشونت علیه زنان و دختران: نمونه هایی از آمریکای لاتین.»

پیوست ها

۱۴۴ پیوست ۱: قطعنامه ۱۸۸۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد

۱۴۵ پیوست ۲: قطعنامه ۱۸۸۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد

۱۵۱ پیوست ۳: قطعنامه ۱۸۲۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد

۱۶۱ پیوست ۴: قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد

۱۶۷ پیوست ۵: قطعنامه ۱۰۴/۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد،
اعلامیه رفع خشونت علیه زنان، مصوب ۱۹۹۳

۱۷۸ پیوست ۶: قطعنامه ۱۷۶۳ انشست عمومی سازمان ملل متحد، ميثاق ناظر بر رضایت به
ازدواج، کمترین سن مجاز برای ازدواج و ثبت سند ازدواج، مصوب ۱۹۶۲

۱۸۱ پیوست ۷: اصول یوگیاکارتا درباره بهره جوئی از حقوق بین المللی بشر ناظر بر
گرایش‌های جنسی و هویت جنسیتی

قدرتانی و سپاس

از بنیادهای زیر برای پاری ارزنده شان به طراحی، آزمایش و انتشار این رهنمود سپاسگزاریم:

Channel Foundation
Dutch Ministry of Foreign Affairs MDG³ Fund
Ford Foundation
National Endowment for Democracy
New Field Foundation
Oxfam-Novib
Shaler Adams Foundation
The Sigrid Rausing Trust
Swedish International Development Cooperation Agency

نیز سپاسگزاریم از رهبرانی که دیدگاهها و پیشنهادهای ارزنده خود را درباره سبب‌ها و پیامدهای خشونت علیه زنان و دختران، و تلاش برای پیشگیری و تعییل این گونه خشونت‌ها با ما در میان گذاشتند: لینا ابوحبيب، ذینا انوار، یاکین ارتورک، راکی گویال، اسمی خضر، سیندی مدارگله، و ژاکلین پیتانگی. همچنین سپاس از Magdalene and Thistle Farms و بنیانگذارشان بکا اسیتونزکه الهام‌بخش بررسی نمونه هائی از روسبیگری در جلسه دوازدهم بوده است، و نیز از جکی لایدن و رادیوی ملی (NPR) که به ما امکان دادند از برنامه‌های ویژه توان بخشی آنان در کار خود بهره جوئیم.

آشنایی با ما

مؤسسه بین‌المللی آموزش و همکاری زنان، که دربرگیرنده ۲۰ سازمان مستقل است، زنان را، به ویژه در جوامع اکثریت مسلمان، آموزش و پاری می‌دهد تا بتوانند در نقش کنشگر، رهبر و مدیر جامعه خود و جهان را به سوی صلح و عدالت رهنمون شوند. مؤسسه بین‌المللی آموزش و همکاری زنان به طرّاحی و انتشار اصول و شیوه‌های رهبری و مشارکت سیاسی فرهنگ‌محور می‌پردازد و، با همکاری سازمان‌های محلی، می‌کوشد زنان را برای دستیابی به آگاهی‌ها و مهارت‌هایی پاری دهد که برای رسیدن آن‌ها به سطوح رهبری در خانواده و در عرصه‌های محلی و ملی ضروری است. در دهه گذشته، برنامه‌ها و منابع آموزشی سازمان بین‌المللی آموزش و همکاری زنان عامل مهمی در پیشبرد حقوق زنان و تشویق آنان به مشارکت در عرصه‌های رهبری و تصمیم‌گیری بوده و آنان را در ایفای نقشی روزافزون در بنای یک جامعه دموکراتیک، عادلانه و آزاد پاری رسانده است.

در سال ۲۰۰۱، سازمان رهنمونی برای آموزش رهبری با عنوان در طلب حقوق‌مان، که به ویژه معطوف به نیازهای زنان جوامع اکثریت مسلمان جهان بود، منتشر کرد. این کتاب تا سال ۲۰۱۰ به ۲۰ زبان - با توجه به ملاحظات و ویژگی‌های فرهنگی خاص مخاطبان گوناگونش - ترجمه شده بود. تا کنون ده‌ها هزارتن زن و مرد در بیش از ۴ کشور در جوامع جنوبی جهان در کارگاه‌هایی که برای بهره‌جویی از این کتاب و رهنمودهایش تشکیل شده است شرکت کرده و جنبش‌های زنان در سراسر دنیا را به سطحی تازه از خودکفایی و توانمندی رسانده‌اند.

سازمان‌های همکار با «سازمان بین‌المللی آموزش و همکاری زنان»

انستیتوت آموزشی افغانی (AOL)

این مؤسسه غیردولتی، با بهره‌جویی گسترده از رهیافت‌های ابتکاری و مناسب، می‌کوشد تا در راه برآورده شدن نیازهای بهداشتی و آموزشی زنان و کودکان افغانی گام بردارد. کار اصلی این مؤسسه آموزش دادن، و همکاری کردن با، کارشناسان مسائل بهداشتی و آموزشی و با سازمان‌های آن‌هاست. این همکاری از راه تهیه و برگزاری برنامه‌های آموزش معلم و متخصصان امور بهداشتی و آموزشی و نیز آموزش اصول و مبانی حقوق بشر انجام می‌شود. این برنامه‌ها به آموزش کودکان در خانه، به سازمان‌های محلی، به آموزشگاه‌های ویژه زنان و مراکز یادگیری کودکان نیز یاری می‌رسانند.

www.afghaninstituteoflearning.org

انجمن زنان فعال (AWAM)

این انجمن که در سال ۱۹۸۵ تشکیل شد یک سازمان فمینیستی مستقل و متعهد به بهینه کردن زندگی زنان مالزیایی است. هدف نهایی این انجمن پریختن یک جامعه عادلانه، دموکراتیک و برابری محور است که در آن زنان محترم شمرده شوند و از خشونت و تبعیض در امان باشند. برای رسیدن به این هدف، انجمن در راه تبادل آگاهی‌ها، ارتباط یابی و بسیج علاقمندان به تحقق حقوق بشر زنان، برابری بین زن و مرد و حمایت از زنان بی‌نوا و بلا تکلیف گام بر می‌دارد. دیگر فعالیت‌های این انجمن شامل ترویج هدف‌ها، آموزش، یاری دادن به زنان قربانی خشونت، از جمله ارائه رایزنی‌های حقوقی به آن‌ها است.

<http://www.awam.org.my>

انجمن دموکراتیک زنان مراکش (ADFM)

این انجمن در سال ۱۹۸۵ به عنوان یک انجمن مستقل به منظور حمایت از حقوق انسانی زنان و ارتقای آن و همچنین ترویج سیاست‌های عادلانه و گسترش فعالیت‌های اجتماعی تأسیس شد. انجمن دموکراتیک زنان مراکش، یکی از بزرگترین سازمان‌های غیردولتی در زمینه تأمین حقوق زنان در مراکش، در تشکیل شبکه‌های همکاری با نهادهای دولتی و جامعه مدنی در سطح منطقه‌ای و جهانی موفق بوده است. هدف انجمن ارتقاء حقوق زنان از طریق حمایت از زنان، کمک به افزایش آگاهی‌های آنان و فعالیت‌های سوادآموزی و آموزش است. افزون براین، انجمن مرکزی برای رهبری زنان ایجاد کرده که معطوف به افزایش مشارکت زنان در کلیه عرصه‌های تصمیم‌گیری است.

<http://www.adfm.ma>

انجمن زنان سرپرست خانواده (AFCF)

رسالت اصلی این انجمن غیردولتی در موریتانیا حمایت و دفاع از حقوق بشر زنان و کودکان است. تلاش این انجمن معطوف به کمک به زنان نیازمند است، به ویژه زنانی که سرپرستی خانواده خویش را بر عهده

گرفته‌اند. ایجاد یک شبکه از انجمن‌هایی که برای بهتر شدن زندگی زنان و کودکان تلاش می‌کنند، ترویج برابری جنسیتی و کمک به همبستگی هرچه بیشتر زنانی که به طبقات گوناگون اجتماعی تعلق دارند، از دیگر هدف‌های این انجمن است.

<http://www.afef.fr.gd>

مؤسسه اورات (AURAT)

هدف اساسی این بنیاد غیردولتی، که در سال ۱۹۸۶ تشکیل شد، کمک به تحقق حقوق زنان شاغل و توانمند کردن شهروندان به شرکت فعالانه در مسیر اصلاح حکومت برای ایجاد یک جامعه عادلانه، دموکراتیک و انسانی در پاکستان است. این بنیاد با نزدیک به ۱۲۰۰ اسازمان غیردولتی و محلی برای افزایش دانش و آگاهی‌های شهروندان درباره حقوق زنان و برابری جنسیتی در کشور همکاری می‌کند.

www.af.org.pk

سازمان بائوباب برای تأمین حقوق بشر زنان (BAOBAB)

این سازمان نیز یک سازمان غیردولتی و غیرانتفاعی است که برای حقوق انسانی و قانونی زنان، با توجه به قوانین مذهبی و کیفری محلی، به ویژه قوانین مربوط به زنان مسلمان، فعالیت می‌کند. سازمان تأمین حقوق انسانی زنان با حقوق‌دانان دولتی و غیردولتی، سیاست‌پردازان، گروه‌ها و سازمان‌های فعال در زمینه حقوق زنان و حقوق بشر، سایر سازمان‌های غیردولتی و افراد عادی علاقمند به همکاری مشغول است و آموزش موازین حقوق بشر، به ویژه حقوق زنان را تأیید و تشویق می‌کند. علاوه بر این همه، این سازمان تأمین هزینه تعلیم حقوق زنان و پرورش‌های آموزشی و اجرای برنامه‌های معطوف به افزایش سطح آگاهی عموم نسبت به حقوق زنان را با توجه به میزان تاثیرگذاری آن بر سیاست‌های اجتماعی و دولتی به عهده دارد.

www.baobabwomen.org

مرکزی برای آزاد شدن/انجمن زنان بحرین (BFP/BWA)

هدف این مرکز، که در سال ۲۰۰۱ تشکیل شد، کمک به تحقق حقوق بشر زنان و کودکان بحرین و کوشش برای آگاهسازی جامعه نسبت به این حقوق و به دیگر عوامل مؤثر در زندگی زنان است، از جمله پدیده جهان‌روابی، فناوری اطلاعاتی، محیط زیست، پوشش بهداشتی، فرهنگ و خانواده. کانون تمرکز این انجمن از بین بردن غفلت و خشونت نسبت به کودکان است و نیز کمک به آنان تا به شهروندانی تقدیرست و کارآ تبدیل شوند. از راه فعالیت‌هایی چون تشکیل کارگاه‌های آموزشی، همایش‌ها، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، کمپین‌های ترویجی، و شبکه‌سازی، این انجمن زنان بحرین را به مشارکت در عرصه‌های گوناگون اجتماعی تشویق می‌کند.

www.bahrainws.org

شهروندی، پژوهش، مطالعه، اطلاعات و تلاش (CEPIA)

سپیا یک سازمان غیردولتی غیرانتفاعی در برزیل است که به اجرای پروژه‌هایی در زمینه تقویت حقوق بشر و شهروندی می‌پردازد به خصوص درباره گروه‌هایی که همواره از حقوق شهروندی خود محروم

شده‌اند. سپیا همچنین به تدوین و احرای برنامه‌ها و طرح‌های می‌پردازد که به شیوه‌های میانجی‌گری اجتماعی و آموزشی و به مسائلی مانند حقوق جنسیتی و بهداشتی، خشونت علیه زنان، و دسترسی به عدالت اختصاص دارد. برنامه‌های ترویجی سپیا شامل بررسی و ارزیابی سیاست‌های دولت درباره زنان و تسهیل گفتوگو میان سازمان‌های مدنی و گروه‌های گوناگون اجتماعی است. www.cepii.org.br

انجمن پژوهش و آموزش کاربردی توسعه (CRTD-A)

این انجمن در لبنان، در زمینه توسعه اجتماعی و مطبی، به ویژه برابری جنسیتی، برای سازمان‌های غیردولتی، نهادهای دولتی، پژوهشگران و آژانس‌های بین‌المللی علاقمند، امکانات آموزشی فراهم می‌کند. فعالیت‌های انجمن متمرکز بر پژوهش در باره کیفیت مشارکت‌های نظری و کاربردی است. از دیگر فعالیت‌های انجمن انتشار پژوهش‌ها و نوشهای بدیع در باره جنسیت و توسعه، آموزش جنسیتی، توسعه اجتماعی، جامعه مدنی و فقر است. گروه‌های وابسته به این انجمن خدمات رایزنی به سازمان‌های غیردولتی، و دیگر مراکز علاقمند به موضوع‌های مربوط به مسائل جنسیتی ارائه می‌کنند.

<http://crtda.org.lb/en>

بنیاد حمایت از زنان (FODEM)

این بنیاد دولتی در نیکاراگوئه از راه برنامه‌های آموزش حقوق شهروندی، تجاری و مالی و با منابع محدود فعالیت‌های زنان در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی را یاری می‌دهد. فودم به خاطر تهیه چنین برنامه‌هایی به دریافت جایزه «آمریکای مرکزی» نائل شد. www.fodem.org.ni

مرکز پیشرفت حقوق زنان (FWID)

این مرکز دارای شبکه‌ای شامل سازمان‌های غیردولتی است که برای آزادی زنان و حذف هرگونه تبعیض نسبت به آنان فعالیت می‌کنند. این گروه که در سال ۱۹۹۷ با مشارکت پانزده نهاد غیردولتی تشکیل شد هوادار اصلاح و یا لغو قوانین تبعیض آمیز علیه زنان است. این گروه شامل زنان و مردان کوشنده‌ای است که برای ساختن جامعه‌ای دموکراتیک، عادلانه و برابر محور با یکدیگر همکاری می‌کنند.

بنیاد حمایت از اشتغال زنان (FSWW)

این بنیاد سازمانی غیردولتی در ترکیه است که در زمینه مشارکت برابر زنان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از طریق جذب زنان کارشناس و شناسایی امکانات بالقوه موجود محلی فعالیت می‌کند. این بنیاد که در سال ۱۹۸۶ تشکیل شده با یاری دادن به زنان کمدرآمد می‌کوشد سطح رفاه اجتماعی و نیز توانایی سازماندهی آنان را افزایش دهد. فعالیت‌های این بنیاد بیشتر در شهر استانبول، منطقه زلزله‌خیز مرمره و جنوب شرقی ترکیه است. این بنیاد همچنین در زمینه رایزنی حقوقی، آموزش، نظارت بر فعالیت‌های سازمان‌های دولتی و غیردولتی، و نیز همکاری با سازمان‌هایی که مایل به بهره جوئی از برنامه‌های آن اند، فعالیت می‌کند. www.kedv.org.tr

مرکز حقوق بشر/ مبارزه شهر وندان با فساد (CAC)

مرکز حقوق بشر در قرقیزستان به مسائل حقوق زنان و پناهندگان می پردازد و در زمینه های چون رایزنی های حقوقی، پژوهش در باره حقوق زنان، برگزاری گردهمایی های مدنی، شرکت در مناظره های عمومی و آموزش کوشندگان حقوق بشر فعالیت می کند. این مرکز از راه نظارت بر انتخابات و حمایت از اصلاح قوانین انتخاباتی حضور هرچه بیشتر نمایندگان زن در مجلس را ضروری می خواند و به فعالیت برای منع شکنجه و اعدام و مبارزه با فساد دولتی فعالیت می کند. www.anticorruption.kg

ایران

سازمان بین المللی آموزش و همکاری زنان با کوشندگان و پژوهشگران حقوق زن در ایران برای تهیه رهنمون های آموزشی و دروس الکترونیکی همکاری می کند. در سال ۲۰۰۵، سازمان با همکاری گروهی از این کوشندگان، رهبران سازمان های غیردولتی و دانشگاهیان مؤسسه ملی آموزش رهبری برای زنان و آموزش آموزشگران را برپا کرد. هدف این مؤسسه آشنایی کنندگان با مهارت های لازم برای رهبری مشارکتی و تقویت شبکه های کوشندگان زن در ایران بود.

مرکز منابع زنان شیمکنت (SWRC)

این مرکز یک نهاد غیردولتی در قزاقستان است که برنامه هاییش معطوف به مبارزه با قاچاق و خشونت علیه زنان و نیز تأمین حقوق و ارتقای توان مدیریتی آنهاست. این مرکز برای مبارزه با قاچاق زنان به ایجاد گروه های مستقل پشتیبانی از زنان می پردازد به آنها رایزنی حقوقی ارائه می دهد و برای زنان آسیب دیده و قربانیان قاچاق پناهگاه های مناسب بنا می کند. www.swrc.kz/eng

سازمان همبستگی زنان/ اردن (SIGI/J)

این سازمان در سال ۱۹۹۸ با همکاری جمعی از حقوق دانان، وکلای دادگستری و کوشندگان حقوق بشر برای ترویج و حمایت از حقوق بشر از راه آموزش و ابزار مدرن ارتباط یابی تأسیس شد. برنامه های این سازمان شامل آموزش حقوق بشر، برآوردگاری کمپین برای پایان بخشیدن به خشونت علیه زنان و دختران و برگزاری همایش های فرهنگی و آموزشی برای آشنا شدن با تجربه های رهبران زن است. www.sigi-jordan.org/pages

کمیته امور حقوقی زنان (WATC)

این کمیته از ائتلاف زنان وابسته به پنج حزب سیاسی در فلسطین، شش مرکز مطالعاتی زنان، سازمان های حقوق بشر محلی و بین المللی و شماری قابل توجه از زنان متخصص تشکیل شده که همگی از نظر سیاسی مستقل اند. هدف اصلی این کمیته که در سال ۱۹۹۲ تأسیس شده از میان بردن تبعیض علیه زنان و ایجاد یک جامعه استوار و دمکراتیک است که متعهد به احترام به حقوق بشر باشد. از جمله دیگر اهداف این کمیته کمک به پرورش مهارت رهبری در زنان جوان، افزایش مشارکت سیاسی زنان در کلیه سطوح و تقویت سازمان های حقوق زنان و حمایت از آنها است. کمیته امور حقوقی زنان از

طريق آموزش، ايجاد شبکه‌های ارتباطی، حمایت و پشتیبانی از فعالیت‌های مبارزاتی از راه رسانه‌های آموزشی برای تحقق اهداف کمیته تلاش می‌کند. www.watcpal.org

جنبیش ترویج حقوق زنان (WSPM)

این جنبش توده‌ای در سال ۲۰۰۱ در زیمبابوه پاگرفت و به اجرای برنامه‌هایی برای ارتقای اقتصادی و افزایش شتاب پیشرفت و قابلیت‌های زنان، به ویژه زنان فروdest، از راه آموزش شیوه‌های توانمندی اقتصادی و رهبری پرداخت. تمرکز اصلی فعالیت‌های این جنبش بر پناهندگان، زنان و دختران در منطقه آفریقای جنوبی است.

پیشگفتار:

سبب ها و پیامدهای خشونت علیه زنان و دختران: آموزش برای امنیت و صلح

تشخیص میزان و انواع خشونت علیه زنان

خشونت علیه زنان و دختران یک مشکل اجتماعی بومی و جهانی به شمار می‌رود. جهانی است از این حیث که مرتكبان و قربانیان آن در گوشه و کنار جهان پراکنده‌اند، و بومی است از آن رو که ماهیت و شکل آن بسته به شرایط خاص فرهنگی، سیاسی و اجتماعی-اقتصادی از جایی به جای دیگر تفاوت دارد. از جمله انواع این گونه خشونت‌ها باید از تعرّض جنسی در شبکه حمل و نقل عمومی ژاپن تا خشونت خانگی در روسیه نام برد، از قاچاق زنان برای بهره برداری جنسی در روسیه خانه‌های تایلند تا تن فروشی در خیابان‌های ایالات متحده آمریکا، از ختنه زنان در اتیوپی تا اتوکشیدن سینه آنان در کامرون، از کشتن نوزادهای دختر در هند تا عقیمسازی اجباری زنان در چین، از ازدواج اجباری کوکان در بنگلادش تا قتل‌های ناموسی در اردن، از تجاوز به زنان همجنس گرا در آفریقای جنوبی تا استفاده نیروهای نظامی صربستان از تجاوز جنسی به عنوان سلاح جنگی در پاکستانی نژادی در بوسنی هرزگوین. موارد ارتکاب خشونت علیه زنان و دختران فراتر از آن است که در این فهرست بگذارد.

با توجه به شکل‌ها و شیوه‌های گوناگون آزار و تعرّض جنسی، پزشکان و پژوهشگران در رشته‌های مختلف علمی به بررسی و بحث درباره علل خشونت علیه زنان پرداخته‌اند. روانشناسان، برای پی بردن به اختلال‌های روانی و رفتارهایی که ریشه خانوادگی دارند، زندگی و ویژگی‌های روانی مرتكبان خشونت جنسی را بررسیده‌اند. مردم شناسان سبب و چگونگی مرسوم شدن اشکال آزار جنسی در زمینه‌های فرهنگی خاص و پذیرفته‌شدن‌شان توسط قربانیان را بررسی می‌کنند. جامعه‌شناسان و دانشمندان علوم سیاسی، به تحلیل ریشه و آثار دوسویه تسلط مردانه یا پدرسالارانه بر روابط قدرت در خانه، حیطه عمومی و روابط بین‌المللی می‌پردازند.

فارغ از نوع خشونت و علت‌یابی آن، خصیصه اصلی این گونه خشونت گرایش عاملان آن به کنترل زنان و دختران است. این کنترل شامل تحمل نقش‌های خاص جنسیتی به زنان، محدود کردن فعالیت‌های فیزیکی آنان و حتی تلاش برای تحمل نوعی مالکیت بر جسم آنان به عنوان دارایی شخصی می‌شود. هر چند مرتكبان این نوع خشونت عموماً مردان اند، ولی زنان هم می‌توانند در تداوم و تقویت سلطه مردانه در کلیه جوانب زندگی مشارکت و همدستی داشته باشند.

با افزایش آگاهی و ناخشنودی نسبت به این پدیده‌ها، به خصوص در سده اخیر، حکومت‌های سراسر جهان دست به تصویب قوانینی زده اند که رفتار خشونت بار علیه زنان و دختران را منوع می‌کند. بسیاری از دولت‌های جهان برای تدوین قوانین و ميثاق‌های بین‌المللی برای مبارزه با نقض حقوق زنان نیز با یکدیگر همکاری کرده‌اند. این نظام بین‌المللی حقوقی مدام در حال گسترش بوده است، از برنامه اجرایی پکن در چهارمین کنفرانس جهانی زنان که در سال ۱۹۹۵ تدوین شد تا قطعنامه ۱۹۶۰ شورای

امنیت سازمان ملل متحد که در سال ۲۰۱۰ به اتفاق آرا به تصویب رسید. این نظام بین المللی حقوقی تلاش‌های پیگیر جامعه جهانی برای پایان دادن به خشونت جنسی در جریان کشمکش‌های مسلحانه را نیز به ثمر رسانده است.

با همه پیشرفت‌های قابل ملاحظه حقوقی، اجرا و اعمال قوانین داخلی و بین‌المللی در منع خشونت علیه زنان و دختران در بهترین شرایط نیز کاری دشوار است، به سه دلیل. نخست این که در کشورهای مختلف، نقض جنسیت‌محور حقوق بشر با چنین عنوانی شناخته نمی‌شود، بلکه به عنوان تکلیفی دینی یا فرهنگی که جزئی لاینفک از تاریخ و هویت آن جامعه است، تلقی و توجیه می‌شود. برای مثال، زنان و دخترانی که خته زنان را رد می‌کنند یا درباره جرایم ناموسی سخن می‌گویند، در واقع باور و فرهنگ دیرینه و مقبول مردم‌سالار آن جامعه را نشانه رفته‌اند. آنها نه تنها خود را در معرض خطر آزارهای جسمی یشتری قرار می‌دهند بلکه از سوی خویشان نزدیک خود، نیایشگاه‌ها و اجتماعاتی که به آن تعلق داشته‌اند نیز طرد می‌شوند. از این گذشته، در اغلب کشورها زنان نسبت به مردان دسترسی کمتری به نظام سیاسی و قانونی دارند. زنان، چه برای گزارش یک مورد زد خورد خانگی به پلیس، یا تلاش برای ترک یک همسر فحاش یا رایزنی برای قانونگذاری در مورد خشونت خانگی با مراکز و مقام هائی روبرو می‌شوند که معمولاً شکایت آنان را غیرقابل توجیه می‌شمند و از آن‌ها قدرت و نفوذی بسیار بیشتر در تصمیم‌گیری دارند.

در نهایت، اطمینان حاصل‌کردن از اجرای هر قانونی، به ویژه قانونی که به دنبال واژگونی نظم حاکم برآمده، نیاز مند دسترسی به منابع و امکانات است. با این همه، زنان در حالی برای فرار از خانه، حذف و یا تعديل پیامدهای نقض حقوق‌شان می‌کوشند که از توانایی‌های اقتصادی و مالی ناچیزی برخوردارند. با کمال تاسف و به صراحت باید گفت که هزینه زندگی‌ی رها از خشونت بسیار بیشتر از توان مالی اغلب زنان است و دسترسی به چنین توانی نیز در فضایی تعصّب آلوهه چندان آسان نیست.

در واقع، دوری باطل در جریان است: زنان و دختران آماج آسانی برای اعمال خشونت اند زیرا مردان خود را نگهبان ارزش‌های فرهنگی و دینی می‌پندارند، و آشنایی زنان با ارزش‌ها و ایده‌های نوین ممکن است قدرت و حق انحصاری آنها را مخدوش کند. برای زنان و دخترانی که حاضر نیستند آزار جنسیتی را به عنوان بخشی طبیعی از زندگی روزمره‌شان بپنیرند، راههای اندکی وجود دارد که با موانع اقتصادی و سیاسی سد نشده باشند.

آموزش رهیافت به امنیت و صلح

واقعیت آن است که بین قانونگذاری و تأمین حقوق انسانی زنان و دختران فاصله‌های گوناگون وجود دارد. شاید مهم‌ترین تلاش برای از بین بردن این فاصله‌ها تأکید بر آموزش است هم به قصد افزایش آگاهی عمومی و هم برای بالابردن کیفیت تخصص حرفه‌ای. تلاش‌های آموزشی در سطح توده مردم باید به آن‌ها پاری دهد تا به آگاهی جامعی از گسترش خشونت و آسیب‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت ناشی از آن دست یابند. چنین آموزش‌ها و آگاهی‌هایی نه تنها برای قربانیان بلکه برای همه افراد جامعه ضروری است.

آموزش متخصصان نه تنها باید آنها را مجهز به دانش‌های تخصصی و مجموعه‌ای از مهارت‌ها کند، بلکه باید به آنها بینشی جنسیت‌محور نیز بدهد تا بتوانند از آن در مبارزه با خشونت علیه زنان و شناسایی آثار آن بر قربانیان، مرتكبان و جامعه به عنوان کلیتی واحد بهره‌گیرند.

این ابزار آموزشی با عنوان پیروزی بر خشونت: رهنمود عمل برای تصمین امنیت زنان و دختران هم اکنون در اختیار شما، تسهیلگران، است تا بتوانید با همراهی شرکت کنندگان در کارگاه‌ها فضای آموزشی سودمند و خوش‌آیندی را طراحی کنید.

بر خلاف آن چه در کلاس‌های سنتی می‌گذرد، وظیفه شما انتقال دانش و آگاهی‌های ویژه ای به شرکت کننده در کارگاه نیست. بلکه، به عنوان یک تسهیلگر نقش شما آماده‌کردن فضایی قابل اعتماد و راحت است که برای بحث در باره مسئله حساس خشونت علیه زنان و دختران مناسب باشد. ایده‌آل آن است که هم شرکت‌کنندگان و هم خود شما بتوانید در فضای آرام و قابل اعتماد به تبادل دانش، نظرها، احساسات و تجربه هایتان پردازید. هدف از این مبادله‌ها، تشویق دیگران برای اندیشیدن درباره معیارها و برنامه‌های عملی برای پرداختن به مسئله خشونت‌های جنسیت‌محور است.

سازمان‌دهی کارگاه‌ها

برای بهره‌گیری شرکت‌کنندگان و نیز خود شما از این کتاب رهنمود، آمادگی مهم است. به عنوان تسهیلگر کارگاه، مسئولیت شکل‌دادن و سازمان‌دهی کارگاه‌ها و نیز ایجاد هماهنگی میان مطالب مطرح شده در هر جلسه ای بر عهده شماست. اما ممکن است از کمک شرکت‌کنندگان و حتی سایر اعضای گروه محلی‌تان برای انجام کارهای مختلف بهره جوئی کنید. این همکاری به شما اجازه می‌دهد که در عین تمرکز بر محتویات این رهنمود، بتوانید در کار و تجربه گروهی مشترک در کارگاه و نیز در اجرای طرح نهائی تأمین امنیت و صلح زنان و دختران، سرمایه گذاری کنید. این کارها عبارت اند از:

- جمع‌آوری آدرس تلفن و پیامک شرکت‌کنندگان؛
- برنامه‌ریزی روز و ساعت کار کارگاه‌ها؛
- در نظر گرفتن محیطی امن برای برگزاری کارگاه‌ها (بهترین مدت کار در هر جلسه سه ساعت و نیم است)؛
- آوردن وسائلی چون تخته سیاه، گچ، نسخه‌های رهنمود و دیگر نوشته‌های مناسب به تعداد شرکت‌کنندگان، ساعت دیواری که از هر نقطه کلاس قابل دیدن باشد، کاغذ، خودکار یا مداد و سرانجام نوشیدنی و خوراکی برای وقت تنفس.

پس از آن که شما برای اهل محل و دیگر شرکت‌کنندگان در جلسه امکانات و وسائل یادشده را فراهم کردید بهره جوئی از محتوای رهنمود آسان‌تر خواهد بود. همه مطالب رهنمود را حتماً پیش از آغاز کار جلسه‌ها بخوانید و خود را با محتوای هر فصل و با نحوه اجرای تمرین‌ها کاملاً آشنا کنید. تسلط بر محتوای رهنمود قبل از آغاز کار این توانایی را به شما می‌دهد تا تمرین‌ها و بحث‌های مربوط به هر جلسه را با توجه به علاقه شرکت‌کنندگان و مناسب با اوضاع و احوال فرهنگی، مذهبی، سیاسی و اقتصادی-اجتماعی محل تنظیم کنید. همچنین، آشنایی با رهنمود به شما کمک می‌کند که کارگاه‌ها را در فضایی غیررسمی و دست‌جمعی برگزار کنید تا خود را کاملاً وابسته به متن رهنمود نکرده باشید.

یادگیری ساختار و اصول کتاب رهنمود

درک ساختار و چگونگی مباحثه در هر جلسه برای یادگیری اصول و ارزش‌های مهم و تصریح شده در رهنمود ضروری است. این جلسه‌ها، شکل‌های رایج خشونت‌های جنسیت‌محور در سراسر جهان را مورد بررسی قرار می‌دهند:

- خشونت لفظی و روانی در خانه
- بدرفتاری با کارگران خانگی
- خشونت شریک زندگی و، به طور خاص، خشونت در زناشویی
- ختنه زنان
- ازدواج اجباری کودکان
- قتل‌های ناموسی
- تعرض جنسی در فضاهای عمومی
- تعرض جنسی در محل کار
- تعرّض و تجاوز جنسی
- جرایم ناشی از نفرت علیه زنان هم‌جنس‌گرا
- روسپیگری
- قاچاق زنان برای بردهداری جنسی
- تجاوز به مثابه سلاح جنگی
- نقش و حقوق زنان و دختران در ایجاد و حفظ صلح و بازسازی پس از جنگ با توجه به قطعنامه ۱۳۲۵ اشورای امنیت سازمان ملل.

انواع خشونتی که در این رهنمود آورده شده شامل همه خشونت‌های جنسی نیست. به عنوان مثال، عقیمسازی اجباری زنان به عنوان یکی از روش‌های کنترل جمعیت در این کتاب به بحث گذاشته نمی‌شود. در جلسه نهایی کارگاه و هنگام ارزیابی تجربه یادگیری، تسهیلگران و یا شرکت‌کنندگان در کارگاه‌ها می‌توانند درخواست کنند انواع دیگر خشونت جنسی که در رهنمود به آنها پرداخته نمی‌شود به فهرست مطالب اضافه شود. افزون براین، می‌توان جلسه‌های نیز درباره انواع خشونت‌های رایج در جوامع شرکت‌کنندگان برگزار کرد.

مطالب مورد بحث در جلسه‌ها به توالی مطرح می‌شوند، از خشونت در خانه، در حریم خصوصی، و در عرصه‌های عمومی و بین‌المللی. نمونه‌های مورد بحث در هر جلسه از رویدادهای واقعی برگرفته شده‌اند. از خشونت‌هایی که در اطراف جهان در حال رخدادن است. گرچه برای محramانه نگه داشتن هویت افراد درگیر نام‌های مستعار برگزیده شده است. خشونت‌های مشخصی که در این رهنمود روایت شده در کشورهای گوناگون از جمله هائیتی، مالزی، نیپال و آمریکا رخداده اند. روایت این خشونت‌ها به تسهیلگران و شرکت‌کنندگان امکان بررسی روابط میان خشونت در سه حیطه خصوصی، عمومی و جهانی را می‌دهد و نیز به فهم این واقعیت کمک می‌کند که نقض جنسیت‌محور

حقوق بشر، امری جهان‌شمول است و مرزها و تفاوت‌های فرهنگی، اقتصادی، قومی، سیاسی، دینی را به چالش می‌کشد.

در هر جلسه، هر روایتی از خشونت به شکل‌گیری گفت و گو درباره علل و پیامدهای خشونت علیه زنان و دختران کمک می‌کند و نیز به بحث درباره تصمیم‌هایی که قربانیان برای دفاع از خود و بازسازی زندگی‌شان می‌گیرند و معیارهایی که متخصصان از آن‌ها برای بررسی نقض حقوق بشر در هر مورد خاص بهره می‌جویند. شما ممکن است بخواهید هریک از روایت‌ها را در کارگاه با صدای بلند بخوانید یا از داوطلبان بخواهید چنین کنند، زیرا شنیدن روایت‌ها، به آن‌ها جان می‌بخشد و جزئیات را شفاف و فراموش نشدنی می‌کند.

در پایان شنیدن و یا خواندن روایت‌ها نوبت به «بحث در باره پرسش‌ها» می‌رسد و در همه جلسه‌ها سوای دو جلسهٔ پایانی تمرکز بر انجام تمرین‌های یادگیری خواهد بود. شما، به عنوان تسهیلگر و مجری برنامه، می‌توانید روش کار در مورد تمرین‌ها را تغییر دهید، پرسش‌ها را مطرح کنید. یا حتی برخی پرسش‌های آمده در رهنمود را حذف کنید و یا، با توجه به این که گفت و گوها چگونه پیش می‌رود و چه مسائلی برای شرکت‌کنندگان اهمیت دارد، پرسش‌های تازه‌ای را پیش آورید. منعطف بودن در کار را فراموش نکنید. روایت‌ها در باره انواع خشونت علیه زنان در حريم خصوصی با دو تمرین آموزشی همراه اند در حالی که بیشتر جلسه‌هایی که به خشونت در عرصه عمومی و جهانی می‌پردازند به سه تمرین نیاز دارند.

تمرین‌های یادگیری معرف ماهیت مشارکت‌جویانه این رهنمود اند. تسهیلگران و شرکت‌کنندگان کارگاه‌ها باید در همکاری با یکدیگر، و در چند گروه، به بحث و گفت و گو و پرسش و پاسخ بپردازند. توافق دست جمعی درباره مفاهیم و نکات مهم در پایان بحث‌ها باید متمرکز بر یافتن راه حل‌های مناسب برای خشونت جنسیت‌محور باشد. گفتگوی حاصل از این تلاش به شرکت‌کنندگان امکان می‌دهد که اولویت‌ها و نگرانی‌هایشان را بهتر تشخیص دهند و موانعی را که در راه جلوگیری از خشونت نسبت به زنان و در راه تضمین حقوق قربانیان این خشونت قرارداد بهتر بشناسند.

ساختار جلسه چهاردهم درباره تجاوز به زنان در دوران جنگ، و جلسه پانزدهم در مورد نقش و حقوق زنان در اوضاع و احوال پس از پایان جنگ، با ساختار سایر جلسه‌ها متفاوت است. به جای برجسته کردن یک مورد خاص، این جلسه‌ها بر رویدادهایی تمرکز می‌کنند که گویای مسائل جدیدتری در خشونت جنسیت‌محور اند. از آنجا که این جلسه‌ها شامل تمرین‌های یادگیری نیستند، تعامل میان تسهیلگران و شرکت‌کنندگان کارگاه، و نیز میان خود شرکت‌کنندگان، نه در باره روایت‌ها بلکه در پاسخ به فهرست گسترده‌تری از پرسش‌ها روی می‌دهد.

اگر تسهیلگران یا شرکت‌کنندگان کارگاه به این نتیجه برسند که تجربه یادگیری به این شیوه برای پرداختن به مسائلی که در این دو جلسه مطرح می‌شوند مفید و لازم است، این داوری در برگه‌های ارزیابی در جلسه شانزدهم مطرح خواهد شد. افزون بر نظرهای پیشنهادی، شرکت‌کنندگان می‌توانند بخواهند که در آینده، تمرین‌های یادگیری را برای آزمایش در کارگاه‌های خودشان طراحی کنند. ویژگی دیگر هر جلسه طرح پرسش‌های مشخص در باره نکته‌های مهم و جالبی است که می‌توان ضمن بحث در باره خشونت مورد بررسی در جلسه مطرح کرد. با تمرکز بر این گونه نکته‌ها، نه تنها می‌توان به آگاهی‌های بیشتری دست یافت، بلکه به مرحله تازه‌ای از گفتگو رسید، از جمله درباره علت‌ها، محل

ارتکاب، رواج، شدّت و پیامدهای خشونت‌هایی چون بدرفتاری با کارگران خانگی، ازدواج کودکان و قاچاق زنان. فشرده کلام، هدف ساختار و محتوای جلسه‌ها افزایش خلاقیت و برقراری ارتباط و همکاری میان شما به عنوان تسهیلگر و شرکت‌کنندگان و نیز میان خود شرکت‌کنندگان است.

جلسه های کارگاه

بخش الف

خشونت در فضای خصوصی

الف

جلسه ۱ :

ملاقات و آشنایی برای ایجاد یک گروه یادگیری

(جلسه کارگاه، در حدود دو ساعت)

یادآوری به تسهیلگر: بر خلاف جلسه های بعدی، جلسه نخست به مورد خاصی از خشونت نمی پردازد زیرا قرار است برای شرکتکنندگان و تسهیلگران کارگاه امکانات زیررا فراهم سازد:

هدف های جلسه:

- معارفه و آشنایی شرکتکنندگان با یکدیگر؛
- تعریف مفاهیم کلیدی؛ و
- رسیدن به توافقی جمعی که بتواند نحوه تعامل افراد با یکدیگر در طول کارگاه و اهداف مطلوب شرکتکنندگان را مشخص کند.

شرکتکنندگان نظرهایشان را از راه انجام سه تمرين یادگیری و نیز تکمیل فرم ارزیابی زیر با یکدیگر در میان میگذارند. این جلسه همچنین به تسهیلگران این امکان را میدهد که برنامه کارگاه و هر برنامه دیگری را که مایلند بدانند در میان گذارند.

تمرين های یادگیری

(حدود دو ساعت)

تمرين ۱ : آشنایی برای گرد همایی

(حدود چهل و پنج دقیقه)

- ۱- نحوه نشستن شرکتکنندگان را طوری تنظیم کنید که دور هم بشینند.
- ۲- جلسه را تسهیلگر کارگاه آغاز میکند، و نخست از شرکتکنندگان میخواهد خود را در سه دقیقه معرفی کنند؛ نام خود را بگویند و در یکی دو جمله توضیح دهند که از چه طریقی میخواهند به کارگاه کمک کنند و چه تجربهای از حضور در آن به دست آورند.
- ۳- پس از آن که هر کس خود را معرفی کرد، دوباره دور بچرخید و این بار از هر شرکت کننده بخواهد به طرف کسی که سمت چپ او نشسته برسد و پرسش کوتاهی درباره موضوع سادهای که لزوماً چنان جدی نیست مطرح کند، برای مثال: «برای آرامکردن خودت معمولاً چه کار میکنی؟» ، «فکر میکنی

دست‌پخت خوبی داری؟»، «کدام فصل سال را بیشتر از بقیه دوست داری؟»، «کتاب/غذا/موسیقی/ورزش مورد علاقه‌ات چیست؟»

تمرین ۲: تعریف مفاهیم کلیدی

(حدود سی دقیقه)

۱- شرکت‌کنندگان کارگاه را به سه گروه تقسیم کنید تا به مدت ده دقیقه درباره تعریف مفاهیم کلیدی که در طول کارگاه به کار خواهند رفت با هم بحث کنند: حقوق بشر، جنسیت و خشونت. از هر گروه بخواهید یک سخنگو انتخاب کنند تا گزارشی از کل کارگاه ارائه دهد.

۲- همزمان با بحث درون‌گروهی از آن‌ها بخواهید که تعاریف‌شان از هر مفهوم را در سه جمله خلاصه کنند.

۳- دوباره شرکت‌کنندگان کارگاه را دور هم جمع کنید. به سه سخنگو، دو یا سه دقیقه وقت بدهید تا تعریف گروه‌شان از مفاهیم را با بقیه در میان بگذارند.

پیشنهاد به تسهیلگران: از یک تخته سیاه استفاده کنید تا هر سخنگویی بتواند تعاریف گروه‌اش را بر آن بنویسد.

۴- در پایان تعریف‌ها از اعضای هر گروه بپرسید که آیا از این تعاریف رضایت دارند یا مایل به بازبینی و اصلاح آن‌ها هستند؟

تمرین ۳: رسیدن به توافق جمیعی

(حدود ۴۵ دقیقه)

۱- به شرکت‌کنندگان کارگاه آموزش دهید که لازم است مقرراتی برای تعامل گروهی‌شان در طول جلسه‌ها تنظیم کنند تا این طریق گروهی تشکیل شود که اعضای آن بتوانند از یکدیگر بیاموزند و از حضور و همراهی یکدیگر لذت ببرند.

۲- به آن‌ها ۲۵ دقیقه وقت بدهید تا پیرامون ۵ تا ۷ اصل یا ارزشی که به دنبال ترویج آن در گروه یادگیری خود هستند، بحث کنند. برای آن‌ها توضیح بدهید که این قوانین، همان قرارداد اجتماعی مورد توافق آنهاست که کارگاه بر اساس آن تشکیل خواهد شد.

۳- پس از اینکه شرکت‌کنندگان از بحث و تبادل ایده فارغ شدند، دو داوطلب را برای بیان روشن و کوتاه این مقررات انتخاب کنید.

پیشنهاد به تسهیلگران: از یک تخته سیاه استفاده کنید تا داوطلبان بتوانند مقررات پذیرفته شده را بر آن بنویسند.

۴- پس از رسیدن به توافق جمیع، از شرکت‌کنندگان میزان سادگی یا دشواری این تمرین و علت آن را بپرسید و نحوه اجراشدن مقررات را نیز از آنها جویا شوید.

آیا می‌دانستید که...؟

بر اساس پرسش هائی که در سال ۲۰۱۱ سازمان «اعتماد به قانون» با ۲۱۳ کارشناس مسائل جنسیتی در میان گذاشت، پنج کشور افغانستان، کنگو، پاکستان، هندوستان و سومالی به عنوان کشورهای خطرناک برای زنان شناخته شدند. کارشناسان این پنج دلیل را برای این داوری ارائه داده اند:

افغانستان: جنگ مدام، فقدان سیستم بهداشت و درمان، فقر و رسوم فرهنگی تبعیض‌آمیز؛

کنگو: استفاده از تجاوز به عنوان سلاح جنگی در حدود چهار صدهزار مورد در هر سال؛

پاکستان: رسوم فرهنگی- ازدواج کودکان، قتل برای مصادره مهریه و اسیدپاشی ناموسی؛

هندوستان- کشتن نوزادان دختر، قتل برای مصادره مهریه، فاچاق زنان و دختران برای بردهداری جنسی؛

سومالی- نرخ بالای مرگ‌ومیر مادران، ختنه زنان و تجاوز در دوران جنگ و هرج و مرج.

منبع: بنیاد حقوقی انتخابات، «افغانستان خطرناکترین کشور برای زنان است»

<http://www.trust.org/trustlaw/news/trustlaw-poll-afghanistan-is-most-dangerous-country-for-women>

برای روشناسی این نظرسنجی مراجعه کنید به:

<http://www.trust.org/documents/womens-rights/resources/2011WomenPoll-methodologyandResultsSummary.pdf>

جلسه ۲: آزارهای زبانی و روانی در خانه (جلسه کارگاه، حدود ۳ ساعت)

ماریل، بیست و یک ساله، دانشجوی روانشناسی در دانشگاه متropoliten در کاراکاس است. او در محیط دانشگاه دارای اعتماد به نفس، در درس اش موفق و میان دوستانش محبوب است. اما روحیه و وضعیتش در دانشگاه با آن چه در خانه به او می‌گزند به شدت مقاومت است. مردان خانواده ماریل، به خصوص برادر کوچکترش رافائل، همیشه او را به خاطر انتخاب روانشناسی مسخره می‌کنند: «دیوانه‌ای؟ حتماً مریضی که دوست داری با آدم‌های منحرف سر و کله بزنی.»

وقتی ماریل درس اش را در دانشگاه متropoliten شروع کرد، سعی کرد برای برادرش که زمانی حرم اسرارش بود توضیح دهد که چرا رشته روانشناسی را برای تحصیل انتخاب کرده است. اما هرچه بیشتر توضیح می‌داد، برادرش بیشتر پایپی او می‌شد. ورد زبانش این بود که: «چرا فقط بدی درس بخوانی؟ چون نمی‌توانی شوهر پیدا کنی؟ لابد می‌خواهی با یک مرد دیوانه ازدواج کنی.» ماریل حرف‌های رافائل را نادیده می‌گیرد ولی دل او به رحم نمی‌آید.

یک شب رافائل موقع شام سر ماریل داد می‌زند که: «من یک روز باید به آن کتابخانه بیایم و ببینم چرا وقتات را آنجا هدر می‌دهی. نکند با پسرهای دیوانه لاس می‌زنی؟ اگر در همچو وضعیتی مچات را بگیرم کاری می‌کنم که از ثبت‌نام در دانشگاه پشیمان شوی.»

آیا می‌دانستید که...؟

آزار زبانی می‌تواند منجر به افسردگی، اختلال روانی، اختلال در خواب، اختلال در تغذیه و مشکلات عاطفی شود.

منبع: سازمان بهداشت جهانی، واقعیت‌نگاری، خشونت علیه زنان

<http://www.who.int/mediacentre/factsheets/fs239/en/index.html>

ماریل دیگر نمی‌تواند ساكت بماند. شگفت زده از سخنان برادرش، فریاد می‌زند: «آن‌جا فقط کتاب هست و نه هیچ‌کس دیگری، ابله! تو کی هستی که بخواهی من را از چیزی پشیمان کنی؟ برادر منی یا یک لات گردن‌کلفت؟» پدر ماریل بلاfacله او را به خاطر بی‌احترامی به رافائل سرزنش می‌کند. هیچ‌کس، حتی مادرش هم که تنها زن خانه است جرات دفاع از ماریل را ندارد. ماریل که از اتفاق بیرون می‌رود، سه برادرش به تمسخر می‌خندند.

یکی دو روز بعد، ماریل پس از فکر کردن به شرایطش تصمیم می‌گیرد کاری بکند. دلسربد و مأیوس از برادرش و از اینکه هیچ‌کس در خانه با او همدلی نمی‌کند عصبانی است. ماریل با روانشناس دانشگاه قرار می‌گذارد. دکتر از او می‌پرسد: «فکر می‌کنی علت این رفتار برادرت چیست؟ به موفقیت تو حسadt

می‌کند؟ آیا با زنان دیگر هم همین رفتار را دارد؟» «نمی‌دانم چرا به من توهین می‌کند. می‌توانید در فهمیدن رفتار او کمک‌ام کنید؟ برادر کوچک‌ام را دوست دارم ولی نیاز به راهنمایی دارم که چه طور با او رفتار کنم قبل از اینکه کار احتمالی‌ای بکند.» «مثلاً چه کاری؟ چه کاری احتمال دارد بکند؟ احتمالاً نگران‌سلامتی توست و بیش از حد می‌خواهد مراقب تو باشد. شاید داری زیادی واکنش نشان می‌دهی و ...» ماریل حرف روان‌شناس را قطع می‌کند: «چی؟ دکتر دیاز! باورم نمی‌شود که من را مقصراً می‌دانید. مگر من چه کار کردی؟ غیر از اینکه روان‌شناسی را به عنوان رشته تحصیلی‌ام انتخاب کردم! رشته تحصیلی خود شما! شاید بهتر است بروم...»

دکتر در حالی‌که تلاش می‌کند مانع رفتن ماریل شود، با حالت اعتراض می‌گوید: «خانم ایلاریو! لطفاً صبر کنید. من می‌خواهم شما و برادرتان و کل وضعیت‌تان را بفهمم. بگذارید دوباره تلاش کنیم. نظرات رافائل چه حسی در شما ایجاد می‌کند؟ بگذارید از این‌جا شروع کنیم. من عذر می‌خواهم اگر شما را سرزنش کردم. می‌توانیم دوباره شروع کنیم؟»

ماریل هرچند مردداست، تا آخر جلسه صبر می‌کند. دکتر دیاز دوباره حرف‌اش را تکرار می‌کند: «متاسفم که در چنین وضعیتی تقصیر را گردن شما انداختم. خوشحالم که نرفتید. اگر دوست داشتید بیشتر صحبت کنیم می‌توانیم جسات هفتگی داشته باشیم. من از دانشجوهای متropolitain پول نمی‌گیرم. این کارت من، و شماره موبایل را هم داشته باشید که در صورت ضرورت با من تماس بگیرید.»

پرسش هایی برای بحث گروهی

(حدود یک ساعت)

- آیا رفتار رافائل با ماریل خشونت‌آمیز است؟ چرا بله و چرا نه؟
- آیا او حقوق انسانی ماریل را نقض می‌کند؟ اگر بله، کدام حقوق؟
- آیا ماریل با رافائل درست رفتار می‌کند؟ کار او چه کمکی به بهتر یا بدتر شدن وضعیت می‌کند؟
- کدامیک از این موارد می‌تواند به حل مشکل ماریل کمک کند؟
- می‌تواند ترک تحصیل کند؛
- می‌تواند با رافائل مقابله‌به مثل و به او توهین کند؛
- می‌تواند از سایر اعضای خانواده مثلاً برادران‌اش، مادرش یا... کمک بگیرد؛
- می‌تواند با منطق با رافائل صحبت کند؛
- می‌تواند پسانداز کند و آپارتمانی نزدیک به دانشگاه اجاره کند یا با خویشاوند نزدیک یا دوستی که به تصمیم‌های حرفه‌ای او احترام می‌گذارد زندگی کند؛
- می‌تواند جلسه هااش با دکتر دیاز را ادامه دهد؛
- می‌تواند (لطفاً راحل خودتان را پیشنهاد کنید)
- به نظر شما چرا رافائل به ماریل توهین و او را به خاطر انتخاب تحصیلی‌اش مسخره می‌کند؟ فکر می‌کنید او چه تصویری از خود به عنوان یک مرد دارد؟ یا به عبارتی، مرد بودن، به خصوص در ارتباط با خواهرش برای او چه معنایی دارد؟

تعامل میان ماریبل و دکتر دیاز

(حدود ۱۵ دقیقه)

- به نظر شما چرا ماریبل می‌خواهد دکتر دیاز را ببیند؟
- آیا دکتر مشکل او را می‌فهمد؟ آیا رفتار رافائل در قبال ماریبل را خشونت قلمداد می‌کند؟ چرا بله و چرا نه؟
- وجود صحیح و غلط رفتار دکتر دیاز در طول جلسه با ماریبل چیست؟

برای تفکر بیشتر

(حدود ۲۰ دقیقه)

- فکر می‌کنید متخصصان مسائل روانی مایل به آموزش‌دیدن در زمینه حساسیت‌های جنسیتی و ارتقای دانش‌شان از زنان و خشونت‌های جنسیت‌محور هستند؟ آیا چنین یادگیری لازم است؟
- اگر پاسخ‌تان به این پرسش مثبت است، چه نوع یادگیری را پیشنهاد می‌کنید؟ چه مسائلی باید در این آموزش‌ها مورد تأکید قرار بگیرد تا زنان بتوانند از سلامت روانی برخوردار باشند؟
- اگر پاسخ‌تان منفی است، آیا در زمینه درمان روانی، نقصی در زمینه آموزش حساسیت‌های جنسیتی مشاهده می‌کنید؟ آن نقص‌ها کدام‌اند؟

تمرین‌های یادگیری

(حدود دو ساعت)

تمرین ۱ - تبادل تجربیات در زمینه خشونت کلامی

(حدود یک ساعت)

- ۱- از شرکت‌کنندگان بخواهید در گروه‌های دونفره درباره مسئله ماریبل با هم بحث کنند.
- ۲- از هر گروه بخواهید که یک تجربه شخصی از آزار کلامی یکی از اعضای خانواده یا یک دوست را با دیگران در میان بگذارند. در حالی‌که هر یک از شرکت‌کنندگان درباره تجربه شخصی‌اش سخن می‌گوید از آن‌ها بخواهید درباره پرسشهای زیر فکر کنند:

- این موقعیت چه حسی در شما ایجاد کرد؟ چرا چنین احساسی داشتید؟
- با کسی که به شما توهین کرد چه‌طور برخورد کردید؟ آیا او را آرام کردید، با او به تندی رفتار کردید یا اینکه از او دوری جستید؟
- آیا از اعضای فامیل یا دوستانتان کمک خواستید؟ آیا به دنبال کمک حرفه‌ای مانند مشاوره رفتید؟

۳- گروه را دوباره دور هم جمع کنید. از هر گروه بخواهید (حداقل) یکی از داستان هارا با کل گروه در میان بگذارند، به این شکل که یکی از اعضا تجربه خود یا هم گروهی اش را همان طور که فهمیده با جمع در میان بگذارد.

۴- از کل گروه بپرسید که چه عاملی این داستان ها را شبیه یا مقاومت می کند و از این طریق، بحث را جمع بندی کنید. سه موضوع قابل توجه که در داستان های آزار کلامی شرکت کنندگان وجود دارد انتخاب کنید.

تمرین ۲ : جلسه مشاوره فرضی

(حدود یک ساعت)

پیشنهاد به تسهیلگران: برای نزدیکتر کردن تمرین به واقعیت و جالب تر کردن تمرین که بر تعامل ماریبل با دکتر دیاز متمرکز است، از کمک شرکت کنندگان کارگاه استفاده کنید. برای مثال، دکتر دیاز می تواند پشت یک میز بشیند و ماریبل می تواند یک کیف پول یا کیف مدرسه با خود داشته باشد که وقت ترک دفتر دکتر با خودش ببرد.

۱- از گروه بخواهید دو نفر داوطلب از میان شرکت کنندگان برای خواندن و گفت و گو بین دکتر دیاز و ماریبل انتخاب کنند.

۲- همزمان با گفت و گوی داوطلبان، نظر سایر اعضای گروه را جویا شوید. از آن ها بخواهید تغییرات احتمالی را که لازم است در مکالمه میان دکتر دیاز و ماریبل رخ دهد در نظر بگیرند...

- بیشتر واقع گر اباشد؛
- بیشتر سازنده باشد؛
- بیشتر

می توانید از آن ها بخواهید که نظرشان را با صدای بلند مطرح کنند یا می توانید از یک شرکت کننده بخواهید تا اصلاحات را یادداشت کند.

۳- زمانی که شرکت کنندگان بر سر اصلاحات توافق کردند، از آن ها بخواهید دو داوطلب جدید انتخاب کنند تا مکالمه تازه میان ماریبل و دکتر دیاز را دوباره بخوانند و اجرا کنند.

۴- از گروه بخواهید که تقاضه مکالمه دوم را توضیح بدهند و بحث را جمع بندی کنید.

جلسه ۳:

بد رفتاری با خدمت کاران خانگی / نمونه

(جلسه کارگاه، حدود سه ساعت و سی دقیقه)

در اتاق انتظار سفارت، مَنیشا ناگهان به یاد یک سال پیش افتاد، روزی که فهمید دکتر ادنان الخلیدی و همسرش منیره در ریاض او را استخدام کردند. فکر اینکه بتواند با آن پول به خانواده‌اش کمک کند خوشحال‌اش کرده بود. آزان شغل‌یابی به او گفت خانواده‌خلیدی سه دختر دارند که «علاقه دارند عضو جدید خانواده‌شان را ملاقات کنند.» تصور تحمل شرایطی که بعدها برایش پیش آمد حتی به ذهن مَنیشا هم خطور نمی‌کرد. مَنیشا در حالی‌که غرق در روایای بازگشت به کلمبو است، صدای مردی را که از پشت میز صدایش می‌زند می‌شنود. در حالی‌که چهره‌اش از درد به هم رفته است می‌گوید: «بله آقا، من اینجا هستم.» صندلی‌اش را به سمت مرد می‌کشد و اسم او را از روی پلاکاش می‌خواند. «منون آقای سانجیو، من مَنیشا هستم...» مرد حرف مَنیشا را سرسراً قطع می‌کند. «اسمتان را می‌دانم. من فقط صدایتان زدم. بگویید چرا اینجا هستید و من سعی می‌کنم کمکتان کنم.»

مانیشا از رفقار خشک مرد، متعجب و گیج شده است. «امروز صبح به صاحبکارانم گفتم که به بازار می‌روم اما دروغ گفتم. تاکسی گرفتم و به اینجا آمدم. می‌خواهم به سریلانکا برگردم. ماه‌هast که حقوق نگرفته‌ام. روزی بیست ساعت کار می‌کنم بدون حتی یک لیوان آب. خانم صاحبکار برای کوچکترین اشتباہی به من سیلی می‌زند و مشکل فقط این هم نیست....» آقای سانجیو حرف‌اش را قطع می‌کند: «پس می‌خواهی از شغلات انصراف بدھی و نیاز به کمک داری که به کلمبو برگردی. درست است؟ مثل همه کسانی که در اتاق انتظار نشسته‌اند و قصد فرار دارند.»

مانیشا بدینی او را نادیده می‌گیرد. «اگر خانم خلیدی خانه را ترک کند، دکتر بهم متلك می‌اندازد و گوشه و کنایه می‌زند. دیروز وقتی خانم بیرون رفت، دکتر من را از پشت گرفت و سعی کرد به زمین ام بزند. در حالی‌که داشت کمربندش را باز می‌کرد من به صورت‌اش چنگ زدم. جیغ زدم به امید اینکه همسایه‌ها صدایم را بشنوند، ولی او دهان‌ام را بست. وقتی دست‌اش را گاز گرفتم به من گفت «فاحشه کثیف»، و هلام داد. شاید ترسید همسرش به خانه برگردد.»

آقای سانجیو در حالی‌که غرورش از تصور اینکه یک مرد سعودی تلاش کرده به یکی از کارگران سریلانکایی‌اش تجاوز کند، خشیده‌دار شده است می‌پرسد: «خب! به خانم خلیدی گفتی؟ به پلیس چطور؟» «تلاش کردم به خانم خلیدی بگویم. ولی باید می‌دانستم که حرف‌ام را باور نمی‌کند. من را دروغگو و فاحشه نامید، بعد جارو را از دستم گرفت و آنقدر به پشت و پاهایم زد که به زمین افتادم. سرتاپای بدن‌ام زخمی و کبود است. قوزک پای راستام خیلی ورم کرده و به سختی می‌توانم راه بروم.» چشم‌های مَنیشا پر از اشک می‌شود.

آقای سانجیو در حالی‌که دستمالی به مَنیشا می‌دهد با نالمیدی می‌گوید: «هر روز گزارش‌هایی درباره آزار و اذیت پرستاران بچه و خدمتکاران دریافت می‌کنیم. پرونده‌ها روی میز سفیر انبار شده‌اند. وزیر اشتغال و رفاه کشور با وزیر کار عربستان سعودی در حال مباحثه است تا در سیستم استخدام کارگر و کارفرما تغییراتی ایجاد شود. در حال حاضر چون مشغول پیگیری این موارد هستم، یک گزارش دقیق از تجربه شما می‌نویسم و پرونده‌تان را به مقام‌های رئیس می‌فرستم. اما باز هم توصیه می‌کنم که به پلیس مطلع‌تان مراجعه کنید.»

مانیشا مشکوک است. «واقعاً فکر می‌کنید که ماموران سعودی حرف من را در برابر حرف

خانواده خلیدی باور می کنند؟ چرا ماموران سعودی باید حرفهای یک خدمتکار دونپایه، یک خارجی را قبول کنند؟»

«تا وقتی که به پلیس گزارش نکنید نمی توانید بگویید پلیس حرف چه کسی را باور می کنند. فعلاً می توانید در خانه امن سفارت با زنان دیگر زندگی کنید ولی هیچ قولی نمی توانم بدهم. فرار معنی اش فسخ قرارداد با کارفرما و از دست دادن همه ضمانت هایی است که به شما داده اند چون خانواده خلیدی به عنوان کارفرما بر اساس قرارداد حق دارند که بیایند و دنبال شما بگردند...» صدای آقای سانجیو در حالی که از ادامه حرف خود منصرف شده خاموش می شود.

مَنِيشا با حالت عصبی می پرسد: «من را پیش خانواده خلیدی که نمی فرستید، می فرستید؟» «من فقط واقعیاتی که با آن مواجه هستیم را برایتان توضیح می دهم. سفارت با مواردی بدتر از مورد شما درگیر است و ما مجبوریم که اولویت قائل شویم. سال گذشته یک زن و شوهر، میخ داغ به تن یک خدمتکار چسبانده بودند^۱. اینها کارگرانی هستند که دست به خودکشی می زنند. این پشته کاغذ را می بینید؟ همه گزارش هایی از خودکشی های خدمتکاران و پرستاران بچه است! تنها کاری که می توانم برایتان بکنم این است که همه تلاشم را بکنم، برگرداندن شما به کلمبو زمان می برد.» «می فهم آقای سانجیو. منون می شوم اگر خانه امن را به من نشان بدهید». مَنِيشا باید امنیت اش را به او بسپارد اما نگران این است که خانواده خلیدی دنبال اش بگردند.

آیا می دانستید که...؟

خدمتکاران زن خارجی، مدل های خاصی از مهاجرت از سرزمین خود تا کشور مقصد مورد نظر را دنبال می کنند:

مقصد	سرزمین
<u>جهان عرب</u>	<u>آفریقا</u>
اردن	اریتره
لبنان	اتیوپی
سوریه	سومالی
<u>جهان عرب</u>	<u>آسیا</u>
بحرین	بنگلادش
اردن	هندوستان
کویت	نپال
لبنان	پاکستان
قطر	فیلیپین
عربستان سعودی	سریلانکا
سوریه	

۱. مورد یک زن ۴۹ ساله به نام ال جی. آریاواثی است که کارفرماهای سعودی اش پیشانی، بازوها، دستها و پاهایش را وقتی به کار زیادش اعتراض کرد داغ کردند. در طول زمانی که ماموران سعودی در حال بررسی موضوع بودند، او با خرج خودش به سریلانکا برگشت تا با جراحی میخ ها را از تن اش خارج کند. اما، مقام های دولتی مدعی شدند که خدمتکار دروغ گفته و گروه های مخالف حکومت او را وادار کرده اند که برای بی اعتبار کردن نظام سلطنتی چنین ادعایی بکند. نگاه کنید به ام.دی. رسول الدیم، «ریاض به بررسی قساوت علیه خدمتکار سریلانکایی کمک می کند»

امارات متحده عربی		
آسیا هنگکنگ ژاپن مالزی سنگاپور تایوان تایلند	←	آسیا کامبوج اندونزی میانمار تایلند
اسپانیا آمریکا	←	آمریکای لاتین جمهوری دومینیکن السالوادور مکزیک نیکاراگوئه

منابع:

Ahn, Pong-sul, ed. *Migrant Workers and Human Rights: Out-Migration from South Asia*. New Delhi, India and Geneva, Switzerland: International Labor Organization (ILO), ۲۰۰۴.
 Hondagneu-Sotelo, Pierrette. *Domestica: Immigrant Workers Cleaning and Caring in the Shadows of Affluence*. Berkeley and Los Angeles, CA: University of California Press, ۲۰۰۱.
 Slow Reform: *Protection of Migrant Domestic Workers in Asia and the Middle East*. New York, NY: Human Rights Watch, April ۲۷, ۲۰۱۰.

پرسش برای بحث گروهی (حدود یک ساعت و پانزده دقیقه)

برخورد بین مَنیشا و خانواده خلیدی (حدود بیست دقیقه)

- آیا رفتار خانواده خلیدی در قبال مَنیشا خشونت‌آمیز است؟ چرا بله و چرا خیر؟
- آیا خانواده خلیدی حقوق مَنیشا را نقض کرده‌اند؟ اگر چنین است کدام حقوق او را زیر پا گذاشته‌اند؟
- آیا واکنش مَنیشا به رفتار خانواده خلیدی- آزار جنسی دکتر خلیدی و ضرب و شتم همسرش- مناسب است؟ انجام چه کاری به بهتر یا بدتر شدن وضعیت مَنیشا کمک می‌کند؟
- فکر می‌کنید راهی برای اینکه مَنیشا باز هم بتواند برای خانواده خلیدی کار کند وجود دارد؟ اگر بله، تحت چه شرایطی؟ اگر خیر، چرا؟

برخورد میان مَنیشا و آقای سانجیو

(حدود ۲۵ دقیقه)

- چرا مَنیشا به سفارت سریلانکا می‌رود؟
- مسؤولیت‌های آقای سانجیو به عنوان کارمند سفارت در قبال مَنیشا چیست؟ رفتارهای درست و غلط آقای سانجیو در برخورد با مَنیشا و مشکل او کدام‌هاست؟
- آقای سانجیو درباره این مشکل خاص تا چه حدی قدرت اجرایی دارد؟ با چه محدودیت‌هایی روبروست؟
- عملکرد درست یا نادرست مَنیشا در استمداد از آقای سانجیو چیست؟ آیا بر اساس پیشنهاد آقای سانجیو باید با مقامات حکومت سعودی درباره مشکل‌اش سخن بگوید؟ اگر بله چرا؟ چرا نه؟

برای تفکر بیشتر

(حدود ۳۰ دقیقه)

- چه عواملی باعث ضعف و آسیب‌پذیری کارگران خانگی در برابر آزار کارفرما می‌شود؟ آیا این عوامل درباره وضعیت کارگران خانگی که در کشور خودشان استخدام می‌شوند هم صادق است؟ کدام گروه از کارگران خانگی بیشتر در معرض آسیب هستند؟
- تاثیر بازار جهانی و هویت‌های طبقاتی اجتماعی-اقتصادی بر رفتار کارفرما در مقابل کارگران خانگی چیست؟
- فکر می‌کنید چه وظایف خانگی برای خدمتکاران یا پرستاران کودک قابل‌پذیر شهستند؟ روزانه چند ساعت جهت انجام این کارها ضروری است؟
- با توجه به اینکه مردان هم به عنوان کارگران خانگی-راننده یا باعبان-استخدام می‌شوند، جنسیت چه تغییری در رفتار کارفرما در مقابل کارگر ایجاد می‌کند؟
- آیا کشور ما قانونی درباره استخدام تصویب کرده است؟ در این صورت قانون مذکور درباره کارگران خارجی چگونه در کشور ما اعمال می‌شود؟
- آیا قوانین یا قراردادها به طرز موثری اعمال می‌شوند؟ مجازات نقض این قوانین توسط کارفرمایان چیست؟
- اگر کشور ما تا کنون قانونی در این ارتباط تصویب نکرده یا قراردادی را تنظیم نکرده است، به نظر شما علت چیست؟

تمرین‌های یادگیری

(حدود دو ساعت و پانزده دقیقه)

تمرین اول: مذاکره درباره شرایط استخدام برای مطالبه حقوق کارگران

(حدود ۴۵ دقیقه)

- ۱- تصور کنید که شرکت‌کنندگان کارگاه برای مشاغل خانگی از طریق آژانس‌های کاریابی اقدام می‌کنند، آن‌ها باید شرایط منصفانه‌ای برای کارفرما در نظر بگیرند، شرایطی که بر اساس آن بتوانند نیازهای یک

کارفرما را برآورده کنند و در عین حال از حقوق خودشان هم حفاظت کنند.

۲- حدود بیست دقیقه به شرکت‌کنندگان کارگاه وقت بدھید تا ۵ تا ۷ شرط استخدام که قابل استفاده برای شاغلان احتمالی باشد، به آژانس کاریابی ارائه کنند.

۳- وقتی بر سر شروط استخدام توافق کردند، از یکی از داوطلبان بخواهید که این شروط را در مدت پنج دقیقه تا حد ممکن واضح و مختصر بیان کند.

پیشنهاد به تسهیلگران: شرایط استخدام را روی یک تخته کاغذی یا گچی بنویسید یا از یک نفر از شرکت‌کنندگان بخواهید برای نوشتن آن‌ها داوطلب شود.

۴- از شرکت‌کنندگان بپرسید آیا برای تنظیم آن ۵ تا ۷ شرط استخدام به مشکلی برخورده‌اند؟ و آیا در ابتدای کار با ایده‌های بسیار کم یا بسیار زیادی موواجه بوده‌اند؟

۵- از مشارکت‌کنندگان بخواهید این فرض را در نظر بگیرند که موضعشان در مذاکره چه تفاوتی می‌کرد اگر می‌توانستند آژانس‌های کاریابی را دور بزنند و مستقیماً با کارفرمایان موواجه شوند.

تمرین ۲: اتحاد برای یک آرمان مشترک، افزایش قدرت از راه افزایش تعداد (حدود یک ساعت و پانزده دقیقه)

۱- از شرکت‌کنندگان کارگاه پرسش کنید آیا تشكل‌ها یا سایر سازمان‌های کارگری در کشورشان طبق قانون اجازه کار دارند یا خیر.

۲- اگر پاسخ‌شان مثبت است از آنها بخواهید نمونه‌هایی را برشمارند. اگر پاسخ‌شان منفی است به قسمت سوم بروید.

۳- حالا تصور کنید که شرکت‌کنندگان کارگاه، تشكلی برای حمایت از منافع کارگران خانگی تشکیل داده‌اند.

۴- از آنها بخواهید حدود بیست دقیقه راجع به نگرانی‌ها و مسائل حقوق بشری که تشكل یا سازمان‌شان باید به آنها بپردازد صحبت کنند.

پیشنهاد به تسهیلگران: فهرستی از پیشنهادهای شرکت‌کنندگان داشته باشید و نتایج رأی گیری را که در شماره ۵ درخواست شده روی تخته سیاه یا یک برگ کاغذ بنویسید.

۵- پس از آن که شرکت‌کنندگان حداقل ۸ پیشنهاد مطرح کردند، از آن‌ها بخواهید در یک رای گیری ۳ پیشنهاد مهمتر را انتخاب کنند. رای‌ها را بشمارید تا نگرانی‌ها و حقوقی که در آن‌ها ذکر شده را شناسایی کنید.

۶- از یک داوطلب بخواهید سه دغدغه و حق عمدہ کارگران خانگی که گروه او قصد دارد به آنها بپردازد را خلاصه کند با این سخن که: «تشکل ما می‌خواهد...»

جلسه ۴: خشونت شریک زندگی / نمونه (جلسه کارگاه، حدود سه ساعت)

نسیمه از میان ترافیک کوالالامپور با سرعت عبور می‌کند تا به بیمارستان دامایی برسد. در حالی که به خواهرش کمک می‌کندوارد بخش اورژانس شود، نگران است که نجله نتواند به تنها ی راه برود. نجله در حالی که دست اش را روی شکم برآمده‌اش می‌کشد، برای زنده‌بودن فرزندش دعا می‌کند. با ناباوری جای درد مشت فیصل بر کشله ران اش را احساس می‌کند. اثر کبودی روی صورت و گردن و بازو هایش را می‌تواند با آرایش و لباس بپوشاند، اما قطرات خونی که به زمین می‌چکد را هیچ کاری نمی‌تواند بکند. نجله با ناله می‌گوید: «شاید نشستن خونریزی را قطع کند.»

نسیمه در حالی که صندلی را برای خواهرش جایه جا می‌کند به سرعت به اطاق پذیرش بیمارستان می‌رود و توضیح می‌دهد که او و خواهرش برای چه به آنجا آمده‌اند. «فکر می‌کنم بچه خواهرم آسیب دیده، چون خونریزی دارد. شوهرش او را کنک زده است. همین حالا باید دکتر را ببینیم.» همزمان با پرسش منشی از نسیمه، نجله احساس می‌کند که زندگی دارد از درونش بیرون کشیده می‌شود. آرام آرام بین هق‌هقیه با خودش زمزمه می‌کند: «من را دارد ذره‌ذره می‌کشد... حالا هم بچه‌مان را.» منشی می‌گوید که پرستار خیلی زود می‌آید: «نفس عمیق بکش». نسیمه تلاش می‌کند نجله را آرام کند ولی نمی‌تواند عصبانیت اش را مخفی نگه دارد. «از روزی که فیصل به خواستگاری تو آمد، بی‌ادب بود و بازیت را آن‌قدر فشار می‌داد که دادت در می‌آمد. چرا حامله شدی؟» نجله حرف خواهرش را قطع می‌کند و می‌گوید «چیزی نگو. می‌دانم که عصبانی هستی. اما فیصل شوهر من است. او برای تغییر کردن نیاز به کمک دارد. از او خواسته‌ام به متخصص روانی مراجعه کند.»

در حالی که نسیمه در حال جواب‌دادن به نجله است پرستار از راه می‌رسد. «سلام. من مزنا محمدی، سرپرستار بخش هستم. لطفاً همراه من بیایید به اتاق معاینه.»

«من نسیمه عثمانی هستم. این خواهرم نجله است. شوهرش او را کنک می‌زند و این دفعه به شکم اش زده. ما نگرانیم که به بچه آسیبی رسیده باشد.» «لطفاً من را مزنا صدا بزنید. نجله، من باید چند پرسش از شما بکنم. امکان دارد نسیمه بیرون باشد و خصوصی حرف بزنیم؟» نجله دست خواهرش را به نشانه این که می‌خواهد در اتاق بماند می‌فشارد.

مزنا می‌پرسد: «از کی شوهرت کنکات می‌زند؟»

نجله با حس شکست و ناکامی می‌گوید: «از وقتی که ازدواج کردیم. از سه سال پیش. فیصل هفته‌ها دست روی من بلند نمی‌کند ولی ناگهان وحشیانه عصبانی می‌شود. من دیگر حتی در مقابلش مقاومت نمی‌کنم.» مزنا از نجله می‌خواهد که روی تخت معاینه دراز بکشد و پیراهن اش را کنار بزند. پرستار از دیدن اثر کبودی روی شکم برآمده نجله یگه می‌خورد. «خدای من با تو چه کار کرده؟ عجیب است که زنده مانده‌ای نجله!»

چشم‌های نسیمه دلشورهایش را لو می‌دهند تا وقتی که پرستار به خواهرش لبخند می‌زند. «بچه هم مادرش است: یک نجات‌یافته واقعی، نجله! وقتی دست ام را روی شکمات چرخاندم بچه کوچکات تکان خورد و لگد زد! ولی هنوز باید بفهمیم چرا خونریزی داری. همین الان به متخصص زایمان زنگ می‌زنم.»

«نجله می‌گوید: خیلی ممنونم خانم محمدی. خیالم راحت شد که بچه‌ام زنده است. فیصل به خاطر چه‌اش هم که شده تغییر خواهد کرد. خیلی خوشحال می‌شود. او همیشه بعد از کنک زدن من پشیمان

می‌شود.» نسیمه در کمال ناباوری فریاد می‌زند، «وقتی بچه بباید عوض می‌شود؟ نجله! چرا فیصل بعد از ارتقای شغلی اش عوض نشد؟ یک مدیر اداره که همسرش را کتک نمی‌زند. حتی بعد از اینکه مدرک فوق لیسانسات را گرفتی یا وقتی به خانه جدید رفتید باز هم کتک زده. مردها زن‌های باهوش و متمكن را کتک نمی‌زنند. درست است؟ خواهش می‌کنم: قبل از اینکه تو را بکشد ولاش کن! از دادگاه حکم اقدامات تأمینی^۱ می‌گیریم و بر پایه آن می‌توانیم فیصل را اگر حتی نزدیکات شود به دادگاه بکشیم.»

«خانم‌ها لطفاً بگذارید حرفم را بزنم. نسیمه! خواهرت آماده ترک همسرش نیست. تو هم نمی‌توانی او را مجبور به این کار کنی حتی اگر حسابی از او کتک خورده باشد. می‌دانم که عصبانی هستی.» نجله با خستگی به مزنا که به سمت او چرخیده نگاه می‌کند. «نجله! حالا به حرف من گوش بد. سال گذشته من به دهها زن که از شوهرانشان کتک خورده بودند و هنوز امید به اصلاح داشتند، کمک کردم. هشت نفر از این زنان حالا مردهاند، به دست همان مردان نادم کشته شدند. برای آن‌ها استفاده از امکانات قانونی مثل حکم اقدامات تأمینی دیگر خیلی دیر شده بود. پس ترس نسیمه به جاست. کار فیصل غیرقانونی است. قانون خشونت خانگی بی‌نقص نیست ولی بخش مربوط به اقدامات تأمینی اش ارزش خواندن دارد.» نجله در حالی که تسلطش را از دست داده می‌گوید: «خانم محمدی، من تلاش کردم که همسر خوبی باشم. به فیصل پیشنهاد دادم به مشاور مراجعه کنم. برای همین نمی‌توانم ولash کنم. اگر ترک‌اش کنم هیچ جا ندارم بروم. نمی‌توانم خودم را به نسیمه تحمیل کنم.» «شوهرم هر وقت عذاب و جدانش کمنگ شود دوباره مرا خواهد زد. گیر افتاده‌ام. مقصوش هم خودم هستم.» مزنا دست‌اش را روی شانه نجله می‌گذارد: «عزیزم، می‌دانم که وضعیت فعلی مایوس‌کننده است، اما تو زن باهوشی هستی و می‌دانی که چه موقع آمده‌ای که فیصل را ترک کنی. قبل از اینکه دکتر بررسی یک پاکت به تو می‌دهم که حاوی اطلاعاتی درباره خشونت درخانه است. می‌توانی وقتی آرامتر شدی، اینها را بخوانی.»

چند ساعت بعد، در خانه نسیمه، نجله پاکت را خالی می‌کند تا دو برگه را پیدا کند: یکی لیست وسایلی است که یک زن آسیب‌دیده باید موقع ترک خانه همسرش با خود بردارد و دیگری نسخه‌ای از دستور العمل متخصصان مالزی درباره خشونت خانگی و یک کارت با شماره تلفن برای تماس در شرایط اضطراری. نجله با تعجب شماره تلفن مزنا و یک یادداشت را می‌بیند که به کنار صفحه منگه شده است: «من دردت را می‌فهم نجله. شوهرم را دو سال پیش ترک کردم. لطفاً اگر می‌خواستی حرف بزنی به من زنگ بزن.».

آیا می‌دانستید که....؟

- تعاریف سنتی از ویژگی‌هایی که مردان باید داشته باشند و معمولاً برای توجیه آشکال مختلف خشونت زناشویی پیش کشیده می‌شوند، در سراسر جهان یکسان اند:
- ظاهر فریب‌دهنده حاکی از اعتماد به نفس، حتی در حد خشن بودن، نقابی است که ضعف شخصیت مرد و ضعف درونی او را پنهان می‌کند؛
- گرایش به کنترل رفتار زن- ایراد گرفتن به هر تصمیمی که می‌گیرد از مدیریت امور خانه گرفته تا انتخاب ، کنترل ثروت و درآمد زن و تلاش برای جدایکردن وی از خانواده و دوستانش؛
- به حد افراط احساساتی بودن، در «یک نگاه» عاشق زن شدن، ادعای این که او «تنها مردی» است که می‌تواند نیازهای زن را برآورده کند، رنجیدن و احساس خوار شدن از هرگونه انقادی؛

۲. نوعی حکم قضائی است ناظر بر انجام فعل یا ترک فعلی خاص که در صورت استنکاف و نقض آن، مرتک به تحمل مجازات‌مندی یا کیفری محکوم خواهد شد. در اینجا، منظور حکمی است که به موجب آن، نزدیکشدن شوهر به همسر و یا ایجاد هرگونه مزاحمت برایش ممنوع می‌شود.

- حسادت کردن به هر کسی که به زن توجهی دارد، به خصوص مردان دیگر؛
- انتظارات غیرواقع‌گرایانه از زن- زنی که از هر جهت کامل و بی‌نقص نباشد «مستحق» تنبیه است؛
- استفاده از الک و مواد مخدر برای تحمل تنفس و فشارهای روانی که تمایلات خشونت‌آمیز را تشدید می‌کند.

منبع:

A.A.R.D.V.A.R.C. *An Abuse, Rape, and Domestic Violence Aid and Resource Collection.*
<http://www.aardvarc.org/dv/batterer.shtml>

دو منبع اطلاعاتی که نجله در بسته مزنا پیدا می‌کند:

کارت «همراه» برای زنان آسیب‌دیدهای که خانه را ترک می‌کنند:

- یک کارت شناسایی دولتی یا یک کارت شناسایی عکس‌دار دیگر، تلفن همراه، یا گزینه بهتر اینکه موبایل دوستی را قرض بگیرید که همسرتان شماره‌اش را نداشته باشد؛
- فهرستی از شماره‌های ضروری- شماره اداره پلیس، پزشک و بیمارستان، محل اقامت و یکی از اعضای خانواده یا دوستی که بداند شما کجا هستید-اسکناس برای مخارج حداقل دو هفته و سته‌چک و کارت عابربانک یا کارت اعتباری که به نام خودتان است؛
- لباس برای حداقل سه روز در کیف کوچک قابل حمل؛
- وسائلی که برای سلامتی‌تان به آن‌ها نیاز دارید- داروهایی که به صورت معمول استفاده می‌کنید، عینک، لنز چشم، سمعک، و غیره؛
- کلید خانه و ماشین- اگر می‌توانید یک ماشین قرض بگیرید یا کرایه کنید، بهتر است- چون کمک می‌کند که ردیابی شما برای همسرتان سخت‌تر باشد و؛
- در صورت لزوم، کارت شناسایی بچه‌ها، لباس برای دو یا سه روز و وسائل بهداشتی مورد نیاز.

اگر بتوانید از قبل از ترک خانه این وسائل را بسته‌بندی و آماده و جایی در خانه خودتان یا دوستتان پنهان کنید، ترک خانه برای تان آسان‌تر و سریع‌تر خواهد بود.

لایحه خشونت خانگی در مالزی (۱۹۹۴)، گزیده هایی از بخش دوم درباره «اقدام های تامینی»

۴- اقدام های تامینی موقت

الف- در دورانی که تحقیقات در مورد ارتکاب جرم خشونت خانگی پایان نیافتد، دادگاه می‌تواند با صدور حکم اقدام های تامینی موقت فرد متهم به ارتکاب جرم را از دست بردن به خشونت خانگی علیه همسر، همسر سابق، فرزند خردسال و هر عضو دیگر خانواده خود منع کند.
ب- حکم تامین موقت بر روند تکمیل تحقیقات تاثیری نخواهد داشت.

۵- اقدام های تامینی

الف- در رسیدگی به شکایت درباره خشونت خانگی، دادگاه می تواند قرار یا قرارهای تأمینی زیر را صادر کند:

(۱) ممنوع کردن فردی که قرار عليه او صادر شده است از اعمال خشونت خانگی علیه شاکی؛

(۲) ممنوع کردن فردی که قرار عليه او صادر شده است از اعمال خشونت علیه فرزند؛

(۳) ممنوع کردن فردی که قرار عليه او صادر شده است از اعمال خشونت علیه عضو علیل خانواده.

ب- در حکم تأمینی صادر شده دادگاه می تواند تصريح کند که متهم به خشونت خانوادگی نمی تواند فرد دیگری را برای دست بردن به خشونت علیه افراد تأمین شده تحریک یا اجیر کند.

۶- تکالیفی که دادگاه می تواند در حکم اقدام های تامینی قید کند

۱- برای تضمین امنیت شاکی، فرزند و یا عضو علیل خانواده اش، دادگاه می تواند در حکم شامل اقدام های تأمینی که بر اساس ماده ۵ صادر شده یک یا شماری از قرارهای زیرین را نیز قابل اجرا بداند:

الف) دادن حق اشغال محل سکونت مشترک، یا بخشی از محل، به شخصی که حکم تأمین به سود وی صادر شده همراه با سلب حق سکونت در محل از فردی که قرار عليه اش صادر شده ولو آن که وی مالک منحصر به فرد و یا مستأجر محل سکونت بوده باشد.

ب) ممنوع یا محدود کردن فردی که حکم عليه اش صادر شده از ورود به هر بخشی از محل اقامت منحصر به فرد یا مشترک فرد تحت تأمین یا ورود به محل کار، آموزشگاه یا سازمانی که فرد تحت تأمین در آن حضور دارد. همچنین ممنوع کردن فرد مرتكب خشونت از برقراری هر گونه ارتباط شخصی با فرد تحت تأمین مگر در حضور مأمور اجرایی یا فردی که در حکم به نام او مشخصا اشاره شده است.

پ) مکلف کردن مرتكب خشونت به مجاز دانستن ورود فرد یا افراد تحت تأمین به محل سکونت مشترک یا محل اقامت مرتكب خشونت به قصد گردآوری اشیاء متعلق به آن ها، مشروط به حضور مأمور رسمی اجرای حکم.

ت) مرتكب خشونت مکلف است از هرگونه ارتباط نوشتاری یا تلفنی با فرد تحت تأمین خودداری کند مگر در شرایط محدود و مشخصی که حکم دادگاه این نوع ارتباط را مجاز شمرده باشد.

ث) مرتكب خشونت مکلف است به فرد یا افراد تحت تأمین اجازه دهد از وسائل نقلیه شخصی که قبل از آن استفاده می کردند مورد استفاده قرار دهد.

منبع: لایحه مبارزه با خشونت خانگی مصوب ۱۹۹۴ (لایحه ۵۲۱)، با لحاظ کلیه تغییرات تا یکم زانویه ۲۰۰۶ منتشر شده توسط کمیسarıای بازبینی حقوقی مالزی، تحت کنترل لایحه بازبینی حقوق ۱۹۶۸. با همکاری Percetakan Nasional Malaysia Bhd، ۲۰۰۶.

<http://www.agc.gov.my/Akta/Vol.%2011/Act/20521.pdf>

پرسش هائی برای بحث گروهی
(حدود یک ساعت و سی دقیقه)

ازدواج نجله با فیصل
(حدود بیست دقیقه)

- فیصل با آزار و اذیت نجله در طول سالیان، کدامیک از حقوق انسانی او را نقض کرده است؟ قبل از ازدواج، نجله از چه نشانه های رفتاری می توانست پی به خشونت رفتاری فیصل ببرد؟
- به نظر شما، اگر فیصل طبق پیشنهاد نجله به دنبال درمان روانی خود باشد و برای مشاوره به مددکار، روانپزشک یا روانکاو مراجعه کند، آیا قادر خواهد بود از ادامه خشونت در زندگی زناشویی اجتناب کند؟ چرا بله و چرا نه؟
- آیا مراجعه به مشاور خانوادگی می تواند گزینه بهتری باشد؟ نقاط مثبت و منفی مراجعه دونفره فیصل و نجله به مشاور کدام اند؟
- آیا خود نجله هم از مشاوره شخصی بهره ای می برد؟ چرا بله و چرا نه؟
- نجله می گوید که نمی تواند فیصل را ترک کند. آیا شما با او احساس همدردی می کنید و با مشکلش آشناei دارد؟ چرا بله و چرا نه؟ چه عواملی ممکن است بر تصمیم او برای حفظ زندگی مشترکش تاثیر گذاشته باشند؟

تعامل میان نجله و نسیمه (حدود ۱۵ دقیقه)

- نسیمه، نجله را به جهت عاطفی حمایت می کند و در امور جاری زندگی اش نیز همیار اوست. به نظر شما، او چه وظیفه ای در قبال خواهرش دارد؟
- نسیمه چه کار درست یا غلطی در رفتارش با نجله انجام می دهد؟ آیا کمک های نسیمه در بیمارستان مطلوب و لازم است؟ چرا بله و چرا نه؟
- اگر نجله به جای خواهر، برادر می داشت، آیا فکر می کنید می توانست به اندازه نسیمه از نجله حمایت عاطفی و به او کمک کند؟ و اگر یک برادر به وضعیت نجله چه تقاوتشا و شباهت هایی با رویکرد نسیمه به جریان می تواند داشته باشد؟
- افهام درجه یک زوجین در چنین شرایطی چه نقشی باید ایفا کنند؟

درمان نجله توسط مزنا (حدود ۲۵ دقیقه)

- به عنوان یک پرستار اورژانس وظایف مزنا نسبت به نجله چیست؟
- مزنا چه کار درست یا غلطی در جریان درمان نجله انجام می دهد؟
- فکر می کنید مزنا باید برای مقاعد کردن نجله به پذیرفتن حرف خواهرش - اینکه رفتار فیصل پس از بدنیآمدن بچه هم تغییر نخواهد کرد - تلاش کند؟ چرا بله و چرا نه؟
- آیا اشاره مزنا به زنانی که در اثر خشونت خانگی کشته شده اند، کار عاقلانه ای است؟ چرا بله و چرا نه؟
- آیا مزنا باید برای مقاعد کردن نجله در پیگیری اقدامهای تامینی صریح تر صحبت کند؟ چرا بله و چرا نه؟
- محتویات بسته اطلاعاتی که مزنا به نجله داد تا چه حد مفید است؟ کدام اطلاعات را به طور خاص مفیدتر می دانید و چرا؟
- آیا فکر می کنید تجربه مزنا به عنوان یکی از قربانیان آزار و خشونت بر نحوه تعاملش با نجله اثرگذار است؟ اگر بله، چگونه؟ اگر خیر، چرا؟

برای تفکر بیشتر
(حدود ۳۰ دقیقه)

- مخصوصان بهترگی بیشتر از اصطلاح «خشونت شریک زندگی» به جای «خشونت خانگی» است یا فکر می‌کنید معنای این دو مقاوت است؟ آیا این دو اصطلاح می‌توانند به جای هم استفاده شوند؟
- آیا کشور ما قانونی علیه خشونت خانگی تصویب کرده است؟ اگر بله، قانونی مجزا و مشخص است یا قواعدی عمومی در چهارچوب یک قانون کلی‌تر که به ممنوعیت خشونت جنسیت محور پرداخته‌اند؟ فکر می‌کنید داشتن یک قانون مشخص و مجزا مهم است؟ چرا بله و چرا نه؟
- آگر کشور ما در حال حاضر چنین قانونی دارد، بر چه اصول و ارزش هائی تأکید می‌کند؟ آیا این قانون به طور موثری اعمال می‌شود؟ چرا بله و چرا نه؟ مجازات کسانی که مرتکب خشونت خانگی می‌شوند، چیست؟
- آگر کشور ما تا کنون چنین قانونی به تصویب نرسانده، فکر می‌کنید علت آن چیست؟
 - کدام جوانب فرهنگ، سیاست یا شرایط اجتماعی-اقتصادی در کشور ما، زمینه خشونت خانگی را فراهم می‌کنند یا به آن میدان می‌دهند؟ کدام عوامل، گرایش به خشونت خانگی را تقویت یا تضعیف می‌کنند؟
 - به نظر شما، آیا زوجین می‌توانند و لازم است که از مخصوصان، برای مثال مشاور روان‌شناس یا شخصیت‌های مذهبی-برای حذف خشونت از زندگی مشترک کمک بگیرند و از این راه ازدواج‌شان را حفظ کنند؟ چرا بله و چرا نه؟
 - یا اینکه فکر می‌کنید زن در صورت اعمال آزار و خشونت از سوی شوهر، باید او را ترک کند یا از او طلاق بگیرد؟ چرا بله و چرا خیر؟
 - چه منابعی در اختیار نجات‌یافته‌گان خشونت در جامعه ما موجود است؟ موسسات دولتی یا سازمان‌های خصوصی چه نوع خدماتی به این افراد ارائه می‌کنند؟ چه نوع کمکی باید از سوی این موسسات تأمین شود؟
 - آیا جامعه ما برنامه‌های یادگیری و آموزشی درباره پیشگیری از خشونت خانگی برای پسران و مردان فراهم کرده است؟ اگر پاسخ مثبت است، آیا شما با این برنامه‌ها آشنایی دارید؟ اگر پاسخ منفی است، فکر می‌کنید علت نبودن چنین برنامه‌هایی چیست؟

تمرین‌های یادگیری
(حدود ۲ ساعت)

تمرین ۱: درک خشونت شریک زندگی – واقعیت یا افسانه
(حدود ۴۵ دقیقه)

- ۱- هشت جمله مهم صفحه ۳۴ را برای شرکت‌کنندگان کارگاه با صدای بلند بخوانید.
- ۲- بعد از خواندن هر جمله، از شرکت‌کنندگان پرسید که آیا آن جمله واقعیت است یا افسانه. اگر میان شرکت‌کنندگان اختلاف نظر وجود نداشت، تعداد کسانی که به واقعی بودن یا نبودن آن جمله باور دارند را بشمارید. حدود ۲۰ دقیقه برای این دو مرحله اولیه کنار بگذارید.

پیشنهاد به تسهیلگران: نوشتن جمله ها و پاسخ شرکتکنندگان بر روی تخته سیاه
یا یک برگ کاغذ میتواند مفید باشد.

۳- وقتی شرکتکنندگان درباره اعتبار جمله ها تصمیم گرفتند، از بیست دقیقه باقیمانده برای بحث درباره صحت هر مورد و علت آن استفاده کنید.

- زنی که شاغل است و درآمد خودش را دارد، هرگز توسط شوهرش مورد ضرب و شتم قرار نمیگیرد.

نادرست / افسانه درست / واقعی

- یک ازدواج سالم و عاشقانه هیچگاه ویژگی های خشونت آمیز ندارد.

درست / واقعی نادرست / افسانه

- مجریان قوه قضائیه موظف نیستند به زنی که توسط دوستپسر یا نامزدش مورد ضرب و شتم قرار میگیرد کمک کنند، چون ازدواجی در کار نیست.

درست / واقعی نادرست / افسانه

- وقتی زنی شوهر یا دوستپسرش را به دلیل اعمال خشونت ترک میکند، خطر آزار و تهدید مرد، دیگر زن را تهدید نمیکند.

درست / واقعی نادرست / افسانه

- مردی که همسرش را در دورانی که حامله نیست مورد آزار جسمی قرار میدهد، احتمالاً در دوران حاملگی نیز به رفتارش ادامه خواهد داد.

درست / واقعی نادرست / افسانه

- هر چند به ندرت اتفاق میافتد، اما ممکن است مردان هم قربانی خشونت خانگی باشند.

درست / واقعی نادرست / افسانه

- زنی که از خشونت در زندگی شخصی اش نجات پیدا کرده، ممکن است در آینده از آثار درازمدت آن مانندبیماری های مزمن، فقدان عزت نفس، حمله های عصبی و ازدستدادن اعتماد به همه مردان، رنج ببرد.

درست / واقعی نادرست / افسانه

- استفاده مرد از الکل و مواد مخدر دلیل خشونت علیه شریک زندگی نیست اما احتمال گرایش مرد به عصبانیت و حمله به دوست دختر / همسر را افزایش میدهد.

درست / واقعی نادرست / افسانه

کلید پاسخها برای تسهیلگر: نادرست / افسانه درست / واقعی - نادرست / افسانه درست / واقعی، درست / واقعی.

تمرین ۲: شناخت مخاطب، آموزش برای حذف خشونت (حدود ۱ ساعت و ۱۵ دقیقه)

۱- شرکتکنندگان کارگاه را برای ۲۵ دقیقه گفت و گو و تبادل نظر درباره ایجاد یک کمپین یادگیری برای منع کردن خشونت خانگی به گروههای مختلف تقسیم کنید. از هر گروه بخواهید که یک سخنگو برای ارائه گزارش نظرهای گروهشان به کل کارگاه انتخاب کنند.

۲- برای گروهها توضیح دهید که از هر کدام انتظار می‌رود یک کمپین یادگیری برای مخاطب خاص طرح‌ریزی کنند.

یک کمپین یادگیری برای مخاطب خاص...

- گروه ۱- مخاطب موردنظر : مردان ۱۸ سال به بالا
- گروه ۲- مخاطب موردنظر : کودکان ۱۰ تا ۱۲ سال
- گروه ۳- مخاطب موردنظر : پرستاران
- گروه ۴- مخاطب موردنظر : قانونگذاران

۳- به هر گروه آموزش بدهید که بر سر پنج نکته که باید از راه کمپین یادگیری به مخاطب موردنظر منتقل کنند، به اتفاق نظر بررسند. به گروهها یاداوری کنید که پیام آن‌ها باید بر مفاهیم و شرایطی تاکید داشته باشد که برای آن مخاطب خاص، مناسب است.

۴- شرکتکنندگان را دوباره گرد هم جمع کنید. از هرچهار سخنگو بخواهید که نکات اصلی کمپین آموزشی گروه خودشان را در بیست دقیقه توضیح دهد.

پیشنهاد برای تسهیلگر: از یک تخته سیاه یا یک برگ کاغذ استفاده کنید تا هر سخنگو بتواند نکات اصلی گروهش را بر آن درج کند.

۵- به شرکتکنندگان ۱۵ دقیقه وقت بدهید تا پرسش‌های خود را مطرح کنند و نکاتی برای بهتر شدن ابعاد آموزشی کمپین پیشنهاد کنند.

۶- در ۱۵ دقیقه باقی‌مانده از شرکتکنندگان بخواهید که شباخت‌ها و تفاوت‌های میان پیام‌های چهار کمپین را بیان کنند.

جلسه ۵: ختنه زنان/ نمونه (جلسه کارگاه، حدود سه ساعت)

آیا می دانستید که...؟

- برخی از دولت‌های آفریقایی و نیز برخی دولت‌های غربی که محل اقامت مهاجران آفریقایی هستند، قانون ضدختنه زنان را تصویب کرده‌اند:

کشورهای آفریقایی

بورکینافاسو، ۱۹۹۶
ساحل عاج، ۱۹۹۸
جیبوتی، ۱۹۹۵
غنا، ۱۹۹۴
کنیا ۲۰۰۲
سنگال، ۱۹۹۹
تانزانیا ۱۹۹۸
توگو، ۱۹۹۸

کشورهای غربی

بلژیک، ۲۰۰۶
کانادا، ۱۹۹۷
نیوزلند، ۱۹۹۵
نروژ، ۱۹۹۵
سوئد، ۱۹۸۲
انگلستان، ۱۹۸۵
آمریکا، ۱۹۹۶

- شانزده ایالت نیز این قانون را به دیوان عالی آمریکا فرستاده‌اند: کالیفرنیا، کلورادو، دلاور، ایلینوی، مریلند، مینیسوتا، میزوری، نوادا، نیویورک، داکوتای شمالی، آرگون، روڈآلیند، تنسی، تکزاس، ویرجینیای غربی و ویسکانسین.

منبع: برگه داده‌های ختنه زنان (اف. جی. ام)

http://www.equalitynow.org/english/campaigns/fgm/fgm-factsheet_en.html

دکتر جوآرا نیاس به سمت کرسی سخنرانی می‌رود. او که یک متخصص زایمان است تا به حال هیچ وقت برای گروهی به این بزرگی و تنوع از محققان و فعالان اجتماعی و متخصصان پزشکی سخنرانی نکرده است. می‌داند که عنوان سخنرانی اش: «پزشکان آفریقایی! به ختنه زنان نه بگویید» جنجال به راه خواهد انداخت. «منونم از شما که مرا به کنفرانس‌ستان درباره سلامت و حقوق انسانی زنان دعوت کردید. سخنرانی من درباره تلاش پزشکان برای پایان دادن به ختنه زنان در آفریقا خواهد بود. این مسئله برای من بعد شخصی نیز دارد: من هیچ‌گاه حاضر نیستم با زنی که قربانی این نوع آزار جنسی بوده است ازدواج کنم زیرا فکر می‌کند تعریف همسرش از بکارت، ختنه است. من از تامپاکوندا به داکار سفر کرده ام. ۹۳ درصد زنان رده سنی ۱۵ تا ۴۹ سال ختنه شده‌اند، در حالی که آمار ختنه زنان در سنگال ۲۸ درصد است.»

برخی از شرکت‌کنندگان در کنفرانس در مخالفت با آنچه شنیده‌اند پیچیده می‌کنند، و برخی دیگر به نشان تایید حرف سخنران سر تکان می‌دهند. دکتر نیاس به نمودارهای روی پرده فیلم اشاره می‌کند: «احتمالاً تا به حال، وصف طبقه‌بندی من از ختنه زنان را شنیده‌اید. پس بگذارید به این نمودار نگاه کنیم. در بیست کشور آفریقایی، حداقل بیست و پنج درصد زنان ختنه می‌شوند». (جدول و نمودار را در صفحه ۴ ببینید). سپس، دکتر آسیب‌های ختنه به سلامتی زنان را بازگو می‌کند: «آثار زودهنگام ختنه شامل درد، شوک، عفونت، جراحت بافت، پارگی، بند آمدن ادرار، خونریزی و حتی مرگ است. ختنه به مرور زمان، منجر به اختلال در قاعده‌گی، ایجاد غده، غدد ناشی از زخم، عفونت

رحم و ادرار و انتقال ایدز به سبب استفاده ایزار آلوده می‌شود. مرگ و میر مادران و نوزادان در سنین خردسالی با ختنه زنان مرتبط است. این زنان ممکن است از افسردگی و اختلالات روانی پس از ختنه هم رنج ببرند.»

بعضی از زنان به دکتر نیاس به دیده سرزنش و تحقیر نگاه می‌کنند وقتی می‌گوید: «سنت، به سختی می‌میرد. پزشکان متخصص ختنه در این کشورها یکی از موانع تغییر هستند. از آنجاکه عوارض ختنه به نوع آن، به مهارت شخص ختنه‌کننده، و به شرائط بهداشتی و مقاومت زن ارتباط دارد، برخی پزشکان این رسم فرهنگی را در قالب یک عمل جراحی انجام می‌دهند، در یک اطاق عمل بهداشتی و بر روی بیماری که بیهوش شده است. پزشکان یا تصویر می‌کنند که با عمل جراحی ختنه عوارض کمتری دارد و یا در این فکراند که می‌توانند از توان مالی خانواده‌ای ثروتمند سوءاستفاده می‌کنند. این پزشکان به هر حال مشغول توجیه ختنه از راه جراحی اند. به هر حال فرقی نمی‌کند چه کسی ختنه زنان را انجام دهد، این کار در هر حال به لحاظ پزشکی غیرلازم و غیرقابل توجیه است.»

دکتر نیاس چنین نتیجه‌گیری می‌کند: «به زنان می‌گوییم که با افتخار با ختنه دخترانمان مخالفت کنید و حتی برای خودتان، اگر هنوز دیر نشده. من مردانی همسن خودم - سی و چهار سال - را می‌شناسم که ختنه زنان را کاری کهنه و منسخ می‌شمارند. و به مردان می‌گوییم که شریف باشید. معنای مردانگی این نیست که برای کنترل همسرتان، راضی به زجر و آزار جنسی او باشید. و به پزشکان هم می‌گوییم که فراموش نکنید چرا این پیشه را انتخاب کردید: برای درمان بیماران. به عنوان اعضای جامعه پزشکی بیاییم مخالفتمان با ختنه زنان را اعلام کنیم. از توجه شما ممنونم و حالا منتظر شنیدن پرسش‌ها و نظرهای شما هستم.»

مردی میان سال دست‌اش را بلند می‌کند: «من یوسف صبحی، استاد اخلاق هستم از مصر. همان‌طور که همیشه به دانشجویانم می‌گوییم، اخلاقی بودن ممکن است مستلزم تحمل درد به عنوان هزینه ارزش‌های اخلاقی باشد. درد موقتی که دختر احساس می‌کند بهای اندکی است که برای نجابت خود و حرمتهادن به همسرش می‌پردازد.» یکی از زنان حرف او را قطع می‌کند: «ببخشید دکتر، من باید حرف بزنم. من باربارا کارلسون، رئیس یک سازمان غیردولتی در شهر واشنگتن ام که برای احراق حقوق مهاجران فعالیت می‌کند. خیلی از افراد اهل شرق آفریقا که به ما مراجعه می‌کنند به ختنه به عنوان کاری فرهنگی می‌نگرند. اما برخی از همین زنان از من خواسته‌اند که به کمپین ممنوعیت ختنه زنان به عنوان نوعی خشونت جنسیت‌محور بپیوندم. من باید طرف جماعتی را بگیرم که به دنبال پاییندی به سنن خود هستند؟ یا با زنانی هم سو باشم که به خاطر زن‌بودن رنج می‌کشند؟»

«دوستان و همکاران عزیز لطفاً اجازه بدھید که به این پرسشها پاسخ بدهم». دکتر نیاس درحالی که تلاش می‌کند صدایش را آرام کند و در مقابل پروفسور مصری کمی بردار باشد می‌گوید: «آفای صبحی، تعریف شما از اخلاق شامل ملاک هائی مطلق و مستبدانه است که قبل هزینه آن بر دوش زنان و سلامت سنگینی می‌کند. ارزش‌های اخلاقی شما چرا باید متكی بر کنترل جنسیت زنان باشد؟»

پروفسور صبحی که به خاطر بی‌احترامی دکتر به خروش آمده، بلند می‌شود تا سالن را ترک کند اما در همین حال دستی او را روی صندلی اش می‌نشاند. او پروفسور مسلم القاضی است که به دکتر نیاس می‌گوید: «مرد جوان! حد خودت را بشناس و مؤدب باش. پروفسور صبحی دهه‌ها مسائل اخلاقی را مطالعه کرده است. من برای تعیین موضع شخصی خودم با او راجع به این مساله مشورت کرده‌ام. ما یمنی‌ها هم دختران را ختنه می‌کنیم. اهانت به همکار من گره این بحث را باز نمی‌کند. اگر به عقاب مخصوصان بقیه رشته‌ها که با نظر شما متفاوت است گوش بدھید چیزهای زیادی می‌آموزید. تلاش شما معطوف به تغییر رفتار چه کسانی است؟ دقیقاً همین افراد، اینطور نیست؟»

دکتر نیاس که از نصیحت القاضی خجلت زده شده، از برخورد تند خود با پروفسور صبحی پشیمان است: «خانم‌ها، آقایان، من نمی‌خواهم به کسی خصوصاً جامعه محققان تو هین کنم، اما نمی‌توانم بفهم که

تاكيد بر سنت های ديني، اخلاقی و فرهنگی در اين زمينه چه کمکی به ما می‌کند. بحرانی که خانم کارلسون با آن مواجه است بر حرف من صحه می‌گذارد. اگر سنتی زيان بار است و حقوق انسانی را خشیده دار می‌کند چرا باید آن را حفظ کنیم؟ چرا نمایندگان فرهنگ و دین از اسناد علمی درباره اینکه ما چگونه زنان و دخترانمان را عذاب می‌دهیم می‌ترسند؟ وقت من به پایان رسیده. با این حال اگر شما آقایان پاسخی دارید دوست دارم بشنو. شاید بتوانیم بعد از این جلسه برای یک چای و گفتگو همديگر را ببینيم.» دکتر نیاس می‌بیند که دکتر القاضی لبخند می‌زند. ولی پروفسور صبحی هنوز عصبانی است.

جدول دکتر نیاس درباره توضیح انواع ختنه زنان

نوع اول: کلیتوریدکتومی
برداشتن کامل یا بخشی از «خروسه» (بخش کوچک و حساس و تحریکپذیر عضو جنسی زن) و در موارد نادری پوست حشفه (لایه پوست اطراف خروسه)
نوع دوم: قطع کردن
بریدن کامل یا بخشی از خروسه و لبه های کوچک واژن همراه با بریدن لبه های بزرگ واژن (لبه های اطراف واژن)
نوع سوم: مسدود کردن
باریک کردن دهانه واژن از طریق ایجاد یک پوشش که با بریدن و بازسازی لبه های درونی و بیرونی واژن ساخته شده، همراه با برداشتن یا برنداشتن خروسه.
نوع چهارم: سایر شیوه ها
انواع مصر دیگر ختنه زنان به دلایل غیرپزشکی- بریدن، سوراخ کردن، شکافتن، تراشیدن یا داغ کردن خروسه و لبه های واژن یا وارد کردن اشیاء تیز به درون واژن

نمودار دکتر نیاس درباره کشورهای آفریقایی، کشورهایی که در آن ها بیش از ۲۵ درصد زنان ختنه می شوند.

درصد زنان بین ۱۵ تا ۴۹ سال که ختنه شدن شان را افشا کرده‌اند:^۳

^۳ منبع: سازمان بهداشت جهانی

<http://www.who.int/reproductivehealth/topics/fgm/prevalence/en/index.html>

رواج ختنه زنان که در اینجا جدول‌بندی شده از تحقیقات جمعیت‌شناسی و بهداشت که توسط موسسه آی‌بی‌سی. اف. تحقیقات شاخص‌های کلان و چندگانه و در قرارداد با یونیسف در سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۹ انجام شده گرفته شده است: عدد مربوط به سودان از تحقیقی گرفته شده که قبل از استقلال جنوب سودان در سال ۲۰۱۱ انجام شده است. این عدد فقط تعداد زنان در شمال سودان را نشان می‌دهد چون محققان به سایر نقاط کشور به دلیل فقر ساختاری و بحران سیاسی دسترسی نداشتند.

% ۹۸	سومالی
% ۹۶	گینه
% ۹۴	سیراللون
% ۹۳	جبیوتی
% ۹۱	مصر
% ۹۰	سودان شمالی
% ۸۹	اریتره
% ۸۵	مالی
% ۷۸	گامبیا
% ۷۴	اتیوپی
% ۷۳	بورکینا فاسو
% ۷۲	موریتانی
% ۵۸	لیبریا
% ۴۵	جاد
% ۴۵	گینه بیسانو
% ۳۶	ساحل عاج
% ۳۰	نیجریه
% ۲۸	سنگال
% ۲۷	کنیا
% ۲۶	جمهوری آفریقای مرکزی

پرسشهایی برای بحث گروهی (حدود ۱ ساعت و ۱۵ دقیقه)

سخنرانی دکتر نیاس و تعامل اش با شرکت‌کنندگان کنفرانس (حدود ۳۵ دقیقه)

- با توجه به حرف‌های دکتر نیاس، کدامیک از حقوق زنان و دختران در صورت انجام ختنه نقض شده است؟ چرا از نظر دکتر نیاس این کار اعمال خشونت علیه زنان و دختران است؟
- آیا فکر می‌کنید که دکتر نیاس، به عنوان یک پزشک مرد و متخصص زایمان، نماینده خوبی برای دفاع از حقوق زنان و دختران است؟ چرا بله و چرا خیر؟
- نظر یا واکنش اولیه شما در مورد سخنان دکتر نیاس، چه بود؟ ارزیابی و تحلیل شما از نحوه برخورد دکتر نیاس با چنین مساله جنجال‌برانگیزی چیست؟
- نحوه برخورد دکتر نیاس با استاد صبحی و استاد القاضی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ برخورد درست یا غلط دکتر نیاس در پاسخ به این محققان چیست؟
- نظرتان درباره دیدگاه محققان در واکنش به حرف دکتر نیاس چیست؟ هر کدام از محققان چه رفتار درست یا غلطی در واکنش به دکتر نیاس انجام می‌دهند؟
- نقش باربارا کارلسون در این بحث چیست؟ اگر دکتر نیاس و اساتید قرار باشد بعد از جلسه با هم حرف بزنند، آیا فکر می‌کنید باید باربارا را هم به این جلسه دعوت کنند؟ آیا حضور او مفید خواهد بود؟ چرا آری و چرا خیر؟

پرسش‌هایی برای تفکر بیشتر (حدود ۴۰ دقیقه)

- بعضی افراد استفاده از اصطلاح «بریدن عضو جنسی زنان» را جایگزینی مدارا جویانه تر از اصطلاح «ختنه زنان» می‌دانند. آیا به نظر شما این اصطلاح با ختنه زنان قابل جایگزینی است؟ چرا بله و چرا خیر؟
- چرا ختنه زنان را به پزشکان سپردن یک پیشرفت منفی است؟ خطرات ناشی از اینکه پزشکی این

رسم فرهنگی را انجام دهد چیست؟

- آیا جامعه ما از دختران و زنان انتظار دارد که ختنه شوند یا انواع دیگری از رسوم فرهنگی ای که به آنها آسیب بدنی یا روانی می‌رساند انجام دهند؟ چه توجیهی برای این گونه رسوم وجود دارد؟
- آیا کشور ما قانونی علیه ختنه زنان یا سایر انواع مُتلہ جنسی زنان تصویب کرده است؟ بر اساس این قانون چه کسی برای انجام ختنه مجازات می‌شود؟ کسی که عمل ختنه را انجام می‌دهد؟ شخص انجام‌دهنده ختنه، خانواده دختر، سپرپرست قانونی او یا...؟
- اگر کشور ما چنین قانونی تصویب نکرده، فکر می‌کنید علت آن چیست؟
- آیا فکر می‌کنید که طرفداران ختنه زنان یا هر نوع رسم جنسیت محور دیگری به دنبال محدود کردن جنسیت و فعالیت زنان هستند؟ اگر بله، چرا و چگونه؟ و اگر نه، چرا؟
- آیا می‌توانید به رسوم فرهنگ‌های دیگر که به قصد کنترل زنان تلاش می‌کنند، فکر کنید؟ برای مثال، رسم منسوخ شده تعدادی از فرهنگ‌های آسیایی، که پاهای زنان را برای جلوگیری از بزرگشدن می‌بسته‌اند چه آثاری بر زندگی زنان گذاشته است؟ تاثیر موج جدید بستن «روبند» - پوششی که کل صورت و بدن را به غیر از دو چشم می‌پوشاند- بر زنان مسلمان چیست؟ چرا بعضی زنان انتخاب می‌کنند که روبند پوششند در حالی‌که برخی دیگر از این نوع پوشش پرهیز دارند؟

تمرین‌های آموزشی

(حدود ۱ ساعت و ۴۵ دقیقه)

تمرین ۱: بازخوانی داستان‌های متدائل

(حدود ۱ ساعت)

۱- از شرکت‌کنندگان کارگاه بخواهید که به مدت ۲۰ دقیقه برای بحث و تبادل نظر به دو گروه تقسیم شوند.
از هر کدام‌شان بخواهید که یک سخنگو برای گزارش به کل گروه انتخاب کنند.

۲- گروه اول را راهنمایی کنید که به ۳ تا ۵ قانون یا افسانه‌ای که به دختران درباره بدن‌شان یا روابط آینده‌شان با مردان گفته شده فکر کنند، و از گروه دوم بخواهید که همان کار را با قوانین و افسانه‌هایی که به پسران گفته شده انجام دهند.

پیشنهاد برای تسهیل‌گر: اگر گروه‌ها با این تمرین مشکل دارند، این مثال‌ها را پیشنهاد کنید: «دختر باید انتظار داشته باشد که به عنوان یک زن، بکارت‌اش را به شوهرش اثبات کند» و «پسر باید بداند که همسرش حق ندارد تمناهای جنسی او را رد کند.»

۳- شرکت کنندگان کارگاه را دور هم جمع کنید. از سخنگویان همه گروه‌ها بخواهید خلاصه یکی از ایده‌های گروه خود را با کل شرکت‌کنندگان مطرح کند.

۴- از شرکت‌کنندگان بخواهید بگویند چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان دختران و پسران درباره آنچه راجع به بدن‌شان یا روابط آینده‌شان با جنس مخالف به آنها گفته شده وجود دارد. از آنها بپرسید که چگونه این

قوانین یا لفسانه‌ها ممکن است به رفتارهای زیان باری مثل ختنه ختم شود.

تمرین ۲ : ایجاد «آیین‌های گذار»^۴ مناسب تر برای دختران (حدود ۴۵ دقیقه)

۱- برای شرکتکنندگان کارگاه پاراگراف زیر را درباره آیین گذار برای دختران بخوانید:

تعدادی از کشورهای آفریقایی ختنه زنان را طبق قانون جرم شناخته اند. اما قانون‌گذار نمی‌تواند به تنها یی جوامع را به ترک رسومی و ادارد که ریشه در فهم بومی از دین و فرهنگ دارد. رسم ختنه زنان به طور خاص نشانگر گذار یک دختر به مرحله بلوغ و زنانگی است و از همین رو خویشانش این مرحله را جشن می‌گیرند. گروه‌های غیررسمی و سازمان‌های غیردولتی در برخی جوامع به دنبال برچیدن این رسم از راه ایجاد آیین‌های گذاری‌خطر و اینم بوده‌اند تا به این ترتیب گذار به زنانگی را از عنصر کنترل و آزار روانی و جسمی ناشی از ختنه، تهی کنند. این مراسم و آئین‌ها اغلب شامل گزینه‌های زیر است:

- اختصاص زمانی معین به زنان بزرگ سال برای آشنا ساختن دختران به نقش و حقوق زنان؛
- مراسم فارغ‌التحصیلی یا هر گونه مراسم رسمی دیگری که نشان‌دهنده دستیابی دختران به دانش و بینش زنان بزرگسال باشد.
- برگزاری مهمانی یا جشن‌های دیگر یا اهدای جایزه به دختران بعضی آیین‌ها، مردان و پسران را مجبور می‌کند که برای بدن دختران حرمت قائل شوند و ازدواج با زنان ختنه‌نشده را در نظر داشته باشند و حتی آن را ترجیح بدهند.

۲- پس از خواندن این جملات، از شرکتکنندگان بپرسید که علاوه بر ختنه زنان، چه آیین‌های گذاری برای دختران در اجتماع آنها وجود دارد. بحث را با پرسش درباره اینکه کدام یک از این مناسک منجر به آزار فیزیکی یا روانی زنان می‌شود یا سلامت و بهداشت روانی آنان را تأمین می‌کند.

۳- اکنون تصور کنید که شرکتکنندگان رئیس برگزاری آیین‌های گذار از نوع دیگری برای دختران شده‌اند. به مدت ۱۵ دقیقه بحث کنید تا محتواهای این مناسک مشخص شود.

پیشنهاد برای تسهیلگر: اگر شرکتکنندگان کارگاه درباره پیشنهادهای طرح شده نظرهای تازه‌ای دارند، با طرح پرسش هائی از این قبیل به آن‌ها کمک کنید:

- این رسم را چه می‌نامید؟
- چه رفتارها و واژگانی با این آیین گذار مرتبط است؟
- یک دختر با شرکت در این مراسم چه چیزی را باید یاد بگیرد؟ دوست دارید چه احساسی را در او از طریق این تجربه برانگیزید؟
- آیا مردان و پسران هم باید نقشی در این مراسم داشته باشند؟

۴. توضیح مترجم: «آیین یا مناسک گذار» اصطلاحی در مردم‌شناسی است و منظور از آن، آداب و رسومی است که در مقاطع حساس و تاثیرگذار زندگی افراد مانند زایش، بلوغ، ازدواج و مانند آن برگزار می‌شود.

- تکمیل دوره این آیین توسط دختران را چگونه جشن می‌گیرید؟

از یک تخته سیاه یا برگ کاغذ برای ثبت پیشنهادهای شرکتکنندگان استفاده کنید.

اگر شرکتکنندگان به اینترنت دسترسی دارند، از آن‌ها بخواهید که به سایتسازمان‌های زیرسر بزنند. این سازمان‌ها در کشورهای گامبیا و کنیا آیین‌های گذار جایگزین ایجاد کردند. یا از آن‌ها بخواهید با جستجو در اینترنت اصطلاح «آیین‌های گذار جایگزین ختنه» را پیدا کنند.

- بافو در گامبیا- بنیاد تحقیق درباره سلامت زنان، بارداری و محیط‌زیست روی عنوان «کمپین مبارزه با ختنه زنان» (FGMC) در سایت زیرکلیک کنید تا مطالب گوناگون درباره آن را ببینید: <http://www.bafrow.gm/index.htm>

- مرکز جهانی دختران بمبئی در کنیا <http://www.daughtersofmumbi.org/alternativeRites.html>
- سازوکارهای آداب و رسوم سنتی: داستان تومدون لیل (Tumndo Ne Leel) : آئین گذار به بلوغ در قبیله کالنجین در کنیا. نوشته دکتر سوزان. ک. چبت، رساله دکترا، ژوئن ۲۰۰۹

<http://international.iupui.edu/kenya/resources/Dynamics-of-Traditional-Practices.pdf>

۴- پس از آن که بحث شرکتکنندگان تمام شد، یک داوطلب را برای خلاصه‌کردن آئین‌گذار پیشنهادی جدید گروه برای دختران اجتماع در عرض پنج دقیقه انتخاب کنید.

۵- اختیاری: از شرکتکنندگان سوال کنید که آیا علاقمند هستند که پیشنهادشان را برای یک آئین گذار جدید به افراد موثر در جامعه خودشان- مثل روحانیون، وزرای کلیدی دولت، مقامات رسمی محلی، معلمان مدرسه، فعالان حقوق زنان، وکلا و سایر اشخاص تحصیل‌کرده اجتماع- که احیاناً به موضوع علاقه مند هستند - پیشنهاد بدهند یا خیر. و اینکه در صورت مثبت بودن پاسخ چگونه این کار را انجام می‌دهند.

جلسه ۶:

ازدواج اجباری و عروسان خردسال (جلسه کارگاه، تقریباً ۳ ساعت و ۳۰ دقیقه)

«من جای دیگری ندارم بروم، باید فرار می‌کرم. لطفاً من را مخفی کنید. اگر پیدایم کند من را می‌کشد.» همان‌طور که دختر در مقابل در تلوتلو می‌خورد، تورپکای متوجه لباس‌های کثیف، دمپایی‌های پاره و کبودی زیر چشم او می‌شود. «لطفاً بنشین و اسمات را بگو. چه طور آمدی اینجا؟ من تورپکای میوندی، من مشاور این پناهگاه هستم. مسئولیت‌نامه‌ای مقدماتی وضعیت تو با من است.»

«اسماًم آزاده گیلانی است و اهل زندگان هستم. مطمئنم که تا الان دیگر شوهرم دارد دنبال‌ام می‌گردد. من نمی‌خواستم با او ازدواج کنم ولی پدرم گفت که دو خانواده با هم توافق کرده‌اند و سرورخان شوهر من خواهد بود.» در حالی که ناله می‌کند و اشک هایش را از گونه‌هایش پاک می‌کند، کلمه‌ها از دهانش بیرون می‌آیند. «زندگان خیلی از هرات دور نیست. من از پنجه بیرون خزیدم و دویدم تا هرچه زودتر به اینجا برسم. امیدوار بودم که یک روزه خودم را به اینجا برسانم.» تورپکای حرف آزاده را قطع می‌کند: «این راه برای یک دختر کوچک راه طولانی‌ای است. چند سال داری؟ چند سال است که ازدواج کرده‌ای؟»

آیا می‌دانستید که...؟

قانون مدنی افغانستان بر موارد زیر تصریح کرده است:

- ماده ۴۰ - دارا بودن سن قانونی هر دو طرف برای ازدواج لازم است.
- ماده ۷۰ - سن قانونی ازدواج، ۱۶ برای دختران و ۱۸ سال برای پسران است.
- ماده ۷۱ - تا وقتی دختری به سن قانونی نرسیده، حقوق اش به پدر یا قیامش متعلق است. ازدواج زیر ۵ سال ممنوع است.

منبع بررسی :

Bahgam, S. and Mukhatari, W. *Study on Child Marriage in Afghanistan. Cologne, Germany and Kabul Afghanistan*, Medica Mondiale, May ۲۰۰۴. http://www.medicamondiale.org/fileadmin/content/07_Infothek/Afghanistan/Afghanistan_Child_marriage_medica_mondiale_study_2004_e.pdf

در سال ۲۰۰۶، سازمان «حقوق جهانی» با تحقیقی در باره ۴۷۰۰ زوج ساکن افغانستان به این نتیجه رسید که ۵۹ درصد زنان این گروه مجبور به ازدواج ناخواسته شده‌اند.

منبع:

Living with Violence: A National Report on Domestic Abuse in Afghanistan, Global Rights, Washington, DC March ۲۰۰۸. http://www.globalrights.org/site/DocServer/final DVR_JUNE_16.pdf?docID=9803.

ازدواج کودکان در جنوب آفریقا و آسیا از سایر نقاط دنیا رایج‌تر است. در طول دهه گذشته، تحقیقات در نیجر، چاد، بنگلادش، مالی و غنا نشان داده است که بیش از ۶۰ درصد دختران ۱۸ ساله ازدواج کرده‌اند.

منبع: Jain, Saranga and Kurz, Kathleen. *New Insights on Preventing Child Marriage: A Global Analysis of Factors and Programs*. Washington DC: International Center for Research on Women (ICRW), April ۲۰۰۷

(دیگاه‌های جدید درباره ممنوعیت ازدواج کودکان: نحقیقی بین‌المللی در باره عوامل و برنامه‌ها، واشنگتن دی.سی. مرکز بین‌المللی تحقیقات زنان (ICRW) - آوریل ۲۰۰۷)

از اده در حالی که نفسی تازه می‌کند، جواب می‌دهد «سه روز در جاده بودم. بعد از اینکه شوهرم خوابید راه افتادم. فرار کردم ولی پای ام به سنگ خورد و دیگر نتوانستم پای چپام را تکام بدهم. برای همین هم در یک خانه متروکه قدیمی برای مدتی پنهان شدم.» تروپکای که قوزک پای ورمکرد آزاده را می‌بیند به او می‌گوید: «می‌خواهم که دکتر زودتر ببیند. بگذار به سوال‌های من برگردیم.»

«من ۱۳ ساله‌ام و سرورخان ۴۰ ساله. تقریباً یک سال است که ازدواج کرده‌ایم. او بلافضله بچه می‌خواست برای همین من دیگر نتوانستم به مدرسه بروم. یک روز به او گفتم که دل ام برای همکلاسی‌هایم تنگ شده و او به من سیلی زد. خیلی ترسیده بودم. دیگر هیچ وقت حرفی از مدرسه نزدم. او مدتی از سکوت من خوشنود بود. با خودم فکر کردم که مرد بدی نیست. سخت کار می‌کند و بد دیگران رانمی‌گوید. غذایی که من می‌پزم را دوست دارد. چه انتخاب دیگری غیر از این داشتم؟ سرورخان زن می‌خواست. من هم تلاش کردم که به شوهر داشتن عادت کنم.»

- تروپکای که از سیلی خوردن دختر عصبانی و برافروخته شده بود، مکث می‌کند تا به خودش مسلط شود. «اگر خودت را با شوهر داشتن وفق داده بودی چه چیزی باعث شد نظرت تغییر کند؟»
- «می‌دیدم که سرورخان چقدر دل اش بچه می‌خواهد. وقتی زود حامله نشدم خیلی ناراحت بودم. می‌ترسیدم از اینکه سرورخان ترکم کند. اما هنوز ایمان داشتم که خدا فرزندی به ما عطا خواهد کرد. شوهرم اعتقاد من را مسخره کرد. اول حرف‌هایش را نادیده گرفتم. اما بعداً وقتی به او گفتم که حرف‌هایش چقدر ناراحتم می‌کند، طوری به شکمام مشت زد که نفس بند آمده بود. بعد از آن روز تقریباً هر روز من را کتک زده است. آن موقع بود که فهمیدم باید فرار کنم.»
- تروپکای که متوجه درایت و تدبیر آزاده شده، از او می‌پرسد که چطور «آسایشگاه صدای زنان^۵» در هرات را پیدا کرده است. آزاده در حالی که اشک‌هایش را فرو می‌دهد می‌گوید، «معلمam داستان‌هایی درباره افغان‌های شجاعی که دارند کشور را می‌سازند تعریف می‌کرد. او به ما درباره ژریا پاکزاد گفت، که در ۱۴ سالگی ازدواج کرده ولی شوهرش مرد مهربانی بوده و حتی به او اجازه داده که به کالج برود.»
- «اینکه داستان ژریا را به خاطر می‌آوری نشان می‌دهد که دانش‌آموز خیلی خوبی هستی آزاده. وقتی طالبان قدرت را به دست گرفتند و بر اوضاع مسلط شدند، ژریا به صورت سری و مخفیانه به دختران در مدرسه‌های زیرزمینی ای که ساخته بود درس می‌داد. آیا معلماتان گفت که ژریای عزیز ما چطور «صدای زنان» را ساخت؟»
- آزاده پاسخ داد، «بله و به همین دلیل هم به اینجا آمد. فکر می‌کنم معلمان می‌دانست که تعداد زیادی از دختران و مادران‌شان به کمک احتیاج دارند.»
- تروپکای که تحت تاثیر اراده مصمم آزاده قرار گرفته است، می‌داند که باید دختر را درباره راه سختی که پیش رو دارد نصیحت کند. «به اینجا خوش آمدی. بیشتر ساکنان اینجا بزرگتر از تو هستند. اما دخترانی مثل تو را هم پذیرفته ایم چون خیلی خانواده‌ها دخترهای کوچکشان را به خاطر تعداد زیاد بچه‌هایی که باید سیرشان کنند، یا به خاطر قرض و بدھی یا به هر دلیل دیگری به دیگران می‌بخشند. «صدای زنان» تمام تلاش‌اش را می‌کند که از تو محافظت کند آزاده، ولی باید از

۵. برای آگاهی‌های بیشتر درباره «صدای زنان» نگاه کنید به: <http://www.voiceofwomen.org.au>

برای آگاهی‌های بیشتر درباره زندگی و کار ژریا پاکزاد، نگاه کنید به:

Katie Gluek, "Suraya Pakzad and the Long, Tough Road for Afghan Women," Politics Daily, March 11, 2010, <http://www.politicsdaily.com/2010/03/11/suraya-pakzad-and-the-long-tough-fight-for-afghan-women/>.

قبل بہت بگویم که ما هیچ چیزی را تضمین نمی‌کنیم. کارمندان و ساکنان پناهگاه اغلب از سوی مقامات دولتی، که با تهدید به تعطیل کردن اینجا ما را ترسانده‌اند، تهدید و اذیت می‌شوند. خدا را شکر که رابطه خوبی با افسران پلیس محلی داریم، آن‌ها از ما محافظت می‌کنند. پس بیا مستقرت کنیم. بعد از اینکه دکتر معاینه‌ات کرد، برایت یک رختخواب پیدا می‌کنیم. فردا، درباره قدم‌های بعدی از حرف می‌زنیم- پیگیری طلاق و برگرداندن به مدرسه. هیچ کدام از این کارها آسان نیست ولی ما همه تلاش‌مان را می‌کنیم.»

- «خیلی منون خانم می‌بیندی. من هر کاری را که برای اقامتم در اینجا لازم باشد انجام می‌دهم.»
علی‌رغم ترس و خستگی، لبخند کوچکی روی صورت آزاده نقش می‌بنند.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی (تقریباً ۱ ساعت و ۱۵ دقیقه)

ازدواج آزاده با سرور خان (تقریباً ۲۵ دقیقه)

- آیا رفتار خانواده آزاده و خانواده سرورخان به عنوان خشونت علیه آزاده تلقی می‌شود؟ چرا بله و چرا نه؟
- آزاده هنوز به سن قانونی ازدواج که ۱۶ سال است نرسیده. حقوق ازدواج او به خاطر اینکه کمتر از ۱۵ سال سن دارد در چارچوب اختیارات پدرش هم نیست. خانواده آزاده چه دلایلی برای زیرپا گذاشتند قانون مدنی افغانستان از راه شوهر دادن اش می‌توانند داشته باشند؟
- سرورخان سه برابر آزاده سن دارد. او چه دلایلی برای زیر پا گذاشتند قانون افغانستان می‌تواند داشته باشد؟ رفتار خانواده آزاده و سرورخان چه چیزی را درباره وضعیت حقوق زنان و مردان در جامعه افغانستان نشان می‌دهد؟ به طور خاص جامعه ما یا جوامع دیگر مردانگی را چگونه تعریف می‌کنند؟
- کدام‌پیک از حقوق آزاده نقض شده است؟ چه کسی این حقوق را زیر پا گذاشته است؟

ارزیابی تروپکای درباره وضعیت آزاده (تقریباً ۲۵ دقیقه)

- مسئولیت‌های تروپکای به عنوان مشاور «آسایشگاه صدای زنان» چیست؟
- کدام رفتار تروپکای در اولین ارزیابی‌اش از وضعیت آزاده صحیح است و کدام غلط؟
- اهداف تروپکای در ارزیابی‌اش چه چیزهایی است یا چه چیزهایی باید باشد؟ چه اطلاعاتی باید از آزاده یا دختران و زنانی که به دنبال آسایشگاه هستند، بگیرد؟

برای تفکر بیشتر (تقریباً ۲۵ دقیقه)

- آیا کشور ما قانونی درباره تعریف نهاد ازدواج یا حداقل سن قانونی دختران/ زنان و پسران/ مردان برای ازدواج تصویب کرده است؟ اگر چنین قانونی وجود دارد مفاد آن چیست؟ آیا حداقل سن ازدواج برای دختران و پسران یکسان است؟

- اگر چنین قانونی تصویب شده است، مجازات والدینی که فرزند خردسالشان را وادار به ازدواج می کنند چیست؟ ازدواج بزرگسالی که با کودک زیر سن قانونی ازدواج می کند چیست؟ آیا این قانون به طور موثر اجرا شده است؟ چرا بله و چرا نه؟
- اگر چنین قانونی در کشور تصویب نشده است، به نظر شما علت آن چیست؟
- کدام ابعاد فرهنگ و نظام سیاسی و شرایط اجتماعی/اقتصادی موجود در کشور ما، ازدواج کودکان را ترویج می کنند، چه عامدهای و چه غیر عامدهای آیا عواملی وجود دارند که این عمل را کاهش بدنهند؟
- به نظر شما، سن قانونی برای ورود به قرارداد ازدواج باید چند سال باشد؟ آیا این سن باید برای مردان و زنان برابر باشد؟ چرا بله و چرا نه؟

تمرین های یادگیری (حدود دو ساعت و ۱۵ دقیقه)

تمرین ۱ : حقوق بین الملل درباره ازدواج چه می گوید؟ (حدود ۱ ساعت)

۱- چهار داوطلب انتخاب کنید تا متن حقوقی بین المللی زیر را با صدای بلند بخوانند:

- اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب سال ۱۹۴۸، ماده ۱۶-۱ و ۲-۱۶
- میثاق ۱۹۶۲ درباره رضایت در ازدواج، حداقل سن ازدواج و ثبت ازدواج ها. آخرین پاراگراف مقدمه (متن کامل این میثاق بین المللی در پیوست ۶، صفحه ۱۷۵ موجود است)
- میثاق ۱۹۷۹ درباره حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (CEAW)-مواد ۱۹-۱ تا ۱۹۸۹
- میثاق ۱۹۸۹ ناظر بر حقوق کودکان- مواد ۱ و ۱۹ (بند ۲)

پیشنهاد برای تسهیلگر: گذاشتن این متن روى یک برگ کاغذ يا تخته سیاه می تواند مفید باشد. می توانید از همین وسائل برای ثبت آراء شرکت کنندگان کارگاه درباره این که آیا ازدواج کودکان ناقص حقوق بین الملل است يا نه، استفاده کنید.

- اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۶-۱: مردان و زنانی که به سن قانونی رسیده اند، با هر ملیت، دین و نژادی حق دارند که ازدواج کنند و تشکیل خانواده بدeneند. آن ها از کلیه حقوق برابر با مردان برای ازدواج، در حین ازدواج و در صورت جدایی برخوردارند.
- ۱۶-۲: ازدواج تنها در صورت موافقت و تمایل کامل و آزادانه زوجین امکان پذیر است.

- **میثاق رضایت در ازدواج، حداقل سن ازدواج و ثبت ازدواج ها** تاکید مجدد بر این که همه دولت ها باید کلیه معیار های مناسب حذف رسوم و قوانین و آداب قدیمی از جمله آزادی کامل در انتخاب همسر، حذف کامل ازدواج پسران خردسال و نامزدی دختران جوان قبل از رسیدن به سن بلوغ و تعیین مجازات های مناسب در صورت لزوم را در نظر داشته باشند.

- میثاق حذف کلیه آشکال تبعیض علیه زنان
- ۱۶-۱ : دولت‌های عضو، اقدامات لازم و مقتضی را درجه‌تحذیف‌تبعیض‌علیه‌زنان‌درتمام مواردی که مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی است، به عمل خواهد‌آورد و به ویژه امور زیر را برابری برمبنای برابری حقوق مردان و زنان تضمین خواهد کرد:
- حق برابر برای ازدواج
- حق برابر در انتخاب آزادانه همسر و ازدواج تنها در صورت موافقت و آزادی انتخاب
- حقوق و مسئولیت‌های برابر در طول ازدواج و در صورت جدایی

سایر متون حقوقی بین‌المللی

• میثاق حقوق کودک

۱. در این میثاق، کودک فردی است که به سن هجده‌سالگی نرسیده است مگر آن که سن بلوغ در قوانین کشور کمتر از ۱۸ سال تعریف شده باشد.

۱۹-۱ : دولت‌های عضو باید از همه اهرم‌های قانونی، اداری، اجتماعی و آموزشی برای این نگهداشتن خردسالان از انواع خشونت‌های روانی و فیزیکی بهره جویند از جمله آزار، به ویژه آزار جنسی، رفتار سه‌ل‌انگارانه یا ناشی از بی‌توجهی، اعمال خشونت یا استثمار در حین سرپرستی خردسالان توسط خانواده یا سرپرست قانونی یا هر کسی که حضانت آن‌ها را بر عهده دارد.

۲- پس از اینکه داوطلبان این متون را خوانند از شرکت‌کنندگان بپرسید چرا ازدواج خردسالان ناقض قوانین بین‌المللی است. تشویقشان کنید تا در پاسخ‌هایشان، به واژگان ویژه این متون اشاره داشته باشند.

تمرین ۲: ترسیم سیمایی از عروسان خردسال (حدود ۱ ساعت و ۱۵ دقیقه)

۱- فرض کنید که از شرکت‌کنندگان کارگاه خواسته اند جزوه‌ای برای شناساندن پناهگاهی که آزاده به آن پناه برده است طراحی کنند. بخشی از این جزوه بر مشکلات دردناکی تمرکز می‌کند که، چه در ایران و چه در سطح جهانی، دامنگیر عروسان خردسال می‌شود و نیز به منابعی می‌پردازد که در دسترس دختران فراری از خانه‌شوه قرار گرفته است.

۲- حدود ۲۵ دقیقه را به بحث و تبادل نظر درباره این موضوع قرار دهید که پیام پناهگاه به مردم چه باید باشد. بکوشید که حداقل بر سر سه مورد به اتفاق نظر برسید. از شرکت‌کنندگان بخواهید که به گونه‌ای فشرده و روشن، و بر پایه ملاک‌هایی که در جزوه آمده است این نکات را بیان کنند.

۳- ضمن به خاطر سپردن این نکات، ۱۵ تصویر در باره ازدواج دختران خردسال در کشورهای مشخص، همراه با برخی داده‌های مربوط به آن‌ها، را که درباره ازدواج دختران در کشورهای مشخص^۶

۶. مبنای داده‌های آماری در «گالری حقوق بشر» تحقیقات جمعیت شناسی و بهداشتی است که بین سال‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۸

در گالری حقوق بشر در زیر آمده به شرکت‌کنندگان نشان بدھید.

۴- بیست و پنج دقیقه دیگر را به این امر اختصاص دهید که شرکت‌کنندگان سه تصویری که پیام پناهگاه را بهتر منتقل می‌کنند انتخاب کنند، چرا که جزو هر گروه برای تصویر بیشتر جایی ندارد.

۵- ۱۵ تا ۲۰ دقیقه باقی‌مانده را به شرکت‌کنندگان اختصاص دهید تا در مورد علت تناسب یا عدمتناسب استفاده از هر تصویر در جزو بحث کنند.

پیشنهادی برای برگزار کننده: جمع امتیازهای حاصل از رأی گیری و نظرهای شرکت‌کنندگان را بر یک تخته سیاه یا یک برگ کاغذ بنویسید.

توسط نهاد آمریکایی ICF Macro انجام شده است. این تحقیقات تا جایی که تاسیسات زیربنایی و شرایط سیاسی اجازه بدهد، نشانگر وضعیت ساکنان این کشور هاست. از آنجایی که واقعیت‌های موجود می‌تواند مانع از دسترسی مصاحب‌گران به مناطق روستایی شود، این اعداد ممکن است نرخ ازدواج دختران را تا حدودی کمتر از واقعیت نشان بدهد. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به:

<http://www.unicef.org/infobycountry/index.html>

آمار و داده‌های مربوط به هر کشور را در این منبع می‌توان دید.

گالری حقوق بشر



افغانستان

به گفته پنجاه و هفت درصد زنان رده سنی ۲۰-۲۴ هنگام زناشوئی بیشتر از ۱۸ سال نداشته اند.

يونیسف ۲۰۰۷، عکس سال اثر Stephanie Sinclair

منبع: <http://www.stolenchildhood.net/entry/afghanistan-new-contract-to-curb-child-marriages>



نیجر

نرخ ازدواج دختران خردسال: ۷۷ درصد

منبع: «آیا پایان ازدواج کودکان نزدیک است؟» از شورای سیاست خارجی. ۲۸ آوریل ۲۰۰۹

منبع: <http://womenofvision.wordpress.com/۲۰۰۹/۰۴/۲۸/is-an-end-to-child-marriage-in-sight>

چلسه های کارگاه: بخش الف



ہندوستان

نرخ ازدواج دختران خردسال: چھل و شش درصد

منبع: Shukla, Saurav. "Madhya Pradesh gears up against child marriage" <http://www.topnews.in/law/region/madhya-pradesh?page=14>



حبشہ

نرخ ازدواج دختران خردسال: ۴۹ درصد.

منبع:

Liz Goodwin, "Girlsfight Back against Child Marriage," *The Daily Beast*, December 2, 2009



یمن

نرخ ازدواج دختران خرد سال: ۴۸ درصد
نجد علی با روزنامه‌ای که طلاقش را در سن ده‌سالگی گزارش کرده است.
منبع:

<http://envearth.wordpress.com/2010/10/19/vote-on-child-marriage-law-in-yemen-delayed/>



نیجریہ

نرخ ازدواج دختران خردسال: ۴۳ درصد.

در شرح تصاویر آمده است: «با ما به ورزشگاه نمی‌آیی؟ امروز روز کودک است، یادت هست؟» و «ولی من نمی‌توانم. می‌دانی که من دیگر ازدواج کرده‌ام.» منبع: «**مباحثه: ازدواج بچه‌ها در نیجریه** مجاز است: اسلام حاملگی زودهنگام را ممنوع می‌کند ولی ازدواج زودهنگام را نه.»

CP-Africa. August 18, 2011. <http://www.cp-africa.com/2011/08/18/debate-child-marriage-nigeria-permissible-islam-prohibits-early-pregnancy-early-marriage/>



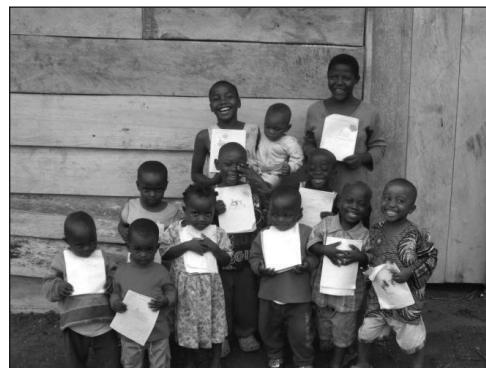
ترکیہ

نرخ ازدواج دختران خردسال: ۳۷ درصد

منبع: «گروه زنان می‌گوید کودکان ازدواج کرده در ترکیه باید شناسایی شوند و مورد حمایت قرار بگیرند.»
Hürriyet Daily News. October 5, 2010
<http://www.hurriyetdailynews.com/n.php?n=traumas-of-children-brides-are>

چلسه های کارگاه: بخش الف

aimed-to-be-alleviated-with-the-informative-project-۲۰۱۰-۱۰-۰۵



کامرون

نرخ ازدواج دختران خردسال: ۵۳ درصد

منبع:

“busuu.com collaborates with NGO in Cameroon.” October ۸, ۲۰۰۹.

<http://blog.busuu.com/busuu-com-collaborates-with-ngo-in-cameroon/>



سوریه

نرخ ازدواج دختران خردسال: ۱۸ درصد

منبع:

Facebook Group against early marriage.”The Damascus Bureau. May ۲۴, ۲۰۱۰

<http://www.damascusbureau.org/?p=۲۶۳>



گامبیا

نرخ ازدواج دختران خردسال: ۳۶ درصد

منبع: سازمان حمایت از جمعیت آسیب‌پذیر گامبیا (OVP) – ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۰

<http://www.gambia-charity.blogspot.com>



عربستان سعودی

داده‌ای در این باره در دسترس نیست

منبع: «ازدواج کودکان در عربستان سعودی» – ۲۴ دسامبر ۲۰۰۸

<http://www.cnn.com/2008/WORLD/meast/12/24/saudi.arabia.child.bride/index.html>



بنگلادش

نرخ ازدواج دختران خردسال: ۶۵ درصد

منبع: «دختر نه ساله توسط مقامات حکومتی از ازدواج در مراسم عروسی اسلامی نجات یافت.»

Mail Online. ۲۹ September ۲۰۰۸. <http://www.dailymail.co.uk/news/article-106360/Nine-year-old-brides-saved-authorities-married-Muslim-weddings.html>



کنیا

نرخ ازدواج دختران خردسال: ۲۵ درصد

منبع:

CF's Margery Kabuya Adapts an Old Tradition to Trade Early Marriage for Education.” April ۱, ۲۰۰۵. <http://www.childfund.org/media/article.aspx?id=426>



پاکستان
نرخ ازدواج دختران خردسال: ۲۴ درصد
منبع:

Ebrahim, Zofeen T. "Pakistan: Child Brides." Women's Feature Service.
http://www.wunrn.com/news/۲۰۰۹/۰۵_۰۹/۰۵_۱۱_۰۹/۰۵۱۱۰۹_pakistan.htm

جلسه ۷: قتل های ناموسی / نمونه (جلسه کارگاه، حدود ۳ ساعت)

«به نسا خوش آمدید. موج ۹۶ اف. ام، از رام الله، ساعت ده صبح دوشنبه، پنجم سپتامبر ۲۰۱۱. من جومانا لطفی هستم. میزبان جدید شما در تنها ایستگاه رادیویی فلسطین برای زنان که توسط زنان اداره می‌شود. من به معرفی «زنان، سیاست و حقوق» می‌پردازم برنامه‌ای تلفنی که تلاش می‌کند به داستانهایی که در رأس اخبار هستند نگاهی عمیق‌تر بیندازد. خطوط تلفن ما باز خواهد بود. برای در میان گذاشتن نظرهای تان، با شماره ۰۹۸۳-۱۹۵۲ تماس بگیرید. نظر شما برای ما مهم است چون می‌تواند تغییر مثبت ایجاد کند!»

«در اولین برنامه، درباره یک داستان قدیمی صحبت خواهیم کرد. قتل ناموسی زنان و دختران ما توسط برادران، پدران، پسرعموها و عموهایشان به نام حفظ شرافت خانوادگی. گناهی که این زنان به خاطرشن به قتل رسیده‌اند، لیخدزدن به یک همکلاسی مرد بوده، یا پوشیدن لباس‌های رنگی و بی‌حیایی، امتناع از ازدواج برنامه‌ریزی شده و یا حاملگی بر اثر تجاوز. امروز، قصد داریم با طرح ماجراهی که در بهار سال گذشته روی داد، قوانین و سیاست‌های مربوط به این موضوع را مورد بحث قرار دهیم.»

«در هفتم ماه مه، بقایای جسد آیه برده نزدیک دهکده سریف^۷ کشف شد. خانواده‌اش ناپدید شدن او را در ماه آوریل سال ۲۰۱۰ به پلیس گزارش دادند: یک روز به قصد رفتن به دانشگاه هربورن خانه را ترک کرده و دیگر برنگشته است. آن‌ها ترسیده بودند که شاید آیه فرار کرده باشد یا کسی او را ربوده باشد.»

«اما حقیقت این بود که عمومی آیه، «عقاب برده» نقشه قتل او را ریخته بود. او به همراه سه تن از دوستانش، آیه را ربوده و او را در حالی که برای زندهماندن التماس می‌کرده است در چاهی انداخته بودند تا خفه شود. عقاب کاری کرد که خانواده آیه باور کنند وضعیت او نامعلوم است تا این که پلیس بقایای جسد او را پیدا کرد. در این هنگام بود که عقاب بالآخره به قتل ناموسی آیه اعتراف کرد.»

«ناموس- طبق تعریف مردان - دلیلی است برای تخفیف مجازات مردی که جان یک زن را گرفته است. قانون کیفری کشور اردن (مصطفوی ۱۹۶۰) که بخشی از آن در کرانه باختری^۸ هم اجرا می‌شود در مجازات این‌گونه افراد تخفیف قائل شد. شش ماه زندان حداقل مجازات آنان است.

«اما قتل آیه از قتل سایر زنانی که مخفیانه به قتل رسیدند و خانواده‌هایشان آن را در قبرهای بین‌نمایشان دفن کردند متمایز است. در این مورد استثنائی، گروه‌های زنان و دانشجویان دانشگاه هبرون در شهرهای ما تظاهرات کردند. تشییع جنازه او به صورت زنده در تلویزیون پخش شد و هزاران نفر در آن شرکت کردند.»

«مقامات دولتی ما به این عمل هولناک چه پاسخی دادند؟ رئیس‌جمهور محمود عباس، به تعهد خود وفادار ماند و دستور داد که مواد قانون کیفری مبنی بر تخفیف مجازات چنین مجرمانی لغو شود. او و سایر مقامات کشوری با خانواده آیه دیدار کردند. حکومت فلسطین، مخارج تشییع جنازه او را تقبل کرد و برای خانواده او مقرری ثابتی در نظر گرفت. اما آیا رهبران ما به اندازه کافی برای از میان برداشتن

۷. این گزارش مختصر از قتل آیه برده، برپایه بررسی بازتاب‌های روزنامه‌های فلسطینی و عرب و وب سایت‌ها و برنامه‌های خبری است.

۸. اردن بین سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۷ بر کرانه باختری حکمرانی می‌کرد.

قتل‌های ناموسی تلاش می‌کنند؟ لطفاً با شماره ۱۹۸۳-۱۹۵۰ تماس بگیرید و با من، جو مانا لطفی در برنامه نساروی موج ۹۶ اف.ام صحبت کنید.»

آیا می‌دانستید که...؟

- قتل‌های ناموسی در کشورهای مسلمان خاورمیانه، شمال آفریقا و آسیای جنوب غربی به شدت مورد توجه قرار گرفته اند. اما این رسم منحصر به مسلمانان نیست، بلکه موارد مشابهی در میان مسیحیان، دروزها (شاخه‌ای از اسماعیلیان)، هندوها، سیک‌ها و یزیدیان (دین رایج در منطقه کردستان) در این مناطق و مناطق دیگر نیز به ثبت رسیده است.
- در سال ۲۰۰۰، گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد اعدام‌های فراقانونی، خودسرانه و شتابزده، این‌گونه قتل‌ها را در کشورهای مختلفی از جمله بنگلادش، برزیل، اکوادور، مصر، هندوستان، عراق، اسرائیل، ایتالیا، اردن، مراکش، ترکیه و اوگاندا گزارش کرد. این فهرست شامل دولت‌هایی نیز می‌شد که قتل ناموسی را غیرقانونی اعلام کرده‌اند مانند دولت برزیل، و نیز کشورهایی مانند اردن که قوانین‌شان همچنان – یا زده سال پس از تهیه این گزارش – افرادی که زنی را به‌خطیر حفظ شرافت و آبروی خانوادگی به قتل رسانده‌اند، از مجازات معاف می‌دارد.

منبع:

اعدام‌های فراقانونی، خودسرانه و شتابزده: گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل، خانم اسماء جهانگیر، ارائه شده بر اساس قطعنامه کمیسیون حقوق بشر ۳۵/۱۹۹۹ E/CN.۴/۲۰۰۰/۳. سند سازمان ملل در ۲۵ ژانویه ۲۰۰۰ و «قتل ناموسی: داستان واقعی جنگ قهرمانانه یک زن علیه جنایتی باورنکردنی» نوشته رعنا حسینی. منتشر شده در سال ۲۰۰۹، در آکسفورد، توسط انتشارات One World.

«سلام خانم لطفی. من لیالی هستم و مثل آیه دانشجوی دانشگاه او می‌توانست خواهر من باشد. می‌خواهم صمیمانه‌ترین همدلی ام را از همین طریق به خانواده‌اش ابراز کنم. او شهیدی است که بیهوده جانش را از دست نداد چرا که ریسی جمهور، دستور به اجرای سخت‌ترین مجازات‌ها برای کسانی که مرتکب قتل ناموسی شوندداده است.»

«ممنونم از تماسات لیالی. آیا بقیه شنوندگان هم همین‌طور فکر می‌کنند؟»

«خانم لطفی، اسم من سمیر است. کاری که عمومی آیه کرده غلط بوده. عقاب باید به خانواده آیه بلافصله خبر می‌داد که او برای همیشه رفته است تا از درد بی‌خبری آن‌ها کم کند. بعد از آن می‌توانست برایشان توضیح بدهد که این کار را برای حفظ آبرو و حیثیت خانواده کرده است.»

«پس اشتباه عمومی آیه کشتن آیه نبوده است بلکه پنهان‌کردن خبر مرگ او برای بیش از یک سال از

خانواده اش بوده. حرف شما را درست می فهم؟ آیا بین باقی شنوندگان کسی با سمير موافق است؟»

«خانم لطفی لطفا درباره حرف من دچار سوءتفاهم نشود. آیه دختر کوشای و نجیبی بود. من بعضی از دانشجویان دانشگاه هبرون را می شناسم و همه همین را در موردش می گویند. قصد و نیت عقاب، غلط و نابهجا بوده و پنهان کاری او رنج خانواده آیه را بیشتر کرده است.»

«منون سمير که نظرت را روشن تر بیان کردی. خطها هنوز برای چند دقیقه در شماره ۱۹۸۳-۲۵۹ باز هستند. آیا شنوندۀ دیگری پشت خط هست؟»

«جومانا، نام من نادره غلام است و در مرکز حمایت و مشاوره حقوقی زنان کار می کنم. لطفا اجازه بدهد که من پاسخ سمير و سوال مهم شما در مورد اینکه آیا رهبران ما به اندازه کافی برای پایان دادن به سنت قتل های ناموسی تلاش کرده اند را بدهم.»

«به برنامه نسا، روی موج ۹۶ اف.ام، خوش آمدی خانم غلام. لطفا نظرت را به ما بگو.»

«سمیر ممکن است از بزرگترانش چنین آموخته باشد که قتل ناموسی تنها زمانی اشتباه است که یک دختر خوب به اشتباه و به دلیل رواج شایعه‌ای غیرقابل اثبات مبنی بر بی‌حیایی اش به قتل بررسد. اما رفتار فرد قربانی در این ماجرا تعیین‌کننده نیست. قتل ناموسی، قتل عمد است. سازمان‌های حقوق بشری فرمان ریس‌جمهور، محمود عباس را قدمی روبه جلو و گامی مثبت در راه تغییر فرهنگ معافیت از مجازات دانسته‌اند. اما ما مدت‌هast که از این قدم‌های اولیه فراتر رفته‌ایم، ما هفت سال است که با وزارت دادگستری در تهیه پیش‌نویس قانونی همکاری کرده‌ایم که به کلی باقاعد کیفری منسخ و قدیمی فعلی متفاوت است. بحث میان رهبران سیاسی و تلاش‌های مدام ریس‌جمهور برای صلح با حماس^۹ تقدیم این لایحه به شورای قانون‌گذاری را فعلاً غیر عملی کرده است، ولی ریس‌جمهور محمود عباس اگر حقیقتاً می‌خواهد که این رفتار را برچیند، باید لایحه قانونی ما را تایید کند.»

«نادره، دوست دارم بحث‌مان را ادامه بدهیم ولی متاسفانه وقت برنامه تمام شده است. آقای ریس‌جمهور اگر برنامه ما را می‌شنوید، لایحه برای نجات زندگی زنان سریعاً نیازمند حمایت شماست. منون از همه شما برای گوش‌دادن به «زنان، سیاست و قانون». من جومانا لطفی هستم و از اینکه با برنامه نسا روی موج ۹۶ اف.ام همراه شما بودم خوشحالم.»

۹. «حماس» نام اختصاری برای «حرکت مقاومت اسلامی» یا جنبش مقاومت اسلامی است. در بهار ۲۰۱۱، ریس‌جمهور محمود عباس و سایر رهبران بلندپایه فتح- جنبش ملی آزادی‌خواهی فلسطین یا حرکة التحریر الوطنی الفلسطینی- روابط‌شان را برای جلوگیری از بروز جنگ نظامی با حماس تغییر دادند.

پرسش هایی برای بحث گروهی (حدود ۱ ساعت و ۳۰ دقیقه)

برنامه جومانا لطفی درباره «زنان، سیاست و قانون» به نام نسآ روی موج ۹۶ اف.ام (حدود ۳۰ دقیقه)

- نسآ ۹۶ اف.ام یک ایستگاه رادیویی است که برنامه‌های آن توسط زنان فلسطینی و برای مخاطبان زن تولید می‌شود. در حقیقت کلمه «نسآ» در زبان عربی به معنای «زنان» است. آیا فکر می‌کنید که این ایستگاه رادیویی فضای مناسبی را برای بررسی اخبار مربوط به قتل آیه برده و اعتراضات عمومی ناشی از آن فراهم می‌کند؟ آیا ایستگاه رادیویی، محل مناسبی برای تعمق درباره نحوه مجازات مرتكبین قتل‌های ناموسی است؟ چرا بله و چرا نه؟
- به نظر شما، هدف جامونا لطفی در برنامه «زنان، سیاست و قانون» و بهطور خاص، بحث او درباره قتل‌های ناموسی انتظاراتی که عنوان برنامه ایجاد می‌کند را برآورده می‌سازد؟ چرا بله و چرا نه؟
- آیا جامونا از لحن مناسبی برای جمع‌بندی قضیه قتل آیه استفاده می‌کند؟ گزارش او از این مورد خاص را چگونه تحلیل می‌کنید؟ متعادل یا سوگیرانه؟
- حساس یا بی‌تفاوت نیست به والدین آیه؟
- به اندازه کافی جدی با توجه به حساسیت و ناخوشایندی موضوع، یا بیش از حد جدی و خشک، یا غیرجدی و بی‌اعتنای؟
- به اندازه کافی کامل برای جرقه‌زدن بحث با تماس‌گیرندگان، بسیار جزئی و مبهم؟
- لطفاً توصیف شخصی خود را ارائه کنید
- آیا جومانا زمانی که خط‌تلفن را به روی شنوندگان باز می‌کند از لحن درستی استفاده می‌کند؟ چرا بله و چرا نه؟ آیا او باید نظرات خودش را به صراحة در بحث با شنوندگان یا گفت و گوی آنان با یکدیگر بیان کند؟ یا باید برنامه را با گفت و گوی تماس‌گیرندگان ادامه دهد و از مطرح کردن عقاید شخصی اش خودداری کند؟
- چه توصیه‌هایی برای برنامه نسا، موج ۹۶ اف.ام یا خود جومانا برای بهتر پوشش‌دادن قضیه قتل آیه برده و بحث‌های مربوط به قتل ناموسی دارد؟ به سخن دیگر، آیا خلائی برای پرکردن یا کمبودی برای رفع کردن در برنامه «زنان، سیاست، و قانون» به نظرتان می‌رسد؟ اگر کمبودی وجود دارد، چیست؟ و اگر وجود ندارد، بگویید چرا؟

نظرهای تماس‌گیرندگان درباره پاسخ مقامات دولتی فلسطین به قتل‌های ناموسی (حدود ۲۰ دقیقه)

- جومانا با سه تن از شنوندگان، لیالی و سمیر و نادره حرف می‌زند و هر یک نگاه متفاوتی درباره قتل ناموسی ارائه می‌کند. نقاط قوت و ضعف هر یک از تماس‌گیرندگان در توضیح نظر اشان چیست؟
- آیا با نظر هیچ یک از تماس‌گیرندگان موافق هستید؟ اگر پاسخ مثبت است، با کدامیک و چرا؟ علت مخالفتتان با سایر تماس‌گیرندگان چیست؟
- اگر با هیچ‌کدام از تماس‌گیرندگان موافق نیستید، نظرتان درباره آگاهشدن از ماجراهای کشته شدن آیه برده و نقطه‌نظر مقامات رسمی فلسطین درباره قتل‌های ناموسی چیست؟

برای تفکر بیشتر
(حدود ۴۰ دقیقه)

- تعریف شما از شرف و ناموس یک فرد، زن یا مرد، چیست؟ چه ویژگی شخصیتی به شرف یک فرد می‌افزاید یا از آن می‌کاهد؟ یک فرد چگونه شرف و آبروی خودش را در رابطه با دیگران- با اعضای خانواده، دوستان و همکاران و نیز اعضای جامعه نشان می‌دهد؟
- تعریف شما از آن وجود دارد؟
- تصور جامعه ما از شرف و آبرو چیست؟ چه تفاوت‌ها یا شباهت‌هایی میان فهم جامعه از شرف و آیا جرم‌های ناموسی نوع رایجی از خشونت‌های جنسیت‌محور در جامعه ماست؟ اگر چنین است، چه ابعادی در فرهنگ، نظام سیاسی یا شرایط اجتماعی- اقتصادی کشور ما وجود دارد که زمینه این گونه جرائم را فراهم می‌کند؟ اگر چنین نیست، چه عواملی جلوی این گونه جرائم را می‌گیرد؟
- نظام حقوقی ما چگونه با قتل‌های ناموسی برخورد می‌کند؟ آیا شرافت یک مرد یا خانواده او باید در نحوه مجازات او به جرم کشتن یکی از زنان خویشاوندش دخیل باشد؟
- آیا قتل ناموسی نوع ارتقا‌یافته خشونت خانگی است؟ چرا بله و چرا نه؟ قتل ناموسی چه شباهت‌ها و چه تفاوت‌هایی با انواع دیگر قتل دارد؟
- هرچند بهندرت، اما مردان نیز گاهی قربانی قتل‌های ناموسی هستند. آیا به نظر شما مردی که خانواده‌اش را بی‌حیثیت کرده است، با مشکلات مشابه زنی با همین وضعیت رو به روست؟ اگر بله چرا و چگونه؟ اگر نه، چه چیزی درباره وضعیت زن و مرد منحصر به هریک از آن هاست؟

تمرین‌های آموزشی
(حدود ۱ ساعت و ۳۰ دقیقه)

تمرین ۱: تشخیص قتل ناموسی از سایر جرایم
(حدود ۴۵ دقیقه)

- ۱- از شرکت‌کنندگان کارگاه بخواهید درباره تفاوت قتل ناموسی با سایر انواع قتل فکر کنند و به طور خاص چهار جنبه جرم را در نظر بگیرند. انگیزه قتل، طبیعت عمل مجرمانه، مرتکب و قربانی.
- ۲- حالا از آن‌ها بخواهید که درباره جنبه‌های جرم با استفاده از پرسش‌هایی که در جدول زیر به عنوان راهنمای آمده استفاده کنند و به اتفاق نظر برسند. به آن‌ها ۵ تا ۷ دقیقه وقت بدهید که درباره هر یک از این جنبه‌ها بحث کنند.

پیشنهاد برای تسهیل‌گر: از شرکت‌کنندگان بخواهید که نظراتشان را به گونه‌ای که در جدول زیر آمده و می‌تواند در تنظیم افکارشان آن‌ها را پاری دهد بیان کنند. در واقع آن‌ها مجبور نیستند که برای انجام این تمرین جدول را کامل کنند. ثبت نکات شرکت‌کنندگان بر روی تخته سیاه یا یک برگ کاغذ می‌تواند سودمند باشد.

تمرین آموزشی ۱ (ادامه)

۳-چهار جنبه جرم

قتل ناموسی	قتل	
		انگیزه ارتکاب جرم <ul style="list-style-type: none"> ● چرا مقصر مرتكب این جرم می‌شود؟ ● برای سود مادی؟ برای ارضای عاطفی؟ ● برای...؟
		ذات عمل <ul style="list-style-type: none"> ● آیا این جرم آنی و لحظه‌ای است یا اینکه از پیش برنامه‌ریزی شده است؟ ● قربانی چگونه به قتل رسیده است؟ آیا قربانی فوراً کشته شده است؟ آیا قربانی قبل از مرگ مورد آزار و اذیت قرار گرفته است؟
		مقصر <ul style="list-style-type: none"> ● چه کسی این جرم را مرتكب می‌شود؟ ● آیا او با قربانی نسبتی دارد؟ آیا مقصر فردی غریبه است؟ ● آیا او به تنهایی مرتكب جرم شده یا کسان دیگری هم با او همکاری کرده اند؟ ● آیا فرد مقصر به جرم اعتراف کرده یا آن را مخفی نگه داشته است؟
		قربانی <ul style="list-style-type: none"> ● چه کسی کشته شده است؟ ● آیا فرد مقتول با قاتل نسبتی دارد؟ ● آیا فرد مقتول توانایی دفاع از خودش در برابر فرد مقصر را دارد؟ ● آیا فرد مقتول مورد احترام خانواده است؟ ● آیا خانواده برای یادآوری خاطره او مراسم تشییع جنازه برگزار می‌کند یا مراسم دیگری ترتیب می‌دهند؟

۴- بعد از اینکه شرکت‌کنندگان درباره این چهار نکته به اتفاق نظر رسیدند، یک داوطلب انتخاب کنید و به او ۳ تا ۵ دقیقه وقت بدهد تا در ۷ جمله تفاوت‌های میان قتل در معنای اصلی آن و قتل ناموسی را چنان‌که

در گروه بر سر آن به توافق رسیده اند بیان کند.

۵- بحث را جمع‌بندی کنید و از شرکت‌کنندگان بپرسید آیا مجازات قتل ناموسی باید مساوی با قتل عادی باشد یا بیشتر یا کمتر یا بیشتر از آن؟ درباره این سه نکته برای مجازات فرد قاتل و حکم نهایی رای‌گیری کنید.

تمرین ۲ : گرامی داشت جهانی قربانیان قتل های ناموسی

(حدود ۴۵ دقیقه)

۱- پاراگراف زیر را برای شرکت‌کنندگان کارگاه بخوانید:

مرتکبان قتل‌های ناموسی بر این باورند که حیثیت و آبروی خانوادگی آنها در رفتار زنان منسوب با آنها بازتاب پیدا می‌کند. انتخاب‌های دختران و زنان در طول زندگی‌شان - اینکه چه بپوشند، درس بخوانند یا کار کنند، با چه کسی ازدواج کنند و چند فرزند بخواهند داشته باشند. آنها را با خطر مرگی بی‌رحمانه مواجه می‌کند. دختران و زنان به دست اقوام مردشان می‌میرند، صرفاً به این خاطر که سعی دارند آزادانه و بدون فشار‌های سنت و انتظارات اجتماعی زندگی کنند.

فردی که مرتکب قتل می‌شود برای تطهیر حیثیت خانواد می‌خواهد تمام آثار زندگی قربانی را از بین ببرد. قربانی معمولاً در گوری بی‌نشان دفن می‌شود و درباره او هیچ‌گاه حرفی زده نمی‌شود، گویی هرگز وجود نداشته است. دیگر کاتات‌هال، فیلم‌ساز و خواننده پاپ نروژی با پیشینه پشتون و پنجابی، تلاش می‌کند که آثار زندگی قربانی به راحتی زدوده نشود. او یک یادواره دیجیتال به نام «ممینی» که در زبان لاتین به معنای «یادآوری» است تولید کرده. این وبسایت که در آوریل ۲۰۱۱ باز شد، عکس و اسامی قربانیان قتل‌های ناموسی در سراسر دنیا را به نمایش می‌گذارد. با کلیک روی عکس یا نام هر فرد، سایت بیننده را از داستان قربانی آگاه می‌کند و در مقدمه ای کوتاه به زندگی وی و این که چرا و توسط چه کسی به قتل رسیده است می‌پردازد.

تات‌هال امیدوار است که از طریق «ممینی» و نمایش تعداد بیشتری از تصاویر، آگاهی نسبت به رواج این جرم را افزایش دهد. همان‌طور که در سایت هم آمده است، «آرزوی ما این است که داستان‌های قربانیان قتل‌های ناموسی نقل شود تا از این طریق، کسانی که می‌خواسته اند این داستان‌ها را پاک کنند و از بین ببرند به مبارزه طلبیده شوند... شعار ما این است که کسی باید شرمسار باشد که مستحق شرم است: یعنی قاتلانی که به خود اجازه قضاؤت در مورد انسانی بی‌گناه داده‌اند! جمع‌آوری و تدوین این داستان‌ها هدفی عمیق‌تر هم دارد. پرتو افکنند بر سرنوشت زنان و دخترانی که قربانیان این وحشی‌گری هستند؛ که به دنیا بگوییم چنین اتفاقی در حال رخدادن است و باید متوقف‌اش کرد.

۲- به شرکت‌کنندگان حدود ده دقیقه وقت بدھید که به عکس‌ها نگاه کنند و داستان‌های ۶ قربانی را که در سایت آمده مرور کنند. مرحله پنجم را در زیر ببینید.

پیشنهاد برای تسهیل‌گر: اگر شرکت‌کنندگان اینترنوت دارند از آنها خواهید و بسایت را ببینند و روی عکس‌های افرادی که خودشان انتخاب می‌کنند کلیک کنند تا بتوانند درباره این سایت و احساساتی که بر می‌انگیزد بیشتر بیاموزند.

۳- از شرکت‌کنندگان بپرسید آیا به نظر آنها «مینی» ابزار موثری برای روشن کردن ابعاد موضوع قتل‌های ناموسی است یا خیر. رای‌گیری کنید تا مشخص شود چند نفر از شرکت‌کنندگان وبسایت را موثر می‌دانند و چند نفر آن را مفید تلقی نمی‌کنند.

۴- نتایج آرا را با دیگران در میان بگذارید و بعد دو داوطلب از میان شرکت‌کنندگان که مینی را ابزار موثری می‌دانند و آن‌ها که چنین نظری ندارند انتخاب کنید تا حداقل سه دلیل برای نظر خودشان ارائه کنند.

۵- بحث را جمع‌بندی کنید و از شرکت‌کنندگان بپرسید آیا می‌توانند استفاده از عکس‌های این سایت را خارج از محیط وبسایت - مثلا در برنامه تبلیغ عمومی در تلویزیون، روی تابلوها یا دیوارهای ساختمان‌های خاص یا روی بسته‌های محصولات خاص - تصور کنند؟

MEMINI is a Latin word meaning “Remembrance.”



ریم ابوغانم

نوزده ساله، اسرائیل

ریم ابوغانم، ۱۹ ساله و اهل طایفه ابوغانم جواریش در رام الله، شهری ۶۴۰۰ نفره در رام الله بود. این طایفه حدود ۲۰۰۰ عضو دارد و طایفه‌ای یکپارچه و محافظه‌کار است که اعضای مرد آن نسبت به اعضای زن رفتاری خشن دارند.



ریم ابوغانم هفتمنی زنی بود که در سال ۲۰۰۶ به قتل رسید. تنها جرم او این بود که از ازدواج اجباری با مردی که قول ریم را به او داده بودند سرباز زد. ریم چند روز قبل از کشته شدن‌اش از خانه فرار کرده بود، اما پلیس او را به خانواده‌اش بازگرداند و با سه برادرش شرط کرد که موافقت‌نامه‌ای امضای کنند که به او آسیبی نخواهند رساند. قتل ریم توسط برادرانش از پیش برنامه‌ریزی و طراحی شده بود. سلیمان ابوغانم، برادر بزرگتر او، پژوهش اطفال در مرکز درمانی عاصف حروفه، به برادرانش احمد و سلامه قرص خواب داد و به آن‌ها آموزش داد که چگونه خواهرشان را بیهوش کنند. وقتی ریم از هوش رفت، برادرانش او را با کامیون به زمینی خارج از شهر برداشتند. ریم مدت کوتاهی به هوش آمد و از آنها خواهش کرد که او را زنده بگذارند در حالی که برادرانش تلاش می‌کردند به او بقبولانند که «آبروی خانواده را برده است.» برادرانش سلامه و محمد او را خفه کردند و بدن‌اش را در گیسه پیچیدند و همان حوالی انداختند. پس از آن، سه برادر ریم متهم به قتل او شدند و به کشتن ریم اعتراف کردند و هم‌اکنون ۲۰ سال حکم زندان خود را می‌گذرانند. برادر چهارم که نقش فعالی در عمل قتل نداشت ۱۲ سال در زندان خواهد بود. متأسفانه این جنایت، به خاطر خطای پلیس، از قتل عمد به قتل غیر عمد تقلیل یافت.

منبع : <http://www.memini.co/>

سازان باجز عبدالله بیست و چهار ساله، آلمان

در اواخر سال ۲۰۰۶، در شهر مونیخ آلمان، کاظم محمود رشید، متولد عراق، همسر سابق اش سازان باجز عبدالله را به قتل رساند. در بیست و پنجم ماه اکتبر سال ۲۰۰۶، طلاق سازان از کاظم محمود رشید نهایی شد. او سازان را در طول دوره ازدواج‌شان مورد ضرب و شتم شدید قرار می‌داد و پلیس علیه او حکم اقدامات تامینی صادر کرده بود. کاظم در همان روز، سازان را به خاطر بی‌آبرویی ناشی از طلاق در خیابان شلوغ لایبنیتز به قتل رساند. ۱۳ ضربه چاقو به او زد و روی اش بنزین ریخت و در حالی که سازان از شدت جراحت به زمین افتاده بود او را به آتش کشید. ساکنان خانه‌های اطراف از بالکن‌هایشان روی سوزان آب می‌ریختند و کسانی که در خیابان بودند تلاش کردند که بدن او را با دستمال خیس بپوشانند و پسرچه دو ساله‌اش را به



جای امنی ببرند. یک بازرس جنایی در همان حوالی که سر و صدا را شنیده بود، کاظم را دستگیر کرد. یک سال بعد، کاظم در جلسه دادگاه به طراحی قتل همسر سابق اش اعتراف کرد: «من می‌خواستم او را بکشم. اگر این کار را بکنم، واقعاً مرد هستم.»

کاظم محمود رشید به حبس ابد بدون امکان عفو محکوم شد.

منبع : <http://memini.co>

اقصا پرویز

شانزده ساله، کانادا



اقصا پرویز، شانزده ساله از میسی‌ساکا، اونتاریو، کانادا توسط برادر و پدرش در یک قتل ناموسی در سال ۲۰۰۷ کشته شد. اقصا فرزند یک خانواده مهاجر پاکستانی بود. او می‌خواست شغل پاره‌وقت داشته باشد و مثل نوجوان‌های همسن‌وسال محله خودش رفتار کند و لباس بپوشد، ولی این خواسته‌ها برایش مایه دردرس شد.

در سپتامبر ۲۰۰۷، اقصا به مشاور مدرسه‌اش گفت که می‌ترسد پدرش او را بکشد. شرایط مهیا شد که او به پناهگاه امنی نقل مکان کند. خانواده‌اش از او خواستند به خانه بباید و به او اجازه دادند که در مدرسه لباس غیرستنتی بپوشد ولی وقتی که دعوا ادامه پیدا کرد، اقصا تصمیم گرفت که با دوستانش زندگی کند.

دهم دسامبر ۲۰۰۷، برادر اقصا او را از ایستگاه اتوبوس مدرسه برداشت و ساعت هفت و بیست دقیقه صبح، ۳۶ دقیقه بعد، پدرش به شماره اورژانس ۹۱۱ زنگ زد و به پلیس گفت که «دخترش را کشته است». اقصا را فوراً به بیمارستان برندن و سپس با حالی وخیم به بیمارستان کودکان بیمار منتقل شد، اما نهایتاً همان‌جا درگذشت. در مصاحبه با پلیس، مادر اقصا گفت شوهرش به او گفته که کوچکترین فرزنش، اقصا را کشته است زیرا «جامعه به من می‌گوید تو عرضه نداشته‌ای دخترت را کنترل کنی. این تو هین است به من. او برای من آبرو باقی نگذاشته». در ۱۵ ژوئن ۲۰۱۰، پدر اقصا، محمد پرویز و برادر اقصا، وقار پرویز، به ارتکاب قتل درجه دو محکوم شدند.

منبع : <http://memini.co>

ثنا دفانی

هجه‌ساله، ایتالیا



ثنا دفانی از پرودنون ایتالیا، هجه ساله بود و در پیتزافروشی کار می‌کرد. شلوار جین می‌پوشید و با پسری دوست شده بود. دوست‌پرسش ماسیمو دی‌بیاسو، یک مرد ایتالیایی حدوداً سی ساله بود. ثنا می‌خواست با او زندگی کند. پدرش الکتا دفانی که از مراکش به ایتالیا مهاجرت کرده بود نمی‌خواست دخترش سبک زندگی غربی داشته باشد. آقای دفانی که از کارهای دخترش بسیار عصبانی بود، راه ماشینی که ثنا و دوست‌پرسش در آن نشسته بودند را سد کرد، گلوی دخترش را با چاقوی آشپزخانه درید و آقای بیاسیو را که سعی کرده بود از ثنا دفاع کند مجرح کرد.

آقای دفانی هنوز در جریان دادرسی برای قتل دخترش است. حکم هنوز صادر نشده است اما دادگاه در

تلاش است که او را به اشد مجازات محکوم کند.

منبع : <http://memini.co>

نجات

بیست و دو ساله، ایران

روزنامه همیهن ایران، جریان قتل زنی اهوازی را گزارش کرد که در ماه آوریل توسط پدرش زنده‌گور شده بود. ساکنان روستا او را به رابطه جنسی خارج از ازدواج، پس از طلاق از همسرش، متهم کردند و از این طریق پدرش را به کشتن نجات تشویق کردند، به این دلیل که آبروی خانواده‌اش را برده است. پدر نجات دختر ۲۲ ساله خود را کشت، اما ادعا کرد که نجات با زنده‌گورشدنش موافق بوده و حتی به حفر گور خودش کمک کرده است. دختر دو ساله نجات، از زمان مرگ او به یتیم‌خانه‌ای در شهر اهواز منتقل شده است. گزارش مرگ نجات از سوی فعالان مدنی حقوق زنان در ایران تایید شده است...

بعضی‌ها گریه می‌کنند و داد می‌زنند، «می‌خواهم زنده بمانم»، دیگران بی‌گناهی‌شان را فریاد می‌زنند و بعضی هنوز برای بخشیده‌شدن التماس



می‌کنند...

ولی نجات هیچ چیز نگفت. گریه نکرد. التماس نکرد. طلب بخشش نکرد. او آرام وارد قبر شد تا پدرش بتواند به اندازه کافی خاک روی او بریزد تا دیگر نتواند نفس بکشد، نگاه کند، احساس کند، فکر کند، خجالت بکشد یا لکه ننگی برای پدرش باشد،... تا دیگر نتواند وجود داشته باشد. نجات می‌دانست در جامعه‌ای که مردسالاری در سنت ریشه دارد و توسط حکومت نیز تقویت می‌شود، او باید در نابودی و عدم به دنبال راه نجات بگردد.

این گفته‌های مردی است درباره دقایق تلخی که دخترش را زنده‌گور می‌کرده است: «وقتی که چاله را کندم، دخترم بدون اینکه حرفی بزند به سمت آن رفت و در آن دراز کشید. حس خوبی نداشتم ولی فکر کردم که دارم کار درستی می‌کنم. اول از بیل برای ریختن خاک روی او استفاده کردم. نجات هیچ حرفی نمی‌زد. فقط به آسمان خیره شده بود. من خاک را روی شکم و سینه‌اش ریختم ولی هنوز هم چیزی نمی‌گفت. از من نخواست که آن کار را نکنم. آخرین لحظه قبل از اینکه صورتش را با خاک بپوشانم به او نگاه کردم. او من را صدا کرد و گفت پدر، لطفاً مواطن دخترم باش». منبع : <http://memini.co>

جلسه های کارگاه

بخش ب

خشونت در اجتماع

ب

جلسه ۸:

تعریض جنسی در فضاهای همگانی/ نمونه (جلسه کارگاه، حدود ۳ ساعت و ۳۰ دقیقه)

تامارا خسته از یک روز طولانی تدریس و ملاقات دانشآموزان، و در حالی که دل اش میخواهد زودتر به خانه برسد و چند ساعتی را با خانواده سپری کند، دفترش را ترک میکند اما از پیمودن مسیر دانشگاه «مدرس» تا ایستگاه اتوبوس وحشت دارد. خوب میداند که در غوغای عصرانه خیابان‌های چنای (کلان‌شهری در هند) عده‌ای غریبیه، در انتظار عبور او به سمت ایستگاه اتوبوس هستند.

تامارا در حالی که کیف پول و دفترش را محکم در بغل اش می‌فشارد، رگبار سوت و متلک‌ها را نادیده می‌گیرد. صدای مرد جوان ناشناسی به گوش می‌رسد: «خانوم خوشگله، کجا میری؟ خودم هر جا بخوای می‌برم!». بقیه می‌خندند و همان صدای قبلی با التماس می‌گوید: «تو رو خدا بگو کجا میری. اگه بهم بگی پشیمون نمی‌شی. تو یه مرد واقعی لازم داری و اسه...». صدای پیرتر و زمختتری صدای قبلی راقطع می‌کند: «یه مرد واقعی و اسه حمل کتاب‌هاش؟ خانم، این پسرهای خام و جوان رو فراموش کن». به مردان دیگری که در پیاده‌رو ایستاده‌اند اشاره می‌کند و می‌گوید: «من به دردت می‌خورم. اتوبوس رو ول کن. چنان سواری‌ای بهت میدم که همیشه یادت بمونه». همان‌طور که مرد مشغول بازکردن کمر بندش است مردان دیگر سر و صدا راه می‌اندازند و کف می‌زنند: «خانم خودت خوب می‌دونی که می‌خوای». در حالی که مردهای دیگر تحریک‌آش می‌کنند، مرد گردن تامارا را لمس می‌کند و دست‌اش را به سمت سینه‌های او می‌برد.

تامارا که ترسیده اما عصبانی است، سرش را

آیا می‌دانستید که...؟

- «آزار حوا»^{۱۰}، اصطلاحی است که پیشینه آن دست‌کم به دهه ۱۹۶۰ برمی‌گردد و اشاره به شخصیت «حوا» در انجلیل دارد. این اصطلاح در هندوستان، پاکستان و بنگلادش برای اشاره به آزار و اذیت جنسی در حیطه عمومی اشاره دارد.

- «تأسیس واحدهای پلیس زنان» برای برخورد با چشمچرانی و سایر جرایم جنسیتی محور، گامی است در حرکت هندوستان به سوی تصویب قوانینی که به جرائم و آزارهای جنسیتی حساس باشند. از ۳۵ ایالت و ممالک متحده هندوستان، پلیس زنان در سال ۲۰۰۴ در ۱۹ ایالت تشکیل شد. ۱۹۵ مرکز از ۲۹۳ مرکز موجود توسط تمیل نادو اداره می‌شود.

منبع:

Natarajan, Mangai. Women Police in a Society: Back Door to Equality. Hampshire, England and Burlington, VT: Ashgate Publishing Limited, ۲۰۰۸.

- Ain O Salish Kendra یک نهاد حقوق بشری واقع در داکا (پایتخت بنگلادش) است که ۱۴ مورد خودکشی زنان و دختران را در چهار ماه اول ۲۰۱۰ به دلیل بحران عاطفی ناشی از آزار جنسی برشمرده است.

منبع :

Source: <http://www.askbd.org/web/index.php>

۱۰. توضیح مترجم: «آزار حوا» اصطلاحی است که اشاره به شخصیت حوا در انجلیل و کتب آسمانی ادیان دارد و در واقع به اغوایگری و فریبندگی شخصیت او در این کتب ارجاع می‌دهد. معنای دقیق اصطلاح این است که منش و پوشش زنان در رخدادن آزارهای جنسی دخیل و موثر است و زنی که آماج متلک و آزارهای کلامی و جسمی قرار می‌گیرد، خود نیز در وقوع این آزار مقصراً بوده و نقش داشته است.

می‌چرخاند، وسایل اش را به زمین می‌اندازد، و دستی که به سمت اش دراز شده را می‌گیرد: «دستات رو بکش آشغال! و بقیه شما! فکر می‌کنید مرد واقعی این طوری رفتار می‌کنه؟ همه‌تون کثیف‌اید!» در حالی‌که تامارا با دستپاچگی و کورمال کورمال دنبال دفترش می‌گردد با لمس دست دیگری - و با ضربه‌ای آرام روی بازویش - خشکش می‌زند. قبل از اینکه آرامش اش را دوباره به دست بیاورد، افسر پلیس رو به مردان می‌گوید: «چرا همه‌تان اینجا ایستاده‌اید؟ هیچ کار دیگری غیر از آزار و اذیت زنان در ایستگاه اتوبوس ندارید؟»

در حالی که مردان عقبنشینی می‌کنند، افسر پلیس اخطار می‌دهد: «اگر از متلك‌انداختن و طعنه‌زدن به زنان در خیابان لذت می‌برید، باید این بازی را در دفتر پلیس انجام دهید. رئیس پلیس منطقه لاتیکاساران خیلی خوشحال می‌شود نحوه حرفزدن شما با زنان را ببیند. بهتر از این، چرا از توی سلوول زندان به من متلك نیندازید؟ اگر ببینم دفعه بعد کسی را اذیت می‌کنید جای‌تان توی همان سلوول خواهد بود.» تامارا که کمی خیال‌اش راحت شده می‌گوید: «به خاطر کمک‌تان ممنون‌ام، افسر. من به آزارهایی از این دست که برای خودم و زنان دیگر اتفاق می‌افتد عادت دارم. آن‌ها همیشه متلك‌های مستهجن می‌اندازند و رفتارهای زننده‌ای از خود نشان می‌دهند، ولی هیچ‌کس تا امروز جرات نکرده بود لمس‌ام کند.» «افسر دوا کاکار هستم. فقط وظیفه‌ام را انجام دادم». افسر زن خیال تامارا را راحت می‌کند: «مسئله این نیست که لمس‌ات کردند. حتی قبل از اینکه دست‌درازی کنند هم از خط قرمز ممنوعه عبور کرده بودند. آزار جنسی جرم است و چه اسم وحشت‌ناکی هم گذاشته‌اند برای چنین رفتاری. نمی‌توانم تحمل کنم!»

پرسش هائی برای بحث گروهی

(حدود ۱ ساعت و ۱۵ دقیقه)

برخورد میان تامارا و مردان در خیابان

(حدود ۲۵ دقیقه)

- آیا رفتار مردان در قبال تامارا خشونت‌آمیز است؟ چرا بله و چرا نه؟
- آیا آنها حقوق انسانی تامارا را نقض کرده‌اند؟ اگر چنین است کدام حقوق را نقض کرده‌اند؟
- این مردان چگونه مردانگی‌شان را در رابطه با تامارا تعریف می‌کنند و به او نشان می‌دهند؟ چرا متوجه نمی‌شوند که تامارا علی‌رغم اینکه با عصبانیت برخورد می‌کند، از آن‌ها می‌ترسد؟
- آیا واکنش تامارا به رفتار مردان مناسب است؟ او چه کاری برای بهتر یا بدتر شدن وضعیت انجام می‌دهد؟
- آیا تامارا گزینه دیگری برای واکنش نشان‌دادن به این وضعیت دارد؟ اگر چنین است آن گزینها کدامند؟ اگر خیر، چرا؟

مداخله کاکار، افسر پلیس

(حدود ۲۰ دقیقه)

- افسر پلیس چه کار درست یا غلطی در برخورد با تامارا و مردان انجام می‌دهد؟
- افسر کاکار می‌گوید که «چشم‌چرانی» غیرقانونی است و بعد این اصطلاح را «وحشت‌ناک» می‌خواند و می‌گوید که «نمی‌تواند تحمل اش کند.» چرا او چنین احساس منفی و شدیدی نسبت به این اصطلاح دارد؟
- فکر می‌کنید اینکه افسر کاکار یک زن است به او در برخورد بهتر با آزار جنسی کمک می‌کند؟ آیا این

چلسه های کارگاه: بخش ب

که مقام فوق او، ریس پلیس منطقه ساران هم یک زن است در برخورد او با این وضعیت کمک می کند؟ چرا بله و چرا نه؟

برای تفکر بیشتر (حدود ۳۰ دقیقه)

- آیا رابطه‌ای بین آزار زنان- چه در خانه و چه در اجتماع- با قدری و زورگویی می‌بینید؟ اگر بله چرا؟ اگر خیر، چرا؟
- اگر جامعه شما قانونی علیه آزار جنسی در اماکن عمومی تصویب کرده است، آیا این قانون به طور موثر اعمال می‌شود؟ چرا بله و چرا نه؟
- اگر جامعه شما چنین قانونی تصویب نکرده، به نظر شما علت چیست؟
- آیا از تصویب و اجرای قانونی که قدری و زورگویی را محکوم می‌کند به عنوان ابزاری برای منوعیت و مجازات آزار جنسی در اماکن عمومی حمایت می‌کنید؟ یا فکر می‌کنید که باید قانون جدایگانه‌ای برای مبارزه با خشونت جنسی تصویب کرد؟ دلایل شما برای این انتخاب چیست؟
- آیا فکر می‌کنید که افسران پلیس می‌توانند از آموزش راجع به توجه به حساسیت‌های جنسیتی با هدف افزایش اطلاعات راجع به خشونت علیه زنان و دختران، بهره‌ای ببرند؟ اگر پاسختان مثبت است، آیا این آموزش را هم برای افسران مرد و هم افسران زن لازم تشخیص می‌دهید؟ چرا بله و چرا نه؟ این آموزش باید بر چه مسائلی تاکید داشته باشد؟
- اگر پاسختان به پرسش بالا منفی است، چه ضعف هایی در آموزش مرکز بر حساسیت‌های جنسیتی می‌بینید؟

تمرین‌های یادگیری (حدود ۲ ساعت و ۱۵ دقیقه)

تمرین ۱- بحث و تبادل نظر برای یافتن راه حل‌های ساختاری آزار جنسی (حدود ۱ ساعت)

۱- شرکت‌کنندگان کارگاه را به مدت پانزده دقیقه به سه گروه برای بحث و گفت و گو تقسیم کنید. از هر گروه بخواهید سخنگویی برای گزارش دادن به کل گروه انتخاب کنند.

۲- گروه‌ها را راهنمایی کنید تا به یک یا دو ایده در مورد رویکردهای ساختاری آزار جنسی در اماکن عمومی در اجتماع ما بپردازند. و راههایی برای مقابله با این مشکل پیدا کنند که حکومت، نهادها و بخش‌های مختلف جامعه رادر بر بگیرد.

نکاتی برای تسهیلگر: اگر گروه‌ها برای یافتن ایده مشکل دارند، مثال‌هایی از رویکردهای ساختاری برایشان مطرح کنید: تصویب قوانین ضد آزار جنسی، تاسیس واحدهای ویژه پلیس برای مبارزه با آزار جنسی، تفکیک جنسیتی درسیستحمل و نقل عمومی، و غیره. از یک تخته بزرگ سیاه برای نوشتن

فسرده ای از پیشنهاد هر گروه و نتایج رایگیری که در مرحله پنجم آمده، استفاده کنید.

۳- دوباره شرکتکنندگان کارگاه را دور هم جمع کنید. از هر سخنگو بخواهید که در ده دقیقه پیشنهادهای گروه‌اش را توضیح بدهد.

۴- از شرکتکنندگان بخواهید که مزایا و نقایص راه حل‌های پیشنهادی را با توجه به فرهنگ محلی ما، واقعیت‌های اقتصادی، موقعیت جغرافیایی، دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات، نظام سیاسی و غیره بیان کنند.

۵- از شرکتکنندگان بخواهید که مناسب‌ترین و بهترین پیشنهاد را برای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، انتخاب کنند.

تمرین ۲- الگوهای موفق در کمپین مبارزه با خشونت (حدود ۱ ساعت و ۱۵ دقیقه)

۱- برگه‌های اطلاعات درباره دو ایده ابتکاری- که به مسئله آزار جنسی در عرصه عمومی پرداخته‌اند - را میان شرکتکنندگان کارگاه پخش کنید: پروژه «صدای خاموش» در هندوستان؛ و پروژه «ردیاب آزار جنسی» در مصر.

پیشنهاد به تسهیلگر: اگر شرکتکنندگان به اینترنت دسترسی دارند، از آن‌ها بخواهید که از این وبسایت‌ها برای آشنایی با طرح‌های بالا استفاده کنند:

<http://blog.blanknoise.org/>

و

<http://harassmap.org/>

۲- برگه‌های اطلاعات را به مدت ۱۰ تا ۱۵ دقیقه همراه با شرکتکنندگان مرور کنید. سپس به دو گروه تقسیم‌شان کنید و از هر گروه بخواهید که یک سخنگو انتخاب کند تا بتواند گزارشی به کل کارگاه ارائه بدهد.

۳- به هر گروه آموزش بدهید که برنامه‌ای برای اجرای این طرح‌ها تنظیم کنند. از هر گروه بخواهید در نظر بگیرند که کدام جنبه‌های این طرح‌ها باید تغییر کند تا در جامعه‌ی ما قابل اجرا باشد.

۴- دوباره شرکتکنندگان کارگاه را دور هم جمع کنید. از دو سخنگو بخواهید که مختص‌ری از بازبینی گروه‌ها و علت این تغییر و بازبینی را بیان کنند.

۵- از کل شرکتکنندگان سوال کنید که آیا حاضر به عملی‌کردن یکی از این طرح‌ها به عنوان پروژه بلندمدت خارج از کارگاه هستند؟

برگه اطلاعات ۱ – استفاده از «اهرم» جامعه‌هنری برای مبارزه با آزار جنسی در هند: پروژه صدای خاموش»^{۱۱}. <http://blog.blanknoise.org>

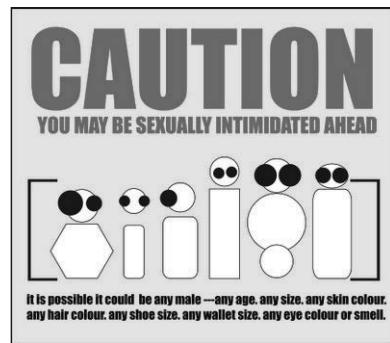
- طرح «صدای خاموش»، که در سال ۲۰۰۳ به عنوان پروژه‌ای دانشجویی در مدرسه طراحی هنری و تکنولوژی سریشتبی بانگلور تاسیس شده است، با مشارکت جامعه هنرمندان، به مبارزه با آزار جنسی در عرصه عمومی جامعه هند پرداخته است. این پروژه با بهره‌گیری از اینترنت برای تبلیغ در موردهای فعالیت‌هایی، به دیگر شهرهای بزرگ هند نیز راه یافته است.
- کوشندگان در این پروژه با طراحی پوستر، بازیگری، آوازخواندن در تظاهرات خیابانی و سایر فعالیت‌های هنری برای حل مسائل قربانیان، مرتكبان و شاهدان آزار جنسی می‌کوشند آزار جنسی را در جامعه به امری غیرقابل قبول بدل کنند و این افسانه را که زنان با نحوه انتخاب پوشش‌شان، مردان را به آزار فرا می‌خوانند، باطل کنند.
- با استفاده از عنوان «مدخله»، کوشندگان داوطلب در طراحی شیوه‌های مبارزه با آزار جنسی به ابتکارهای فراوانی دست زده‌اند، مانند:

 - آیا خودت خواسته بودی؟ پروژه «صدای خاموش» از زنان می‌خواهد لباس‌هایی که در هنگام وقوع آزار جنسی به تن داشته‌اند را همراه بایادداشتی که ماجرا و احساسات فرد راجع به اتفاق را شرح می‌دهد، به این پروژه اهدا کنند. از زنان خواسته می‌شود این لباس‌ها را به کارگاهی مستقر در بانگلور بفرستند. کوشندگان پروژه هم گاه شخصاً برای تحويل‌گرفتن لباس‌ها به افراد مراجعه می‌کنند. به محض جمع‌آوری هزار دست لباس، «صدای خاموش» آنها را در نمایشگاه‌های چیدمانی در خیابان‌های شهر به نمایش خواهد گذاشت. این چیدمان‌ها که شواهدی مردمی مبنی بر وقوع آزار جنسی در فضای عمومی هستند، طلس این ایده باطل را که پوشش بی‌عفت و بی‌شرمانه باعث آزار جنسی است می‌شکنند.
 - شعار خیابانی خودت را بساز : این کمپین که در سال ۲۰۰۹ تاسیس شده، شرکت‌کنندگان را به طراحی شعارهای خیابانی برای اعتراض به آزار جنسی دعوت کرده است. «صدای خاموش» این شعارها را در قالب های سازگار با اینترنت برای انتشار در وبلاگ پروژه دریافت کرده است. سه شعار برای نصب آزمایشی در خیابان‌ها انتخاب شدند.
 - ناخواسته: این ایده مبتنی بر این است که زنان از مرتكبان آزار جنسی در خیابان‌ها عکس بگیرند و عکس افراد مزاحم را در وبسایت «صدای خاموش» منتشر کنند. این ایده، در فضاهای عمومی که سلطه مردان مفروض انگاشته می‌شود، روابط قدرت را وارونه می‌کند. عکس‌ها این واقعیت را نیز نشان می‌دهند که فرد مزاحم به سرعتی عمل می‌کند که اثبات آزار جنسی دشوار شود.

۱۱ برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به:

<http://blog.blanknoise.org/۲۰۰۷/۰۹/interventions-and-techniques.html>

- **پیاده روی های شبانه:** این نوع مداخله، از زنان دعوت می کند که شبها دور هم جمع شوند و در خیابان های شهر گردش کنند. شرکت کنندگان در خیابان ها راه می روند یا در رستورانها توقف می کنند، و از فضای عمومی به شکلی و در زمانی که عموماً ممنوع نلقی می شود، لذت می برند. نمونه هایی از نشانه های ارسال شده به طرح «شعار خیابانی خودت را بساز» که در وبلاگ این پروژه منتشر شده اند:



نوشته چاپ شده بر صدر طرح: «احتیاط کنید! ممکن است کمی جلوتر آماج آزار و ارعب جنسی قرار بگیرید». نوشته زیرین طرح می گوید: «ممکن است آزاردهنده هر مردی باشد، با هر هیکلی، هر رنگ پوستی، هر رنگ مویی، هر اندازه پائی، هر اندازه کیف پولی، هر رنگ چشمی و هر بویی.».



«غریزه حیوانی خود را مهار کنید!»



نوشته کوچک بالای طرح: «رابطه‌ای که عمری یک شب دارد.»

برگه اطلاعات ۲ - استفاده از تکنولوژی برای مبارزه با آزار جنسی در مصر- ردیابی آزار جنسی^{۱۲}

<http://harassmap.org>

- «ردیابی آزار جنسی» که در سال ۲۰۱۰ آغاز به کار کرده ، طرحی است که از سیستم گزارش تلفن همراه برای مبارزه با آزار جنسی در قاهره (پایتخت مصر) استفاده می‌کند. اهداف این پروژه، جلب‌کردن توجه عموم مردم نسبت به این رفتار، تبدیل آن به امری غیرقابل پذیرش در جامعه، و بازگرداندن امنیت زنان به اماکن عمومی است.
- گزارشی که در سال ۲۰۰۸ توسط مرکز حقوق بشر مصر منتشر شد، گواه نیاز مبرم به ایجاد چنین طرحی است. در این گزارش، ۸۳ درصد از زنان مصری گفته‌اند که تا به حال مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند.
- تیم «ردیابی آزار جنسی» متشکل از کارشناسان مجربی است که در زمینه آزار جنسی در بخش‌های خصوصی، عمومی و جامعه مدنی تجربه کار و مطالعه دارند. این پروژه که عمدتاً مبتنی بر فعالیت‌های داوطلبانه است، از موقوفات و خدمات تجارت‌های خصوصی و همکاری نهادهای غیردولتی، حکومت و «سازمان زنان برای زنان» نیز استفاده می‌کند. این پروژه در واقع با طرح «شهر آمن» سازمان زنان برای زنان مشارکت دارد.
- این پروژه کمک‌های مالی و بورس‌هایی از طریق شریکان و همکارانش دریافت می‌کند و درآمدی نیز از طریق پیامک دارد که صرف پیشبرد پروژه و افزایش درآمد پروژه از طریق بازاریابی می‌شود.
- اهداف پروژه شامل فعالیت، کمک، ایجاد آگاهی، و ترویج است:
- فعالیت: شامل گزارش آزار جنسی از طریق پیامک می‌شود. زنان پیامک‌های خود را به شماره پروژه می‌فرستند یا روی وبلاگ پروژه پیام می‌گذارند و توضیح می‌دهند که چه اتفاقی و در چه مکانی برایشان رخ داده است. تیم پروژه صحت گزارش‌ها را تایید می‌کند و آن‌ها را روی وبسایت قرار می‌دهند.
- کمک: شامل ارائه اطلاعات و تسهیل پاسخ‌گویی پلیس است. این پروژه، نحوه اطلاع‌رسانی به پلیس را به شخص معرفی می‌کند و در زمینه‌های وکالت تسخیری، حمایت روحی و کلاس‌های دفاع شخصی نیز فعال است و درباره مناطقی که میزان آزار جنسی زنان در آن‌ها بالاست و نیاز به حضور افسران پلیس احساس می‌شود، به پلیس گزارش می‌دهد.

۱۲. برای اطلاعات بیشتر ، خلاصه نقشه اجرایی آزار جنسی را بخوانید:

http://blog.harassmap.org/wp-content/uploads/2010/08/harassmap_executive_summary.pdf

- آگاهی: این امر، از طریق بازاریابی این پروژه، تهیه اقلام آموزشی و فعالیت‌های گروهی - مانند برچسب‌های حاوی شماره پیام کوتاه پروژه، ویدئوهای آموزش دفاع شخصی، و گردنهای آرام در مناطق مستعد آزار جنسی است.
- ترویج: شامل درمیان گذاشتن نقشه و مدارک آزار جنسی باسازمان‌های غیردولتی، موسسات دولتی و سایر سازمان‌هایی است که در کمپین‌های ضد آزار جنسی فعالیت دارند.



پوستر مراسم آغاز مشارکت میان طرح «ریابی آزار جنسی» و طرح «شهر امن» سازمان زنان برای زنان، ۲۲ نوامبر ۲۰۱۰ در دانشگاه قاهره.

- «ریابی آزار جنسی» توسط وبسایت Ushahidi.com حمایت می‌شود. Ushahidi که در زبان سواحیلی به معنای «شهادت دادن» است، وبسایتی است که برای ثبت خشونت پس از انتخابات در کنیا در اوایل سال ۲۰۰۸ افتتاح شد.

جلسه ۹:

تعریض جنسی در محل کار

(جلسه کارگاه، حدود ۳ ساعت و ۳۰ دقیقه)

ئکنکان به اتاق کنفرانس وارد می شود و رئیس اش آقای الکسی و مدیر شرکت، مورات، با لبخند به او خوش آمد می گویند. تکنکان مشتری جدیدی برای شرکت ارتباطات پیدا کرده است و رئیسین شرکت قصد دارند در جلسه ملاقات هفتگی کارکنان، از موقیت او قدردانی کنند. الکسی می گوید: «همکار ما خانم آیتماتوا با کاری خستگی ناپذیر، مشتری پرمصرفی برای شرکت پیدا کرده است. این مشتری قصد دارد کمپینی در کشور قرقیزستان راه اندازی کند.» ئکنکان احساس می کند که الکسی دست اش را به نشانه قدردانی از او روی شانه اش گذاشته است. وقتی که الکسی دست اش را بیش از چند دقیقه روی شانه او نگاه می دارد، صندلی اش را تکان مختصری می دهد. دست الکسی آرام از شانه او پایین می افتد و ئکنکان امیدوار است رئیس اش متوجه ناراحتی او نشده باشد.

چند روز از دیدار کارکنان گذشته است، ئکنکان مشتاقانه روی پروژه هایش کار می کند و آن لحظه عجیب با الکسی را فراموش کرده است، تا اینکه یک روز بعداز ظهر، الکسی در راه رو با او برخورد می کند. وقتی بدن او به بدن ئکنکان کشیده می شود، الکسی با صدای آرام می گوید: «ببخشید، ولی خیلی خوشبختم که کنار چنین خانم دوست داشتنی کار می کنم.»

ئکنکان می پرسد: «چرا با صدای آرام حرف می زنید؟» الکسی می گوید: «به هر حال باید رازمان را پیش خودم نگه دارم. نمی خواهم دیگران اذیت شوند...» ئکنکان درحالی که سعی می کند عصبانیت اش را کنترل کند می گوید: «کدام راز؟ مگر پروژه مخفیانه ای داریم؟» «شوخی کردم. بله. پروژه مخفیانه. این قدر جدی نباش. هیچ کس توی این اداره اهل بگو بخند نیست. اگر من نتوانم با کارمند مورد علاقه ام شوخی کنم که...» الکسی آشکارا پی توجیه برای رفتار نامناسبش می گردد.

تکنکان برخورد الکسی را نادیده می گیرد تا ایجاد دعوا و جدل امتناع کرده باشد، و می گوید: «بسیار خوب، اتفاقی نیفتاده.» الکسی ملاقات ساعت ۴ با مورات را یادآوری می کند. ئکنکان در حالی که تلاش می کند جای ملاقات تغییر کرده باشد می پرسد: «جلسه کجا برگزار می شود؟» یک ساعت بعد، تکنکان به دفتر الکسی می رود. «سلام قربان. حاضرید درباره پروژه جدیدمان بحث کنیم؟ منتظر آقای مورات بشویم؟» و روبروی رئیس اش می نشیند. الکسی می گوید: «برای مورات کاری پیش آمده، گفت ما جلسه را شروع کنیم. لطفا در را ببند. نمی خواهم کسی درباره این پروژه ها چیزی بشنود.»

اصرار الکسی بر اینکه کسی نباید چیزی درباره این پروژه ها بداند ئکنکان را متعجب می کند چون او قبل از جلسه ملاقات کارکنان درباره مشتری جدید صحبت کرده بود. علی رغم این تردید، به سمت در می رود. ناگهان احساس می کند که بدن الکسی او را به در فشار می دهد. «حالا بیا درباره رازمان صحبت کنیم. باید بعد از اینکه همه رفند سخت کار کنیم. تا رضایت مشتری را کسب کنیم. نه فقط مشتری که من هم راضی خواهم بود. و بعد تو ارتقا پیدا می کنی. یک خانم باهوش مثل تو می داند خوب می داند چطور هر مردی را راضی نگه دارد.»

آیا می‌دانستید که...؟

قانون تضمین برابری جنسیتی در قرقیستان (مصوب ۲۰۰۳)، آزار جنسی توسط کارفرما و حق تلافی کارمندی که چنین ادعایی کرده را منوع کرده است.

منبع : موضوع و نام کشور را در سایت زیر جستجو کنید:

<http://legislationonline.org/>

سازمان بین‌المللی کار، آزار جنسی را نوعی «رفتار جنسی که برای مخاطب، ناخوشایند و آزاردهنده باشد» تعریف می‌کند. این رفتار می‌تواند به یکی از اشکال ذیل باشد:

- **فیزیکی:** خشونت، لمس، نزدیکشدن بی‌دلیل و غیر ضروری.
- **شفاهی:** اظهارنظر یا پرسش هائی درباره ظاهر، سبک زندگی، گرایش جنسی، تماس‌های تلفنی آزاردهنده.
- **غیرشفاهی:** سوتزدن، رفتار هایی که نشانگر تمایل به برقراری رابطه جنسی است، نمایش اشیاء مربوط به سکس.

سازمان بین‌المللی کار همچنین دو نوع آزار را به رسمیت می‌شناسد:

ایجاد شرایط کاری دشمنانه: رفتار فرد مرتكب آزار جنسی، موجب ار عاب یا تحفیر قربانی شود.

پاداش مشروط: کارفرما شرایط اشتغال دائمی یا امتیازهای شغلی، مانند افزایش حقوق در ازای تسلیم‌شدن قربانی در مقابل انواع مشخصی از رفتار جنسی را فراهم می‌کند.

منبع: آزار جنسی در محل کار

<http://ilo.org/wcmsp5/groups/public>

روز بعد، پس از یک شب بی‌خوابی،
ثکُّـکـان در حالی که در اتاق کارین را
می‌زند، می‌گوید «یادداشت من را دیدید؟
می‌توانم با شما صحبت کنم؟ خواهش
می‌کنم...» او رفتار الکسی را با جزئیات
شرح می‌دهد و حرفهایش را کلمه به کلمه
به یاد می‌آورد.

خشحالم که پیش من آمدی ثکُّـکـان. مطمئن باش که هر حرفی که به زده ای محترمانه باقی می‌ماند مگر اینکه به من اجازه بدھی با دیگران در میان بگذارم. راستش در جلسه آن روز، متوجه شدم که دستش را روی شانه ات گذاشته بود...

ثکُّـکـان با گریه حرف کارین را قطع می‌کند: «اجازه در میان گذاشتن چیزهایی که گفتم با چه کسی؟ چرا؟ فکر می‌کنید باید چه کار کنم؟ حرف من را باور می‌کنید، مگر نه؟ اگر به مورات بگوییم چه اتفاقی افتاده او حرف من را باور نمی‌کند. الکسی و مورات با هم دوستند. گذشته از این، الکسی اصلاً فکر نمی‌کند که کارش اشتباه بوده. به دروغ خواهد گفت من بودم که اولین قدم را برداشتم. اخراج می‌کند.»

«لطفاً به خودت مسلط باش ثکُّـکـان. داری می‌لرزی.». کارین جعبه دستمال‌کاغذی را به او می‌دهد. «من حرفت را باور می‌کنم. باید بینیم چه گزینه‌هایی داری. ما در این دفتر قواعدی داریم و قانونی هم هست. الکسی ممکن است فکر کند که از قوانینی که بقیه ملزم به پیروی هستند معاف است ولی متسفانه اشتباه می‌کند.» ثکُّـکـان از اینکه کارین به شرح او از رفتار الکسی مظنون نیست، خیالش راحت می‌شود. «پس پیشنهاد شما چیست؟ اینکه استغفا بدhem و دیگر هیچ وقت الکسی را نبینیم؟»

«نه، این گزینه پیشنهادی من نیست. اول می‌خواهم که گزارشی از رفتار الکسی همان‌طور که برای من تعریف کردی تهیه کنی. نوشتن آن به من در فهم واقعیت کمک می‌کند ضمن اینکه نوشتن ماجرا شاید بتواند به تو هم کمک روانی بکند. بعد باید تصمیم بگیری که چه طور می‌خواهی این مساله را دنبال کنی. باید این یادداشت را به من تحویل بدھی که مهر و موم شده و برای استناد در آینده حفظش کنم. اگر الکسی تو یا کارمند دیگری را دوباره آزار بدهد، این یادداشت کمک می‌کند که سابقه سوء‌رفتار علیه او تشکیل شود.

یا اینکه می‌توانی فراتر از این هم بروی و یک شکایت‌نامه رسمی تنظیم کنی که به معنای درگیر کردن مورات در ماجراست. در آن صورت مجبور است اجازه انجام هر گونه بازرسی را بدهد. الکسی هم حق دفاع از خودش را دارد.»

ُثکُثکانبا دقت به حرف‌های کارین گوش می‌کند. «می‌توانم یکی دو روز وقت داشته باشم که تصمیم بگیرم چه کار باید بکنم؟» صدایش از ناراحتی می‌لرزد. «و الکسی چطور؟ آیا باید هنوز به کار تحت نظر او ادامه بدهم؟ لطفاً بگویید که مجبور نیستم.»

کارین سعی می‌کند تکتکان را مطمئن کند: «بگذار ببینم در مورد اینکه تو را حداقل برای مدت کوتاهی به تیم دیگری انتقال بدهم چه کار می‌توانم بکنم. الان از تو می‌خواهم که آن یادداشت را بنویسی و من از اینکه الکسی به اندازه کافی سرش شلوغ باشد و کاری به کارت نداشته باشد اطمینان حاصل می‌کنم تا اینکه درباره مرحله بعد تصمیم بگیری. فقط یادت باشد که هر تصمیمی بگیری پیامدهایی خواهد داشت که نمی‌توانیم از حالا پیش‌بینی کنیم.»

پرسش هایی برای بحث گروهی (حدود ۱ ساعت و ۱۵ دقیقه)

تعامل میان تکتکان و الکسی (حدود ۲۰ دقیقه)

- آیا رفتار الکسی در برابر ُثکُثکان خشنوت‌آمیز است؟ چرا بله و چرا نه؟
- آیا الکسی حقوق انسانی ُثکُثکان را نقض می‌کند؟ اگر چنین است کدام حقوق ُثکُثکان را نقض کرده است؟
- آیا ُثکُثکان پاسخ درخور و مناسبی به رفتار الکسی می‌دهد؟ او برای بهتر یا بدتر کردن وضعیت چه کاری انجام می‌دهد؟
- آیا ُثکُثکان گزینه دیگری برای واکنش به این وضعیت دارد؟ اگر چنین است، این گزینه‌ها کدام‌ها هستند؟ اگر نه، چرا؟

تعامل میان ُثکُثکان و کارین (حدود ۳۰ دقیقه)

- مسئولیت کارین به عنوان مدیر منابع انسانی در مقابل اعضای شرکت به طور کل و در مقابل ُثکُثکان به طور خاص چیست؟
- کارین در رابطه‌اش با ُثکُثکان چه کاری را درست یا غلط انجام می‌دهد؟
- آیا کارین حقوق الکسی را در حالی که با ُثکُثکان صحبت می‌کند به قدر کافی در نظر می‌گیرد؟
- فکر می‌کنید این واقعیت که کارین یک زن است به او در مواجهه با مشکل ُثکُثکان کمک می‌کند؟ چرا بله و چرا خیر؟

- آیا به نظر شما کارین باید رویه و سیاست عدمدار^{۱۳} با آزار جنسی را در مقابل کلیه کارکنان اجرا کند؟ اگر بله، چرا؟ و اگر خیر، چرا؟
- اگر پاسخ شما به پرسش های قبلی مثبت است. فکر می کنید کدامیک از این ملاکها از دیگر گزینه ها موثر تر باشد؟
- برگزاری جلسه کارکنان برای بحث درباره قوانین شرکت و یا قوانین کشور علیه آزار جنسی؛
- تهیه اعلامیه ای برای توضیح این قوانین و مقررات؛
- درخواست از کلیه اعضا برای گذراندن دوره ای آموزشی درباره پیشگیری از آزار جنسی؛ یا لطفا پیشنهادهای خود را بنویسید.

برای تفکر بیشتر (حدود ۲۵ دقیقه)

- اگر کارفرمای شما صریحاً قوانین ممنوعیت آزار جنسی را مشخص کرده است، مجازات در نظر گرفته شده برای سوءرفتار و تخطی از این قوانین چیست؟ آیا این قوانین به طور موثری اعمال می شوند؟ چرا بله و چرا نه؟
- اگر کارفرمای شما چنین قوانینی تهیه نکرده است، فکر می کنید علت آن چیست؟ آیا فکر می کنید باید این قوانین را در یک رهنمود استخدام، بولتن، در جلسه ها و یا از هر طریق دیگری بیان کند؟ چرا بله و چرا نه؟
- شما برای مقاعده کردن کارفرمای خودتان در تنظیم و انتشار قوانین علیه آزار جنسی چه اقدامی انجام می دهید؟
- اگر کارفرمای شما نیازی به بیان چنین قوانینی احساس نکند، شما چه ایرادی به این تصمیم وارد می بینید؟

تمرین های یادگیری

(حدود ۲ ساعت و ۱۵ دقیقه)

تمرین ۱- تعریف آزار جنسی در محل کار- رفتار، مکان، رابطه (حدود ۴۵ دقیقه)

- ۱- از شرکت کنندگان کارگاه بخواهید که به مدت ۱۵ دقیقه به سه گروه کوچک تقسیم شوند و آزار جنسی در محل کار را تعریف کنند. از هر گروه بخواهید که یک سخنگو انتخاب کند تا به کل کارگاه گزارش بدهد.
- ۲- به هر گروه یکی از سه عاملی که می توانند معرف آزار جنسی باشد را واگذار کنید و از آن ها بخواهید که در مباحثه شان به پرسش های زیر بپردازند:

● گروه الف- رفتار

^{۱۳}. توضیح مترجم: سیاست کیفری «عدم مدار» (No-Tolerance): سیاست کیفری که به موجب آن تخلف از قانون، مستوجب إعمال مجازات های انعطاف ناپذیر است، بدین معنا که مقامات تصمیمگیرنده از تفسیر مفاد قانون بر اساس شرایط وقوع جرم، مشخصات مجرم یا درنظر گرفتن هرگونه امکان برای تغییر مجازات ممنوع اند.

بعضی رفتارها آسان‌تر از رفتارهای دیگر به عنوان آزار جنسی شناخته می‌شوند. برای مثال آیا شما می‌توانید بین تحسین و تمجید، و اظهارنظر ناشایست تفکیکی قائل شوید؟ آیا نظرهایی که در پی می‌آید آزار جنسی محسوب می‌شود؟ چرا بله و چرا نه؟

- «مدل جدید موهایت را دوست دارم. باعث شده‌جان‌تر به نظر برسی.»
- «مدل جدید موهایت در عین این که باعث شده خیلی جوان به نظر برسی، زنانه‌تر و نرم‌تر هم کرده است.»

• گروه ب - رابطه

آیا رابطه میان مرتكب آزار و قربانی در تعریف مفهوم آزار جنسی تاثیری دارد؟ آیا رفتار ناشایست حتماً باید از طرف مافوق یا مقام بلندمرتبه دیگری باشد؟ اگر یکی از همکاران همت‌تبه، مشتری یا رئیس خدمات شرکت علیه فرد مرتكب چنین عملی شده باشد چطور؟ یا از سوی استاد نسبت به دانشجو؟

• گروه ج - مکان

آیا مکان وقوع عمل ناشایست در تعریف این نوع از آزار جنسی تاثیری دارد؟ آیا این عمل باید لزوماً در محل کار صورت بگیرد؟ اگر این عمل در یک موقعیت اجتماعی اتفاق بیفت چطور؟ برای مثال، در یک گردش‌مایی ناهار یا شام یا در خانه یک همکار؟

۳- اعضای گروه را دوباره گرد هم جمع کنید و از هر سخنگو بخواهید که پاسخ‌های گروهش به این پرسش‌ها را با کل شرکت‌کنندگان در میان بگذارد و موافقت‌ها و مخالفت‌های میان اعضای گروه را برشمارد.

پیشنهاد به تسهیلگر: از یک تخته سیاه برای نوشتن پاسخ اعضای گروه به پرسش‌ها و تعریف آن‌ها از آزار جنسی در محل کار و برجسته‌کردن شباهت‌ها و تفاوت‌ها میان اعضای گروه استفاده کنید.

۴- بر اساس پاسخ هر گروه به این پرسش‌ها از شرکت‌کنندگان بخواهید که بر سر تعریفی از آزار جنسی در محل کار که شامل این سه عنصر باشد به توافق برسند: نوع رفتار، رابطه بین دو فرد و محلی که این اتفاق افتاده است. به شرکت‌کنندگان آموزش دهید که تعریف‌شان را در چهار جمله خلاصه کنند.

تمرین ۲ - طراحی یک نشانه ضد آزار جنسی برای محل کار (حدود ۴۵ دقیقه)

پیشنهاد برای تسهیلگر: اگر تخته و ماژیک رنگی در دسترس دارید یا اگر کامپیوتر مجهز به نرم‌افزارهای گرافیکی دارید از شرکت‌کنندگان کارگاه بخواهید که از این ابزار برای طراحی نشانه‌هایشان استفاده کنند.

۱- طرح «خیابان خودرا علامت‌گذاری کنید» که توسط پروژه «صدای خاموش» اجرا شده را به شرکت‌کنندگان کارگاه یادآوری کنید. به صفحه ۷۰ برگردید تا نمونه‌هایی از این نشانه‌ها را که برای کمپین ۲۰۰۹ طراحی شده‌اند بازبینی کنید.

۲- حالا تصور کنید که یک کارفرما- مثلا یک درمانگاه (یا بخش خاصی از بیمارستان) - از شرکتکنندگان خواسته است که نشانهای در جهت تقویت سیاست عدم مدارا با آزار جنسی در محل کار طراحی کنند.

۳- یک داوطلب انتخاب کنید تا نظر شرکتکنندگان در مورد شیوه طراحی نشانه‌ها را جمع‌آوری کند.

پیشنهاد به تسهیلگر: به شرکتکنندگان خصوصا اگر در جریان طراحی به مشکلی برخورده‌اند، با طرح پرسش‌هایی آن‌ها را یاری دهید. به عنوان نمونه:

- آیا در نشانه باید از گرافیک و کلمه هم استفاده شود؟
- یا اینکه نشانه فقط باید یکی از این دو را داشته باشد؟
- اگر نشانه فقط از کلمات استفاده کند، چه باید بگوید؟
- نشانه باید چه رنگی داشته باشد؟ چه اندازه و چه شکلی باید داشته باشد؟

۴- وقتی که داوطلب، طراحی نشانه را تکمیل کرد، از شرکتکنندگان کارگاه بخواهید درباره اینکه آیا نشانه طراحی شده گروه‌شان مطالبات کارفرما را برآورده می‌کند یا نه با هم بحث کنند. به این معنی که آیا این نشانه، ویژگی‌های درمانگاه (یا بخش بیمارستان) که برایش طراحی شده را دارد؟ اگر نیست، چرا؟ و این نشانه را چگونه باید اصلاح و بازبینی کرد تا مطالبات کارفرما را تأمین کند.

تمرین ۳- بازیگری: تنبیه یا تربیت فردی که مرتكب آزار جنسی می‌شود (حدود ۴۵ دقیقه)

۱- سه داوطلب از بین شرکتکنندگان کارگاه انتخاب کنید تا تعامل میان ٹکنیکان و الکسی، و ٹکنیکان و کارین را بازی کنند.

۲- وقتی که داوطلبان بازی در نمایش را تمام کردند، از آن‌ها بخواهید که تصور کنند ٹکنیکان به رئیس منابع انسانی اجازه داده که با الکسی درباره رفتارش صحبت کند. از شرکتکنندگان بخواهید که حدود در ۱۵ دقیقه توضیح بدنهند درباره رابطه میان کارین و الکسی چه نظری دارند.

۳- با کارگردانی شرکتکنندگان، از داوطلبان بخواهید که مکالمه کارین و الکسی را بازی کنند. چون متن مکتوبی برای این مکالمه وجود ندارد، داوطلبان باید بداهه‌گویی کنند.

۴- بعد از اینکه داوطلبان مکالمه الکسی و کارین را بازی کردند، از شرکتکنندگان کارگاه بخواهید موارد زیر را هم در نظر بگیرند که...

• آیا صحبت‌های کارین، منعکس‌کننده خواسته‌های ٹکنیکان - اصلاح وضعیت و امکان ایفای وظیفه در محیطی امن و کاملا حرفة‌ای - بوده است؟

• آیا کارین با انصاف درباره الکسی برخورد کرده است؟

• تاکید کارین باید بیشتر بر کدام‌یک از موارد زیر باشد؟

الف: تنبیه الکسی به خاطر آزار جنسی؛

ب: آموزش دادن به او درباره اینکه چرا و چگونه باید رفتارش را تغییر دهد؛

ج: ترکیبی از مجازات و آموزش راجع به رفتار او.

جلسه ۱۰:

تعریف و تجاوز جنسی (جلسه کارگاه، حدود ۳ ساعت و ۳۰ دقیقه)

یولین از میان جمع کوچکی که در گوشه میدان شهر چادر نشین‌ها - شامپدومار - جمع شده‌اند به سختی عبور می‌کند و در حالی که صدایش می‌لرزد، می‌گوید: «من یولین لوکلر هستم. از اینکه به من اجازه دادید صحبت کنم ممنونم. من به جلسه‌ها هفتگی محله شما نمی‌آیم چون وقت چندانی ندارم. من از مادربزرگ‌ام و خواهرزاده‌ام که مادرش را در زلزله از دست داده^{۱۴} نگهداری می‌کنم. در درمانگاه محلی کار می‌کنم. می‌خواهم زندگی‌ام را دوباره بسازم، میل چندانی به شرکت در جلسه‌ها ندارم. ولی نمی‌توانم ساكت بمانم. هفته گذشته یک شب، دو مرد نقابدار از طریق سوراخی که در بدن چادر ما ایجاد شده بودند به داخل چادر خزیدند. وقتی از خواب پریدم که داشتند کلاریس کوچک را از چادربیرون می‌بردند. آنها ما را تهدید به قتل کردند ولی من نمی‌توانستم خواهرزاده‌ام را به آنها تسلیم کنم. وقتی که یکی از مردان داشت لباس‌های کلاریس را پاره می‌کرد، چاقو را برداشت و دیوانهوار فریاد زدم «با چاقو می‌درمتان». گمانم ترسیدند که فرار کردند. فکر می‌کنم حسابی شانس آور دیم، می‌توانست اتفاق و حشتناکی بیفتد.»

یولین صدای موافقت چند زن با حرف‌هایش را می‌شنود: «دخترک شانس آور ده که بلایی سرش نیامده»، «آره... واقعاً شانس آور ده...». یولین قصد دارد تاثیر این حمله بر وضعیت خانواده‌اش را توضیح بدهد که زن مسن‌تری قدم جلو می‌گذارد و می‌گوید، «خانم لوکلر، شما گفتید که در درمانگاه کار می‌کنید. آیا از قربانیان حملاتی مثل این اتفاق، نگهداری می‌کنید؟ کسی در درمانگاه شما آماری از تعداد زنان اهل

شامپدومار که از زمان زلزله تا حالا به آنها تجاوز شده در دست دارد؟»

قبل از اینکه یولین به سوال زن پاسخ بدهد، صدای مردی بحث را قطع می‌کند: «امکان دارد خودم را معرفی کنم؟ من جانجاك توسينت هستم. وکيل هستم و با نمایندگانی از گروه زنان به اينجا آمدام تا درباره خشونت جنسی به عنوان امری فراگیر صحبت کنم. گزارش خانم یولنیک بار دیگر به ما يادآوری می‌کند که باید صدایمان را در اعتراض به این معضل بلندتر کنیم تا مقاماتی که رئیس اجرای قانون هستند متوجه شوند که لازم است از این حملات جلوگیری و مجرمان را دستگیر کنند.»

زن مسن با سوءظن به وکیل نگاه می‌کند: «آقای توسينت، اسم من لوردس اوچان است. من ده‌ها سال با سازمان‌های زنان همکاری کرده‌ام، چرا فکر می‌کنید که مقاماتی که اجرای قانون را به عهده دارند می‌توانند یا می‌خواهند کسی را بازداشت کنند؟ سیاستمداران از پایتحت گرفته تا کوچکترین روستاهای فاسد هستند! فایده اعتراض چیست؟»

۱۴. در ۱۲ ژانویه ۲۰۱۰ یک زلزله ۷ ریشتری هائیتی را لرزاند. نرخ مرگ و میر بر اثر این زلزله ۲۲۵ هزار نفر تخمین زده شد. در حالی که بیش از ۲۰,۱ میلیون نفر بی‌خانمان شدند، بیشتر افراد هنوز در شهرهای چادری زندگی می‌کند.

منبع: Daniell, James. CATDAT Damaging Earthquakes Database ۲۰۱۰—The Year in Review. Karlsruhe, Germany: CATDAT, Integrated Historical Global Catastrophe Database, and CEDIM (Center for Disaster Management and Risk Reduction Technology), ۲۰۱۱.

آیا می‌دانستید که...؟

تجاوز در هائیتی تا سال ۲۰۰۵ «جرائم ضد اخلاقی» بود. در این سال «فرمان اجرایی ۶۰» این جرم را در فهرست «جرائم علیه فرد» طبقبندی و برایش مجازات ده سال حبس تعیین کرد. این مجازات در صورتی که قربانی تجاوز کمتر از ۱۶ سال سن داشته باشد تشدید می‌شود. البته در عمل، مجازات ملایمتر اعمال می‌شود و ممکن است برای مرتكب جرم پرداخت جریمه بهائی سنگین نباشد.

منبع :

Government of Haiti. Le décret modifiant le régime des agressions sexuelles et éliminant en la matière les discriminations contre la femme [Decree changing the regulation of sexual aggressions and eliminating forms of discrimination against women]. Decree No. ۶۰ of August ۱۱, ۲۰۰۵. Journal Officiel de la République d’Haiti. August ۱۱, ۲۰۰۵.

قربانیان تجاوز گرفتار آسیب‌های حاد روانی و اضطراب مزمن و در نتیجه مشکلات زیر می‌شوند:

- مشکل در تمرکز به دلیل اضطراب شدید
- اختلال در تغذیه و الگوی خواب
- یادآوری مکرر تجاوز
- ناتوانی در به یاد آوردن برخی از مراحل تجاوز
- نفرت از محل وقوع تجاوز و از زندگی اجتماعی، و گستاخی روانی (احساس بیگانگی و جدایی از دنیا) حدود نیمی از قربانیان، تا مدت‌ها پس از تجاوز از نشانه‌های بیماری رنج می‌برند که به «اختلال عصبی پس از سانحه» مبدل می‌شود.

منبع :

Bryant, Richard A.; Sackville, Tanya; Dang, Suzanne T.; Moulds, Michelle; and Guthrie, Rachel. "Treating Acute Stress Disorder: An Evaluation of Cognitive Behavior Therapy and Supportive Counseling Techniques." *The American Journal of Psychiatry*. Vol. ۱۵۶, No. ۱۱, November ۱۹۹۹.

«من با کانون بین المللی وکلا همکاری می‌کنم، و با اعضای سازمان‌های غیردولتی مثل KOFAVIV و SOFA هم همکاری دارم.^{۱۵} آقای توسینت تایید می‌کند که «زندگی در این شهر چادرنشین ناالمیدکننده است، اما ما نمی‌توانیم از تامین امنیت در این ویرانه دست بکشیم. کانون وکلا می‌تواند پلیس را وادار به بازداشت مظنونین کند مشروط بر آن که شما ساكت نمانید...»

یولین حرف او را قطع می‌کند: «من فقط صدایم را بلند کردم تا به بقیه زنان هشدار بدhem که با چه خطراتی مواجهند، و الا به هیچ‌وجه فکر نمی‌کنم پلیس بتواند کمکی بکند. مهاجمان روبنده داشتند. حتی اگر پلیس فاسد و ناکارآمد نبود نمی‌توانست آدم‌های غیرقابل‌شناسایی را دستگیر کند. قدم پیش گذاشتن سخت است. شرمساری ماجرا برای قربانی است. هر کسی که جان به در برده باید راهی برای آرامکردن خودش پیدا کند، آقای توسینت. چه تجاوز را گزارش بدهد چه ندهد.»

وکیل مصمم است که منظورش را برساند: «اجازه دهید توضیح بدhem که کانون بین المللی وکلا در ائتلاف با این سازمان‌های زنان چه کارهایی انجام می‌دهد. وقتی شما حمله‌ای را گزارش می‌دهید، ما این مورد را با جزئیات ثبت می‌کنیم. به قربانیان کمک می‌کنیم که مدارک پزشکی لازم برای اثبات تجاوز را به دست بیاورند و روند حقوقی موضوع را آغاز کنند.^{۱۶} ما با سیاستمداران و^{۱۷} MINUSTAH برای فراهمکردن روشنایی بیشتر در کمپ‌ها، افزایش حضور گشتهای امنیت سازمان ملل و پلیس‌های آموزش‌دیده اهل هائیتی رایزنی می‌کنیم. من نمی‌توانم تضمین کنم که اعتراض شما منجر به محکمه و مجازات عاملان تجاوز خواهد شد اما کانون ما در حال حاضر نماینده ۵۰ قربانی است؛ ده پرونده در حال

^{۱۵}. Bureau des Avocats Internationaux (BAI) در منطقه پورت-ا-پرنس شعبه نهادی است به نام «موسسه عدالت و دموکراسی در هائیتی» که در بوسنون (ماساجوست) واقع شده است. از سال ۱۹۹۵، این موسسه از طریق تلفیق اهکارهای حقوقی و تقویت سازمان‌های مربوط به امور قربانیان و حمایت از آنان در میان مردم و در سطح بین‌المللی، به دنبال برقراری عدالت در میان جمعیت فقیر هائیتی بوده است. KOFAVIV که مخفف «کمیسیون زنان قربانی برای زنان قربانی» است توسط زنانی که در طول دوره دیکتاتوری نظامی در سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۹۴ مورد تجاوز قرار گرفته بودند راهاندازی شده و هدف آن ارائه خدمات پزشکی، وکالت تسخیری یا مشاوره به کسانی است که مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند. SOFA یا «همبستگی با زنان هائیتی» در سال ۱۹۹۹ تأسیس شد تا روى چهار مساله کار کند که یکی از آن‌ها حذف خشونت جنسیت محور است. برای اطلاعات بیشتر درباره این سازمان‌ها به وبسایت آن‌ها مراجعه کنید: اطلاعات بیشتر درباره این سازمان رجوع کنید به: <http://www.oxfamsol.be/fr/Solidarite-Fanm-Ayisyen-SOFA.html>

^{۱۶}. قربانیان باید «گواهی پزشکی تجاوز جنسی» را طی ۷۲ ساعت پس از وقوع تعرض جنسی از یک پزشک بگیرند تا به عنوان مدرکی برای اجرای قانون توسط مقامات قانونی استفاده ششده و رسیدگی به تجاوز بر اساس آن آغاز شود.

^{۱۷}. هیئت نمایندگی سازمان ملل که برای بازگرداندن ثبات به هائیتی تشکیل شده است. هدف این هیئت که توسط شورای امنیت سازمان ملل در سال ۲۰۰۴ تأسیس شده، حمایت از دولت انتقالی در هائیتی برای اعاده‌مقررات و نظم عمومی است. از آنجایی که شرایط در هائیتی تغییر کرده است، شورای امنیت فرمان این هیئت را اصلاح کرده است. از زمان زلزله سال ۲۰۱۰، گروه‌های امداد در جهت احیای منطقه و بازسازی وضعیت افراد بی‌خانمان کمکرسانی کرده‌اند. برای جزئیات بیشتر، نگاه کنید به: <http://www.un.org/en/peacekeeping/missions/minustah/mmandate.shtml>

پیشرفت در مراحل نظام حقوقی هستند، محاکمه‌ها در حال انجام هستند و بسیاری از مظنونین بازداشت شده‌اند. باقی پرونده‌ها را هم پیش برده‌ایم. شاهدیم که علیرغم وجود معضلات فراوان، باز هم تحقق عدالت ممکن است. پس تمام سعی‌مان را می‌کنیم.»

یولن با دقت به آقای توسینت گوش می‌دهد، اما چشمان اشکبار خانم اوچان درد و رنج‌اش را فاش می‌کنند: «مرد جوان، تو نمی‌توانی بفهمی برای یک پیرزن مغدور چقدر رنج‌آور است که توسط یک افسر پلیس در مورد تجاوز سین‌جیم شود. آنها طوری رفتار می‌کردند که گویی من مجرم هستم، ولی خودم را وادار به این کار کردم به این امید که همه‌جا را برای پیداکردن متجاوز زیر و رو کنند. ولی از آن موقع تا به حال خبری از آنها به دستم نرسیده...»

آقای توسینت که تحت تاثیر صراحةً کلام زن قرار گرفته می‌گوید: «خانم اوچان، من شجاعت شما را به خاطر به اشتراک گذاشتن اتفاق تلخی که برایتان رخ داده ستایش می‌کنم. شما حق دارید، من هرگز نمی‌توانم بفهم بر شما چه گذشته است، ولی این شرایط مرا وادار می‌کند که با تمام قوا به تلاشم ادامه دهم. شش ماه پیش، مادر خود من مورد تجاوز قرار گرفت و به خاطر مقاومتش در مقابل متجاوزین کشته شد. از وقتی من و خواهرم به رئیسین امر مراجعه کرده‌ایم، شب و روز با تهدید زندگی می‌کنیم. همیشه باید مراقب باشم و احتیاط کنم اما مانند شما هنوز ایستادهام و هر جا و هر زمان کسی حاضر به شنیدن باشد، حرف‌هایم را می‌زنم.»

پرسش هائی برای بحث گروهی (حدود یک ساعت) واکنش یولن به مهاجمان

- کدام حقوق انسانی کلاریس توسط مهاجمان نقض شده است؟ آیا حقوق انسانی یولن و مادر بزرگش هم نقض شده است؟ اگر بله، چطور چنین اتفاقی افتاده است؟ اگر خیر، چرا؟
- کدام رفتار یولن در مقابل مهاجمان درست یا غلط بوده است؟ آیا تهدید آنان با چاقو کار عاقلانه‌ای است؟ چرا بله و چرا خیر؟
- آیا او گزینه دیگری برای دفاع از خانواده‌اش خصوصاً خواهرزاده‌اش داشته است؟ اگر بله، چه راه‌هایی؟ اگر خیر، چرا؟
- با توجه به اینکه مهاجمان روبنده داشته‌اند آیا یولن می‌تواند از طریق دیگری مشخصات آنها را به پلیس ارائه دهد؟ اگر بله، از چه راهی؟ اگر خیر، چرا؟

ارتباط آقای توسینت با یولن و خانم اوچان (حدود ۲۰ دقیقه)

- رویکرد آقای توسینت به این جلسه را چطور ارزیابی می‌کنید؟ آیا صحبت‌های او در مورد لزوم اعتراض زنان به وقوع تجاوز‌های جنسی، افناع‌کننده است؟ چرا بله و چرا خیر؟
- به نظر شما، آیا او به قدر کافی راجع به نحوه و شیوه همکاری‌خودش و کانون بین‌المللی وکلا با

سازمان های زنان توضیح می دهد؟

- آیا شما با نظر آقای توسيينت راجع به توانايي اش در درك شرایط زنان قرباني تجاوز، موافق هستيد؟
- چرا بله و چرا خير؟ آیا ممکن است جنسیت او در این زمینه عملا موثر باشد و به او کمک کند؟
- آیا شما با این حرف يولن که : «هر کسی که جان به در برده باید راهی برای آرامکردن خودش پیدا کند، چه تجاوز را گزارش بدهد چه ندهد»، موافق هستید؟ چرا بله و چرا خير؟
- به نظر شما آیا بدیني خانم اوچان به نیروهای پلیس توجیهشدنی است؟ چرا بله و چرا خير؟ آیا برخورد تند او با وکیل صحیح است؟ چرا بله و چرا خير؟
- تجاوز و قتل مادر آقای توسيينت چطور می تواند بر کار او تاثیر بگذارد و به او انگیزه فعالیت بدهد؟
- این اتفاق، چگونه می تواند بر کار اثر منفی بگذارد؟

برای تفکر بیشتر (حدود ۲۵ دقیقه)

- زلزله سال ۲۰۱۰ در هائیتی چگونه زنان و دختران را در برابر تجاوز آسیب‌پذیر کرد؟ آیا بلايای طبیعی لزوما منجر به آسیب‌پذیری زنان می شوند؟ چرا بله و چرا خير؟
- چه شرایط ديگري احتمال تجاوز را بالا مي برد و وجه مشترك اين شرایط با يكديگر چيست؟
- آيا نحوه پوشش يا رفتار زن می تواند مردى را به تجاوز تحريك کند؟ چرا بله و چرا خير؟
- چه عواملی می توانند بر تضمیمگیری زنی که در چادری در هائیتی زندگی می کند تاثیرگذار باشد و باعث شود مایل به گزارش وقوع تجاوز باشد يا نباشد؟ به طور کلی چه عواملی در میزان استقبال زنان از گزارش تجاوز موثر است؟
- کشور ما تجاوز را به لحاظ حقوقی چگونه تعریف می کند؟ آیا این تعریف منجر به توقف تجاوز می شود يا تداوم آن؟ نظام حقوقی ما افرادی را که مرتکب تجاوز می شوند چگونه مجازات می کند؟ آیا این مجازات، متناسب با جرم است؟ چرا بله و چرا خير؟

تمرین های يادگیری (حدود ۲ ساعت و ۳۰ دقیقه)

تمرین ۱: تعریف تجاوز در قانون کیفری (حدود ۴۵ دقیقه)

۱- از شرکتکنندگان بخواهید برای تنظیم قانون کیفری جدیدی، تجاوز را تعریف کنند.

پیشنهاد برای تسهیلگر: تأکید بر ماهیت تکان دهنده پرسش هائی که در مرحله دوم مطرح شده‌اند، به خصوص پرسش هائی که در مورد جزء اول «رفتار» است، می‌تواند به کاهش ناراحتی و بی‌میلی شرکتکنندگان در توضیح رفتاری که می‌توان عنوان تجاوز بزر آن نهاد، کمک کند.

ثبت پاسخ شرکتکنندگان به پرسش هائی بر روی یک تخته سیاه یا برگ کاغذ

می‌تواند مفید باشد.

۲- حالا به شرکت‌کنندگان آموزش دهید که بر سر پاسخ این پرسش‌ها توافق کنند و به پاسخ‌هایشان به عنوان اجزاء سازنده تعریفی که ارائه می‌کنند، بیندیشند. به آن‌ها حدود ۱۰ دقیقه زمان بدهید تا درباره هر کدام از اجزا بحث کنند.

• جزء الف - رفتار

چه رفتاری تجاوز تلقی می‌شود؟ آیا تجاوز فقط به معنای ارتباط جنسی اجباری فرد مرتکب با قربانی است؟ آیا رفتارهای ویژه دیگری نیز که بتوان آنها را تجاوز تلقی کرد وجود دارند؟

• جزء ب- قربانی و مرتکب

فرد مرتکب چه نوع زور و اجباری را باید اعمال کند تا عمل‌اش به جهت قانونی، تجاوز تشخیص داده شود؟ آیا او باید از نظر جسمی از فرد قربانی قوی‌تر باشد یا صرف تهدید به آسیب بدنی مساوی با اعمال زور و اجبار است؟ آیا فرد قربانی باید مخالفت‌اش را با فرد مقصراً علناً اعلام کرده باشد یا در مقابل او مقاومت کرده باشد تا تجاوز محقق شود؟ آیا سن قربانی یا توانایی‌های روانی و جسمی او اهمیت دارند؟ آیا رابطه جنسی اجباری در چارچوب ازدواج هم تجاوز قلمداد می‌شود؟

• جزء پ- مجازات

مجازات مناسب برای تجاوز چیست؟ آیا مقامات رئیس اجرای قانون باید طیفی از مجازات‌های مختلف داشته باشند و با توجه به نحوه ارتکاب جرم و مشخصات قربانی جرم، حکم خاصی صادر کنند؟ برای مثال، مجازات متجاوز باید سنگین‌تر یا سبک‌تر باشد اگر : فرد متّجاوز از اسلحه استفاده کرده/نکرده باشد؛ آسیب جسمی به قربانی رسانده/نرسانده باشد؛ به کودک حمله کرده/ نکرده باشد. آیا فرد مرتکب تجاوز باید به قربانی، غرامت بپردازد؟ آیا فرد مقصراً می‌تواند بازپروری شده و دوباره به عنوان عضو به جامعه بازگردد؟

۳- حال که شرکت‌کنندگان به این پرسش‌ها پاسخ دادند یک داوطلب انتخاب کنید و به او حدود ۵ دقیقه وقت بدهید تا تعریف حقوقی حاصل از نظرات کل کارگاه از تجاوز را در ۵ تا ۷ جمله و با کnar هم گذاشتند اجزاء مورد بحث، تهیه کند.

۴- زمانی که فرد داوطلب سخنان اش را تمام کرد، با پرسیدن این سوال، درباره تمرین حاضر نتیجه‌گیری کنید: انجام این تمرین برایشان تا چه اندازه دشوار یا آسان بود؟ کدام پرسش‌ها را توانستند یا نتوانستند پاسخ دهند؟ آیا توانستند به توافق برسند؟ چه احساسی حین بحث درباره اجزاء تعریف حقوقی از تجاوز داشتند؟

تمرین ۲: آموزش مردان و پسران برای پیشگیری از تجاوز و تعرض جنسی (حدود ۱ ساعت)

- ۱- از شرکت‌کنندگان کارگاه بخواهید تصور کنند که در جستجوی دریافت بودجه از سازمان‌های مختلف هستند برای برگزاری یک برنامه ۳ هفته‌ای که به مردان یا پسران به منظور پیشگیری از تجاوز و تعرض جنسی آموزش‌های مفیدی ارائه می‌دهد.
- ۲- به شرکت‌کنندگان توضیح دهید که باید چهار تصمیم کلیدی درباره نحوه انجام این کار اتخاذ کنند. آن‌ها را در تصمیماتی که می‌گیرند راهنمایی کنید. میزان زمان را بر اساس آنچه در زیر توضیح داده شد و از گزینه‌های یادشده انتخاب کنید.

پیشنهاد برای تسهیلگر: ثبت تصمیم‌ها و گزینه‌های مربوط بر روی یک تخته سیاه بزرگ یا برگ کاغذ می‌تواند مفید باشد.

- مخاطبان مورد نظر- نقش چه کسی برای ممانعت از تجاوز کلیدی است؟
(پانزده دقیقه)

- پسران رده سنی ۱۲-۹ سال؛
- مردانی که در حیطه‌های شغلی اجرای قانون کار می‌کنند؛
- نوجوانان ۱۷-۱۳ سال؛
- مردان در حرفه‌های مربوط به بهداشت و درمان؛
- مردان بالای ۱۸ سال؛
- پدران پسران؛
- لطفاً گزینه‌های پیشنهادی خودتان را ارائه کنید.

- آموزگار- چه کسی بهترین گزینه برای تدریس به مخاطبان است؟
(۱۵ دقیقه)

- استاد دانشگاه؛
- روحانی یا فرد مؤمن و دیندار؛
- معلم مدرسه؛
- پزشک؛
- قربانی تجاوز؛
- افسر پلیس؛
- مربی تیم ورزشی؛
- لطفاً گزینه‌های پیشنهادی خودتان را ارائه کنید.

• موضوعات: از کدامیک از مفاهیم زیر باید در کارگاه‌ها استفاده کرد؟
(۱۵ دقیقه)

- تعریف مردانگی و مردبودن؛
- تاثیر روانی تجاوز بر فرد قربانی؛
- خطر ابتلای قربانی و مرتکب تجاوز به ایدز و بیماری‌های مقاربی؛
- نیاز به آموزش زنان و دختران در محافظت از خودشان- نحوه هم کاری مردان با آن‌ها؛
- حقوق زنان در چارچوب ازدواج- حق زن بر ردکردن درخواست رابطه جنسی با همسر؛
- پیامدهای قانونی تجاوز برای فرد مرتکب؛
- راه‌های ایجاد اماکن عمومی امن‌تر برای دختران و زنان- از روشنایی بیشتر در خیابان‌ها گرفته تا حضور پرنگتر نیروهای پلیس؛
- معنای حرف‌های زنان- نه گفتن به پیشنهادها اغواگرانه مردان، یک «نه» قاطع است.
- لطفاگرینه‌های پیشنهادی خودتان را ارائه کنید.

چهار تصمیم کلیدی برای شرکت‌کنندگان

• مکان - کارگاه‌ها کجا باید برگزار شوند؟ (۵ دقیقه)

- در منزل مدرس
- در کلاس درس
- در عبادتگاه
- در اردوگاه
- در اتاق کفرانس
- در مکان مجازی، یا یک چت‌روم آنلاین
- لطفاگرینه‌های پیشنهادی خود را ارائه کنید.

۴- پس از توافق شرکت‌کنندگان بر سر مخاطب مورد نظر، مدرس، مباحث و مکان برگزاری برنامه، یک داوطلب را انتخاب کنید تا این تصمیم‌ها را در ۴ تا ۵ کلمه خلاصه کند تا از آن به عنوان معرفی‌نامه در درخواست‌های شفاهی یا کتبی برای دریافت کمک مالی از سازمان‌هایی که برای حذف تجاوز جنسی تلاش می‌کنند، استفاده شود.

تمرین ۳: احتیاط در مقابل «تجاوز توسط فرد غریبه»
(حدود ۴ دقیقه)

۱- از شرکت‌کنندگان کارگاه بپرسید زنان جامعه آنها، بیشتر در معرض خطر تجاوز از سوی غریبه‌ها (حمله‌ای ناگهانی توسط فرد مهاجم) قرار دارند یا تجاوز از سوی آشنایان، خویشاوندان، همسر و غیره.

دلیل این احساس خطر چیست؟ آن‌ها را در بحث‌های گروهی برای حدود ۱۰ دقیقه شرکت دهید.

۲- از شرکت‌کنندگان کارگاه بخواهید که مدت ۱۵ دقیقه برای بحث به سه گروه تقسیم شوند. از هر سخنگو بخواهید که نتیجه بحث را به کل کارگاه گزارش کند.

۳- به گروه‌ها آموزش دهید که لیستی از ۳ تا ۵ راهکار احتمالی تهیه کنند که یک زن برای کاهش خطر تجاوز توسط افراد غریب می‌تواند از آنها استفاده کند؛ راهکارهایی که شرکت‌کنندگان زن، شخصاً از آن استفاده کرده‌اند یا مردان شرکت‌کننده به اعضای مونث خانواده یا دوستانشان پیشنهاد می‌کنند.

پیشنهاد به تسهیلگر: به شرکت‌کنندگان، به خصوص اگر با این تمرین مشکل دارند، از طریق مثال‌هایی از این دست کمک کنید: (۱) اگر شب بیرون هستید، فقط در مناطق روشن شهر راه بروید. (۲) هیچ وقت اگر مرد ناشناسی داخل آسانسور است، سوار نشوید.

از یک تخته سیاه یا برگ کاغذ بزرگ برای نوشتن فهرست گروه‌ها استفاده کنید تا بتوانند پیشنهادها را با هم مقایسه کنند.

۴- شرکت‌کنندگان را دوباره دور هم جمع کنید. از هر پاسخگو بخواهید که در حدود ۵ دقیقه فهرست اقدامات احتیاطی را با دیگران در میان بگذارد.

۵- پس از اینکه کار هر یک از پاسخگویان تمام شد، از کل گروه سوال کنید: آیا انجام هیچ یک از این اقدامات احتیاطی آزادی زنان و استقلال آنان را محدود می‌کند؟ اگر چنین است، آیا صرف‌نظرکردن از بخش کوچکی از آزادی به قیمت کاهش خطر تجاوز توسط غریب می‌ارزد؟ چرا بله و چرا نه؟

جلسه ۱۱:

جرائم ناشی از نفرت‌پردازی علیه زنان هم‌جنس‌گرا / نمونه

(جلسه کارگاه، حدود ۳ ساعت)

«هی! آنجایی؟ چرا اینجا پرسه می‌زنی؟ نمی‌دانی که این محله شب‌ها امن نیست؟»
کاساندر ادر حالی که تلاش می‌کند ترسش را پنهان کند داد می‌زند: «پرسه نمی‌زنم، تنهایم بگذار.»

«شنیدی چی گفتم؟ اینجا جای مناسبی برای یک دختر تنها نیست.» در حالی که مرد جوان قدم جلو می‌گذارد، کاساندرا ناخودآگاه عقب‌عقب می‌رود و از نگاه‌کردن به او خودداری می‌کند. مرد می‌گوید: «ببخشید که ترساندمت. خوبی؟ اسم من ازایا مارکوس است. از نیروهای امداد مرکز روثالیس شهر دیترویت هستم.^{۱۸}»

کاساندرا سرش را می‌چرخاند و اثر بریدگی روی صورتش نمایان می‌شود. «من کاساندرا دوبوا هستم. حالم خوب است.»

ازایا در حالی که یکی از پوسترها تبلیغاتی مرکز روثالیس را به کاساندرا می‌دهد و در جیب‌اش دنبال تلفن همراه‌اش می‌گردد، خطاب به او می‌گوید: «کی این بلا را سرت آورده؟ شاید بتوانم کمک‌ات کنم. بگذار لائق به خانواده‌ات زنگ بزنیم، آنها می‌دانند که چه...»

کاساندرا حرف‌اش را قطع می‌کند: «چی؟ برای آن‌ها مهم نیست. پدرم هفته پیش من را از خانه پرت کرد بیرون وقتی به او گفتم که...»

ازایا حس می‌زند: «که هم‌جنس‌گرا هستی؟»

کاساندرا در حالی که کنجدکاو است بداند اسایاچ‌طور فهمیده او هم‌جنس‌گراست می‌گوید: «وقتی خبر پخش شد، بعضی از پسرهای مدرسه شروع کردند به اذیت و آزار من، بعد از کلاس منتظر می‌مانندند و داد می‌زندند: «تو خیلی خوشگلی، هدرش نده دختر. بہت نشون می‌دیم چی رو داری از دست می‌دی. نشون بده چه کارهای!»

ازایا، کاساندرا را سوال پیچ می‌کند: «آنها بودند که زخمی‌ات کردند؟ چند نفرند؟ اسمشان چیست؟ رئیسین مدرسه می‌دانند که اذیت‌ات می‌کنند؟»

کاساندرا می‌گوید: «من تلاش کردم نادیده بگیرمیشان. دنبال دردرس نمی‌گردم. این اواخر در باشگاه ورزشی مدرسه می‌خوابیدم و هر روز صبح در اتاق تعویض لباس دوش می‌گرفتم. اگر به معلم یا ناظم

۱۸ مرکز روثالیس، واقع در دیترویت میشیگان، به افتخار زنگی فعل اجتماعی «روثالیس» راهاندازی شده است و یکی از چهار سازمانی است که در ایالات متحده آمریکا خود را وقف تلاش برای کمک به زنان و مردان هم‌جنس‌گرا و دوچنین‌گرا او دگر جنسیت‌جویان (trance) کرده است. خدمات این سازمان شامل مرکز مراجعته فوری، برنامه امداد خیابانی و مرکز دسترسی اینترنتی و برنامه‌های گذران موقت زنگی و آسایشگاه اضطراری می‌شود. رجوع کنید به:

<http://www.ruthelliscenter.org>

بگوییم، دیگر جایی ندارم برای گذراندن شب.»

آیا می‌دانستید که...؟

پلیس فدرال آمریکا داده‌هایی راجع به جرایم تهیه می‌کند که واقعیت وجود تبعیض بر اساس نژاد، مذهب، گرایش جنسی یا قومیت را اثبات می‌کند. بر اساس این آمار در سال ۲۰۰۹، میزان جرایم ناشی از نفرت ۷۷۸۹ مورد بوده است که ۱۸,۵ درصد یا ۱۴۳۶ مورد بر اساس گرایش جنسی قربانی بوده است:

۷۹۸ مورد: سوگیری علیه مردان همجنس‌گرا

۲۱۶ مورد: سوگیری علیه زنان همجنس‌گرا

۳۷۶ مورد: سوگیری علیه همجنس‌گرایان بهطور کلی

۲۵ مورد: سوگیری علیه دوجنس‌گرایان

۲۱ مورد: سوگیری علیه دگر جنس‌گرایان

منبع: "Hate Crime Statistics, ۲۰۰۹.

http://www2.fbi.gov/ucr/hc2009/data/table_01.html

تا سال ۲۰۱۰، هفت کشور همجنس‌گرایی را به عنوان جرمی که مستوجب مرگ است تعریف کرده‌اند: ایران، موریتانی، عربستان سعودی، سودان (اکنون فقط شمال سودان)، یمن، ۱۲ ایالت شمالی نیجریه، و جنوب سومالی. کشورهای دیگر مانند افغانستان از سال ۲۰۰۱، مجازات مرگ را از قانون‌شان حذف کرده‌اند ولی نیروهای اجتماعی مرتاج هنوز زنان و مردان همجنس‌گرایان را می‌کشند و مقامات هم چشم به روی این گونه اتفاقات می‌بنند.

منبع:

Ottosson, Daniel. *State-sponsored Homophobia: A world survey of laws prohibiting same sex activity between consenting adults*. Stockholm, Sweden: Södertörn University, for International Lesbian, Gay, Bisexual, Trans and Intersex Association, ۲۰۱۰.

از ایا در حالی که به کبودی‌های تازه گردن کاساندرا نگاه می‌کند، مشتاش را گره می‌کند، و برای چند لحظه تصور می‌کند که درگیری فیزیکی به مزاحمان کاساندرا درس خوبی خواهد داد. با یک نفس عمیق به خودش مسلط می‌شود: «کاساندرا، فکر می‌کنم باید مشکلت را با کسی مطرح کنی. چرا آن‌ها باید آزارت بدند؟ از آنها شکایت می‌کنیم. افسران پلیس دیترویت در برخورد با خشونت علیه همجنس‌گرایان موضع محکمی دارند.».

کاساندرا در حالی که گونه‌اش را لمس می‌کند می‌گوید: «این‌ها از پلیس نمی‌ترسند. بین با من چه کار کردند! امروز بعد از کلاس منتظرم بودند، ولی این دفعه گوشاهای پرتابم کردند. وقتی سعی کردند دامن‌ام را پاره کنند، جیغ کشیدم. ولی یکی از آن‌ها جلوی دهانم را گرفت و یکی دیگر محکم مرا به دیوار کوبید و یک چاقو از جیش درآورد و روی گونه‌ام خراش انداخت و تهدید کرد که «این آخرین شانس‌ات است که هر چه داری نشانمان بدھی والا با این چاقو پاره‌ات می‌کنیم. خراشیدن گونه‌ات فقط برای تمرین بود.» ترسیدم از اینکه بهم تجاوز کنند. نمی‌دانم چطور ولی یک



Ruth Ellis in Detroit in the 1950s,
exact year unknown.



لحظه هلشان دادم و فرار کردم.»

از ایا با تعجب فریاد می‌زند: «این لات‌های بی‌سر و پا می‌خواسته‌اند تو را بترسانند که به پلیس چیزی نگویی!»

کاساندرا با حق‌حق از اسایا تقاضا می‌کند: «می‌دانم که می‌خواهی کمک کنی، ولی خواهش می‌کنم پلیس یا کس دیگری را وارد ماجرا نکن. آن‌ها فقط وضعیت را از چیزی که هست بدتر می‌کنند.»

از ایا اولین باری که با خشونت علیه همجنس‌گرایان مواجه شده بود را به یاد می‌آورد. با یادآوری ضربه روحی که خودش متحمل شده بود، متوجه می‌شود که کاساندرا فعلًا آمادگی مقابله با مزاحمانش را ندارد: «باید. هر طور می‌خواهی با این وضعیت کنار بیا، ولی من نمی‌توانم بدون جا و مکان اینجا ولت کنم. چطور است با من به مرکز روث الیس بیایی؟ می‌توانی آن‌جا را ببینی و تا زمانی که بدانی بعداً می‌خواهی چه کار کنی آنجا بمانی».۱۹

کاساندرا می‌پرسد: «آنچه جور جایی است؟»

«جایی برای کمک به همجنس‌گرایان جوان و بی‌خانمان است، جایی که احساس امنیت کنند. در راهمان به سمت مرکز، برایت درباره روث الیس توضیح می‌دهم.»^{۱۹} اسایا دست‌اش را به سمت کاساندرا دراز می‌کند. کاساندرا که قدری آرامتر شده سرش را به نشان موافقت تکان می‌دهد و دست او را می‌گیرد.

پرسش هائی برای بحث گروهی (حدود ۱ ساعت)

تقابل میان کاساندرا و مردان جوان در مدرسه (حدود ۲۰ دقیقه)

- آیا رفتار مردان جوان در قبال کاساندرا خشونت‌آمیز است؟ چرا بله و چرا نه؟
- آیا آن‌ها حقوق انسانی کاساندرا را نقض می‌کنند؟ اگر بله، کدام حقوق او را نقض کرده‌اند؟ آیا کس دیگری هم حقوق او را نقض می‌کند؟ اگر بله، کدام یک از حقوق او نقض شده است؟
- آیا این مردان مرتكب جرایم مرتبط با نفرت‌پردازی- جرایمی که مبتئی برتبیعیض علیه قومیت، نژاد، دین و هویت جنسیتی یا گرایش جنسی خاصی باشد- شده‌اند؟

۱۹. روث الیس زنی آمریکایی-آفریقایی بود که در سال ۱۸۹۹ در ایالت ایلینوی آمریکا متولد شد و ۱۰۱ سال عمر کرد. او که به عنوان مسن‌ترین زن همجنس‌گرای آمریکایی شناخته می‌شود، در سال ۱۹۳۷ به دیترویت رفت، یک فروشگاه چاپ و نشر راه انداخت و آزادانه با دوست‌دخترش زندگی کرد. خانه آن‌ها زمانی که مکان دیگری در دسترس نبود، محلی برای معاشرت مردان و زنان همجنس‌گرا بود. الیس به عنوان یک فعل اجتماعی علیه نژادپرستی، تبعیض جنسیتی و همجنس‌گرای‌هراسی به نمادی در میان فعالان حقوق مدنی تبدیل شده است. او در سال ۲۰۰۰ درگذشت. برای اطلاعات بیشتر درباره الیس، نگاه کنید به:

Keith Boykin, “Ruth Ellis’ Tale of Two Cities: A Modern Fairy Tale in Black & White,” <http://www.keithboykin.com/author/ruth'.html>; and Yvonne Welbon, “Honoring Our Foremothers, Ruth Ellis: The Oldest ‘Out’ Lesbian Known,” http://www.sistersinthelife.com/ruthellis/ruth_ellis.html

- آیا و اکنش کاساندرا به این مردان مناسب بود؟ چگونه و اکنش او به بهتر یا بدتر شدن وضعیت منجر می شود؟
- آیا او گزینه های بهتری برای برخورد با آن ها دارد؟ اگر بله، این گزینه ها کدامند؟ اگر نه، چرا؟

کمک اسایا به کاساندرا (حدود ۱۵ دقیقه)

- اسایا چه کار صحیح یا غلطی در برخورد با کاساندرا انجام می دهد؟ وظایف اسایا در قبال کاساندرا به عنوان نیروی امداد چیست؟ آیا فکر می کنید او این وظایف را انجام می دهد؟ چرا بله و چرا نه؟
- اسایا برای مدت کوتاهی تصور می کند که «درگیری فیزیکی به مزاحمان کاساندرا درس خوبی خواهد داد». آیا فکر می کنید این گزینه عملی یا مناسبی برای برخورد با خشونت مخالفان همجنس گرایی است؟ چرا بله و چرا خیر؟
- آیا کاساندرا باید به کسی بگوید که مردان جوان با او چه کردند؟ چرا بله و چرا نه؟
- آیا اسایا باید خودش خشونت علیه کاساندرا را به پلیس گزارش دهد یا اینکه باید به درخواست کاساندرا توجه کند؟ پیامدهای خوب و بد هر کدام از این گزینه ها چیست؟
- آیا فکر می کنید همجنس گرایوند اسایا به درک او از وضعیت کاساندرا و به خصوص این درخواست او که نمی خواهد مشکلش را به کسی بگوید کمک می کند؟

برای تفکر بیشتر (حدود ۲۵ دقیقه)

- چگونه بین جرایم مرتبط با نفرت پراکنی و سایر جرایم تفکیک قائل می شوید؟ تفاوت تاثیری که جرایم مرتبط با نفرت پراکنی بر فرد قربانی می گذارند با سایر جرایم چیست؟ مرتكبان جرایم مرتبط با نفرت پراکنی، از چه جهاتی تمایز هستند؟
- آیا کشور ما قانونی برای ممنوعیت آزار فیزیکی و خشونت علیه زنان و مردان همجنس گرا تصویب کرده است؟ اگر مجازات کسی که مرتكب آزار یا خشونت فیزیکی علیه شخصی به خاطر گرایش جنسی یا هویت جنسیتی او شده باشد با مجازات کسی که علیه دیگران مرتكب خشونت شده متفاوت است؟
- اگر کشور ما قانونی در این زمینه تصویب نکرده فکر می کنید دلیل آن چیست؟
- کدام جنبه از فرهنگ، نظام سیاسی و یا شرایط اجتماعی-اقتصادی ما مشوق آزار و خشونت فیزیکی علیه زنان همجنس گراست؟ کدام جنبه ها چنین رفتاری را نفی می کند و یا حتی روابط با جنس موافق را تشویق می کند؟
- از دیدگاه شما، چرا بعضی مردان دگرجنس گرا از روابط همجنس گرایان و خصوصا زنان همجنس گرا ناخشنود هستند یا آن را تهدیدی علیه خود قلمداد می کنند؟

تمرین‌های آموزشی
(حدود ۲ ساعت)

تمرین ۱: آگاهی به هویت جنسیتی زنان و گرایش جنسی- واقعیت‌ها و افسانه‌ها
(حدود ۴۰ دقیقه)

- ۱- هشت جمله‌ای را که در مرحله سوم آمده برای شرکتکنندگان بخوانید.
- ۲- از آنها بپرسید که هر کدام از این جملات واقعیت‌اند یا افسانه. اگر شرکتکنندگان به توافق نرسیدند، تعداد کسانی که به صحت یا خطای گزینه‌ها رای داده‌اند را بشمارید. حدود ۲۰ دقیقه را به این دو مرحله اختصاص دهید.

پیشنهاد برای تسهیلگر: نوشتن جملات و نیز پاسخ‌های شرکتکنندگان به پرسش‌ها بر روی تخته سیاه یا یک برگ کاغذ مفید خواهد بود.

۳- پس از این که شرکتکنندگان درباره اعتبار این جملات تصمیم گرفتند، ۲۰ دقیقه باقی‌مانده را به بحث پیرامون درستی هر کدام از گزینه‌ها و چرایی آن اختصاص دهید:

- هویت جنسیتی یک زن تنها از طریق ساختمان بدنی او و توانایی او در تولید نسل و زایمان تعریف می‌شود.

درست/واقعیت نادرست/افسانه

- جنسیت یک فرد متشکل از رفتاری است که او در تجربه اجتماعی آموخته است، پس نقش‌های جنسیتی زنان می‌تواند بین فرهنگ‌های مختلف و عصرهای مختلف تاریخی متفاوت باشد.

درست/واقعیت نادرست / افسانه

- زنان هم‌جنس‌گرا در همه فرهنگ‌ها وجود دارند، حتی در فرهنگ‌هایی که روابط دو هم‌جنس را منوع می‌کنند.

درست/واقعیت نادرست / افسانه

- هم‌جنس‌گرا بودن زن، یک بیماری روانی است که اگر خانواده بتواند برای او شوهری پیدا کند، درمان می‌شود.

درست/واقعیت نادرست / افسانه

- زنان هم‌جنس‌گرا هیچ‌گاه در جنبش حقوق زنان شرکت نداشته‌اند.

درست/واقعیت نادرست / افسانه

- زنان دگر‌جنس‌گرا لزوماً در امور خانه‌داری بهتر از زنان هم‌جنس‌گرا نیستند.

درست/واقعیت نادرست / افسانه

- زنان هم جنس گرا نمی توانند ناقل ایدز باشند چرا که هیچ یک از رفتارهای جنسی آنها ناقل این ویروس نیست.

درست / واقعیت نادرست / افسانه

- عشق میان دو زن هرگز به عمق عشق میان زن و مرد نیست.

درست / واقعیت نادرست / افسانه

کلید جواب تسهیلگر: نادرست / افسانه، درست / واقعیت، درست / افسانه، نادرست / افسانه، درست / واقعیت،
نادرست / افسانه، نادرست / افسانه

تمرین ۲ : معرفی اصول یوگیاکارتا در کاربرد حقوق بشر بین الملل در رابطه با تمایلات جنسی و هویت جنسیتی (حدود ۴۰ دقیقه)

۱- برای شرکت کنندگان کارگاه پاراگراف زیر را درباره اصول یوگیاکارتا بخوانید:
«کمیسیون بین المللی قصاصات» و کارشناسان مختلف در سال ۲۰۰۶ در یوگیاکارتای اندونزی برای تهیه پیش‌نویس اصولی که به حقوق انسانی زنان و مردان هم جنس گرا، دوجنس گرا، و جنسیت عوض کرده پردازد با یکدیگر دیدار کردند. «اصول یوگیاکارتا درباره اجرای حقوق بشر بین المللی مربوط به گرایش جنسی و هویت جنسیتی» که در شورای حقوق بشر سازمان ملل در سال ۲۰۰۷ به جریان افتاد، فاقد ضمانت اجرایی در حقوق بین الملل است اما شامل تعهداتی برای کشورهای عضو می‌باشد، از جمله گام برداشتن به سوی حفاظت از حقوق انسانی افراد هم جنس گرا، دوجنس گرا و جنس عوض کرده، که پیش از این نیز در اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۸۴ و سایر اسناد بین المللی قانونی به رسمیت شناخته شده است:

- به رسمیت شناخته شدن توسط قانون
- امنیت فردی
- آزادی بیان و آزادی روابط
- جنبش و پناهندگی
- عدم تبعیض در امور مربوط به خانه، تحصیل، اشتغال و بهداشت
- شرکت در خانواده و زندگی فرهنگی
- فعالیت به عنوان مدافع حقوق بشر
- پاسخگویی و جبران

اصول یوگیاکارتا که مورد اتفاق نظر متخصصان حقوق بشر است، وحدت نظر جمعی برای تضمین حقوق افراد با هویت های جنسیتی و تمایلات جنسی مختلف را منعکس می کند. ۲۵ کشور در یوگیاکارتا حاضر بودند: آرژانتین، استرالیا، اتریش، بوتسوانا، برزیل، بلغارستان، کانادا، چین، کاستاریکا، فنلاند، هندوستان، اندونزی، ایرلند، کنیا، مولد اوی، نپال، نیوزیلند، پاکستان، لهستان، صربستان، آفریقای جنوبی،

تاپلند، ترکیه، انگلستان و ایالات متحده آمریکا.
۲- سه داوطلب برای خواندن متنی که از اصول یوگیاکارتا اقتباس شده انتخاب کنید و به کسانی که علاقه‌مند به یافتن اطلاعات بیشتری در این زمینه هستند یادآوری کنید که متن کامل این سند در پیوست هفتم کتاب آمده است.

• اصل ۱، حق بهره‌مندی جهانی از حقوق بشر

• اصل ۵، حق امنیت فردی

• اصل ۱۰، حق ایمن بودن از شکنجه و رفتارها یا مجازات‌های غیرانسانی و تحقیرآمیز

پیشنهاد برای تسهیلگر: نوشتن متن زیر بر روی یک تخته سیاه یا برگ کاغذ می‌تواند مفید باشد. همچنین همان‌طور که در مرحله سوم آمده، تخته سیاه یا برگ کاغذ می‌تواند برای ثبت پیشنهادها درباره معیارهایی که برای پیاده کردن این اصول لازم است، موثر باشد.

بخش‌هایی از اصول یوگیاکارتا...

• اصل ۱، حق بهره‌مندی جهانی از حقوق بشر
همه افراد بشر آزاد و با احترام و حقوق برابر متولد شده‌اند. افراد بشر با هر گونه گرایش جنسی و هویت جنسیتی حق دارند از کلیه حقوق بشری بهره‌مند باشند.

• اصل ۵، حق امنیت فردی
هر کس فارغ از گرایش جنسی یا هویت جنسیتی، حق برخورداری از امنیت فردی و محافظت توسط دولت در مقابل خشونت و آزار تحمیلی توسط مقامات حکومتی یا گروه یا افراد دیگر را دارد.

• اصل ۱۰، حق ایمن بودن از شکنجه و رفتارها یا مجازات‌های غیرانسانی و تحقیرآمیز
هر انسانی حق دارد که از شکنجه و رفتارها یا مجازات‌های غیرانسانی و تحقیرآمیز به خاطر گرایش جنسی یا هویت جنسیتی اش آزاد باشد.

۳- پس از این که داوطلبان خواندن متن را تمام کردند، از شرکت‌کنندگان بخواهید که به تبادل ایده بپردازند و بر سر ۵ معیار توافق کنند، یا تعهداتی را به حکومت‌های محلی یا ملی جهت حمایت از حقوق افراد با گرایش‌های جنسی مختلف پیشنهاد کنند.

تمرین ۳: منوع کردن جرایم مرتبط با نفرت‌پراکنی علیه زنان هم‌جنس‌گرا
(حدود ۴۰ دقیقه)

۱- تصور کنید که شرکت‌کنندگان کارگاه، رئیس تهیه پیش‌نویس قانونی برای جرم‌انگاری خشونت علیه

زنان هم جنس‌گرا شده‌اند. برای انجام این مسئولیت‌آن‌ها باید تصمیم بگیرند که:

- چه نوع رفتاری مساوی با خشونت است؟
- چطور باید زنان هم جنس‌گرا به عنوان گروه هدف خشونت را شناسایی و آنها را از قربانیان «جرائم اتفاقی» متمایز کرد، چه مدارکی برای اثبات اهداف فرد مرتکب موردنیاز است؟
- چگونه باید مرتکب چنین خشونتی را مجازات کرد؟
- چه نوع حمایت‌هایی می‌توان به افراد قربانی خشونت ارائه داد.

۲- شرکت‌کنندگان را به ۴ گروه تقسیم کنید و از هر کدام بخواهید به مدت ۱۰ دقیقه تبادل نظر داشته باشند. از هر گروه بخواهید که یک سخنگو برای گزارش‌دهی به کل کارگاه انتخاب کند.

پیشنهاد برای تسهیل‌گر: ثبت تصمیمات گروه در مرحله سوم بر روی تخته سیاه یا برگ کاغذ می‌تواند مفید باشد. شخص داوطلب هم ممکن است بخواهد جمع‌بندی‌اش را در تعریف کارگاه از قانون جدید علیه جرایم مرتبط با نفرت‌پراکنی که در مرحله چهارم آمده بر روی تخته بنویسد.

۳- شرکت‌کنندگان را دوباره دور هم جمع کنید. از سخنگو بخواهید که تصمیمات گروه‌اش درباره موضوع مورد بحث را در دو جمله خلاصه کند.

۴- هنگامی که همه سخنگویان تصمیم‌های گروه‌شان را با دیگران در میان گذاشتند، یک داوطلب برای ترکیب نظرات با هم درباره شکل رفتار، قربانی موردنظر، مجازات فرد مرتکب و محافظت از قربانی با هدف تنظیم قانون پیشنهادی علیه جرایم مرتبط با نفرت‌پراکنی را انتخاب کنید.

جلسه ۱۲:

روسپی‌گری

(جلسه کارگاه، حدود ۳ ساعت و ۳۰ دقیقه)

شیلا سیمکینز، پنی هال و تارا آدکاک با یک دیگر وجه اشتراک بسیار دارند: آن‌ها هر سه روسپی‌هایی بودند که در آلوودترین خیابان‌های شهر نشویل، مرکز ایالت تنسی، پرسه می‌زدند. هر سه آن‌ها در کودکی، قربانی آزار جنسی بوده و والدین‌شان رهایشان کرده‌اند. به الکل و مواد مخدر روی آورده‌اند تا از خاطراتشان و واقعیت‌های تلخی مانند فقر و آوارگی فرار کنند. چرخه اعتیاد، روسپی‌گری و خشونت آن‌ها را در دام انداخته است. تا زمانی که به مزارع گل‌خار مگالان^{۲۰} رسیدند.

در سال ۱۹۹۷، کثیش کلیسای اسقفی، بکا استیونز، که از ساکنان نشویل و از نجات‌یافته‌گان کودک‌آزاری بود، برنامه‌ای برای زنانی که قصد دارند روسپی‌گری را ترک کنند تهیه کرد. مگالان رویکرد نوینی برای توانبخشی پیشنهاد کرده است: دو سال اسکان رایگان، روان‌درمانی فشرده و اشتغال در یک پیشه خودکفای کوچک.

استیونز برضغطی که زنان روسپی خود را با آن مواجه می‌بینند تاکید دارد، و معتقد است شروع روسپی‌گری به انتخاب خود این زنان نبوده پس متوقف‌کردنش نیز به‌تهاایی با انتخاب و اراده آنها ممکن نخواهد شد: «هرگز ندیده‌ام زنی که برای روسپی‌گری به خیابان می‌آید، در سن ۶، ۷، ۸، ۹ تا ۹ سالگی چنین کاری را به عنوان شغل ترجیح داده باشد.»

ساکنان مزارع گل‌خار مگالان، شعار معروف بکا استیونز: «عشق شفابخش است» را تجسم می‌بخشند. تربیت جامعه برای موفقیت ضروری است. او تأکید می‌کند که عشق به زنان توانایی بخشش کسانی را می‌دهد که از آنان سوءاستفاده کرده‌اند، و نیز باعث می‌شود این زنان بتوانند زندگی مقاومتی برای خود رقم بزنند.



از زمان تأسیس مگالان، استیونز موفق شده است حدود ۱۲ میلیون دلار از بخش سرمایه خصوصی جمع‌آوری کند. با فارغ‌التحصیلی بیش از ۱۵۰ نفر، این برنامه نمونه‌ای در کمک‌رسانی به زنان در ترک روسپی‌گری و سایر خشونت‌هاست.

۲۰. این مطالعه موردی بر اساس پوشش خبری جکی لیدن روزنامه‌نگار از مزارع گل‌خار مگالان و مصاحبه‌اش با موسس آن، بکا استیونز و برنامه ساکنان آن است که در یک مجموعه سه قسمتی در رادیوی ملی در روزهای ۲۶، ۲۵ و ۲۷ آوریل ۲۰۱۱ پخش شد. سازمان بین‌المللی آموزش و همکاری زنان از خانم لیدن و رادیوی ملی و خانم استیونز و همکارانشان در مزارع گل‌خار مگالان به خاطر اینکه مجروز انتشار اسنادشان را در این کتاب داده‌اند، قدردانی می‌کنند. نگاه کنید به “For Prostitutes, An Alternative To The Streets,” April ۲۵, ۲۰۱۱, <http://www.npr.org/2011/04/25/> ۱۳۵۶۳۳۲۱۰ / magdalene-program; “Relapse And Recovery: A Tale Of Two Prostitutes,” April ۲۶, ۲۰۱۱, <http://www.npr.org/2011/04/26/135702065/relapse-and-recovery-a-tale-of-two-prostitutes>; and “A Business That Helps Women Bloom in Recovery,” April ۲۷, ۲۰۱۱, <http://www.npr.org/2011/04/27/135702451/a-business-that-helps-prostitutes-bloom-in-recovery>.

یکی از برنامه های طرح مگالن در مزارع گل خار می گذرد، جایی که ساکنان این موسسه روغن حمام، لوسيون های آرایشی و شمع می سازند و اين محصولات در کاغذهایی که از گل خار های مزارع تهیه شده، بسته بندی می شود. اين محصولات برای خريداران و کارآفرینانی که آنها را می سازند جنبه درمانی دارد.

آیا می دانستید که...؟

روسپی گری افراد آسیب پذیر و فقیر را به دام می اندازد. رؤسای فاحشخانه ها و دلالان روسپی گری به زنان و دختران و عده دستمزدهای قابل توجه می دهند. و البته واقعیت، تفاوت چشمگیری با این عده ها دارد. درآمد یک روسپی به طور معمول:

- در جنوب آفریقا: یک دلار آمریکا، در ازای یک ساعت؛
- در سنگاپور: ۱۰ تا ۳۰ دلار آمریکا، در ازای یک ساعت، بسته به اینکه به طور مستقل کار می کند یا برای دلال و یا اینکه یک فاحشه ثبت نام شده به لحاظ قانونی باشد؛
- در شیکاگو: ۲۵ دلار، در ازای یک ساعت.

منبع: "The States Behind Prostitution." Online Schools. <http://www.onlineschools.org/blog/stats-on-prostitution/>; and Frey, Erika. "Singapore's open system." Bangkok Post. ۳۱ October ۲۰۰۸.

<http://www.bangkokpost.com/news/investigation/singapores-open-secret>

یکی از روندهای جدید و نگران کننده در اقتصادهای پس اصنعتی، زنان تحصیل کرده طبقه متوسط هستند که به تجارت سکس مشغولند. تلقین این عقیده که خرید و فروش سکس به عنوان شغل از منظر اخلاقی امری خنثی است، به گسترش این روند کمک می کند، همان طور که استفاده از اینترنت خانگی فعالیت کاربر را شخصی و خصوصی جلوه می دهد.

منبع:

Bernstein, Elizabeth. Temporarily Yours: Intimacy, Authenticity and the Commerce of Sex. Chicago, Illinois: The University of Chicago Press, ۲۰۰۷.

برنامه های مبارزه با روسپی گری بیشتر بر حذف عرضه سکس تمرکز می کنند تا منع خريداران از تقاضای آن. یکی از نمونه های جنجالی، سیاست تحذیر و منع تقاضاست که در کانادا، انگلیس، ایالات متحده آمریکا و زیمباوه اعمال شده، و آن نامبردن و شرمسارکردن خريداران سکس از طریق اعلام نام یا انتشار تصاویر آنها در وبسایت ها، تلویزیون، رادیو و روزنامه ها بوده است.

Willoughby, Michelle. Demand Deterrence: International Initiatives to Eliminate Demands for the Sex Trade. Chicago, Illinois: Chicago Alliance Against Sexual Exploitation (CAASE), July ۲۰۰۸

كار در مزارع گل خار به زنان اجازه کسب تجربه در تولید، بسته بندی، بازاریابی و اداره امور را می دهد. آنها درآمد دارند، به توانایی های خودشان پی می برند و عزت نفس پیدا می کنند. پنی هال ۴۷ ساله به عنوان کسی که قبلا روسپی بوده و وضعیت اش رو به بهبودی است می گوید «من هیچ وقت فکرش را نمی کردم که

بتوانم در جایی کار کنم که در آن روغن درمانی بسازم.»

گلخار، تمثیل خوبی برای زندگی زنانی است که روپیگری را پشت سر گذاشته‌اند و زندگی‌شان را تغییر داده‌اند. از نظر پنی هال، روپیگری «مانند علف هرزه پراستقامتی در خیابان‌هاست، مانند ما وقتی که بیرون در خیابان‌ها پرسه می‌زیم. ما سخت و قوی بودیم و راهی جهنمی را رفتیم و برگشتم، در موقعیت‌های وحشتناکی گرفتار شدیم اما مانند گلخار از سرما و قحطی جان به در بردیم. این مزرعه نیازی به آب ندارد. از دل خاک بیرون می‌آید و به گلی زیبا تبدیل می‌شود.»

استیونز می‌خواهد که گلخار، نماد و سمبلی از تحول زنان ساکن مگالان باشد که سال‌ها خشونت را تحمل کرده‌اند ولی حالا به زنانی تبدیل شده‌اند که از زندگی خیابانی نجات یافته و شکوفا شده‌اند و دیگر از وضعیت سابق خود پرهیز ندارند: «گلخار در محیط‌هایی می‌روید که به حال خود رها شده و فراموش شده‌اند، و همیشه در دل بی‌رحمی و سبعیت رشد کرده است. اما همین گیاه در دل خود، یک قلب بنفس‌رنگ زیبا دارد.»

لیست انتظار علاقه مندان به زندگی در مگالان بلندبالاست. مجریان قانون می‌توانند برنامه بکا استیونز را به زنانی که جرم‌شان روپیگری است معرفی کنند. بعضی دیگر توسط دوستان‌شان به اینجا آورده شده‌اند. دو سال پیش، شیلا سیمکینز، تارا ادکاک را از زنان به مگالان برد. زنان باید برای بهبودی‌افتتن خیلی سخت کار کنند، مثل شیلا و تارا. اما با این حال، عده‌ای می‌لغزند و به حالت اول بر می‌گردند. تارا دوباره به الک و مواد‌مخدر برگشت و مگالان را ترک کرد تا در یک هتل زنجیره‌ای کار کند. تارا با سقوط دوباره به زندگی مجرمانه، حالا در زندان منتظر اعلام رای هیئت منصفه به اتهام ارتکاب قتل است.

این برنامه، جادو یا معجزه نمی‌کند، نمی‌تواند موفقیت زنان را تضمین کند. حدود ۷۵ درصد از زنانی که از این مرکز به سلامت بیرون می‌روند، موفق به بازسازی زندگی به دور از روپیگری و اعتیاد می‌شوند. استیونز به دلیل اینکه کمک مالی دولت را نمی‌پذیرد، می‌تواند قوانین مگالان را شخصاً تعیین کند، لغش، بخشی از روند بهبودی است. شیلا، دوست تارا هم‌اکنون ازدواج کرده است و دارای فرزند است و در سن ۴۱ سالگی به عنوان دستیار رئیس برنامه اسکان مگالان مشغول به کار است. اما هنوز امکان بازگشت وضعیت سابق را در خود می‌بیند: «من نمی‌گویم که بازگشت وضعیت یک جبر است، اما اتفاق می‌افتد، زیاد هم اتفاق می‌افتد. مهم این نیست که هیچ وقت نیفتی. مهم این است که بتوانی دوباره خودت را از زمین بلند کنی.»

پرسش هائی برای بحث گروهی

(حدود ۱ ساعت و ۱۵ دقیقه)

موفقیت مگالان و مزارع گلخار

(حدود ۳۵ دقیقه)

- خرد متعارف جامعه بر این پایه بوده است که روپیگری «جرمی بدون قربانی» است. چرا چنین برداشتی غلط است؟ چرا این افسانه تداوم یافته است؟ چه کسی از تداوم و بازتولید آن نفع می‌برد؟
- زنانی که در مگالان و مزارع گلخار زندگی می‌کنند، به لحظه‌ویژگی‌های فردی و شرایط زندگی چه وجوده مشترکی دارند؟ چه عواملی آن‌ها را به سمت روپیگری سوق می‌داده است؟
- آیا شما هم مثل موسس مگالان، بکا استیونز، بر این باورید که زنان به انتخاب خود وارد روپیگری

نمی‌شوند و خودشان هم نمی‌توانند ترکش کنند؟ چرا بله و چرا نه؟

- آیا با این نظر که در مگالان از آن حمایت می‌شود هم عقیده‌اید که بازگشت به وضعیت قبلی، بخشی از پروسه نجات از روسپی‌گری یا اعتیاد است؟ چرا بله و چرا نه؟ قوت‌ها یا ضعف‌های این رویکرد نسبت به بهبودی چیست؟ آیا فکر می‌کنید معیارهای دیگری هستند که بشود از آن‌ها برای کاهش موارد بازگشت به وضعیت سابق استفاده کرد؟
- به نظر شما، کدام جنبه این طرح برای کمک به خروج زنان از روسپی‌گری و گذار به زندگی تهی از جرم و خطر کمک می‌کند؟
- خدمات رایگان مگالان - اسکان و مشاوره
- فرصت یادگیری مهارت‌ها و تقویت اقتصادی در مزارع گل‌خار
- نمادگرایی مزارع گل‌خار و محصولات درمانی بدن که از این گل ساخته می‌شود
- حمایت دوچانبه و همبستگی زنانی که تجریب‌های مشابهی داشته‌اند
- فلسفه مگالان : عشق شفا می‌بخشد
- خلاقیت بکا استیونز برای ایجاد مگالان و مزارع پنبه
- اعتقاد بکا استیونز به عنوان یک کشیش کلیسا ای اسقفی
- تجربه شخصی بکا استیونز از خشونت جنسیت محور
- لطفاً پیشنهادهای خودتان را بنویسید.
- به نظر شما ویژگی‌های شخصی، شرایط و یا واقعیت‌هایی که زنی را به ترک روسپی‌گری یا انکار هرنوع خشونت جنسیت محور سوق می‌دهد چیست؟



برگرفته از: <http://www.thistlefarms.blogspot.com>

برای تفکر بیشتر
(حدود ۴۰ دقیقه)

- آیا کشور ما قانونی علیه روسپی‌گری تنظیم کرده است؟ آیا قانون، رفتار یک روسپی یا رئیس روسپی‌خانه یا دلال سکس یا مشتری را جرم تلقی می‌کند؟ آیا این قانون به طور موثری اعمال شده است؟ آیا مجازاتی برای نقض قانون در این زمینه وجود دارد؟
- اگر کشور ما قانونی در این زمینه تصویب نکرده، به نظر شما علت چیست؟
- کدام جنبه‌های فرهنگ کشور ما، نظام سیاسی و یا شرایط اجتماعی-اقتصادی، روسپی‌گری را تقویت

می‌کند؟ چه جنبه‌هایی آن را تقویت یا تضعیف می‌کند؟

- اگر خدمات بهداشتی برای روسپی‌ها در جامعه ما وجود داشته باشد و به قربانیان خشونت رسیدگی شود، و وسایل کنترل بارداری یا پیشگیری و درمان بیماری‌های مقاربتی وجود داشته باشد چطور؟ چه نیروهایی در جامعه ما باید چنین سیستم بهداشتی ارائه دهند؟
- اگر خدمات بازپروری برای زنانی که سعی می‌کنند روسپی‌گری را ترک کنند تامین شود، یا اگر اسکان ارزان قیمت، تحصیلات و مهارت‌آموزی و شغل‌یابی یا مشاوره با متخصصان بهداشت روانی در دسترس باشد، چطور؟ اگر این منابع در دسترس اند چه کسی آن‌ها را فراهم می‌کند؟
- اگر این خدمات وجود ندارد، فکر می‌کنید علت آن چیست؟ امتیازات یا نفایض این منابع چیست؟ چه کسی باید این خدمات را ارائه دهد؟

تمرین‌های یادگیری

(حدود ۲ ساعت و ۱۵ دقیقه)

تمرین ۱: تعریف باورهای یک فرد، اقدام عملی

(حدود ۴۵ دقیقه)

۱- پاراگراف زیر را برای شرکت‌کنندگان کارگاه بخوانید.

همان‌طور که مشاهده کردیم، موقیت گروه مگالان و مزارع گلخار، احیای زندگی نجات‌یافته‌گان از روسپی‌گری و اعتیاد بر یک سری باورهای اصلی مبتنی است که بکا استیونز و ساکنان این موسسه مروج آن هستند. در میان این باورها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- قدرت شفابخش عشق
- باور به خداوند یا یک نیروی معنوی برتر از شخص
- زنگی در قالب و به عنوان یک جامعه
- توان‌یابی زنان و پیشرفت فردی
- نیاز به تغییر فرهنگی که خرید و فروش زنان را ترویج می‌کند.

با عملی کردن این باورها، این زنان به دنبال ایجاد دنیایی بهتر نه فقط برای خودشان که برای همه اعضای جامعه هستند.

پیشنهاد برای تسهیلگر: نوشتن این نکات بر روی تخته سیاه یا برگ کاغذ می‌تواند مفید باشد.

۲- اکنون از شرکت‌کنندگان بخواهید به سه گروه تقسیم شوند و درباره مواردی که زیر عنوان سوم آمده با هم بحث کنند. از هر گروه بخواهید که یک سخنگو انتخاب کند که گزارشی به کل کارگاه بدهد.

۳- هر گروه را موظف کنید که یکی از این مفاهیم را به بحث بگذارد و ظرف ۲۵ دقیقه، به توافقی حول پاسخ‌هایشان به پرسش‌های زیر برسند.

• **گروه الف - جهانی بودن**

آیا فکر می کنید اساس نظام فکری مجموعه مگالان و مزارع گلخان به طور جهانی تحقق پذیرند؟ اگر چنین است کدام اصول؟ یا اینکه فکر می کنید این نظام فکری، خاص فضای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است که در دل آن بالیده و ایجاد شده است؟

• **گروه ب - عملگرایی**

فرض بگیرید که حداقل برخی از باورهای اصلی این برنامه، قابلیت جهان شمول دارند. کدامیک از این باورها می توانند به آسانی در جامعه شما و در تلاش برای بازپروری روسپی ها یا دیگر بازماندگان اقسام دیگر خشونت به کار برده شوند؟ کدامیک از باورها را می خواهید عملی کنید و چرا؟

• **گروه ج - مسئولیت شناسی**

چه کسی به بهترین نحو می تواند این باورها را در برنامه ای که برای بازپروری روسپیان و بازسازی زندگی آنها برای بازگشت به جامعه طراحی شده، عملی کند؟ به چه کسی در انجام چنین کاری اطمینان دارید- روحانیت، سازمان زنان، مجریان قانون، متخصصان بهداشت یا...؟

۴- شرکت کنندگان گروه را دوباره دور هم جمع کنید و به هر یک از سخنگویان حدود ۵ دقیقه زمان بدهید تا حرفهای گروه خودش درباره مساله تعیین شده را با دیگران در میان بگذارد.

۵- جلسه را با بحث درباره این موضوع تمام کنید که آیا پاسخهای ارائه شده توسط گروه های مختلف، به شرکت کنندگان این توانایی را داده است که بتوانند برنامه ای برای بازپروری زنان روسپی یا قربانیان سایر اشکال خشونت تصور کنند؟

تمرین ۲ : پرورش مهارت های حرفه ای زنان

(حدود ۴۵ دقیقه)

۱. تصور کنید که شرکت کنندگان کارگاه برای تنظیم برنامه ای به قصد ترک روسپی گری زنان یا سایر اشکال خشونت، موظف به طراحی برنامه ای شده اند که بر قدرت و توانایی زنان بیفزاید و محصول یا خدماتی نظیر مزارع گلخان ارائه بدهد.

۱- شرکت کنندگان را به مدت ۲۵ دقیقه به دو گروه جهت تبادل فکر تقسیم کنید. از هر گروه بخواهید که سخنگویی جهت ارائه گزارش به کل کارگاه انتخاب کند.

۲- به گروه اول توضیح دهید که مسئولیت آنها گسترس طرح اولیه و اختصاری حرفه موردنظر است و هدف آنها باید پرداختن به حداکثر تعداد پرسش های ممکن باشد:

• محصول یا خدمات ارائه شده: این کسبوکار چه محصولات یا خدماتی جهت فروش به مشتریان تولید می کند؟

• مشتریان موردنظر: نیازهای چه کسانی با این محصولات یا خدمات تامین خواهد شد؟

• سرمایه گذاری های اولیه: چه نوع سرمایه گذاری های مالی یا منابع غیرنقدی برای پایه ریزی این

کسبوکار موردنیاز است؟

- سرمایه‌گذاران: چه کسی این سرمایه مالی و منابع دیگر را فراهم می‌کند؟ با چه کسانی تماس می‌گیرید؟ خیرترین ثروتمندان، سازمان‌های زنان، تجارت‌های دیگر یا...؟
- نامگذاری: برای این کسبوکار و خط تولید محصول یا خدماتی که ارائه می‌شود چه نامی خواهد گذاشت؟ چه عواملی را در تصمیم‌گیری درباره نام در نظر می‌گیرید؟ کوتاه یا طولانی‌بودنش؟ سهولت به خاطر سپردنش؟ معنکس‌کردن دشواری‌ها و کامیابی‌های زنان؟
- تقویت توان اقتصادی و خودکفایی زنان: این کسبوکار چگونه به زنان در ترک روپیه‌گری یا سایر اشکال خشونت کمک می‌کند؟ چه مهارت‌ها، استعدادها و توانایی‌هایی را پرورش می‌دهد؟

پیشنهاد به تسهیلگر: گروه اول ممکن است بخواهدن جهت تنظیم افکار و تسهیل سخنرانی سخنگوی خود برای گروه دوم، چکیده برنامه تجاری خود را روی یک تخته سیاه یا برگ کاغذ تخته کاغذی یا گچی بزرگ بنویسد.

۴- به گروه دوم آموزش دهید که نقش یک کمیته مشکل از سرمایه‌گذاران بالقوه را ایفا کند که علیق متنوعی در گروهشان دارند و می‌خواهند درباره سرمایه‌گذاری اولیه در زمینه این تجارت یا حرفه خاص تصمیم‌گیری کنند. به معنای دقیق کلمه، آن‌ها باید تصمیم بگیرند که به چه اطلاعاتی از سوی این کارآفرینان نیازمندند و پرسش هائی که قصد دارند از آن‌ها بپرسند را فهرست کنند.

۵- وقتی جلسه تبادل فکر گروه‌ها تمام شد، به سخنگوی گروه اول ۱۰ دقیقه زمان بدهید تا طرح تجاری گروه خود را ارائه کند.

۶- پس از اتمام سخنرانی سخنگو، بحث را به مدت ۱۰ دقیقه برای گروه دوم باز بگذارد و به سرمایه‌گذاران اجازه بدهید که پرسش‌های خود را درباره طرحی که برای سرمایه‌گذاری اولیه در آن انتخاب کرده‌اند مطرح کنند. سخنگو یا هر یک از کارآفرینان می‌توانند به این پرسش‌ها پاسخ دهند.

۷- از سرمایه‌گذاران بخواهید تا هر گونه اصلاح و تغییری که در آخرین لحظه در مورد طرح به نظرشان رسیده را پیشنهاد بدهند. سپس از آن‌ها بخواهید به سرمایه‌گذاری یا عدم سرمایه‌گذاری در طرح تجاری رای بدهند و دلایل خود را در جملات کوتاهی بیان کنند.

تمرین ۳، آموزش مردان آینده برای حذف درخواست روپیه‌گری (حدود ۴۵ دقیقه)

۱- تصور کنید که شرکت‌کنندگان کارگاه رئیس ناظرت بر کمپ پسران رده سنی ۱۱ تا ۱۶ سال شده‌اند. خانواده‌ها پسرانشان را به این کمپ دو هفته‌ای می‌فرستند تا از تفریح در محیط باز اذت ببرند (پیادری، شنا، ورزش و ...)، دوستان جدید پیدا کنند و در یک سری کارگاه‌ها راجع به نقش‌های جنسیتی شرکت کنند. یکی از موضوعات این کارگاه این است که مردان در منزل، در محل کار و در اماکن عمومی در سطح گسترده، چگونه با زنان تعامل دارند و چگونه باید تعامل داشته باشند.

۲- در این زمینه، ناظران کمپ درباره نحوه حذف درخواست مردان برای روپیه‌گری بحث می‌کنند.

ناظران ضمن برقراری تعادل میان صراحة و حساسیت، باید سه مورد از این لیست ۱۲ بندی را انتخاب کنند و به بحث بگذارند. حدود ۲۵ تا ۳۰ دقیقه به شرکتکنندگان وقت بدهد و از آنها بخواهید که به هر یک از موضوع‌ها رای بدهنند تا مشخص شود سه موضوع مرتبط‌تر و مفیدتر برای طرح در کارگاه‌ها چیست.

پیشنهاد برای تسهیلگر: ثبت این موضوعات و برگزاری رایگیری روی تخته سیاه یا برگ کاغذ که در مرحله سوم شرح آن آمده مفید خواهد بود.

- تعریف مردانگی و زنانگی؛
- دلایلی که مردان به روسپی‌گری روی می‌آورند-چه به عنوان فروشنده و چه به عنوان خریدار خدمات جنسی زنان؛
- اهمیت باکره بودن- هم برای مردان و هم برای زنان؛
- آیین‌های عشق‌ورزی در جامعه؛
- دلایل روی‌آوردن زنان به روسپی‌گری؛
- تعامل پدر و مادر پسران با یکدیگر؛
- چالش‌هایی که دختران رده سنی ۱۱-۱۶ سال در جامعه با آنها روبرو هستند؛
- میزان تاثیرگذاری قوانین مبارزه با روسپی‌گری؛
- دلایل علاقمندشدن زن به یک مرد؛
- پیام‌رسانه‌ها برای جوانان درباره جنسیت، خصوصاً نقش تلویزیون و اینترنت؛
- رابطه میان عشق و رابطه جنسی؛
- خطرات تحمیل شده بر زنان و مردان درگیر در امر روسپی‌گری.

۳- آرای شرکتکنندگان را بشمارید تا سه موضوع مهم درباره حذف درخواست روسپی‌گری که برای آموزش به اعضای کمپ مهم و مفید است، شناسایی و تقسیم‌بندی شود.

۴- پس از شمارش آراء، از یک داوطلب بخواهید طی چند دقیقه، سه موضوع اصلی انتخاب شده توسط شرکتکنندگان و دلیل اهمیت انتقال این پیام‌ها به پسران رده سنی ۱۱-۱۶ سال (که در حال گذار به سوی مردشدن هستند) را ترکیب کرده و به کل کارگاه توضیح دهد.

جلسه های کارگاه

بخش پ

خشنوت از سوی دولت، فراسوی مرزها و در عرصه جهانی

پ

جلسه ۱۳:

فاجعه زنان برای بردهداری جنسی (جلسه کارگاه، حدود ۳ ساعت و ۳۰ دقیقه)

نها مغورانه با یک گزارشگر آمریکایی درباره کارش در مایبیتی نپال- سازمانی که از دختران و زنان در برابر انواع مختلف استثمار، به خصوص فاجعه سکس حمایت می‌کند- سخن می‌گوید: «من به فقیرترین مناطق کاتماندو می‌روم و کمپ‌های آگاهی‌بخشی برگزار می‌کنم تا خانواده‌ها متوجه خطرات فاجعه جنسی بشوند. از تجربه شخصی و دست‌اولی که دارم با آنها حرف می‌زنم.»

ناتالیا که برای تهییه گزارش برای مجله «مور» به نپال آمده می‌گوید: «می‌بینم که خیلی در کارت شور و علاقه داری. اگر راحت هستی، خواهش می‌کنم تجربه شخصی خودت را برای ما تعریف کن.»

نها آه می‌کشد و می‌گوید: «حرف زدن از زندگی ام برایم دشوار است. ولی مصمم هستم تا حدی که از دستم ساخته است دختران بیشتری را آگاه کنم و از خرید و فروش آنها جلوگیری کنم. تنها در این صورت است که زندگی ام ارزشی خواهد داشت.» ناتالیا سرش را به نشان موافقت تکان می‌دهد، و نها شروع می‌کند: «هفت سال پیش وقتی ۱۰ ساله بودم، پدرم به شدت بیمار شد و دیگر نتوانست کار کند. به همین خاطر خانواده‌ام را به یک مغازه‌دار سپرده‌دند، آن‌ها او را از زمان تولد من می‌شناختند و می‌گفتند او مثل خانواده‌است. او پیشنهاد داد که از من مراقبت کند و دستمزد کمی هم در عوض تمیزکردن مغازه‌اش به من خواهد داد.

آیا می‌دانستید که...؟

- گزارش سالانه دولت آمریکا (۲۰۱۰) درباره «آمار فاجعه انسان» به تحلیل دامنه این مشکل و نیز سیاست‌های رسیدگی به آن در ۱۷۷ کشور پرداخته است. برای اولین بار، این گزارش فعالیت‌های آمریکا در زمینه جلوگیری، حمایت و تعقیب مرتكبان جنایت با استانداردهایی که سایر کشورها به کار می‌برند سنجیده است.
- گزارش‌های آمار فاجعه انسان، برای سالیان سال، کشور نپال را به عنوان مرکز خرید و فروش دختران و زنان برای ارائه خدمات جنسی و کارگری در کشورهای دیگر، معرفی کرده است. علاوه بر هند، کشورهای دیگری از جمله کویت، عربستان سعودی و امارات متحده عربی نیز از مقصد های مورد علاقه این زنان اند.

منبع:

Trafficking in Persons Report ۲۰۱۰.
Washington, DC: U.S. Department of State,
۲۰۱۰. <http://www.state.gov/g/tip/rls/tiprpt/2010/>

- موسسه مایبیتی نپال از زمان تاسیس‌اش در سال ۱۹۹۳، بیش از ۱۲۰۰۰ زن و دختر اهل نپال را در همکاری با پلیس برای تعطیل روپی‌خانه‌ها، کنترل مرزها با کشور هند، و اسکان و ارائه خدمات به این زنان، نجات داده و به زندگی عادی باز گردانده است.

منبع:

Source: Ruffins, Ebonne.
“Rescuing girls from sex slavery.” ۳۰ April ۲۰۱۰.
<http://www.cnn.com/2010/LIVING/04/29/cnnheroes.koirala.nepal/>

من کوچکترین فرزند این خانواده شش فرزنده هستم و خانواده‌ام نمی‌توانستند هزینه بزرگ‌کردن من را تقبل کنند.»

ناتالیا می‌پرسد: «نظرت درباره نقش جدید مرد مغازه‌دار در زندگی‌ات چه بود؟»

نها در حالی که اشک‌هایش را فرو می‌خورد می‌گوید: «نمی‌فهمیدم چه اتفاقی دارد می‌افتد. صبح روز بعد در ماشین او و در مسیر لاکنو از خواب بیدار شدم، وقتی رسیدیم وارد یک ساختمان کم نور و تاریک شدیم. همان‌طور که با صاحب‌ساختمان صحبت می‌کردیم، تعدادی دختر زیبا و جوان در اتفاق‌های کوچک ساختمان در رفت و آمد بودند. او به من نگفته بود که بعد از صحبت با رئیس ساختمان مرا آنجا رها خواهد کرد. وقتی دختران شروع به صحبت با من کردند، طوری که من متوجه نشوم زد به چاک. برایم عجیب بود که کجا رفته، ولی چند لحظه‌ای از اینکه دوستان جدید پیدا کرده ام خوشحال بودم.»

ناتالیا فکر می‌کند شاید استراحت کوتاهی برای نفس‌تازه‌کردن دختر نوجوان لازم باشد اما سماجت و اصرار نها، گزارشگر را متعجب می‌کند: «علوم است که دیگر هیچ وقت مرد مغازه‌دار را ندیدم. من هم دیگر مثل دوستانم تبدیل به کالایی برای فروش شده بودم. دختران هشت ساله در روپی‌خانه‌های هندوستان، برگی جنسی می‌کنند. صاحبان روپی‌خانه‌ها ثروتمند می‌شوند و سیاستمداران با رشوه یا یک دور سرویس رایگان با یکی از دختران، از مسئله چشمپوشی می‌کنند.» همان‌طور که نها به بحث ادامه می‌دهد، اندوهش بدل به خشم می‌شود.

«من روزی حداقل با ۱۵ مرد بودم. بعضی‌ها فقط سکس می‌خواهند، اما بعضی دیگر تلاش می‌کنند که آزار و ویرانت کنند. من بارها از مشتریان کتک خورده‌ام. و حتی نمی‌توانم اسامی و حشتناکی که من را به آن‌ها صدا زندن را اینجا تکرار کنم.»

ناتالیا که کنجدکاو شده می‌گوید: «اصرار نمی‌کنم که آن اسامی یا سایر جزئیات در دنیاک را تکرار کنم. سوال اصلی این است که چطور نجات پیدا کردم؟ چطور سر از مایتی در آوردم؟»

«موسس مایتی، آنوراداکوئیرالا، در اجرای قانون ونجات قربانیان قاچاق سکس بادولت هند همکاری می‌کند. من شانس آوردم و روزی که نجات پیدا کردم پلیس می‌توانست به هر روپی‌خانه‌ای حمله کند، اما دقیقاً به همان روپی‌خانه لاکنو که من در آن گرفتار شده بودم آمدند. بازگشت به نیال برایم دشوار بود. با محیط بیگانه شده بودم و می‌ترسیدم. اما موسسه مایتی تلاش می‌کند بازگشت را تا حد ممکن امن و بی‌خطر کند. بنابراین...»

گزارشگر حرف او را قطع می‌کند: « واضح است که هرچقدر بر نقش مایتی در نجات تو تاکید کنیم، اغراق نکرده‌ایم. اما خودت چطور نهایا؟ قدرت دوام‌آوردن در آن روپی‌خانه و بعد مهمتر از آن وقتی که به اینجا برگشتی... این توان را از کجا آوردم؟»

«وقتی در حال بازپروری بودم، به این فکر می‌کرم که چطور از این آزمون سخت نجات پیدا کرده‌ام. از زمانی که موسسه مایتی با پدرم تماس گرفته، خانواده‌ام هیچ علاقه‌ای به ارتباط با من ندارد، انگار خودم تن فروشی را انتخاب کرده بوده‌ام. من روی پای خودم ایستاده‌ام. فعلًا نمی‌توانم به گذشته نگاه کنم. درک

اینکه چطور نجات پیدا کردم مستلزم مرور آن گذشته ناخوشایند است و من هنوز برای آن آماده نیستم.»
صدای نها ضعیف و گرفته شده است.

ناتالیا باز دیگر با تعجب می‌پرسد: «چطور می‌توانی بگویی آماده نیستی؟ متوجه هستی که چقدر در بازگویی تجربیات قوی هستی؟ به عنوان یک روزنامه‌نگار، من باید خودم را از موضوع جدا کنم و تحت تاثیر قرار نگیرم اما چطور می‌توانم؟ نها، شخصیت تو برای خیلی‌ها الهام‌بخش است.»

«خانم ناتالیا از شما ممنونم. شما خیلی محبت دارید. روزی آمادگی بیشتری برای مواجهه با همه این اتفاقات را خواهم داشت، نه فقط اتفاقات بلکه احساسی که در آن دوران داشتم. دوستانم در موسسه مایتی به من اطمینان داده‌اند که گذر زمان و استقامت، زخم‌ها را درمان می‌کند. من حرفشان را باور می‌کنم چون زخم‌های آنها مشابه زخم‌های من است. من شاهد بودم که خانم آنورادا برای شفای خودش چقدر تلاش کرد. او برای من مایه الهام است.»

ناتالیا دفترچه دیگری برای نوشتمن باز می‌کند و می‌گوید: «او چه کار کرده که برای تو مایه الهام است؟»

«خانم آنورادا هم بعد از ترک رابطه خشونت‌آمیزی که داشت، تصمیم گرفت با آزار و سوءاستفاده از زنان مبارزه کند. او معلم مدرسه ابتدایی بود و بخشی از دستمزدش را برای تاسیس مغازه کوچکی تخصیص داد که در آن قربانیان خشونت خانگی و قاچاق سکس را استخدام می‌کرد. نهایتاً، افزایش درخواست‌های کمک، او را به سمت تاسیس موسسه مایتی‌نپال در سال ۱۹۹۳ سوق داد. او می‌خواهد تا جایی که ممکن است از خشونت جلوگیری کند و نجات‌یافتنگان را نیز توان‌بخشی و پشتیبانی کند. او پس از مدتی به ویژه بر روی قاچاق سکس تمرکز کرد چون این مسئله در منطقه ما مشکل بزرگی است. او از تجربه خودش برای کمک به دیگران استفاده کرد.»

قبل از اینکه گزارشگر سوال آخر خودش را بپرسد نها می‌گوید: «خانم آنورادا قهرمان من است و من می‌دانم که زنان دیگر در مایتی هم همین احساس را دارند. نه فقط این، بلکه کanal تلویزیونی شما، سی‌ان‌ان هم او را قهرمان سال ۲۰۱۰ نامید! حالا جهانیان می‌دانند که او چطور به خیلی از ما کمک کرده، و جا دارد که همه به این قضیه توجه کنند.»

ناتالیا می‌گوید: «امیدوارم که خانم کوئیرالا را تا زمانی که در کاتموندو هستم ببینم. حالا هم خیلی خوشحالم که شناس دیدار تو را داشتم. نها، ممنون برای زمانی که در اختیار ما گذاشتی و علاقه‌های به در میان گذاشتن این مساله با ما. تو با این سن و سال کم، خیلی بلیغ و خوب‌بیانی. در جنگ با قاچاق سکس تو در حد و اندازه خودت یک قهرمان هستی. من مطمئنم که خوانندگان مجله «مور» با حرف من موافقند و من همه تلاشم را می‌کنم که توجه همه به این قضیه جلب شود.»

پرسش هائی برای بحث گروهی

(حدود ۱ ساعت و ۱۵ دقیقه)

نها و برددهداری جنسی و قاچاق

(حدود ۲۵ دقیقه)

- آیا رفتار خانواده نها و یا رفتار مرد مغازه‌دار خشونت‌آمیز است؟ چرا بله و چرا نه؟

- آیا حقوق انسانی نهاد در ارتباطش با خانواده و مرد مغازه‌دار نقض شده است؟ اگر چنین است، کدام یک از حقوق او نقض شده اند؟ اگر نه، چرا؟
- چه کس دیگری علیه نهاد و دختران دیگر در روسپی‌خانه لاکنو مرتکب خشونت شده است؟
- افسران پلیس هند و سیاستمداران چه نقشی در رابطه با فاچاق فربانیان بازی می‌کنند؟

صاحبہ ناتالیا با نیها
(حدود ۲۵ دقیقه)

- «More» مجله‌ای آمریکایی است که مخاطب آن زنان در اوایل سی سالگی و یا مسن‌تری هستند که بر سبک زندگی، مسائل شخصی، انتخاب‌های شغلی و همین طور مد و زیبایی تمرکز می‌کنند. با توجه به هدف، مخاطب و محتوای مجله، مسئولیت‌ناتالیا به عنوان یک گزارشگر در پوشش دادن داستان نهاد به طور خاص و مسائل مربوط به بردهداری جنسی و فاچاق به طور کلی چیست؟
- ناتالیا چه کار درست یا غلطی در مصاحبه‌اش با نیها انجام می‌دهد؟
- با توجه به اینکه مجله‌ها، محتوای سبکتر و سرگرم‌کننده تری از روزنامه‌ها دارند، مزایا یا نقاطی چاپ چنین مقاله‌ای در مجله‌ای مانند «مور» چیست؟
- از نگاه خوانندگان «مور»، و با توجه به فرصت کوتاه و فشرده ناتالیا و بودجه محدود سفری که برای گزارشگران وجود دارد، چه کسی سوژه بهتری برای مصاحبه است. آنورادا کوئیرالا یا نهاد؟
- لحن و هدف مقاله ناتالیا برای مجله «مور» چگونه باید باشد؟ بر چه نکاتی باید تاکید کند؟ چگونه می‌تواند مقاله را برای خوانندگان مور دنظر، جامع‌تر و کارآثر کند؟

برای تفکر بیشتر
(حدود ۲۵ دقیقه)

- اگر مقاله‌ای درباره بردهداری جنسی و فاچاق برای یک مجله محلی زنان می‌نوشتند، چه موضوعات و وقایعی از نظر شما برای ارائه به خوانندگان کشور ما ضروری است؟
- به غیر از نجات‌یافته‌گان فاچاق و فعالان مبارزه با فاچاق، اگر فقط بتوانید با یک گروه دیگر مصاحبه کنید با چه کسی برای مقاله‌تان مصاحبه می‌کنید؟ چرا این گروه خاص؟
- مجریان قانون؛
- رهبران سیاسی؛
- دلالان سکس و صاحبان روسپی‌خانه‌هایی که دختران و زنان را فاچاق می‌کنند یا به برده‌گی می‌کشند؟
- مردی که دائماً به فاحشه‌خانه‌ها مراجعه می‌کند، یا
- لطفاً پیشنهاد خودتان را بیان کنید.

تمرین‌های آموزشی
(حدود ۲ ساعت و ۱۵ دقیقه)

تمرین ۱: استفاده از هنر برای افزایش آگاهی درباره فاچاق جنسی
(حدود ۴۵ دقیقه)

۱- تصور کنید که رئیسان محلی از شرکت‌کنندگان کارگاه خواسته‌اند که کمپینی برای افزایش آگاهی در میان خانواده‌ها و معلمان مدرسه درباره خطرات قاچاق به راه بیندازند. آنها از شرکت‌کنندگان می‌خواهند که از انواع مختلف هنر برای انتقال این پیام استفاده کنند.

۲- شرکت‌کنندگان کارگاه را به مدت ۲۰ دقیقه به سه گروه برای تبادل نظر تقسیم کنید. از هر گروه بخواهید یک سخنگو برای ارائه گزارشی به کل کارگاه برگزیند.

۳- به گروه‌ها آموزش دهید که پیشنهادی درباره نحوه استفاده از یک هنر خاص برای آموزش به مخاطبان موردنظر ارائه کنند. از یکی از گروه‌ها بخواهید که بر چگونگی استفاده از هنر رقص و سایر اشکال حرکات بدنی تمرکز کنند و گروه دیگر را بر موسیقی متمرکز کنید و گروه سوم را بر هنرهای گرافیکی.

نکاتی برای تسهیلگر: با پرسیدن پرسش‌های زیر، به شرکت‌کنندگان در تنظیم گزارش مختصراً درباره فعالیت کمپین‌شان کمک کنید. برای مثال:

- آیا کمپین باید از رقصندگان و موسیقی‌دانان و هنرمندان مشهور دعوت به همکاری کند؟
- یا اینکه کمپین باید از استعدادهای شهروندان معمولی یا حتی نجات‌یافته‌گان از خشونت استفاده کند؟
- امتیازات یا معایب استفاده از موسیقی چیست؟
- استفاده از کدام هنرهای بصری، توجه بیشتری را به این کمپین جلب می‌کند: نقاشی‌دیواری، نقاشی و طراحی، عکاسی، یا...؟

از تخته سیاه یا برگ کاغذ برای نوشتن توصیف مختصراً از پیشنهاد هر گروه و نتایج شمارش آرا، چنان‌که در مرحله چهارم آمده است، استفاده کنید.

۴- شرکت‌کنندگان کارگاه را دوباره دور هم جمع کنید. از هر سخنگو بخواهید پیشنهادها گروهش را حداقل در ۱۰ دقیقه با کل کارگاه در میان بگذارد و به این نکته پردازد که چگونه توجه طرفداران را به این کمپین جلب خواهد کرد.

۵- از شرکت‌کنندگان بخواهید که مزایا و نقاط اصلی کمپین‌های پیشنهادی را بسنجد. برای تشخیص اینکه کدام یک در بر خانواده‌ها و معلمان مدرسه تاثیرگذارترند، رای‌گیری کنید.

تمرین ۲ : نامگذاری سازمان شما (حدود ۴۵ دقیقه)

۱- پاراگراف زیر را برای شرکت‌کنندگان کارگاه بخوانید:
هر سازمانی که به دنبال حل یک معضل اجتماعی است، باید نامی داشته باشد که به بهترین وجه، خواسته‌ها و افکار حامیان اش را انعکاس بدهد. «مایتی‌نپال» مثالی از این همین موضوع است. کلمه «مایتی» به خانواده‌ای اطلاق می‌شود که دختر در آن متولد شده است. خود این کلمه، حس عاطفی در شنونده بر می‌انگیزد. یک ترانه مشهور نپالی می‌گوید: «اینجا خانه تو نیست. تو متعلق به یک غریبه هستی

(شوهر)». در واقع موسسه مایتی نپال به زنان، چه متاهل باشند و چه مجرد، این اطمینان را می‌دهد که خانه‌ای دارند که آنجا از آنان محافظت می‌کنند و به حقوق انسانی شان حرمت نهاده می‌شود.



۲- به شرکت‌کنندگان کارگاه ۱۵ دقیقه وقت بدهید تا برای سازمان مبارزه با قاچاق جنسی در جامعه ما نام مناسبی انتخاب کنند. از هر کدام از شرکت‌کنندگان بخواهید که نام پیشنهادی خود را همراه با یک یا دو جمله در توضیح علت انتخاب آن، بر روی یک تکه کاغذ بنویسد و به تسهیلگر کارگاه تحویل بدهد.

نکته برای تسهیلگر: کاغذ برای دادن به شرکت‌کنندگان دم دست داشته باشد.
از یک تخته سیاه یا برگ کاغذ برای ثبت اسامی و جمع آرا جهت مشاهده همه استفاده کنید.

۳- وقتی که کل اسامی پیشنهادی جمع شدند، هر کدام را به همراه دلیل ذکر شده امابدون اسمبردن از پیشنهاده‌نده آن، بخوانید.

۴- از شرکت‌کنندگان بخواهید راجع به تک‌تک نام‌های پیشنهادی برای سازمان رای بدهند. تسهیلگر کارگاه باید تعداد و آمار رای‌ها را محاسبه کند.

۵- وقتی که کل نام‌ها خوانده شدند، به شرکت‌کنندگان اعلام کنید که کدام نام بیشترین رای را آورده است.

۶- از دو نفر از داوطلبانی که به اسم برنده رای داده‌اند بخواهید توضیح بدهند که چرا به نظر آنها این نام مناسب وضعيت جامعه و منعکس‌کننده خصوصیات جمعیتی است که بناست در راستای بهبود وضعیت آنان عمل کند.

تمرین ۳: شناساندن کارهای بزرگ و ارزشمند قهرمانان (حدود ۴۵ دقیقه)

۱- پاراگراف زیر را برای شرکت‌کنندگان کارگاه بخوانید، یا داوطلبی انتخاب کنید که این کار را انجام بدهد:

شبکه جهانی سیانان، آنوراداکوئیرالا، موسس مایتی را به عنوان «قهرمان سال ۲۰۱۰» معرفی کرد. پلاک افتخاری این مقام و مبلغ ۲۵۰۰۰ دلار نیز برای سرمایه‌گذاری در ادامه مبارزه با قاچاق جنسی به او تقاضی شد. سیانان از مخاطبان خود درخواست کرد که نامزدهای موردنظر خود را برای تصاحب عنوان «قهرمان سال اعلام کنند و سپس به نامزدهای موردنظر خود از طریق وبسایت رای بدهند. طرفداران کوئیرالا در سایت فیسبوک، کمپینی از طرف او راه اندازی کردند. در جشن معرفی قهرمان سال که از شبکه‌های تلویزیونی پخش شد، ستاره‌های سینما از جمله دمی مور - بازیگر مشهور آمریکایی

- حضور داشتند. معرفی کوئیر الا توسط دمی مور انجام شد.^{۲۱}

۲- تصور کنید که شرکت‌کنندگان موظف شده‌اند که از یک فرد یا سازمان که با بردهداری جنسی و قاچاق سکس در جامعه ما مبارزه می‌کند، تقدير به عمل بیاورند. رادیو در دسترس‌ترین و بهترین ابزار برای این کار است.

۳- نمونه جایزه افتخاری «قهرمان سال»^{۲۲} شبکه سی‌ان‌ان را در نظر داشته باشید و از شرکت‌کنندگان بخواهید که به مدت ۲۰ تا ۲۵ دقیقه برای تصمیم‌گیری درباره موارد زیر به تبادل نظر بپردازنند:

- از چه کسی و چه سازمانی قدردانی می‌کنید؟
- چگونه از برنامه‌های رادیویی برای شناسایی چنین فرد یا سازمانی می‌توانید استفاده کنید، و
- قدردانی و تقدير از این فرد یا سازمان، چه گروهی از مخاطبان را هدف قرار می‌دهد؟



منبع: <http://cnn.com>

۴- وقتی که شرکت‌کنندگان درباره این سه نکته به توافق رسیدند، یک داوطلب را انتخاب کنید که ظرف ۱۰ دقیقه، خلاصه‌ای درباره پیشنهادها این گروه به کل کارگاه ارائه بدهد.

نکته برای تسهیلگر: اگر بردهداری جنسی و قاچاق سکس در جامعه شما رایج نیست، شکل دیگری از خشونت علیه زنان و دختران را جهت اجرای تمرین شماره ۳ انتخاب کنید.

۲۱. انتخاب دمی مور بهجا بود، او همراه با همسر سابق‌اش، آشتون کوشر که او نیز بازیگر است، بنیادی به اسم «دمی و آشتون» که به دی.ان.ای. شناخته شد را در سال ۲۰۱۰ راه اندازی کردند تا آگاهی نسبت به قاچاق جنسی و کلیشه‌های فرهنگی را که به این آزار استمرار می‌بخشد افزایش دهند و به بازتوانی قربانیان کمک کنند. برای اطلاعات درباره این سازمان نگاه کنید به: <Http://demiandashton.com>

جلسه ۱۴ :

تجاور به مثابه سلاح جنگ (جلسه کارگاه، حدود ۲ ساعت و ۳۰ دقیقه)

نکاتی برای تسهیلگر: ساختار این جلسه با آنچه تا به این اینجا در این رهنمود آمده، متفاوت است. این مطالعه خاص بر واکنش یک پژوهنده خاص در مقابل نوعی خاص از خشونت جنسیت محور تمرکز نمی‌کند، بلکه در عوض به تاریخ معاصر و گستردگی و اهمیت پدیده پیچیده جهانی «خشونت جنسی و خصوصاً تجاوز جنسی در دوران جنگ» می‌پردازد.

تعامل میان شرکتکنندگان کارگاه در طول این جلسه، تنها در قسمت «پرسش های برای بحث گروهی» انجام می‌شود که می‌کوشد بر واقعیت‌هایی که در این بخش به اختصار آورده می‌شوند تمرکز داشته باشد، و الهام‌بخش جستجو و کنکاش بیشتر درباره علل و پیامدهای این نوع از خشونت و نیز رامحل‌های محتمل آن باشد.

از اظهارنظر درباره ساختار این جلسه باید استقبال شود، از جمله پیشنهادهایی که درباره گزارش‌های واقعی از پژوهندگان حرفه‌های مختلف که به موضوع تجاوز در دوران جنگ واکنش نشان داده‌اند، حذف یا افزودن بر پرسش‌های مورد بحث و گسترش تجربیات آموزشی.

آیا می‌دانستید که...؟

● خشونت جنسی علیه زنان و دختران در دوران جنگ از زمان‌دیرین وجود داشته و شامل عریان‌کردن اجباری زنان، ایجاد مزاحمت و هتك حرمت، ایجاد جراحت و معلولیت جنسی، روپیگری، ازدواج اجباری و تجاوز می‌شده است. از آن‌جا که در گذشته زنان ملک مردان به شمار می‌آمدند، سربازان دشمن، زنان و دختران را غنیمت‌های جنگی می‌دانستند که لازم است پس از پیروزی تصاحب و فتح شوند.

● «دستور العمل نیروهای نظامی آمریکا در میدان جنگ» که در سال ۱۸۶۳ تنظیم شده، حاوی یکی از اولین ممنوعیت‌های رسمی مدرن علیه تجاوز در جنگ، قوانین پیکار برای سربازان جنگ آمریکا را بیان کرده است. این سند صریحاً تجاوز یا هر آزار دیگری نسبت به زنان در سربازینهای اشغال شده را با وضع مجازات مرگ برای مرتكب، ممنوع اعلام می‌کند و اساس قوانین جنگی است که بعدها در آمریکا به تصویب رسید.

● تلاش‌ها برای توسعه قوانین جنگ از جمله ممنوعیت خشونت و تجاوز جنسی، تا پیش از قرن بیستم که البته خود مملو از موارد تجاوز در طول دوره های نزاع و جنگ است، از سوی اغلب ارتش‌های دنیا نادیده انگاشته می‌شد. در اوت ۱۹۱۴، نیروهای آلمانی در حمله به کشور بلژیک، به زنان تجاوز کردند، آن‌ها را به قتل رساندند و بدن‌های عریانشان را در معرض دید عموم قرار دادند. بریتانیا، فرانسه و ایالات متحده آمریکا از اخبار تعرض به «حرمت» زنان بلژیک استفاده کردند تا بر تب

آلمانستیزی در طول جنگ جهانی اول دامن بزند. اما به دلیل فقدان هماهنگی های لازم و علی رغم اعلام این رخداد به عنوان یک جنایت جنگی، این کشورها موفق به تعقیب قانونی آمران و مترازوین نشند.

- در طول جنگ جهانی دوم (۱۹۳۷-۱۹۴۵)، ارتش ژاپن نزدیک به ۲۰۰ هزار زن که اغلب شان چینی، فلیپینی و کره ای بودند را مجبور کرد که در روپیخانه های نظامی تحت عنوان «زنان تسلی بخش» کار کنند. دولت ژاپن، حدود نیم قرن پس از این اتفاق، حاضر به پرداخت غرامت به این زنان شد.

- در سال ۱۹۴۵، «شورای کنترل متفقین» در دوران برگزاری دادگاه های نورمبرگ و توکیو، قانونی تصویب کرد که در آن تجاوز به عنوان یکی از «جرائم علیه بشریت»، که در منشور دادگاه های نظامی بین المللی برای آلمان و ژاپن تعریف شده بودند، اعلام کرد. اما علی رغم وقوع تجاوز های گسترده از سوی سربازان جنگ جهانی دوم، دادگاه نورمبرگ هیچ کس را به ارتکاب خشونت جنسی محکوم نکرد، و تنها سه مرد در دادگاه توکیو محکوم به تجاوز شدند.

- خشونت جنسی مختص به جنگ میان دولت ها نیست بلکه در خصوصیات های داخلی کشورها نیز امری شایع است. در جنگ سال ۱۹۷۱ میان شرق و غرب پاکستان - جنگ آزادی بخش بنگلادش - هزاران زن بنگالی ربوده شده و مورد تجاوز قرار گرفتند و مجبور شدند در روپیخانه های نظامی کار کنند. منابع بنگلادشی این عدد را تا دویست هزار نفر ذکر کرده اند. منابع پاکستانی بدون اینکه تجاوز ها را انکار کنند، این عدد را ده ها هزار نفر اعلام کرده اند.

- نیروهای امنیتی پرو، در او جنگ علیه سورشیان «راه درخشان» (حزب کمونیست پرو) در سال های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۲، از تجاوز به عنوان سلاحی تاکتیکی استفاده کردند. تجاوز در زمان بازجویی با هدف گرفتن اطلاعات محرمانه از زنان از طریق تحقیر آنان، انجام می شد. این تعرض های جنسی در دوران پاکسازی های امنیتی، به قصد تنبیه و هشدار به مظنونین به طرفداری و هم فکری با سورشیان صورت می گرفت.

- وقتی یوگسلاوی به جنگ داخلی کشیده شد، تجاوز به سلاح نسل کشی تبدیل شد. طی سال های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵، سربازان صرب حدودا به ۲۰ هزار تا ۵۰ هزار زن بوسنیایی تجاوز کردند. در جامعه ای که کودکان نژاد و قومیت شان را از پدر انشان به ارث می برند، هدف از این تجاوز ها ایجاد نسلی جدید از کودکان صرب بود. صرب ها زنان کروات، آلبانیایی های کوزوو و رومانیایی را نیز مورد تجاوز قرار دادند. در دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی که در سال ۲۰۰۱ برگزار شد، سه رهبر صرب را در تجاوز، شکنجه و بردهداری مجرم شناخت. این اولین بار بود که تجاوز و بردهداری جنسی در سطح بین المللی به عنوان جرم علیه بشریت شناخته می شد.

- از آوریل تا ژوئن ۱۹۹۴، حدود ۲۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار زن رواندایی از قوم توتی، به دست سربازان ارتش قوم هوتو که به نبال باردار کردن قربانیان خود بودند، مورد تجاوز قرار گرفتند. در سال ۱۹۹۸، دادگاه کیفری بین المللی رواندا به تصمیمی سرنوشت ساز رسید: تجاوز به صورت سیستماتیک و به عنوان یک سلاح در حین ارتکاب جرم نسل کشی، و به قصد از بین بردن توتی ها، استفاده شده بود.

- در نظرسنجی که در سال ۲۰۰۲ توسط پژوهشکان مدافع حقوق بشر در سیرالئون انجام شد، ۱۳ درصد از ساکنان اعلام کرند که نوعی از خشونت جنسی را در طول جنگ داخلی (۱۹۹۱-۱۹۹۹) تجربه کرده اند. در میان قربانیان تجاوز، ۳۳ درصد گفتند که به صورت گروهی به آن ها تجاوز شده است. کمیسیون آشتی و حقیقت یابی سیرالئون دریافت که گروه های نظامی بدون توجه به گروه سنی، قومی و طبقه اجتماعی، به زنان تجاوز کرده اند.

- در جمهوری دموکراتیک کنگو، از زمان روشن شدن آتش جنگ در سال ۱۹۹۸، مداوماً از تجاوز به

عنوان سلاح جنگی استفاده شده است. امروزه نزدیک به دویست هزار نفر از قربانیان تجاوز در این کشور زندگی می‌کنند. علی‌رغم آغاز روند صلح در سال ۲۰۰۳، تعرض جنسی توسط شبکه‌نظامیان و نیروهای نظامی کنگو در مناطق شرقی این کشور همچنان ادامه دارد. حتی با حضور نیروهای سازمان ملل در این کشور، بیش از ۵۰۰ مورد تجاوز در آگوست سال ۲۰۱۰ گزارش شد به طوری که معاون دبیرکل سازمان ملل متعدد در حفاظت از صلح، به دلیل عدم موفقیت این نهاد در محافظت از جمیعت منطقه و ادار به عذرخواهی شد.

- عفو بین‌الملل، سازمان دیدهبان حقوق بشر، دادگاه کیفری بین‌المللی، سازمان پزشکان بدون مرز، پزشکان جهانی^{۲۲} و سایر سازمان‌ها شواهد خشونت‌های جنسی در دوران جنگ را در چاد، چن، کلمبیا، ساحل عاج، دارفور، کنیا و سودان جمع‌آوری کردند.
- سورای امنیت سازمان ملل، با مشاهده رواج و فراگیری خشونت جنسی به عنوان سلاح جنگی، قطعنامه‌های ۱۸۲۰ و ۱۸۸۸ را به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ تصویب کرد. (این دو قطعنامه در پیوست‌های شماره ۲ و ۳ این کتاب آمده‌اند). قطعنامه ۱۸۲۰ طرفین جنگ را به حمایت از غیرنظامیان در برابر خشونت جنسی دعوت می‌کند و از آنان می‌خواهد که مقررات نظامی را رعایت کنند، فرمان‌پذیر باشند، و مرتکبان خشونت جنسی را مورد تعقیب قرار بدهند. تحقق این امور مستلزم این است که واحدهای مختلف سازمان ملل از مهارت نیروهای حافظ صلح در حمایت از غیرنظامیان اطمینان حاصل کنند و همچنین ایجاب می‌کند که کمیسیون ایجاد صلح سازمان ملل، تاثیر خشونت‌های جنسی مربوط به جنگ را مورد بررسی قرار دهد. تهیه برنامه عملی از سوی دبیرکل سازمان ملل نیز موردنیاز است که بتواند امر مبارزه با خشونت جنسی در زمان جنگ را به شکلی منسجم و سیستماتیک در همه ارگان‌های سازمان ملل تسری بخشد.
- قطعنامه ۱۸۸۸ که منتج از برنامه دبیر کل سازمان ملل متعدد است، سازمان ملل را مجهز به ابزار مبارزه با خشونت جنسی در دوران جنگ می‌کند: انتصاب نماینده ویژه از سوی دبیرکل سازمان ملل متعدد، ایجاد کارگروهی از کارشناسان حقوقی برای کمک به جوامع در شرایط پس از جنگ به قصد جلوگیری از معافیت مرتکبان خشونت جنسی از مجازات، انتصاب مشاوران متخصص در محافظت از زنان در ماموریت‌های ویژه حفاظت از صلح، نظارت و تهیه گزارشی از سازوکارهای مذکور و نیز تهیه گزارش‌های سالیانه برای معرفی گروه‌هایی که مظنون به ارتکاب خشونت جنسی هستند.

منابع:

Afraid and Forgotten: Lawlessness, Rape, and Impunity in Western Côte d'Ivoire. New York, NY: Human Rights Watch, ۲۰۱۰; Askin, Kelly Dawn; War Crimes against Women: Prosecution in International War Crimes Tribunals. The Hague, Netherlands: Martinus Nijhoff Publishers, ۱۹۹۷; Brownmiller, Susan; Against Our Will: Men, Women, and Rape. New York, NY: Ballantine Books, ۱۹۹۳ ed.; de Brouwer, Anne-Marie; Supranational Criminal Prosecution of Sexual Violence: The ICC and the Practice of the ICTY and the ICTR. Tilburg University, Netherlands: Intersentia, ۲۰۰۵; Gingerich, Tara, J.D., M.A. and Leaning, Jennifer, M.D., S.M.H. ; The Use of Rape as a Weapon of War in the Conflict in Darfur, Sudan. Boston, MA: Program on Humanitarian Crises, Harvard School of Public Health, October ۲۰۰۴; Goetz, Anne-Marie

۲۲. توضیح مترجم: «پزشکان جهانی» سازمانی مردم‌نهاد و غیردولتی در آلمان است که در سراسر جهان، از زنانی که در گیر تبعات خشونت‌های نظامی و جنگ هستند حمایت می‌کند. این سازمان، فارغ از مرزها و محدودیت‌های نژادی، سیاسی یا مذهبی، از زنانی که تجربه خشونت جنسی دارند، دفاع می‌کند. برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به:

<http://medicamondiale.org>

and Jenkins, Rob; "Sexual Violence as a War Tactic—Security Council Resolution 1888: Next Steps". UN Chronicle. Vol. 47, No. 1, 2010; "Physicians for Human Rights Study Documents High Rate of Sexual Violence in Sierra Leone; Special Court Must Hold Perpetrators Accountable for Abuses." Cambridge, MA and Washington, DC: Press release on January 23, 2002; Tanaka, Yuki; Japan's Comfort Women: Sexual Slavery and prostitution during World War II and the US occupation. London, UK and New York, NY: Routledge, 2002; "The Guns are in the Bushes": Continuing Abuses in Liberia. New York, NY: Human Rights Watch, January 2004; and Wood, Elisabeth Jean; "Variation in Sexual Violence during War." Politics & Society. Vol. 34, No. 3, September 2006.



پوستری در شهر مانروی، لیبریا، بخشی از فعالیت‌های کمپین مبارزه با خشونت جنسی، پس از وقوع تجاوز‌های گسترده علیه زنان در طول دو جنگ داخلی (۱۹۸۹-۱۹۹۶، ۲۰۰۳-۱۹۹۹). در بالای پوستر نوشته شده است: «خشونت جنسیت‌محور به همه مربوط است.»
منبع:

<http://www.rescue.org/photo-essays/empowering-women-liberia>



پوستری از کمپین مبارزه با تجاوز، کاری از جمهوری دموکراتیک کنگو با همکاری سایر سازمان‌های بین‌المللی. ترجمه از زبان سواهیلی: بالای پوستر: «آیا این زنان باید مورد تجاوز قرار می‌گرفند؟» و در پایین پوستر: «هیچ‌چیز و هیچ‌کس نمی‌تواند تجاوز را توجیه کند.»
منبع:

<http://www.sfcg.org/programmes/drcongo/SGBV-poster-campaign.html>

پرسش هایی برای بحث گروهی (حدود ۲ ساعت و ۳۰ دقیقه)

- آیا شما با هیچ یک از این موارد یا موارد دیگر خشونت جنسی در دوران جنگ آشنایی داشته اید؟ اگر پاسخ مثبت است، چگونه به این اطلاعات دست یافته‌دید؟
- وقتی مطالبی درباره این اتفاقات می‌خوانید، چه احساسی دارید؟
- مشتاق برای مبارزه در راه حقوق انسانی زنان و دختران؛
- غمگین به خاطر گسترگی این مساله؛
- عصبانی از تکرار و دوام این جرم در گوشه و کنار جهان و در طول تاریخ؛
- احساسی دوگانه و مردد زیرا جامعه من هرگز در طول جنگ شاهد تجاوز نبوده است؛
- امیدوار به دلیل اینکه سازمان ملل و سایر سازمان‌ها به کمک قربانیان شتافتند؛
- وحشتزده زیرا زنان جامعه من در صورت وقوع جنگ در معرض خطر تجاوز هستند؛
- لطفاً توصیف خودتان را مطرح کنید.

- چرا آماری که از تعداد زنان و دخترانی که در طول دوران ناآرامی و جنگ، مورد تعرض قرار گرفته‌اند تا این اندازه با یکدیگر مقاومت است؟ برای مثال، «سربازان صرب حدود به ۲۰ تا ۵۰ هزار زن بوسنیایی تجاوز کردند...». چرا جمع‌آوری و ثبت آمار دقیق خشونت جنسی تا این حد دشوار است؟
- نجات‌یافتنگان از خشونت‌های جنسی در زمان گزارش وقوع تجاوز یا سایر اشکال خشونت جنسی در زمان صلح با چه چالش‌هایی رویرو هستند؟ شرایط جنگی چگونه این چالش‌ها را عمیق‌تر می‌کند؟
- آیا تجربه تجاوز گسترده در دوران جنگ، بر وضعیت زنان و دختران جامعه در زمان صلح تاثیر می‌گذارد؟ اگر بله، چگونه؟ اگر خیر، چرا؟
- چه جنبه‌هایی از درگیری‌های نظامی زمینه‌های خشونت جنسی را فراهم یا حتی به آن میدان می‌دهد؟ آیا به نظر شما جنگ خصوصیاتی دارد که وقوع تجاوز را اجتناب‌ناپذیر می‌کند؟ یا وقوع تجاوز در دوران جنگ قابل پیشگیری است؟
- چه شباهت‌ها و تفاوت‌های میان تجاوز‌های صورت‌گرفته در زمان صلح و تجاوز‌های صورت‌گرفته در زمان درگیری و جنگ وجود دارد؟ آیا انگیزه مرتکبان تجاوز در این دو دوره یکسان است یا متفاوت؟ تاثیر این عمل بر روی قربانیان چطور؟ این شباهت‌ها و تفاوت‌ها چگونه می‌توانند به تلاش‌های ما در پیشگیری و مجازات متاجوزان و کمک به نجات‌یافتنگان، شکل و جهت بدهند؟
- معنای بخشودگی و معافیت از مجازات چیست؟ چه کسی در حکومت یا جامعه باید رئیس جلوگیری از استفاده از تجاوز به عنوان سلاح در درگیری‌های نظامی شناخته شود؟ چه کسی باید مسئولیت مجازات نیروهای نظامی که از تجاوز به مثابه سلاح استفاده کرده‌اند را عهدهدار باشد؟
- چه کسی در حکومت یا جامعه رئیس کمک به نجات‌یافتنگان خشونت جنسی در دوران جنگ است یا باید باشد؟
- موانع احتمالی برای اجرای قطعنامه‌های ۱۸۲۰ و ۱۸۸۸ سازمان ملل چیست؟ این قطعنامه‌ها برای دولت‌ها و سازمان‌های خصوصی که در پی جلوگیری از بروز خشونت جنسی در زمان ناآرامی هستند و قصد دارند پس از فروکش‌کردن ناآرامی‌ها در زمان صلح، جامعه‌ای با عدالت جنسیتی بیشتر بسازند، چه موقعیت‌هایی فراهم می‌آورند؟

جلسه ۱۵

نقش ها و حقوق زنان و دختران در تأمین صلح و بازسازی دوران پس از جنگ، قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل

(جلسه کارگاه، حدود ۳ ساعت)

پیشنهادهای برای تسهیلگر: ساختار این جلسه نیز مانند جلسه قبل، با سایر بخش های این رهنمود فاصله دارد. با نگاهی به ساختار جلسه پانزدهم قطعاً متوجه خواهید شد که این مطالعه خاص نیز بر شرکت پژوهندۀ در حل و فصل مخاصمات یا دوران بازسازی پس از جنگ متمرکز نیست، بلکه بر خلاقیت، تجربه ها، رویکردها و مهارت هایی که زنان در این فعالیت های صلح آمیز به کار میبرند، تاکید دارد.

تعامل میان شرکت کنندگان کارگاه در طول این جلسه، تنها در قسمت «پرسش هایی برای بحث گروهی» انجام می شود که می کوشد بر واقعیت هایی که در این بخش به اختصار ذکر می شوند تمرکز داشته باشد، و الهام بخش جستجو و کنکاش درباره نحوه شراکت گسترده تر زنان در این عرصه، بهخصوص در مذاکرات رسمی برای برقراری صلح و تصمیم گیری های پس از جنگ درباره جوانب بازسازی جامعه، باشد.

از اظهار نظر درباره ساختار این جلسه باید استقبال شود. از جمله از پیشنهادها درباره گزارش های واقعی از پژوهندگان حرفه های مختلف که نمونه هایی است از فعالیت های صلح طلبانه زنان در دوران جنگ یا پس از آن، حذف یا افزودن پرسش های مورد بحث، و گسترش تجربیات آموزشی.

آیا می دانستید که...؟

- زنان در طول تاریخ از فعالیت های رسمی برای پایان بخشیدن به جنگ محروم بوده اند. غیبت زنان در «دیپلماسی خط یک»^{۲۳} کاملاً مشهود است. بین سال های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۹، تنها دو درصد از امضاكنندگان ۲۱ توافق نامهم و تاثیرگذار در زمینه صلح، زن بوده اند. اما زنان درباره مسائل

۲۳. توضیح مترجم: پیشنهاد اصطلاح «دیپلماسی چندخطی» به سال ۱۹۸۱ بر می گردد، زمانی که جوزف مونتویل (مدیر برنامه تنش زدایی از راه دیپلماسی) برای اولین بار در مقاله ای که برای مجله «دیپلماسی خارجی» نوشته بود، از عبارت «دیپلماسی خط دو» استفاده کرد. طبق توصیف او «دیپلماسی خط یک» تعامل دولت با دولت در سطح روابط خارجه است و «دیپلماسی خط دو» هرگونه اقدامی در سطح بین المللی از سوی مقامات یا اشخاص غیردولتی است. جان مکدونالد، یکی از سفرای آمریکا، هشت سال بعد در مقاله ای، تعداد این خطوط اقدامات دیپلماتیک را به پنج افزایش داد.

در کتاب دانشنامه روابط بین الملل و سیاست جهان نیز زیر مدخل دیپلماسی آمده است: «منظور از «دیپلماسی خط یک» تلاش هایی است که یک دولت یا سازمان بین دولتی برای حل و فصل درگیری دو دولت یا حتی درگیری های درون یک کشور به عمل می آورد؛ و «دیپلماسی خط دو» ناظر به همین روند در حالتی است که اجرائندۀ آن کارگزاری های غیردولتی مانند سازمان های غیردولتی باشد.» دانشنامه روابط بین الملل و سیاست جهان؛ ویراستار: مارتین گریفتش، مترجم: علیرضا طیب، چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۸۸، صفحه ۵۳۱. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به وب سایت «موسسه دیپلماسی چندخطی»: <http://imtd.server295.com>

مربوط به جنگ و صلح سکوت نکرده‌اند، و بر روی «دیپلماسی خط دو» یا همان دیپلماسی شهروندی، و «دیپلماسی خط سه» یا همان فعالیت‌های مدنی تمرکز کرده‌اند. هدف آنها، ایجاد فرهنگ‌ها و ساختارهایی است که جنگ و خونریزی را تقبیح، و صلح و امنیت برای مردان و زنان را تأثید و تقویت کند.

قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل که در سال ۲۰۰۰ به اتفاق آرای اعضا تصویب شد، از کشورها می‌خواهد که: «... حضور روزافزون زنان را در کلیه مراحل تصمیم‌گیری ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه جلوگیری، مدیریت و حل و فصل درگیری‌ها، تضمین کنند» و از طرفین جنگ نیز می‌خواهد که «... از زنان و دختران در مقابل خشونت جنسیت-محور به خصوص تجاوز و سایر اشکال آزار جنسی، و کلیه اشکال خشونت در دوران درگیری نظامی محافظت کنند.» (متن کامل این بیانیه در پیوست ۴ این کتاب آمده است). این قطعنامه منعکس‌کننده این واقعیت است که زنان بسیاری در طول جنگ‌ها قربانی شده‌اند، و نیز اینکه زنان تنها قربانی جنگ‌ها نیستند بلکه می‌توانند و لازم است که همچون گذشته - در حل ستیزه‌های جهان نیز مشارکت نمایند.

تاریخ سال‌های اخیر، پیش و پس از تصویب قطعنامه ۱۳۲۵، شاهدی است برمهرات و خلاقیت زنان در امر پیگیری صلح. مرید کوریگن و بتی ویلیامز در دهم ماه اوت ۱۹۷۶ به فعالان صلح در ایرلند شمالی پیوستند. در آن روز، خواهر کوریگن، سه فرزندش را به خاطر تصادف با ماشین در بلفاست غربی از دست داد. راننده این ماشین، یکی از اعضای ارتش جمهوری خواه ایرلند بود که به صورت تصادفی و در زمان فرار، توسط نیروهای ارتش انگلیس مورد اصابت گلوله قرار گرفته بود و به همین دلیل، ماشین از کنترل وی خارج و واژگون شد. بتی ویلیامز شاهد این واقعه اسفناک بود و ارتش جمهوری خواه ایرلند را به‌خاطر آتش‌گشودن بر نیروهای گشت انگلیسی و برانگیختن این حادثه شد متهم کرد. او به همین مناسبت، طومار صلحی تهیه کرد و کوشید امراضی کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها را در پای آن جمع کند، و تظاهراتی با حضور بیش از ۲۰۰ زن را نیز ترتیب داد. این تظاهرات از مقابل خانه کوریگن گذشت و او نیز به صفت تظاهرکنندگان پیوست. بدین ترتیب، یک جنبش غیرخشونت‌آمیز مختص زنان با نام «جمعیت صلح‌دوستان» شکل گرفت که اعمال فشار بر طرفین جنگ را تا زمانی که وضعیت ایرلند شمالی در سال ۱۹۹۸ مشخص شد، ادامه داد. این صلح‌دوستان همچنان برای بهبود وضعیت اختلافات میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها در بخش‌های مختلف این کشور به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

زنان تلاش کرده‌اند تا بر اساس راه حل دو دولتی، میان اسرائیل و فلسطین صلح برقرار کنند. «ائتلاف زنان برای صلح» که در سال ۲۰۰۰ ایجاد شده است، چتری مرکزی است که ۹ گروه فعل زنان اسرائیلی تحت لوای آن به فعالیت می‌پردازند. از بنیان‌گذاران این سازمان می‌توان به «زنان سیاهپوش» اشاره کرد که همزمان با وقوع قیام فلسطینیان در سال ۱۹۸۸ به راه افتداد، و زنان سیاهپوش اسرائیلی ضمن حمل پلاکاردهایی که بر آن نوشته بود «به اشغال پایان دهید» به شبزندداری پرداختند. علی‌رغم تداوم درگیری میان فلسطین و اسرائیل، زنان سیاهپوش همچنان الهام‌بخش فعالیت گروه‌های مشابه در سراسر جهان است.

ائتلاف زنان سیاهپوش هندستان در سال ۱۹۹۲ تأسیس شد، درست پس از آن که بنیادگر ایان هندو، مسجد بابری را منهدم کردند و موجی از خشونت که زنان قربانیان اصلی آن بودند به راه افتاد. زنان سیاهپوش در بنگلور، به صورت هفتگی در خیابان‌ها،



میادین و پارک صلح گاندی شبز ندهداری های سکوت برگزار کردند. زنان سیاهپوش فیلیپین در سال ۱۹۹۵ ایجاد شد، زمانی که شورای حقوق بشر زنان آسیا و گروه «لیلا پلیپینا» - اجتماعی از «زنان تسلیبخش» (روسپی های اجباری) و قربانیان آزار و خشونت جنسی در طول جنگ جهانی دوم - جلوی سفارت ژاپن در مانیل (پایتخت فیلیپین) تجمع کرده و خواستار پرداخت غرامت از سوی کشور ژاپن در ازای جنایت های ارتضی این کشور در زمینه بردهداری جنسی در طول جنگ جهانی دوم شدند.

- زنان در زمینه مشکلات ناشی از جنگ رویکردهای عملگرایانه ای پیش گرفته اند، مانند زنی اهل سومالی به نام «حليمه عبدي اروش» که ناظر آموزشی بود و همسرش را در جنگ داخلی این کشور از دست داد. حليمه در سال ۱۹۹۱، سازمانی تحت عنوان سازمان ارتقای وضعیت و پیشرفت زنان تاسیس کرد که به آوارگان و افراد بی خانمان داخل کشور کمک می کرد. خانم اروش با توجه به وضعیت غیرنظمیانی که در بمباران جنگجویان گرفتار شده بودند، بر خلع سلاح نیروهای جنگجو تمرکز کرد. در سال ۱۹۹۸ خانم اروش، فرماندهان جنگ را تشویق کرد که به جای اسلحه برداشت، در جلسه ها آموزش شغلی شرکت کنند. در آن سال، بیش از ۱۵۰ نیروی نظامی، سلاح های خود را کنار گذاشتند و با شغل های جدید، به زندگی غیرنظمی بازگشتد. این برنامه تا سال ۲۰۰۳ ادامه پیدا کرد.

- همان طور که عملکرد لیما گبوی لیبریایی نشان می دهد، زنان ممکن است که در ابتدا با پرداختن به امور گستته و پراکنده شروع به فعالیت کنند، اما زمانی که فعالیت های صلح آمیزشان شتاب گیرد، آنها حتی جسارت مواجهه با بانیان جنگ را نیز پیدا می کنند:

- زمانی که اولین جنگ داخلی لیبریا (۱۹۸۹-۱۹۹۶) به اتمام رسید، خانم گبوی به عنوان مددکار، داوطلبانه به همکاری با برنامه درمان آسیب های روانی و بازتوانی که از سوی کلیسای او در مونروویا (پایتخت لیبریا) برگزار می شد شتافت. این تجربه آغاز ورود او به فعالیت های صلح طلبانه بود. خانم گبوی به مشاوره مجروحان جنگی مشغول شد و با همکارانی که نگران تاثیر تلفات جنگ بر غیرنظمیان بودند دیدار کرد.

- وقتی دومین جنگ داخلی لیبریا (۱۹۹۹-۲۰۰۳) به وقوع پیوست، خانم گبوی به طور کامل در برنامه «زنان سازنده صلح» (WIPNET)، زیرمجموعه ای از «شبکه ایجاد صلح در غرب آفریقا» (WANEP) فعالیت داشت. خانم گبوی، با فراتر رفتن از مرزها و محدودیت های قومی و مذهبی، رهبر جنبش بزرگ صلح زنان لیبریا شد: جنبشی صلح آمیز که با دعا و سرود خواندن زنان بومی در یک بازار ماهی فروشی کلید خورد.

- خانم گبوی، با سرپیچی از دستورات ریس جمهور لیبریا، چارلز تیلور، زنان مسیحی و مسلمان را برای برگزاری تظاهرات غیرخشونت آمیز بسیج کرد؛ زنان با پیرهن های سفیدرنگ که بر آنها عبارت WIPNET نقش بسته بود، یک زمین فوتبال را که در مسیر رفت و آمد تیلور بود اشغال کردند و دست به «تحريم رابطه جنسی» زدند.

- وقتی در ۲۳ آوریل ۲۰۰۳، تیلور به آنها فرصت ملاقات داد، خانم گبوی او را در حالی مورد خطاب قرار داد که بیش از ۲۰۰۰ زن در خارج از ساختمان اداری تجمع کرده بودند. او رو به تیلور سخن می گفت اما حرف هایش را خطاب به تنها مقام اداری زن حاضر در جلسه بیان کرد: «ما از جنگ خسته شده ایم. از دویدن خسته شده ایم. ما از التماس برای گرفتن مشتی بلغور گندم خسته شده ایم. ما از اینکه به فرزندانمان تجاوز شود خسته شده ایم. ما هم اکنون محکم ایستاده ایم تا امنیت آینده فرزندانمان را تضمین کنیم. چرا که ما ، به عنوان نگهبانان این جامعه باور داریم که فرزندانمان فردا از ما خواهد پرسید: مادر، نقش تو در این بحران چه بود؟» او از رئیس جمهور تیلور قول گرفت که در مذاکرات صلح در غنا شرکت کند.

- در ژوئن ۲۰۰۳، خانم گبوی هیئت نمایندگی زنان در آکرا (پایتخت جمهوری غنا) را رهبری می‌کرد تا در طول مذاکرات صلح به نیروهای جنگ فشار وارد کند. در ابتدا، زنان بیرون هتلی که محل دیدار مذاکره‌کنندگان بود تجمع کردند. همزمان با تعلیق مذاکرات به پایان ماه ژوئیه، خانم گبوی وارد هتل شد و به میانجی اصلی مذاکرات، رئیس‌جمهور سابق نیجریه: عبدالسلام ابوبکر پیام داد که زنان با دست‌های قفل شده در هم، در راه روی هتل می‌نشینند و آنقدر نمایندگان مذاکره‌کننده را «گروگان» نگاه خواهند داشت تا این مذاکرات به نتیجه برسد. آفای ابوبکر ضمن ابراز همدلی با این زنان، خطاب به مردان حاضر در جلسه گفت: «سالن گردد همایی صلح توسط ژنرال لیما گبوی و ارتش اش اشغال شده است.» وقتی برخی از مذاکره‌کنندگان تلاش کردند که هتل را ترک کنند، خانم گبوی و دیگر زنان آنان را تهدید کردند که لباس‌هایشان را پاره خواهند کرد. در واقع آنها با این کار، مردان را از احتمال رو به رو شدن با تن برخنه زنان متاهل و مسن ترسانند - کاری که در فرهنگ آفریقایی نوعی نفرین و طلسه به شمار می‌رود. با حمایت آفای ابوبکر، مذاکرات صلح روندی جدی‌تر به خود گرفت، در حالی که زنان بیرون اتفاق مذاکرات به انتظار نشسته بودند. در نهایت، دومین جنگ داخلی لیبریا در ۱۸ اوت ۲۰۰۳ با امضای توافق‌نامه جامع صلح آکرا به پایان رسید.
- با وجود اینکه فعالیت‌های توده‌ای زنان بر توقف مخاصمات نظامی تاثیرگذار بوده، اجرای قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت همچنان در خوش‌بینانه‌ترین حالت، غیر منصفانه و ناموفق بوده است. اهمیت حضور زنان هنوز در «مذاکرات خط یک» لحاظ نشده است. زنان حضوری اندک ولی رو به رشد در عملیات‌های حافظ صلح (غیرنظامی، نظامی و انتظامی) دارند و ۳۴ کشور، برنامه‌های اجرایی ملی برای پیاده‌کردن این قطعنامه در دست دارند: اتریش، بلژیک، بوسنی و هرزگوین، کانادا، شیلی، ساحل عاج، کرواسی، جمهوری دموکراتیک کنگو، دانمارک، استونی، فنلاند، فرانسه، گرجستان، گینه، گینه بیسائو، ایسلند، ایتالیا، نیپال، هلند، نروژ، فیلیپین، پرتغال، رواندا، سنگال، صربستان، سیریالئون، اسلوونی، اسپانیا، سوئیس، سوئیس، اوگاندا، بریتانیا، ایالات متحده آمریکا.
- در سال ۲۰۰۹، دبیرکل سازمان ملل متحد، آفای بان‌کی‌مون، کمپینی را برای افزایش ۲۰ درصدی تعداد زنان حافظ صلح در واحدهای پلیس و افزایش ۱۰ درصدی آنان در نیروهای نظامی تا سال ۲۰۱۴ به راه انداخت. در همین سال، شورای امنیت سازمان ملل، قطعنامه ۱۸۸۹ را برای افزایش شرکت زنان در هر مرحله و مرتبه‌ای از حل و فصل درگیری‌ها و مخاصمات تصویب کرد. (متن کامل این قطعنامه در پیوست شماره یک کتاب آمده است). در میان مفاد این قطعنامه، الزامات بیرای دبیر سازمان ملل متحد پیش‌بینی شده که بر مبنای آن وی موظف است بر روند انجام اقدامات مذکور نظرارت داشته و از حضور زنان بر سر میز‌های مذاکره و در ماموریت‌های حفظ صلح، ارائه معیارهایی برای استفاده در زیرمجموعه‌های سازمان ملل و نیز از اعمال قطعنامه ۱۳۲۵ توسط سازمان‌ها و دولت‌های مختلف، اطمینان حاصل کند.

منابع:

“About ۱۳۲۵: National Action Plans.” <http://www.peacewomen.org/pages/about-1325/national-action-plans-naps> Coalition of Women for Peace website http://www.coalitionofwomen.org/?page_id=۲۰۲۰&lang=en; ۲۰ Gbowee, ۲۰ Leymah; With Mithers, Carol. Mighty Be Our Powers: How Sisterhood, Prayer, and Sex Changed a Nation at War. New York, NY: Beast Books, ۲۰۱۱; Jama, Faiza; “Somali women and peacebuilding” <http://www.c-r.org/accord-article/somali-women-and-peacebuilding>; Peacemaking in Asia and the Pacific: Women’s participation, perspectives and priorities. Geneva, Switzerland: Centre for Humanitarian Dialogue, March ۲۰۱۱; Porter, Elisabeth; Peacebuilding: Women in International Perspective. Abingdon, Oxon,

UK and New York, NY: Routledge, ۲۰۰۷; Roble, Muhyadin Ahmed; "Profile: Dr Halima Ismail Ibrahim and IIDA—A Woman's Organization Empowers Women, Improves Lives despite War."; Somali Report, March ۹, ۲۰۱۱. <http://www.somaliareport.com/index.php/post/۲۰۵>; "Women in Black" website <http://www.womeninblack.org/en/history>; "United Nations Peacekeeping: Women in peacekeeping" <http://www.un.org/en/peacekeeping/issues/women/womeninpk.shtml>; "Women UN peacekeepers—more needed", ۲۰ May ۲۰۱۰. <http://www.irinnews.org/report.aspx?Reportid=۸۹۱۹۴>.

پرسش هائی برای بحث گروهی
(حدود ۲ ساعت و ۳۰ دقیقه)

- آیا شما با هیچ یک از موارد طرح شده، یا دیگر موارد مشابهی که زنان در فعالیت‌های صلح قبل و بعد از قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متعدد ۱۳۲۵ دخیل بوده باشند آشنایی داشتید؟ اگر بله، چگونه با این موارد آشنا شدید؟
- وقتی مطالب یادشده را می‌خواندید چه احساسی داشتید؟
 - ✓ تشویق شدم تا برای برقراری صلح در جامعه‌ام/کشورم یا در کل جهان کار کنم؛
 - ✓ ناراحت شدم چون جنگ را نمی‌تواند حذف کرد. جنگ همیشه بخشی از زندگی سیاسی خواهد بود؛
 - ✓ عصبانی شدم از اینکه زنان از مذاکرات صلح برای حل و فصل مقابله‌های نظامی کنار گذاشته می‌شوند؛
 - ✓ امیدوارم شدم به این دلیل که سازمان ملل متعدد و دولت‌های عضو، متعهد به شرکت‌دادن زنان در تلاش‌های مربوط به ایجاد و حفظ صلح هستند.
 - ✓ لطفاً پاسخ پیشنهادی خودتان را بنویسید.

- جنگ را چگونه تعریف می‌کنید؟ برداشت شما از جنگ مبتنی بر چیست؟ آیا این برداشت بر اساس گزارش‌های رسانه‌ها، کتاب‌ها، فیلم‌ها و غیره شکل گرفته است؟ بر اساس شنیده‌هایی که از تجربه اعضای خانواده، دوستان یا اطرافیان دارید؟ یا بر اساس تجربه شخصی و دست‌اول خودتان؟
- چرا زنان و دختران به صورت ناعادلانه و غیرمنصفانه در دوران جنگ آسیب می‌بینند؟ در بحبوحه خشونت، به نظر شما آیا جنگ راهی برای پیشرفت موقعیت سیاسی و اجتماعی زنان جهت تلاش برای برابری جنسیتی به آنان عرضه می‌کند؟
- صلح را چگونه تعریف می‌کنید؟ جنگ‌ها معمولاً چگونه تمام می‌شوند؟ چه کسی تصمیم می‌گیرد که درگیری‌های نظامی باید متوقف شوند؟ صلح معمولاً چگونه به دست می‌آید و چگونه برقرار باقی می‌ماند؟
- چرا زنان بیشتر اوقات از طریق فعالیت‌های شهروندی و توده‌ای و مردمی در روند ایجاد صلح دخیل می‌شوند؟ چرا زنان در مذاکرات رسمی صلح اغلب غایب اند؟
- زنان چه بینش‌ها، تجربه‌ها و مهارت‌هایی را با حضور خود به روند ایجاد صلح می‌آورند؟ آیا زنان در مقایسه با مردان مزایا یا نواقصی در پرداختن به چالش‌های ایجاد صلح دارند؟
- اگر زنان در مذاکرات رسمی برای پایان دادن به جنگ دخیل بودند، صلح چه شکل و شمایلی

- می‌داشت؟ فکر می‌کنید زنان در صورت حضور پای میز مذاکره، چه مسائلی را مطرح می‌کنند؟
حضور زنان چه تاثیری در بازسازی و مدیریت پس از جنگ دارد؟
- آیا می‌دانید کشور ما تا به حال به عنوان نیروی غیرنظامی، نظامی یا به عنوان عضو پلیس در ماموریت‌های ایجاد صلح سازمان ملل متعدد در اطراف جهان شرکت کرده است یا خیر؟ اگر چنین بوده است آیا می‌دانید که زنان نیز در میان این پرسنل بوده‌اند یا خیر؟
- آیا نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متعدد تا به حال در کشور ما خدمت کرده‌اند؟ اگر بلی، آیا زنان هم توسط سازمان ملل به کشور ما اعزام شده‌اند؟ اگر چنین است، آیا می‌دانید زنانی که در میان نیروهای حافظ صلح بوده‌اند به چه ملتی تعلق داشته‌اند؟
- چرا دخیل‌بودن زنان در ماموریت‌های حفظ صلح مهم است؟ آن‌ها چه بینش‌ها، تجربه‌ها و مهارت‌هایی را با خود به همراه می‌آورند؟ آیا زنان در مقایسه با مردان مزایا یا نواقصی در انجام این کار دارند؟
- موانع اجرای قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت ملی کدام‌اند؟ این قطعنامه چه فرصت‌هایی برای دولت‌ها و سازمان‌های خصوصی که به دنبال ایجاد و حفظ صلح و امنیت فارغ از جنسیت افراد هستند خلق می‌کند؟
- آیا نام کشور ما در فهرست کشورهایی که برنامه ملی برای اجرای اجرای قطعنامه ۱۳۲۵ دارند دیده می‌شود؟ اگر چنین است، آیا مفاد این برنامه را می‌دانید؟ اگر کشور ما هنوز برنامه ملی ندارد، به نظر شما علت چیست؟
- اگر شما برنامه عملی ملی کشورمان را تنظیم می‌کردید، چه مفادی را در این طرح می‌گنجانید؟ و چگونه از عملی‌شدن آن اطمینان حاصل می‌کردید؟

جلسة ۱۶ :

نتیجه‌گیری، ارزیابی تجربه ها و پیشنهادها

(جلسه کارگاه، حدود ۲ ساعت)

پیشنهاد به تسهیلگر: این جلسه، به بررسی موضوع خاصی نمی پردازد. در عوض، برای شرکتکنندگان کارگاه فرصتی فراهم می‌کند تا:

- درباره علل و پیامدهای خشونت علیه زنان و دختران و نیز تلاش‌هایی که برای رفع این مشکلات انجام می‌دهند، به نتیجه مفیدی برسند.
- به ارزیابی این رهنمود عمل، کیفیت کارگاهها و مهارت‌های تسهیلگر کارگاه پردازند و نظرها و پیشنهادهای خود را برای ارتقای تجربه یادگیری شرکتکنندگان بعدی، در میان بگذارند.

شرکتکنندگان نظرهای شان را از راه انجام دو تمرین آموزشی و تکمیل فرم ارزیابی زیر با یکدیگر مطرح خواهند کرد.

تمرین‌های آموزشی

(حدود ۱ ساعت و ۱۵ دقیقه)

تمرین ۱: تصور جامعه‌ای عاری از خشونت علیه زنان و دختران

(حدود ۴۵ دقیقه)

۱- از شرکتکنندگان کارگاه بخواهید که یک جامعه عاری از خشونت علیه زنان و دختران را در خانه، اماکن عمومی و در فراسوی مرزها تصور کنند. به آن‌ها ۳۰ دقیقه زمان بدهید تا درباره دیدگاهشان نسبت به چنین جامعه‌ای از نظر فرهنگی و ارزشی، نظام سیاسی و تعامل میان زنان و مردان به توافق برسند، برای این کار از پرسش‌های زیر برای هدایت تخیل‌شان استفاده کنند:

پیشنهاد به تسهیلگر: نوشتن این سرفصل‌ها و پرسش‌ها بر روی تخته سیاه یا برگ کاغذ می‌تواند مفید باشد.

• فرهنگ و ارزش‌ها

فرهنگ این جامعه چه ویژگی‌هایی دارد، چه ظاهری دارد و چه احساسی در شما ایجاد می‌کند؟ تولیدکنندگان چنین فرهنگ و ارزش‌هایی چه کسانی هستند؟ قهرمانان زن و مرد چنین جامعه‌ای چه کسانی هستند؟ مهمترین ارزش‌های این جامعه کدامند؟

• نظام سیاسی

چه نوعی از نظام سیاسی برای ایجاد و حفظ چنین جامعه‌ای کارآمدتر است؟ زنان چه نقشی در این نظام سیاسی بازی می‌کنند؟

● تعامل میان زنان و مردان

زنان و مردان این جامعه در خانه چگونه با یکدیگر تعامل دارند؟ در حوزه‌های فرهنگی و عقیدتی چطور؟ در محل کار؟ در حیطه سیاسی؟ در روابط بین‌المللی؟

۲- از میان شرکتکنندگان، یک داوطلب جهت خلاصه‌کردن این بحث در ۳ الی ۵ دقیقه، و بیان برداشت گروه از جامعه عاری از خشونت علیه زنان و دختران انتخاب کنید.

۳- برای جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از هر شرکتکننده بخواهید در یک جمله گامی که می‌خواهد برای ارتقای جامعه به سمت فضایی عاری از خشونت علیه زنان و دختران بردارد را پیشنهاد کند.

تمرین ۲ : درمیان گذاشتن آموخته‌هایمان با یکدیگر
(حدود ۳۰ دقیقه)

۱- نام خودتان و هر یک از شرکتکنندگان کارگاه را روی برگه‌های کوچکی بنویسید، از میان تا بزنید و در یک کاسه بریزید.

۲- خودتان و دیگر اعضا یک اسم را از داخل کاسه بردارید. اگر کسی اسم خودش را برداشته است، باید کاغذ را به داخل کاسه برگرداند و اسمی دیگر بردارد.

۳- به شرکتکنندگان ۵ تا ۷ دقیقه وقت بدید تا درباره مهمترین نکته‌ای که از آن فرد خاص یاد گرفته‌اند، فکر کنند. این نکته می‌تواند درباره مبارزه با خشونت علیه زنان و دختران، برخورد با این مشکل به عنوان یک متخصص، بازسازی زندگی نجات‌یافته‌گان از خشونت و یا کار در زمینه حقوق زنان یا موضوعی کاملاً متفاوت باشد.

۴- از هر شرکتکننده بخواهید تا نام شخص موردنظر را همراه با نکته‌ای که از آن فرد آموخته برای کل کارگاه بیان کند.

تکمیل فرم های ارزیابی و ارائه پیشنهادها (حدود ۴۵ دقیقه)

لطفا تجربه خود را از این رهنمود، جلسه های کارگاه و عملکرد تسهیلگران از طریق علامت زدن گزینه‌ای که به بهترین نحو نظر شما را منعکس می‌کند، ارزیابی کنید. پاسخ‌های شما به پرسش های این فرم و پیشنهادها شما بررسی خواهد شد و از آن‌ها برای تنظیم و پیشرفت برنامه‌های آینده کارگاه استفاده خواهد شد. فرم ارزیابی شما ناشناس خواهد بود مگر اینکه خودتان ترجیح بدید نامتان را بر آن درج کنید.

نحوه امتیازدهی:

- ۵ : عالی
- ۴ : خوب
- ۳ : قابل قبول
- ۲ : نیازمند تقویت
- ۱ : ضعیف
- ن.م. : نامناسب

کتاب رهنمود عمل						
ن.م.	۵	۴	۳	۲	۱	
۱. کتاب رهنمود عمل، مقدمه جامعی درباره علل و پیامدهای خشونت علیه زنان و دختران و تلاش‌های متخصصان برای رفع این مشکل به دست می‌دهد.						
۲. کتاب رهنمود عمل مدل آموزشی مناسبی برای متخصصان حرفه‌های مختلف و افراد عادی که علاقه‌مند به درک مشکل خشونت علیه زنان و دختران هستند ارائه می‌کند.						
۳. رهنمود عمل چارچوب سازنده ای برای تبادل فکر و نظر درباره معیارها و سیاست‌های منع خشونت علیه زنان و دختران به متخصصان پیشنهاد می‌کند و برای نجات‌یافتنگان خشونت، امکان بازسازی مجدد زندگی را فراهم می‌آورد.						
۴. محتویات و ساختار این رهنمود به شرکت‌کننده و تسهیلگر کارگاه، امکان تمرکز بر مسائلی را می‌دهد که حول موضوع خشونت علیه زنان و دختران وجود دارد و برای من و جامعه‌ام حائز اهمیتی فراوان است.						
جلسه های کارگاه						
۵. شرکت در جلسه های کارگاه مرا درباره مسائلی که معمولاً در زندگی حرفه‌ای و						

شخصی ام پیش می‌آید به فکر و اداشت.	
۶. شرکت در این جلسه هابه من فضایی داد تا تجربه های حرفه ای و شخصی ام را در بررسی علل و پیامدهای خشونت علیه زنان و دختران با دیگران در میان بگذارم.	
۷. شرکت در این جلسه ها به من اجازه داد تا از تجربه ها و پیشنهادهای کسان دیگر که در راستای بهبود وضعیت خشونت علیه زنان و دختران کار می‌کنند استفاده کنم.	
۸. شرکت در این جلسه ها این انگیزه را در من برانگیخت که کارهایی را که در زمینه جلوگیری از خشونت علیه زنان و دختران یا بازتوانی نجات‌یافتن خشونت برای بازسازی زندگی‌شان می‌توانم انجام دهم در نظر بگیرم.	
۹. شرکت در این جلسه ها فرصت ایجاد و گسترش شبکه‌ای از همکاران و دوستان را به من داد که بتوانم نگرانی‌های فردی و شغلی ام را زمانی که درباره مساله خشونت علیه زنان و دختران کار می‌کرم، با آن‌ها در میان بگذارم.	
۱۰. شرکت در جلسه های کارگاه به من امکان ایجاد و گسترش شبکه‌ای از همکاران و دوستان را داد و امکان همکاری با آن‌ها در تلاش‌ها و پژوهش‌های آینده در زمینه منع خشونت علیه زنان و دختران و نیز قدرت بخشیدن به نجات‌یافتن از خشونت در راستای بازسازی زندگی‌شان را فراهم کرد.	
۱۱. به آزمون گذاشتن مطالعات مشخص در اطراف جهان و جواب دادن به «پرسش هائی برای مباحثه» کمک کرد تا با چالش‌های بسیاری که زنان و دختران به عنوان قربانیان و نجات‌یافتن خشونت در موقعیت‌های مختلف فرهنگی، تدارکاتی، سیاسی و اجتماعی-اقتصادی با آن مواجهند، آشنا شومن.	
۱۲. اجرای تمرین‌های آموزشی، راه مفیدی برای ارزیابی امکان راحل‌های بالقوه مهار خشونت علیه زنان و دختران در شرایط مختلف فرهنگی، تدارکاتی، سیاسی و اجتماعی-اقتصادی بود.	
۱۳. به باور من شرکت زنان و مردان در این کارگاه برای آن‌ها سودمند است.	

	۱۴. به همکاران، دوستان یا اعضای فامیل ام پیشنهاد می کنم که در جلسه های این کارگاه شرکت کنند.
تسهیلگر کارگاه	
	۱۵. تسهیلگر به موضوع خشونت علیه زنان و دختران، علل و پیامدهای آن و تلاش های مربوطه در جهت حل این معضل، عمیقاً اشراف داشت.
	۱۶. تسهیلگر امکان فهم علل و پیامدهای خشونت علیه زنان و دختران و تلاش های متخصصان برای مقابله با این مساله را برای شرکت کنندگان فراهم می کرد.
	۱۷. تسهیلگر کارگاه را با سرعت مناسب و معقولی برگزار می کرد- به اندازه کافی سریع برای جلب نظر و علاقه، و به اندازه کافی آهسته برای دنبال کردن بحث و بهره هرگرفتن از جلسه های مربوط به مطالعات مشخص، «پرسش هائی برای مباحثه» و تمرین های آموزشی.
	۱۸. تسهیلگر فضای امنی ایجاد کرد که در آن با خیال آسوده امکان صحبت کردن درباره مشکلات حساس شغلی و فردی ام را داشتم.
	۱۹. تسهیلگر تمایل داشت تا تجربه ها و دغدغه های شخصی و شغلی اش را برای ادامه بحث با شرکت کنندگان در میان بگذارد.
	۲۰. تسهیلگر از پیشنهادهای شرکت کنندگان درباره مسائل مربوط به بحث استقبال می کرد و می کوشید تا جلسه های کارگاه را بر اساس نیاز های شرکت کنندگان تنظیم کند.

لطفا در فضای خالی زیر، نظرتان درباره هر جنبه ای از کتاب رهنمود عمل که پسندیدید یا نپسندیدید را بنویسید. چه پیشنهادهایی برای جالب تر، مناسب تر و مفید تر ساختن این رهنمود برای خودتان و افراد دیگر جامعه دارید؟ لطفا درباره راه حل های مساله خشونت علیه زنان و دختران که می توان آن ها را در بخش مطالعات مشخص گنجاند آزادانه نظر بدید. همچنین در صورت دلخواه می توانید پیشنهادهای خود را درباره تجربه های آموزشی و موضوع هایی که علاقه دارید در این کتاب رهنمود مطرح شود یا هر موضوع دیگری که دوست دارید در آن ببینید مطرح کنید.

نظرها:

لطفا در فضای خالی زیر، نظرتان درباره هر جنبه‌ای از جلسه‌های کارگاه که پسندیدید یا نپسندیدید را بنویسید. چه پیشنهادهایی برای جالب‌تر، مناسب‌تر و مفید‌تر ساختن جلسه‌های کارگاه برای خودتان و افراد دیگر جامعه دارید؟ لطفا نظر خود را درباره راه‌های جایگزین برنامه‌ریزی این جلسه‌ها و یا موضوع های پیشنهادی برای طرح در جلسه‌ها را مطرح کنید. ضمناً اگر مایلید می‌توانید پیشنهادهای خود را درباره افزودن ابزارهای آموزشی خاص (علاوه بر کتاب رهنمود عمل) به جلسه‌های کارگاه را مطرح کنید، مثلاً بررسی اسناد مربوط به موضوع مورد بحث، آثار هنری و ادبی، نقل داستان‌ها و تجربه‌های شخصی، سفرهای آموزشی، استفاده از فناوری‌های رسانه‌ای، و غیره.

نظرها:

لطفا در فضای خالی زیر، نظرتان درباره هر جنبه‌ای از شخصیت و مدیریت فرد **تسهیلگر کارگاه** که پسندیدید یا نپسندیدید را بنویسید. چه پیشنهادهایی برای تسهیلگر دارید که با استفاده از آن بتواند جلسه‌های آینده این کارگاه‌ها را مفیدتر، جالب‌تر و موثرتر برگزار کند؟ لطفا بنویسید که به نظر شما این فرد برای جلب اعتماد شرکت‌کنندگان به خود و به یکدیگر، برای ایجاد فضا و لحنی درخور حساسیت موضوع‌های طرح شده، و برای پرنشاط برگزارکردن کارگاه‌ها، چه کارهایی می‌تواند انجام بدهد؟

نظرها:

برای آگاهی های بیشتر

- یاکین ارتورک:^{۲۴}

ماموریت سازمان ملل برای حذف خشونت علیه زنان:
ضوابط، ابزارها و رهنمودهایی برای انجام مأموریت

مقدمه: ساز و کارهای بینالمللی حقوق بشر

پایان دادن به خشونت علیه زنان به سیاستی کلی و همه‌جانبه در ارگان های مختلف سازمان ملل تبدیل شده است. از همین رو، از سوی «آیین نامه های ویژه شورای حقوق بشر» (HRC)^{۲۵} نیز گزارشگر ویژه‌ای تعیین شده است که راجع به خشونت علیه زنان، دلایل و پیامدهای آن (SRVAW) تحقیق می‌کند و به ویژه موظف است که بر مسائل مربوط به نقض حقوق زنان نظرات داشته باشد.^{۲۶} این آیین نامه ها بخش مهمی از نظام حقوق بشر را تشکیل می‌دهند و شامل فعالیت گزارشگران ویژه، نمایندگان دبیرکل سازمان ملل، کارشناسان مستقل و کارگروه‌های متعدد^{۲۷} است که همگی نقش حساس و تاثیرگذاری در ارتقای حقوق بشر و رسیدگی به موارد مختلف نقض این حقوق دارند. هدف از تعیین این مأموریت‌ها، نظرات و ارائه گزارش‌های عمومی درباره حقوق بشر است، چه راجع به موضوع های خاص و چه راجع به وضعیت حقوق بشر در یک کشور مشخص، از جمله در ایام بحرانی. در پایان سال ۲۰۱۰، چهل‌ویک مأموریت، همراه با ۵۵ مأمور رئیس، بر اساس آیین نامه های ویژه تعیین شده بود (۳۳ مأموریت موضوعی و ۸ مأموریت مربوط به کشورها و قلمروهای خاص).

ماموران آیین نامه های ویژه، کارشناسان مستقلی هستند که داوطلبانه و بر اساس توانایی‌های شخصی خود خدمت می‌کنند. آن‌ها جزو کادر ثابت اداری سازمان ملل نیستند و حقوق و مزایایی دریافت نمی‌کنند. این مأموران از میان نامزدهایی با سوابق و ملیت‌های مختلف و حداکثر به مدت ۶ سال برگزیده می‌شوند. هر یک از آن‌ها، بر اساس قانون و بر بنای «میثاق مزايا و مصونیت‌های ملل متعدد» مصوب ۱۹۴۶، به عنوان «کارشناس مأمور» شناخته می‌شوند. بخش آیین نامه های ویژه مستقر در دفتر کمیسر عالی حقوق بشر (OHCHR) در ژنو رئیس ارائه خدمات و تسهیلات لازم به آنان است.^{۲۸}

ممکن است سازوکار مأموریت‌های آیین نامه های ویژه متفاوت باشد، اما کار این افراد معمولاً شامل بازدید از کشورها برای حقیقت یابی و گردآوری مدارک و تهیه گزارش‌های موضوعی سالیانه مربوط به هر مأموریت، چاپ مطالب در نشریات مختلف راجع به موضوعات مهم و اطلاع‌رسانی در مورد موارد نقض حقوق بشر به دولت مربوطه است. گزارش‌های مربوط به فعالیت‌های این مأموران به

۲۴. استاد جامعه‌شناسی و عضو کمیته منع شکنجه اروپا (CPT).

۲۵. در ژوئن ۲۰۰۶، شورای حقوق بشر سازمان ملل متعدد، جایگزین کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل شد که در سال ۱۹۴۶ به عنوان یکی از نهادهای تابع شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل تشکیل شده بود.

۲۶. در سال ۲۰۱۰، پس از ده‌ها سال رایزنی از سوی جنبش جهانی زنان، کارگروه بررسی تبعیض علیه زنان چه در قوانین و چه در عمل، تشکیل شد تا «آیین‌های ویژه» را در زمینه رسیدگی و توجه به حقوق زنان تقویت کند.

۲۷. اطلاق عناوین مختلف به مأموریت‌های آیین نامه های ویژه، صرفا بر پایه گفت و گو بین طرفین ذیربطر است. اگرچه اغلب این مأموران توسط شورای حقوق بشر انتخاب می‌شوند، اما برخی نیز توسط دبیرکل سازمان ملل برگزیده می‌شوند.

برای اطلاعات بیشتر درباره مأموریت‌ها و مأموران آن‌ها بنگرید به:

<http://www.ohchr.org>, United Nations Special Procedures—Facts and Figures ۲۰۱۰

۲۸. شغل کمیسار عالی حقوق بشر در سال ۱۹۹۳ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متعدد ایجاد شد.

صورت سالیانه به شورای حقوق بشر سازمان ملل، یا به مجمع عمومی سازمان ملل تسلیم می‌شود.^{۲۹}

گزارش‌های مامورین آیین‌های ویژه، منابع ارزنده است در زمینه ترویج و تقویت نهادهای جامعه مدنی و رایزنی با دولت‌ها، افزایش آگاهی درباره بی‌عدالتی و رفتارهای تبعیض‌آمیز در گوش و کnar دنیا، سوق‌دادن حکومت‌های جهان به سمت پاسخگویی در موارد نقض یا بی‌تفاوتوی نسبت به حقوق بشر، توصیه برای اصلاح قوانین ناظر بر مسائل مورد علاقه و شرکت در تبادل نظرهای دانشگاهی مربوطه به این گونه مسائل است. اگر از سازوکار شکایت‌ها در آیین‌نامه‌های ویژه به شکل موثری استفاده شود، می‌تواند تاثیر بسیار مهمی در تقویت موضع افراد و گروه‌های مختلف در راه جبران موارد نقض حقوق بشر داشته باشد.^{۳۰}

این سازوکار خاص تا به حال به اندازه کافی توسط قربانیان و مدافعان حقوق بشر شناسایی نشده و مورد استفاده قرار نگرفته است، خصوصاً در زمینه موارد نقض حقوق زنان. این مقاله می‌کوشد نگاهی گذرا به ماموریت‌های آیین‌نامه‌های ویژه در زمینه خشونت علیه زنان بیفکند و توصیه‌هایی در باره چگونگی استفاده موثر از این ماموریت‌ها برای گسترش دامنه مبارزه با خشونت علیه زنان ارائه کند.

ماموریت گزارشگر ویژه حقوق بشر درباره خشونت علیه زنان، علل و پیامدهای آن

در سال ۱۹۹۳، به دنبال برگزاری کنفرانس حقوق بشر در وین که خشونت علیه زنان را به عنوان یکی از مصاديق نقض حقوق بشر معرفی کرد، مجمع عمومی سازمان ملل متحد «اعلامیه رفع خشونت علیه زنان» را تصویب کرد.^{۳۱} پس از یک دهه رایزنی، تصویب این اعلامیه پیروزی بزرگی برای جنبش جهانی زنان بود. هرچند این اعلامیه، سند لازم‌الاجرایی نیست اما نخستین و تنها سند بین‌المللی است که خشونت علیه زنان را تعریف کرده و الزام دولت‌های جهان به رفع آن را به رسمیت می‌شناسد.^{۳۲} بر طبق این اعلامیه:

«... اصطلاح «خشونت علیه زنان» به معنای هرگونه عمل خشونت‌آمیز مبتنی بر جنسیت است که ممکن است منجر به وارد کردن آسیب جسمانی، جنسی یا روانی به زنان شود، از جمله تهدید به ارتکاب چنین اعمالی، یا محرومکردن خودسرانه زنان از آزادی، چه در فضای عمومی و چه در زندگی شخصی (ماده ۱).»^{۳۳}

۲۹. برای دسترسی به گزارش‌ها بنگرید به: <http://www.ohchr.org> ۳۰. علی‌رغم نقش مهمی که ماموریت‌های آیین‌نامه‌های ویژه سازمان ملل در ارتقا و حفظ حقوق بشر دارند، به دلیل فقدان منابع و روش‌های پیگیری و نیز همکاری حکومت‌ها با محدودیت‌هایی مواجهند.

۳۱. خشونت علیه زنان تا سالیان اخیر، موضوعی خصوصی تلقی می‌شده ارزش و اهمیت بررسی و طرح در عرصه عمومی را نداشت. در نتیجه، علی‌رغم تلاش‌های فراوانی که در زمان تنظیم متن «میثاق رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» در دهه ۱۹۷۰ صورت گرفت، امکان گنجاندن خشونت علیه زنان در بندهای آن حاصل نشد. تصویب توصیه کلی شماره ۱۹ در سال ۱۹۹۲ توسط کمیته میثاق مذکور که خشونت علیه زنان را نوعی از تبعیض تعریف کرد، توانست این خلا را پر کند. در سال ۱۹۷۳، کنفرانس وین به طور رسمی، خشونت علیه زنان را به عنوان مصدق نقض حقوق بشر پذیرفت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز «اعلامیه رفع خشونت علیه زنان» را در همین سال به تصویب رساند.

۳۲. اعلامیه ۱۹۹۳ همچنان تنها چارچوب قانونی جهانی مربوط به خشونت علیه زنان است. اما ابزارهای لازم‌الاجراي منطقه‌ای نیز وجود دارند. در این زمینه، می‌توان به «شورای میثاق اروپایی پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی» اشاره کرد که در ماه مه ۲۰۱۱ برای عضویت کشورهای مختلف در استانبول گشوده شد. اهمیت این میثاق بیشتر به خاطر امکان اجرای آن در سطح جهانی است.

«همه دولت ها باید با بهره‌گیری از ابزار های مناسب و بی هیچ تأخیری، سیاست های مبتنی بر رفع خشونت علیه زنان را دنبال کنند و برای رسیدن به این هدف باید.... تلاش خود را معطوف به جلوگیری از اعمال خشونت علیه زنان کنند، و مرتکبین را بر مبنای قانون ملی خود، تعقیب کرده و به مجازات برسانند، خواه این اقدامات از سوی دولت انجام شده باشد و خواه از سوی اشخاص حقیقی. (ماده ۴، بند ۳)

در چهارم ماه مه ۱۹۹۴، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل با تصویب قطعنامه ۱۹۹۴/۴۵، شغل «گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان، علل و پیامدهای آن» را ایجاد کرد تا بر نحوه اجرای این اعلامیه و وضعیت حقوق زنان در عرصه های عمومی و خصوصی کلیه کشور های عضو سازمان ملل، نظارت داشته باشد.^{۳۳} هرچند مسئولیت اولیه تضمین حقوق بشر برای کلیه افراد جامعه بر عهده دولت هاست، اما گزارشگر ویژه نیز عوامل غیردولتی را موردن توجه قرار می دهد و موارد نقض حقوق بشر توسط افراد، سازمان ها و شرکت های بین المللی (که رو به افزایش است) را نیز افشاء می کند.^{۳۴}

گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان موظف به انجام سه وظیفه اصلی است: ۱- انجام بازدیدهای حقیقت یابی از کشور ها؛ ۲- تهیه گزارش های سالیانه و ارائه تحلیل های بنیانی درباره مسائل مرتبط با آن، و ۳- دریافت و ارسال مکاتبات و ارتباطات محرمانه. نقش سازمان های غیردولتی محلی و جهانی برای گزارشگر در انجام هر یک از این وظایف بسیار مهم است. در این مورد، کنشگران جامعه مدنی درباره وضعیت حقوق بشر در کشور های خاص اطلاعات لازم جمع آوری می کنند، تحلیل ها و تحقیقات خود را با یکدیگر در میان می گذارند، با گزارشگر ویژه به مشاوره می پردازند^{۳۵}، جوانب مختلف کار او را به اطلاع عموم می رسانند و برای اجرای پیشنهادهای گزارشگر به رایزنی می پردازند. در همکاری میان گزارشگر ویژه و کنشگران جامعه مدنی سودی مضاعف وجود دارد. سازمان های غیردولتی و دانشگاه های، در عین این که به این گزارشگر پاری می رسانند، می توانند از مزایای حقوق بشری که این ماموریت تضمین می کند نیز بهره مند شوند.

از میان مسئولیت هایی که برای گزارشگر ویژه بر شمردیم، کار مکاتبه و برقراری ارتباطات از اهمیت فراوانی برخوردار است زیرا امکان دخالت مستقیم گزارشگر ویژه در موارد وقوع نقض حقوق بشر را فراهم می کند. این امکان، با همه ظرفیت بالقوه ای که دارد است، به طور کامل از سوی زنان مورد توجه و استفاده قرار نگرفته است. از همین رو، برای آشنایی بیشتر قربانیان خشونت و مدافعان فعل حقوقد پسر در زمینه حقوق زنان با این ظرفیت ها و شیوه های استفاده از آن، مقاله حاضر بر این موضوع تمرکز بیشتری دارد.

۳۳. تا کنون سه کارشناس، این سمت را بر عهده داشته اند: رادیکا کومار اسماوی، وکیل سریلانکایی (از ژوئن ۱۹۹۴ تا ژوئیه ۲۰۰۳)، یاکین ار تورک، جامعه شناس ترک (از اوت ۲۰۰۳ تا اوت ۲۰۰۹) و رشیده منجو، وکیل دادگستری اهل آفریقای جنوبی که در حال حاضر این سمت را بر عهده دارد.

۳۴. برای مثال مراجعه کنید به گزارش گزارشگر ویژه درباره جمهوری دموکراتیک کنگو، جایی که ظاهرآ نیرو های حافظ صلح سازمان ملل حقوق بشر را نقض کرده اند. (Add ۴/A/HRC/۷/۶)

۳۵. مشاوره با سازمان های خصوصی و محلی، بخش غیرقابل تکیکی از کار گزارشگر ویژه است. سازمان های غیردولتی از طریق تأکید بر ویژگی های محلی و ملی، سهم مهمی در کار گزارشگر ویژه دارند. آن ها همچنین به کنشگران جامعه مدنی امکان می دهند تا با فرستاده هایی که ماموریت در پیشرفت اهداف محلی و ملی برایشان فراهم می کند، آشنا شوند. مشاوره ها در منطقه آسیا- اقیانوسیه که توسط APWLD سازماندهی شده است، بخشی روزمره و دائمی از فعالیت های سالانه گزارشگر ویژه شمرده می شود. مشاوره های گاه به گاه نیز توسط سازمان های غیردولتی در مناطق دیگر صورت می گیرد.

ساز و کار ارتباطات

بر اساس این روش، گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان می‌تواند شکایت‌های زنان قربانی خشونت را از افراد، سازمان‌های غیردولتی مانند سازمان‌های زنان، نهادهای میان‌دولتی و معاهداتی، ادارات تخصصی، سایر گزارشگران رئیس در زمینه حقوق بشر، و دولت‌ها دریافت کند. گزارشگر ویژه می‌تواند به روش موثر به این اطلاعات پاسخ دهد.

گزارشگر ویژه برای تعیین پذیرفتی بودن هر شکایت، به تعریفی که از خشونت علیه زنان در «اعلامیه رفع خشونت علیه زنان» ارائه شده رجوع می‌کند. در این زمینه، تعریفی گسترده از خشونت و رای «آسیب واردہ» رهیافت گزارشگر را سودمندتر می‌کند. به این ترتیب، کار گزارشگر ویژه نه تنها واکنشی بلکه بیشتر پیشگیرانه و بازدارنده است.

پس از دریافت اطلاعات معتبر و قابل اطمینان درباره وقوع خشونت علیه زنان، گزارشگر ویژه درخواست‌های فوری یا اتهامات مکتوب را برای رسیدگی، احراز داده اها و اقدام‌های لازم به دولت مربوط می‌فرستد. شکایات و اتهامات دریافت شده می‌تواند حاوی تجربه‌های یک یا چند فرد باشد و یا درباره اوضاع و احوال، قوانین، سیاست‌ها و رفتارهایی که مساعد به ارتکاب خشونت علیه زنان اند و یا مانع مجازات مرتکبانش.

فرستادن شکایات و اتهامات به مقام‌های سیاسی و قضائی کشور مربوط می‌تواند نقطه آغاز گفتگویی سازنده با دولت درباره پیشبرد وضعیت حقوق زنان باشد و نیز فرصتی است برای جبران مواردی از نقض حقوق بشر که در غیر این صورت ممکن است نادیده و ناگفته بماند. روند دادخواهی از طریق گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان، با روش‌های دادخواهی از طریق پروتکل اختیاری «میثاق رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» و «کمیسیون مقام زن ملل متحد» تفاوتی عمده دارد. برخلاف مورد نخست (پروتکل اختیاری)، دسترسی به گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان وابسته و موكول به تصویب هیچ قرارداد بین المللی معاشه یا حق شرطی نیست، و همچنین دیگر لازم نیست که شاکی از مراجعته به نهادهای دادخواهی داخلی، نتیجه‌ای نگرفته باشد. همچنین برخلاف سازوکار کمیسیون مقام زن، این گزارشگر ویژه به جای آن‌که صرفاً به تحلیل و پردازش شکایت‌های واردہ بپردازد، قادر است شخصاً در این موارد دخالت کند. بنابراین، ماموریت گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان، آخرین پناه و چاره برای پاسخگویی و محافظت از حقوق زنان نیز هست.

درخواست فوری

گزارشگر ویژه می‌تواند در صورت دسترسی به اطلاعات قابل اعتماد و معتبر درباره وجود تهدید قریب الوقوع به تمامیت جسمانی یا روانی زن مراتب را از طریق ارائه درخواستی فوری به مقامات دولت مربوطه انتقال دهد. از راه اقدام به فرستادن چنین درخواستی است که گزارشگر می‌تواند، با توصل به مقامات دولتی مربوط حفاظت موثر و اطمینان‌بخش از افراد در معرض خطر را تضمین کند.

ادعاء‌نامه

در مواردی که نیاز به اقدام فوری نیست بلکه درباره تخلف‌هایی است که تاکنون رخ داده‌اند و یا به خشونت‌های تکراری و معمولی بازمی‌گردد. از جمله مقررات و قوانین ناظر بر اعمال خشونت آمیز یا نحوه

اجرای آنها- گزارشگر ویژه میتواند ادعانامه های مربوط به این گونه موارد را برای بررسی و رسیدگی به مقامات دولت مربوط ارسال کند.

تسلیم شکایت

گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان نامه ویژه ای برای گزارش دعاوی افراد تنظیم کرده است که در آدرس الکترونیکی زیر قابل دسترسی است:

<http://www.ohchr.org/english/issues/women/rapporateur>

هر چند استفاده از این نامه برای ارسال شکایت ضروری نیست اما هر چه اطلاعات بیشتری از سوی افراد ارائه شود مفید تر است. اگر دولت مربوط امضاء کننده یکی از میثاق های حقوق بشری (مانند میثاق رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و غیره) باشد، اشاره به نقض حقوق مندرج در این پیمان ها نیز سودمند خواهد بود.

اگر شخص ثالثی بخواهد در مورد خاصی نزد گزارشگر ویژه طرح شکایت کند، لازم است از رضایت فرد قربانی اطمینان حاصل شود، به این دلیل که هر چند فرد شکایت کننده گمنام باقی میماند اما برای بررسی و اقدامات لازم از سوی دولت، نیاز است که هویت قربانی خشونت مشخص و افشا شود. چنانچه شکایت طرح شده معطوف به سیاست، قانون یا رفتاری خاص باشد که وضعیت عمومی زنان یا گروه مخصوصی از آنان را تحت تاثیر قرار می دهد، لازم است عنوان چنین سیاست، قانون و رفتار و نیز کیفیت تاثیر آن بر وضعیت زنان و علت این تاثیرگذاری، به روشنی توضیح داده شوند. شکایت هایی که درباره تخلف های افراد یا گروه هایی خاص (به غیر از مقامات دولتی) هستند نیز باید به این نکته اشاره کنند که چگونه و به چه دلیل، دولت از تلاش برای جلوگیری از خشونت، بررسی موارد نقض و مجازات مرتکب و تضمین پرداخت غرامت به قربانی، ناتوان بوده است. در این زمینه از جمله به پرسش های زیر نیز میتوان اشاره کرد: آیا قانونی نقض حق زن را رسماً منع کرده است؟ اگر چنین قانونی وجود دارد، چه اشکالات یا نقاط ضعفی در این قانون یا نحوه اجرای آن (مثلًا در مرحله ثبت شکایت ها، پیگیری و رسیدگی به آنها) وجود دارد؟

ارائه شکایت به گزارشگر ویژه میتواند شامل مدارک مربوط به موضوع نیز باشد، مثلًا کپی مدارک پزشکی، مقالات روزنامه ها، مواد قانون یا تصمیم ها و احکام قضائی، بیانیه های مقامات دولتی درباره سیاست های خاص، لوایح وکلای دادگستری، عکس و اسناد مرتبط دیگر. متن شکایت و ضمائم آن باید به آدرس <mailto:vaw@ohchr.org> فرستاده شود.

گزارش راجع به برقراری ارتباط ها

در خواست های فوری و ادعانامه ها تا زمانی که گزارش سالانه به شورای حقوق بشر ارائه شود تا هنگامی محرمانه میمانند که فشرده ای از درخواست ها و ادعانامه ها در مورد یکایک کشورها، همراه با پاسخ های دریافت شده از دولت های مربوط منتشر شود.^{۳۶} این گزارش ها میتوانند از سوی متقاضیان برای

۳۶. در سال ۲۰۱۰ ماموران آیین نامه های ویژه تصمیم گرفتند گزارش ارتباطات را با همکاری یکدیگر بنویسند. این

پیگیری پرونده خودشان یا از سوی مدافعان و مرۆجان حقوق بشر مورد استفاده قرار گیرند. این گزارش‌ها همچنین منبع مهم اطلاعاتی برای محققان به شمار می‌آیند زیرا نشانگر الگوها و نمونه‌های مختلف پیگیری نقض حقوق زنان با تسلی به مکانیزم‌های بین‌المللی اند.

گزارشگران ویژه خشونت علیه زنان در تعدادی از گزارش‌های خود، به مرور شکایت‌هایی که برایشان ارسال شده پرداخته اند. برای مثال، با توجه به گزارش شماره ۱ A/HRC/۱۱/۶/Add.^۱ ارائه شده در سال ۲۰۰۹، گزارشگر ویژه ۹۳ شکایت را به مقام‌های دولتی ۳۴ کشور فرستاده است. از این میان، ۸۰ مورد مشترک‌ا از سوی دیگر مأموران شورای حقوق بشر نیز فرستاده شده است. بیشترین گزارش‌های ارسالی مشترک مربوط به گزارشگر ویژه وضعیت مدافعان حقوق بشر، گزارش گر ویژه پیشبرد و حمایت از حق آزادی عقیده و آزادی بیان، و گزارشگر ویژه شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های خشن، غیرانسانی یا تحقیرکننده بوده است. همان‌گونه که در گزارش گزارشگر ویژه قید شده است، این گزارش‌ها در مجموع نشانگر این واقعیت است که انواع مختلف نقض حقوق بشر در مورد زنان تجربه با نقض‌های متعارف‌تر تقارن پیدا می‌کند و بنابراین نمی‌تواند نمایانگر گستره کامل حقوقی باشد که زنان با نقض آنها مواجه اند، بهخصوص در حوزه شخصی.

نتیجه‌گیری

به رسمیت شناخته شدن خشونت علیه زنان به عنوان یکی از مسائل عمدۀ حقوق بشر تاثیر قابل توجهی در نظریه‌های مربوط به حقوق بشر و نحوه تأمین آن در عمل داشته است. این تاثیر در سه زمینه قابل مشاهده است: ۱- توسعه دامنه حقوق بشر و رای برداشت‌های قدیمی از خشونت که عمدتاً توسط مقامات دولتی در عرصه عمومی مطرح می‌شده؛ ۲- گنجانده شدن رفتار اشخاص حقیقی در نظریه مسئولیت‌دولت؛ و ۳- معرفی گونه‌های جدیدی از جرایم مانند خشونت خانگی، تجاوز در چارچوب ازدواج و غیره در نظام‌های عدالت کیفری.^۲

یه این ترتیب، مأموریت گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان را باید ابزار مؤثری در دسترس قربانیان خشونت دانست. همان‌گونه که پیش‌تر آمده، ظرفیت‌های بالقوه این مأموریت کمتر مورد استفاده قرار گرفته است. تعداد گزارش‌هایی که سالانه به گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان ارسال می‌شود، بسیار کمتر از تعدادی است که به سایر مأموران حقوق بشر گزارش می‌شود. درواقع، تعداد شکایت‌ها و گزارش‌ها به این گزارشگران سالیانه بیش از ۳۰۰ مورد است. حتی برخی از شکایت‌های دریافت‌شده درباره تخطی‌های عادی و رایج نسبت به حقوق بشر اند. بدون شک عواملی بر تعداد متوسط شکایت‌های دریافتی توسط گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان و نیز ماهیت این گزارش‌ها تأثیر گزارند. برخی از این عوامل عبارت اند از: کمبود یا نبود آشنایی با سازوکارهای بین‌المللی، ماهیت حقوقی و ناآشنای سازوکارهای حقوق بشری، بی‌میلی زنان به مطرح کردن موارد تخطی به حقوقشان، نبود توافق میان

گزارش شامل کلیه تماس‌ها و ارتباطات برقرارشده بود و کلیه درخواست‌های فوری و ادعای‌نامه‌های ارسال شده به دولت‌ها و پاسخ آنها را در بر می‌گرفت. با توجه به درصد قابل توجه تماس‌های مشترک (۶۶ درصد)، این تصمیم به نحو قابل توجهی از تکرار تماس‌هایی که در گزارش‌های انفرادی مأمورین نیز منتشر می‌شوند جلوگیری کرد.

^۱ Yakın Ertürk, "The Due Diligence Standard: What Does It Entail for Women's Rights?" in Carin Benninger-Budel, ed., *Due Diligence and Its Application to Protect Women from Violence*. Leiden: Martinus Nijhoff Publishers, ۲۰۰۸.

کوشندگان حقوق بشر در باره حقوق زنان که به نوبه خود مسئله خشونت علیه زنان را به حاشیه مسائل حقوق بشری می راند.

هر چند مداخله های گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان آثار مثبتی بر برخی موارد خاص می گذارد اما لزوما دولتها را وادار به تغییر قوانین و نحوه عملکردشان نمی کند، بهخصوص اگر موضوع های مربوط به شهروندی، پناهندگی و مواردی از این دست مطرح باشد. در تحلیل پایانی لازم است این نکته را به خاطر بسپاریم که نظام بین المللی حقوق بشر برای دستیابی به نتایج موردنظر نیاز به همکاری اعضای جامعه جهانی دارد. افزون براین، لازم است که جامعه مدنی ملی و بین المللی، شکایات و اتهامات گزارش شده و پاسخ دولتها و مقامات مربوط را پیگیری کنند. «اما به هر حال، گزارش تبعیت - یا عدم تبعیت - یک کشور از هنجارهای حقوق بشر، موارد نقض و سوءاستفاده از حقوق بشر را آشکار می سازد و می تواند کشورها را از سر شرم به تغییر الگوهای رفتارشان وادار سازد.»^{۳۸} سازوکار این ارتباطات ابزاری یگانه و قدرتمند است که مسائل پنهان را به عرصه گفتمان عمومی وارد می کند تا به نوبه خود بتواند موتور آغاز تغییر در رفتارهای جامعه شود. بنابراین، برای اینکه زنان از ظرفیت های این امکان به طور کامل استفاده کنند باید به تلاشی بیش از همیشه پرداخت.

- ژاکلین پیتنگی:^{۳۹}

مبارزه با خشونت علیه زنان: نمونه هایی از آمریکای لاتین

پدیده چند بعدی خشونت علیه زنان

خشونت علیه زنان پدیده ای چند بعدی و فراگیر در جوامع گوناگون دنیاست و از همین رو پیشگیری این گونه خشونت و مجازات مرتكبان آن نیازمند رویکردی وسیع و کلی است. متخصصان رشته های مختلف را باید به تحلیل علل و پیامدهای خشونت برای قربانیان، مرتكبان و کل جامعه در سطح وسیع تشویق کرد. برای پی بردن به علل بروز خشونت و آثار آن، به توجه و بینش فعلان حقوق زنان، متخصصان حقوقی و پژوهشگران، تولیدکنندگان عرصه رسانه ها و روزنامه نگاران، سیاستگزاران، رهبران دینی و پژوهشگران اجتماعی نیازمندیم.

از موانع بزرگ در راه بهره وری تمام و کمال زنان از حقوق انسانی شان، برخی از ارزش های فرهنگی سنتی و باورهای دینی باید دانست که نمادهای نظام سلسه مراتبی را بر روابط میان مردان و زنان مسلط کرده است. این ارزش ها و باورها زنان را در مرتبه ای فروتنز از مردان قرار می دهند و روابط نابرابر جنسیتی را مشروع و موجه می سازند، و جالب آن که خود زنان نیز این روابط جنسیتی نابرابر را به دلیل همین فشارها، و البته محدودیت های دیگر، تداوم می بخشد. این درک و تصور اجتماعی از زنان، چارچوب و خاستگاه کلیه اشکال تبعیض و خشونت علیه زنان است، و دسترسی کمتر زنان به حقوق برابر

^{۳۸} Lenora M. Lapidus, "The Role of International Bodies in Influencing U.S. Policy to End Violence Against Women," *Fordham Law Review*, Vol. 77, No. 2, November 2008.

^{۳۹} موسس و مدیر اجرایی سازمان غیردولتی بزرگی CEPIA که برای ارتقای حقوق زنان می کوشد. نام این سازمان مخفف حروف اول پنج کلمه : (حقوق شهروندی، مطالعه، پژوهش، اطلاعات و عمل) است.

Ciudadanía, Estudio, Pesquisa, Informação e Ação [Citizenship, Study, Research, Information, Action]

در خانواده و جامعه، سلامت تولیدنسل، حمایت در برابر خشونت جنسی و خانگی، تحصیلات، کار، حقوق برابر برای کار برابر، حقوق مالکیت و قدرت سیاسی را توجیه می‌کند.

نوع خشونتی که علیه زنان اعمال می‌شود بسته به محل سکونت، نژاد، قومیت، دین، شرایط اجتماعی-اقتصادی و سن متفاوت است. این عوامل همگی به نوعه خود تحت تاثیر سازماندهی سیاسی یک کشور اند از جمله میزان دموکراتیکبودن نهادها و محترم‌بودن آزادی‌های مدنی. متخصصان باید رابطه پیچیده میان این متغیرها را به خاطر داشته باشند، زیرا آشکارترین و بی‌رحمانه‌ترین اشکال خشونت-خشونت جسمی، تعرض‌های جنسی و قتل-درسته طیفی وسیع از روابط نابرابر جنسیتی رخ می‌دهند که در طول زندگی زنان مشهود است.

در کشورهای آمریکای لاتین و به طور خاص در برزیل، کوشندگان حقوق بشر همراه با مبارزان حقوق زنان، در راه مبارزه با خشونت علیه زنان گام‌های بلندی برداشته‌اند، هرچند هنوز کارهای ناتمام بسیار است. مرور مختصراً که در پی می‌آید، پیش‌رفتی نه چندان متعادل را در چهار حوزه نمایش می‌دهد: وضعیت روابط جنسیتی در عرصه خانواده، مشارکت زنان در عرصه سیاسی، تلاش برای پیشگیری از مرگ‌ومیر مادران، و مبارزه با خشونت خانگی.

حقوق زنان در خانواده- ایجاد برابری در خانه

اگرچه فرهنگ عامه در بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین، از زنان با عنوانی مانند «ملکه» و «رئیس» خانه یاد می‌کنند، قوانین خانواده این کشورها در طول تاریخ، همواره در مقایسه با مردان، نقش دوم را به زنان داده‌اند، بهخصوص در تصمیم‌گیری‌های مربوط به ازدواج، فرزندان، مالکیت و اموری از این دست. از بین بردن این موقعیت فروتنستی، مستلزم تغییر قوانین کیفری و مدنی، و تفسیر دوباره قوانینی است که به نادرستی تفسیر شده یا به ابزاری برای سوءاستفاده علیه زنان تبدیل شده‌اند.

در نیمه دوم قرن بیست در کشور برزیل، هدف اصلی مبارزان این عرصه، بازبینی قانون مدنی مصوب ۱۹۱۶ بود که مردان را سرپرست خانواده معرفی می‌کرد. از میان ابزارهایی که در مبارزه طولانی‌مدت علیه این قانون و برای تغییر نقش‌های جنسیتی خانواده صورت گرفت، می‌توان به کمپین‌های ترویجی، بحث‌های دانشگاهی، کارهای خیریه و بلاعوض توسط وکلای دادگستری، نشریات و فیلم‌های سینمایی اشاره کرد که همگی بر خلا میان واقعیت نقش زنان در جامعه و عدمتناسب قوانین برای تنظیم روابط خانوادگی در دوران معاصر، تاکید داشتند. در سال ۱۹۸۲، دولت برزیل «میثاق رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» را با حفظ حق تحفظ در مواد مربوط به روابط خانوادگی، تصویب کرد.

یکی از نقاط عطف در این مبارزه، بخشی از قانون اساسی شهروندی جدید ۱۹۸۸ بود که رسمًا در چارچوب ازدواج، برحوق و مسئولیت‌های مساوی زنان و مردان تأکید کرد. نقش مبارزان فینیستی در تصویب این قانون حیاتی بود، زیرا این فعلان به مواد میثاق رفع تبعیض علیه زنان رجوع کردند که تصریح داشت امضای این میثاق، حذف روابط ناعادلانه جنسیتی در خانواده و ایجاد تغییر در قوانین برزیل را اقتضا می‌کند. اثر اساسی این قانون، حذف شرط این کشور بر میثاق منع تبعیض علیه زنان بود. مبارزه برای برابری و حقوق بشر در قلمروی خصوصی خانه، در اجرای قانون مدنی ۲۰۰۳، هنگامی به اوج خود رسید که به جای اشاره به حقوق «مرد» به حقوق «شخص» اشاره می‌کند و به «قدرت خانوادگی» به جای «قدرت پدرانه».

حق مشارکت سیاسی- شرکت در انتخابات، رأی دادن به زنان

در آمریکای لاتین، خروج زنان از عرصه خصوصی و حضور آنان در عرصه زندگی عمومی، از یک کشور به کشور دیگر متفاوت است. با این حال، زنان همه این جوامع، در عرصه سیاسی تازهوارد محسوب می‌شوند، بر خلاف مردان که از قدیم‌الایام در این حوزه حضور داشته‌اند. فعالان اجتماعی در بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین، طرد زنان از عرصه قدرت سیاسی را یکی از اشکال خشونت علیه زن می‌دانند و برای احراق سهم خود در مبارزات انتخاباتی شرکت کرده‌اند.

انتخاب دیلما روزف در اکتبر ۲۰۱۰، به عنوان اولین رئیس‌جمهور زن بزریل، گامی بزرگ در راه برچیدن کلیشهایی بود که عرصه سیاسی را فضایی نامناسب برای زنان تصویر می‌کنند. حتی پیش از انتخاب روزف، فعالان حقوق زنان همراه با تعدادی از سیاستمداران و وزارت امور زنان، کمپینی با عنوان «حضور زنان بیشتر در عرصه قدرت» به راه انداختند.

برزیل همچنان در میان آمریکای لاتین یکی از کشورهایی است که پایین‌ترین نرخ حضور زنان در کنگره ملی را دارد. یک موقوفیت عمدۀ در این زمینه، تصویب قانون سهمیه‌بندی ۱۹۹۷ بود که بر اساس آن حداقل ۲۵ درصد نامزدهای لیست انتخاباتی باید زن می‌بودند. این سهمیه در سال ۲۰۰۰ به ۳۰ درصد افزایش یافت. با این حال احزاب سیاسی، اغلب اوقات از این سهمیه به طور کامل استفاده نمی‌کنند و اگر هم چنین کنند، حاضر نیستند که صمیمانه از نامزدهای زن حمایت کنند زیرا هیچ تضمین قانونی برای تمکین به این رقم وضع نشده است. زنان برخی کشورهای دیگر آمریکای لاتین مانند آرژانتین و شیلی، سهم بالایی در پارلمان‌های کشورشان دارند و هر دوی این کشورها نیز تا به حال روسای جمهور زن داشته‌اند.

حق برخورداری از سلامت- پیشگیری از مرگ‌ومیر مادران

در سراسر آمریکای لاتین، توجه به مسئله خشونت علیه زنان از دریچه حق زنان بر برخورداری از سلامت، امکانات بیشتر و بهتری برای درک این مساله فراهم آورده است، از جمله جلوگیری از وقوع خشونت، درمان آسیب‌های جسمی و روانی قربانیان، مجازات مرتكبان خشونت، و تلاش برای بازگرداندن نجات‌یافتنگان (و در صورت امکان، مرتكبان خشونت) به دامان جامعه. اعمال خشونت‌آمیز اصولاً و ذاتاً، حق فرد قربانی بر برخورداری از سلامت را سلب می‌کنند. دسترسی کمتر زنان به منابع مالی و اهرم‌های قدرت و تصمیم‌گیری در قلمروی خصوصی و عمومی، این نقض حقوق بشر را شدت می‌بخشد.

مثالی بر جسته از پیوند لایحل میان خشونت علیه زنان و نقض حق برخورداری از سلامت فرد، مرگ‌ومیر مادران است یعنی مرگ زنان در دوران بارداری تا ۴۲ روز پس از پایان آن ناشی از بارداری یا وضع حمل است. بر اساس آمار سازمان بهداشت جهانی، می‌توان از ۹۲ درصد این مرگ‌ومیرها پیشگیری کرد زیرا علّ عمده این مرگ‌ومیرها - از جمله فشارخون بالا، عفونت، خونریزی و سقط نایمن، مستلزم سرمایه‌گذاری‌های بسیار در فناوری‌های پزشکی نیست. در واقع، توجه به این دلایل نیازمند آگاهی و خواست سیاسی است، و غیاب این دو عامل، نشان‌دهنده وضع موجود زنان به عنوان شهر و ندان درجه دو است.

هرچند نرخ مرگ‌ومیر مادران در آمریکای لاتین هنوز بسیار بالاست- به طور تقریبی ۲۸۰۰۰ زن سالیانه بر اثر عوارض بارداری جان خود را از دست می‌دهند- اما این رقم در دهه‌های اخیر در بسیاری از کشورهای منطقه از جمله بزریل، کاهش یافته است. پیشرفت خدمات بهداشتی، تغذیه، آموزش، نظافت، توزیع درآمد و نیز شهرنشینی در این روند رو به رشد تاثیر داشته‌اند. اما آنچه بیشتر حائز اهمیت است، فعالیت‌های ترویجی زنان در عرصه‌های ملی و بین‌المللی است که معضل مرگ‌ومیر زنان را به امری

مشهود و قابل توجه بدل کرده و بر نقش ضروری متخصصان در برداشتن گام های لازم برای حل این مشکل انگشت نهاده است.

در برزیل، فعالین حقوق زنان خواسته‌اند که داده‌های دقیق‌تری در اختیار شان قرار بگیرد تا بتوانند دلایل مرگ‌ومیر مادران را دقیق‌تر بررسی و به صورت عمومی اعلام کنند. فعالیت و مبارزات زنان، خواست سیاسی حکومت‌ها برای فراهم‌کردن دسترسی به برنامه‌ریزی خانواده، سقط جنین بی‌خطر و مطمئن، و مراقبت‌های پیش و پس از زایمان را، نهادینه کرده است. تاسیس کمیته‌هایی درباره مرگ‌ومیر مادران در بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین از دهه ۱۹۸۰ تا به حال، نمونه‌ای از نتیجه کار ترویجی زنان فعال در رابطه با بخش بهداشت عمومی را آشکار می‌کند. اولین کمیته در برزیل در سال ۱۹۸۷ پایه‌ریزی شد و با دو رویداد مهم سیاسی- به رسمیت شناخته‌شدن حق زنان در روند دموکراتیک‌سازی و یک سال پس از آن، اعلام رسمی قانون اساسی جدید - همزمان شده بود.

امروزه این کمیته‌ها در همه کشورها و بسیاری از شهرهای آن‌ها وجود دارند. این کمیته‌ها متشکل از نمایندگان نهادهای بهداشت عمومی، انجمن‌ها و اصناف پرستاری و پزشکی، مدارس و نیز سازمان‌های حقوق زنان اند. اهداف این کمیته عبارت اند از: ارزشیابی اعتبار و صحت داده‌ها درباره مرگ‌ومیر زنان، شناسایی مشکلات عمدۀ در زمینه خدمات بهداشتی و درمانی، بررسی مرگ‌های مشکوک و پیشنهاد راه حل‌های متناسب. این کمیته‌ها در تعیین دامنه مرگ‌ومیر زنان و در واداشتن دولت‌ها به مقابله با این مسئله به عنوان یکی از اشکال خشونت علیه زنان نقشی کلیدی ایفا می‌کنند.

حق بهره‌مندی از این‌منی جسمانی- زندگی عاری از خشونت خانگی

فعالان حقوق زنان در آمریکای لاتین، با ورود به گفت‌وگو و مباحثه با دولت و به خصوص با بخش‌های قانونی- حقوقی کشور، به دنبال خاتمه‌بخشیدن به مصونیت مردان از مجازات اعمال خشونت علیه زنان (خشونت خانگی و جنسی) هستند. بند اول اعلامیه ۱۹۹۳ سازمان ملل متحد درباره رفع خشونت علیه زنان می‌گوید که خشونت علیه زنان عبارت است از «هرگونه عمل خشونت‌آمیز مبتنی بر جنسیت که منجر به ایراد آسیب قطعی یا احتمالی جسمانی، جنسی یا روانی به زنان شود، که شامل تهدید به چنین اعمالی، تحمل شرایط یا محروم‌کردن خودسرانه زنان از آزادی، چه در فضای عمومی و چه در حیات زندگی شخصی، نیز هست.» علاوه‌اگاه شدن جامعه به این واقعیت که برخی رفتارها، آداب و رسوم و قوانین اجتماعی اعمال خشونت علیه زنان را نادیده می‌گیرند به روابط جنسیتی حاکم در هر جامعه بستگی دارد.

همانند سایر نواحی جهان، خشونت جنسی و خانگی برای مبارزه‌کنندگان با خشونت علیه زنان در آمریکای لاتین، چالش عظیمی به شمار می‌رود، زیرا این آزارها به صورت مکرر، در یک دوره زمانی طولانی در محیط امن خانه و در رابطه‌ای مداوم میان یک مهاجم و یک قربانی ثابت رخ می‌دهد. فعالان حقوق زنان در کشور برزیل، «پایگاه‌های مراقبت از زنان قربانی خشونت خانگی» را برای اولین بار برپا کردند. نخستین پایگاه در سال ۱۹۸۵ افتتاح شد و نمونه آموزشی و تربیتی برای افسران پلیسی بود که تا آن زمان، خشونت علیه زنان را جرم تلقی نمی‌کردند. فعالانی که با «شورای ملی حقوق زنان» (که در سال ۱۹۸۵ تأسیس شد) همکاری داشتند بر این نکته نیز پاشاری کردند که وظیفه دولت مبنی بر ممنوع‌کردن خشونت در محیط خانواده باید در قانون اساسی کشور نیز قید شود. این کار به معنای مبارزه با این تصور دیرینه بود که خشونت خانگی، مسئله‌ای خصوصی است. در واقع این اقدام، چارچوبی قانونی برای مقررات و سیاست‌های عمومی مربوط به امنیت زنان و دستیابی آنان به عدالت را فرامه می‌کرد.

در سال ۱۹۹۴، فعالان آمریکای لاتین از انعقاد «میثاق کشورهای آمریکایی در زمینه منع، مجازات و اتمام خشونت علیه زنان» حمایت کردند که البته بیشتر به نام شهری که در آن امضا شده است (Belem de Para) شناخته می‌شود. این سند، الهامبخش تصویب قوانین ملی بسیاری در زمینه مبارزه با خشونت علیه زنان شده است، مانند قانون مصوب ۲۰۰۶ برزیل که به نام «ماریا داپنها»^{۱۰} شناخته می‌شود، زنی که قربانی خشونت شوهرش بود و پرونده‌اش را به دادگاه حقوق بشر کشورهای آمریکا کشاند. سایر کشورهای آمریکای لاتین نیز قوانین مشخصی درباره خشونت علیه زنان تصویب کرده‌اند. این قوانین این واقعیت را به رسمیت می‌شناسند که قوانین بین المللی به گونه‌های متقاوی در مورد روابط زنان و مردان اعمال می‌شوند.

فشرده سخن آنکه فعالان حقوق زنان در آمریکای لاتین، سکوت پیرامون موضوع خشونت علیه زنان را شکسته‌اند و به آگامسازی جامعه درباره انواع مختلف این گونه خشونت ادامه می‌دهند از جمله تحقیر و تعریض‌های روزانه‌ای که زنان قربانی از آن رنج برده‌اند. امروز، همین زنان به مهمترین عوامل آزادی خود بدل شده‌اند.

پیوست‌ها

پیوست ۱

قطعنامه ۱۸۸۹ شورای امنیت



قطعنامه ۱۸۸۹ شورای امنیت

(۲۰۰۹) مصوب S/RES/۱۸۸۹

۲۰۰۹ اکتبر ۵ در ۱۹۶ مین جلسه، شورای امنیت مصوب

شورای امنیت:

با تأکید مجدد بر تعهد خود مبنی بر اجرای کامل و مداوم قطعنامه‌های ۱۳۲۵ (مصطف ۲۰۰۰)، ۱۶۱۲ (مصطف ۲۰۰۵)، ۱۶۷۴ (مصطف ۲۰۰۶)، ۱۸۲۰ (مصطف ۲۰۰۸)، ۱۸۸۲ (مصطف ۲۰۰۹)، ۱۸۸۸ (مصطف ۲۰۰۹) و کلیه بیانیه‌های صادره توسط رئیس این شورا و با تایید مفاد آنها،

با ره gioی از اهداف و اصول منشور ملل متحد، و با یادآوری مسئولیتاولیه این شورا بر اساس «منشور»، برای برقراری صلح و امنیت بین‌المللی،

با یادآوری اراده مصرح در سند نهایی مجمع عمومی سازمان ملل مصوب ۲۰۰۵ (A/RES/۶۰/۱) مبنی بر حذف کلیه اشکال خشونت علیه زنان و دختران، و تعهد دولت‌های عضو میثاق رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و پرتوکل الحقیقی آن، میثاق حقوق کودک و پرتوکل الحقیقی آن، و همچنین با یادآوری تعهدات طرح شده در بیانیه پکن و برنامه کار آن، و نیز تعهدات قیدشده در سند نهایی بیست و سومین اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد با عنوان «زنان در سال ۲۰۰۰: برابری جنسیتی، توسعه و صلح در قرن بیست و یکم» (A/S-۲۳/۱۰/Rev.1)، به ویژه بخش‌های مربوط به زنان و مخاصمات مسلحانه،

با توجه به گزارش دبیر کل سازمان ملل (S/۲۰۰۹/۴۶۵) مورخ ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۹، و با تأکید بر این نکته که قطعنامه حاضر، در پی ایجاد تمایز حقوقی میان موقعیت‌های اشاره شده در گزارش مذکور و مخاصمات مسلحانه و غیرمسلحانه در چارچوب میثاق‌های زنو و پرتوکل‌های الحقیقی آن نمی‌باشد، و قصد پیش‌داوری راجع به وضعیت حقوقی اعضای غیردولتی درگیر در شرایط مذکور را نیز ندارد،

با استقبال از تلاش دولت‌های عضو در اجرای عملی قطعنامه ۱۳۲۵ (مصطف ۲۰۰۰) در سطح ملی که شامل توسعه برنامه‌های کاری ملی، و ضمن تشویق دولت‌های عضو به تداوم پیشگیری‌هایی از این قبیل،

با تکرار نیاز به شرکت همه‌جانبه و برابر و موثر زنان در همه سطوح روندهای صلح با توجه به نقش حیاتی آنها در پیشگیری و حل و فصل مناقشات و ایجاد صلح، و با تأکید مجدد نقش کلیدی در بازسازی و بهبودبخشی ساختار جامعه و تأکید بر نیاز به شرکت آنان در توسعه و اجرای راهبردهای دوران پس از مناقشات، به منظور توجه به دیدگاه‌ها و نیازهای آنان،

ضمن ابراز نگرانی عمیق درباره حضور کمرنگ زنان در کلیه مراحل برقراری صلح، به ویژه تعداد بسیار اندک زنان در نقش‌های رسمی در روندهای میانجی‌گری، و ضمن تأکید بر نیاز به حصول اطمینان از اینکه زنان به شکل مناسبی منصوب شده‌اند در مراحل مختلف تصمیم‌گیری، به عنوان میانجی‌های عالی‌رتبه و در ترکیب گروه‌های میانجی‌گری،

ضمن تداوم نگرانی عمیق درباره وجود موانع پایدار در راه مشارکت زنان در پیشگیری و حل و فصل مخاصمات و شرکت آنان در زندگی عمومی پس از مخاصمات، در نتیجه خشونت و تهدید، فقدان امنیت و فقدان حاکمیت قانون، تبعیض فرهنگی و بدنام کردن زنان، از جمله گسترش دیدگاه‌های افراطی و متعصبانه درباره زنان، و عوامل اجتماعی-اقتصادی شامل عدم دسترسی به آموزش، و در این ارتباط، با اذعان به اینکه به حاشیه‌راندن زنان می‌تواند دستاوردهای پایدار صلح و امنیت را به تأخیر انداخته یا از میان ببرد،

با تصدیق نیازهای خاص زنان و دختران در موقعیت‌های پس از مخاصمه، از جمله امنیت جسمانی، خدمات درمانی از جمله سلامت تناسلی و روانی، شیوه‌های تضمین امرار معاش آنها، حقوق مربوط به املاک و مالکیت، استخدام، و نیز مشارکت آنها در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی پسابحران، خصوصاً در مراحل ایجاد صلح در دوران پس از مخاصمات،

با توجه به اینکه علی‌رغم پیشرفت، موانع تقویت مشارکت زنان در زمینه پیشگیری از مخاصمات، حل و فصل مخاصمات و ایجاد صلح باقی مانده‌اند، و ضمن ابراز نگرانی از این مساله که ظرفیت زنان برای مشارکت در تصمیم‌گیری عمومی و بازسازی اقتصادی در شرایط پس از جنگ، اغلب به اندازه کافی به رسمیت شناخته نمی‌شود، و با تأکید بر این نکته که تأمین سرمایه برای پوشش نیازهای اولیه زنان برای افزایش قدرت زنان ضروری است و می‌تواند به روند ایجاد صلح در دوران پس از درگیری خدمت کند،

با توجه به اینکه زنان در درگیری‌های نظامی و پس از آن، اغلب قربانی تلقی می‌شوند و نه عاملانی که در بررسی و حل وضعیت درگیری نظامی سهیم هستند، و با تأکید بر نیاز به تمرکز نه فقط بر محافظت از زنان بلکه در قدرتمند ساختن آنها در روند ایجاد صلح،

با توجه به اینکه درک تاثیر درگیری نظامی بر زنان و دختران از جمله پناهجویان و افراد بی‌خانمان داخل کشور، و پاسخ لازم و سریع به نیازهای ویژه آنها، و تسهیلات نهادی موثر، به خصوص در مراحل اولیه ایجاد صلح بعد از دوره درگیری، می‌تواند به نحو عمدہ‌ای در تداوم و ارتقای صلح و امنیت بین‌المللی سهیم باشد،

با استقبال از ابتکار عمل سازمان ملل در ایجاد شبکه‌ای مشابه آنچه برنامه عمران ملل متحد پیشگام آن بوده است در راستای قادر ساختن تصمیم‌گیرندگان به پیگیری سهمیه‌های جنسیتی در سپرده‌های چندجانبه گروه عمران ملل متحد،

با استقبال از تلاش‌های دبیر کل سازمان ملل در انتصاب تعداد بیشتری از زنان به سمت‌های ارشد سازمان ملل، خصوصاً در ماموریت‌های میدانی، به عنوان قدمی ملموس و عینی در پیشگامی سازمان ملل در اجرای قطعنامه ۱۳۲۵ (مصوب ۲۰۰۰) همین سازمان،

با استقبال از تشکیل قریب الوقوع کمیته راهبری سازمان ملل برای نظارت و تقویت همکاری درون نظام سازمان ملل در زمینه آمادگی برای دهمین سالگرد تصویب قطعنامه ۱۳۲۵ (۲۰۰۰)،

ضمن تشویق فعالین مرتبط با سازماندهی برنامه‌ها در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۹ در سطح جهانی، منطقه‌ای و ملی جهت افزایش آگاهی درباره قطعنامه ۱۳۲۵ (مصوب ۲۰۰۰)، که شامل برنامه‌های اداری

برای بازنگری تعهدات نسبت به «زنان و صلح و امنیت»، و شناسایی راههایی برای بررسی چالش‌های قدیم و جدید در اجرای قطعنامه ۱۳۲۵ (۲۰۰۰) در آینده،

۱- کشورهای عضو، سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای را به پیش‌بینی تمهدات بیشتر برای ارتقای مشارکت زنان در کلیه مراحل روند صلح توصیه می‌کند، به خصوص در زمینه حل و فصل مخاصمات، برنامه‌ریزی در دوران پس از درگیری و روند ایجاد صلح تشویق می‌کند، از جمله افزایش مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی در اولین مراحل تجدید قوا به عنوان مثال از طریق ارتقای رهبری و ظرفیت زنان برای مشارکت در مدیریت و برنامه‌ریزی امدادرسانی، حمایت از سازمان‌های زنان، و مقابله با نگرش‌های منفی اجتماعی درباره ظرفیت و توانایی‌های زنان در مشارکت برابر،

۲- بار دیگر کلیه طرف‌های درگیر در مخاصمات نظامی را به احترام کامل به حقوق بین‌الملل حاکم بر حقوق و محافظت از زنان و دختران فرامی‌خواند،

۳- کلیه تخلف‌های صورت‌گرفته از مقررات بین‌الملل حاکم بر حقوق زنان و دختران در مخاصمات نظامی و موقعیت‌های پس از درگیری را به شدت محکوم می‌کند، از کلیه طرف‌های درگیر در مخاصمات می‌خواهد که فوراً و به صورت موثر دست از چنین اقداماتی بردارند، و بر مسئولیت کلیه دولتها به پایان‌دادن به مصونیت مرتكبان از مجازات تأکید می‌کند و تعقیب کیفری کسانی که رئیس هر نوعی از خشونت علیه زنان و دختران در درگیری‌های نظامی، اعم از تجاوز و خشونت جنسی بوده‌اند را لازم می‌داند،

۴- دبیرکل سازمان ملل را به ایجاد راهبردی از طریق آموزش‌های مناسب، جهت افزایش تعداد زنان منصوب شده به پیگیری مساعی جمله از سوی او دعوت می‌کند، خصوصاً به عنوان نمایندگان و ماموران ویژه، و انجام اقداماتی در جهت افزایش مشارکت زنان در ماموریت‌های سیاسی ایجاد و پاسداری از صلح سازمان ملل متعدد، دعوت می‌کند،

۵- از دبیرکل سازمان ملل می‌خواهد که اطمینان حاصل نماید که در گزارش‌های کلیه کشورها به شورای امنیت، اطلاعاتی درباره تاثیر مخاصمات نظامی بر وضعیت زنان و دختران، نیازهای ویژه آن‌ها در موقعیت‌های پس از درگیری و موضع تامین این نیازها ذکر می‌شود،

۶- از دبیرکل سازمان ملل می‌خواهد که اطمینان حاصل نماید که نهادهای مربوطه در بدنه سازمان ملل، در همکاری با دولت‌های عضو و جامعه مدنی، به فراهم‌کردن و تحلیل اطلاعات در این زمینه می‌پردازند و نیازهای ویژه زنان و دختران را در موقعیت‌های پس از درگیری به صورت نظاممند ارزیابی می‌کنند، از جمله برای مثال اطلاعات درباره نیاز زنان به امنیت جسمانی، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های پس از درگیری برای ارائه پاسخی جامع به این نیازها،

۷- بدینوسیله اعلام می‌دارد که در زمان تهیه و تجدید ماموریت‌های سازمان ملل، اقدامات لازم درباره گسترش برای برای جنسیتی و تقویت زنان در موقعیت‌های پس از درگیری را در نظر خواهد داشت، و از دبیرکل می‌خواهد که به قدر مناسب به انتساب مشاورانی در زمینه جنسیت و یا محافظت از زنان در ماموریت‌های سازمان ملل ادامه بدهد، و از این مشاوران می‌خواهد که با

همکاری گروههای کشوری سازمان ملل، در زمینه‌های تخصصی و فنی و همکاری‌های گسترش‌یافته برای توجه به نیازهای زنان و دختران در شرایط پس از درگیری، توصیه‌های مفیدی ارائه بدهند،

۸- دولت‌های عضو را به تضمین جریان‌سازی‌های جنسیتی در کلیه مراحل ایجاد صلح در شرایط پس از درگیری و روندها و بخش‌های بازسازی فرامی‌خواند،

۹- دولت‌های عضو، نهادهای سازمان ملل، اهداف‌گان و جامعه مدنی را به توجه به قدرتمندسازی زنان در دوران پس از درگیری، و لحاظ‌شدن نیازهای آنان در مرحله ارزیابی سرمایه‌های مربوطه و برنامه‌ریزی‌ها فرامی‌خواند مثلاً از طریق تحلیل‌های جامع و شفاف راجع به موضوع و ردیابی سرمایه‌های تخصیص‌داده شده به تأمین نیازهای زنان در مرحله پس از درگیری،

۱۰- دولت‌های عضوی که در مراحل پس از درگیری‌های نظامی هستند را تشویق می‌کند که با مشاوره با جامعه مدنی از جمله سازمان‌های زنان، به تشخیص دقیق نیازها و اولویت‌های زنان پرداخته و راهبردهای مشخصی در تطابق با نظام حقوقی هر کشور طراحی کنند برای پاسخگویی به این نیازها که به عنوان مثال از امنیت جسمانی بهتر و شرایط اجتماعی-اقتصادی مناسب‌تر از طریق آموزش، فعالیت‌های مولاد درآمد و دسترسی به خدمات اولیه به طور خاص خدمات بهداشتی حمایت می‌کند، این خدمات بهداشتی شامل سلامت جنسی و تولید مثل و حق تولید مثل و سلامت روانی و اجرای قانون‌های مبتنی بر توجه به جنسیت و دسترسی به عدالت و نیز افزایش ظرفیت در تصمیم‌گیری عمومی در کلیه سطوح می‌شود،

۱۱- شورای امنیت، با توجه به نقش حیاتی آموزش در ارتقای مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های دوران پس از مخاصمات، بدبینو سیله دولت‌های عضو، نهادهای سازمان ملل و جامعه مدنی، از جمله سازمان‌های غیردولتی را به تضمین کلیه اقدامات لازم جهت دسترسی برابر زنان و دختران به آموزش در دوران پس از درگیری فرامی‌خواند،

۱۲- همه طرفهای درگیر در مخاصمات مسلحانه را به محترم‌شمردن ذات غیرنظمی و انسان‌دوستانه اردوگاه‌ها و تاسیسات آوارگان و محافظت از ساکنان این اردوگاه‌ها دعوت می‌کند، خصوصاً از زنان و دختران در مقابل کلیه اشکال خشونت، اعم از تجاوز و سایر تعرض‌های جنسی، و نیز طرفین را به تأمین دسترسی انسان‌دوستانه کامل، آزادانه و امن به آنها فرامی‌خواند،

۱۳- همه کسانی را که در برنامه‌ریزی خلع‌سلاح، پایان خدمت و بازسازی شرکت دارند را به احتساب نیازهای ویژه زنان و دختران مربوط به نیروها، گروههای نظامی و کودکان‌شان دعوت می‌کند، و آنها را به تضمین دسترسی کامل زنان به این امکانات فرامی‌خواند،

۱۴- کمیسیون ایجاد صلح و دفتر حمایت از ایجاد صلح را به توجه مداوم و بسیج‌کردن منابع برای پیشرفت برابری جنسیتی و قدرتمند ساختن زنان به عنوان بخش مهمی از ایجاد روند صلح در دوران پس از بحران تشویق می‌کند، و از آنها می‌خواهد حامی پیشرفت هم‌جانبه زنان باشند،

۱۵- از دبیر کل سازمان ملل درخواست می‌کند که در دستور کار خود برای ارتقای اقدامات

سازمان ملل در راستای ایجاد صلح، به موضوع افزایش مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی از ابتدایی‌ترین مراحل روند ایجاد صلح نیز بپردازد،

۱۶- از دبیر کل سازمان ملل درخواست می‌کند که از شفافیت همه‌جانبه، همکاری و هماهنگی مساعی «نماینده ویژه دبیر کل در مورد کودکان و مخاصمات مسلحانه» و «نماینده ویژه دبیر کل در مورد خشونت جنسی و مخاصمات مسلحانه» که به درخواست قطعنامه ۱۸۸۸ (مصوب ۲۰۰۹) منصوب شده‌اند، اطمینان حاصل کند،

۱۷- از دبیر کل سازمان ملل درخواست می‌کند که طی ۶ ماه آینده، شاخص‌هایی را برای استفاده در سطح جهانی به منظور دنبال‌کردن وضعیت اجرای قطعنامه ۱۳۲۵ (مصوب ۲۰۰۰) به شورای امنیت تسلیم کند، این شاخص‌ها می‌توانند مبنای مشترک برای واحدهای زیرمجموعه سازمان ملل، سایر سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و دولت‌های عضو در زمینه ارائه گزارش از وضعیت اجرای قطعنامه ۱۳۲۵ (مصوب ۲۰۰۰) در سال ۲۰۱۰ و فراتر از آن مورد استفاده قرار بگیرند،

۱۸- از دبیر کل سازمان ملل می‌خواهد که در سند شماره S/PRST/۲۰۰۷/۴۰ پیش‌بینی شده است، مروری بر این مسائل نیز داشته باشد: پیشرفت روند اجرای قطعنامه ۱۳۲۵ (مصوب ۲۰۰۰)، ارزیابی روندهایی که شورای امنیت از طریق آنها اطلاعات مربوط به این قطعنامه را دریافت و تحلیل کرده و مبنای اقدام قرار می‌دهد، توصیه‌هایی درباره اقدامات بیشتر برای ارتقای همکاری واحدهای سازمان ملل با یکدیگر و با دولت‌های عضو و جامعه مدنی در زمینه اجرای قطعنامه، و داده‌هایی راجع به میزان مشارکت زنان در ماموریت‌های سازمان ملل،

۱۹- از دبیر کل سازمان ملل درخواست می‌کند که طی ۱۲ ماه آینده، گزارشی درباره مشارکت زنان و واردکردن آنها در روند ایجاد صلح و برنامه‌ریزی دوران پس از درگیری به شورای امنیت تسلیم کند، و در این گزارش ضمن توجه به دیدگاه‌های کمیسیون ایجاد صلح، موارد زیر را نیز لحاظ دارد:

الف) تحلیل نیازهای ویژه زنان و دختران در دوره‌های پس از درگیری؛
ب) موانع موجود در مسیر مشارکت زنان در حل و فصل مخاصمات، ایجاد صلح و رویه‌سازی در مورد جنسیت در کلیه مراحل اولیه برنامه‌ریزی‌های پس از درگیری، تامین بودجه و روندهای بهبودبخشی؛

ج) اقداماتی برای حمایت از ظرفیت ملی در برنامه‌ریزی و تامین هزینه‌های مربوط به نیازهای زنان و دختران در دوره‌های پس از درگیری؛

د) توصیه‌هایی در زمینه ارتقای واکنش‌های بین‌المللی و ملی به نیازهای زنان و دختران در دوره‌های پس از درگیری، از جمله توسعه سازوکارهای نهادی و مالی موثر برای تضمین مشارکت برابر زنان در روند ایجاد صلح،

۲۰- شورا این مسئله را همچنان پیگیری خواهد کرد.

پیوست‌ها

۲ پیوست

قطعنامه ۱۸۸ شورای امنیت



قطعنامه ۱۸۸۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد (۲۰۰۹) مصوب S/RES/۱۸۸۸

تصویب شده در شش هزار و صد و نود و پنجمین جلسه شورای امنیت در ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۹ (صدور مجدد در ۲۲ ژوئن ۲۰۱۰)

شورای امنیت،

با تأکید مجدد بر تعهد خود مبنی بر اجرای کامل و مداوم قطعنامه های ۱۳۲۵ (۲۰۰۰)، ۱۶۱۲ (۲۰۰۵)، ۱۸۲۰ (۲۰۰۸) و ۱۸۸۲ (۲۰۰۹) و کلیه بیانیه های صادره توسط رئیس این شورا و با تایید مفاد آنها،

با استقبال از گزارش دبیر شورای امنیت، مورخه ۱۶ ژوئیه ۲۰۰۹ (S/۲۰۰۹/۳۶۲)، و در عین حال با ابراز نگرانی عمیق از کمبود پیشرفت در معضل خشونت جنسی در مخاصمات مسلحانه - خصوصاً علیه زنان و کودکان و به خصوص دختران، و با توجه به مفاد گزارش دبیر کل سازمان ملل که خشونت جنسی در درگیری های نظامی سراسر جهان رخ می دهد،

نگرانی عمیق خود را ابراز می دارد از اینکه علی رغم محکومیت مکرر خشونت علیه زنان و کودکان از جمله کلیه اشکال خشونت جنسی در درگیری های نظامی، و علی رغم فراخوان های مکرر سازمان ملل خطاب به کلیه گروه ها و طرف های درگیر در درگیری های نظامی برای توقف فوری و موثر چنین اعمالی، هنوز اعمالی از این قبیل رخ می دهد و در برخی موقعیت ها شکل ساختار یافته و گستردگی به خود گرفته است،

با یادآوری تعهدات مذکور در بیانیه پکن و برنامه کار آن (A/۵۲/۲۳۱) و همچنین کلیه محتویاتی که در سند نهایی بیست و سومین اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد با عنوان «زنان در سال ۲۰۰۰: برابری جنسیتی، توسعه و صلح برای قرن ۲۱» ذکر شده، به ویژه بخش های مربوط به زنان و مخاصمات مسلحانه،

با تأکید دوباره بر تعهدات دولت های عضو طبق ميثاق رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و پرتو تک اختیاری آن، و ميثاق حقوق کودک و پرتو تک های اختیاری آن، و با تشویق دولت های غیر عضو به تصویب و الحاق به این اسناد بین المللی،

با یادآوری این نکته که محافظت عمومی و ویژه از زنان و کودکان در درگیری های نظامی به عنوان بخشی از جمعیت غیر نظامی - به دلیل مواجهه آنها با خطر های خاص - از سوی حقوق بشر دوستانه بین المللی تضمین شده است،

با یادآوری مسئولیت دولت ها به خاتمه دادن به معافیت مرتكبان از مجازات و لزوم تعقیب افراد مرتكب نسل کشی، جرایم بر ضد بشریت، جرایم جنگی و سایر جرایم فاحش علیه غیر نظامیان، و با ابراز

نگرانی از اینکه تا کنون تنها تعداد محدودی از مرتكبان خشونت جنسی به پیشگاه عدالت آورده شده‌اند، و با شناسایی این نکته که در مخاصمات و موقعیت‌های پس از مخاصمات، نظام عدالت ملی ممکن است تا حد زیادی تضعیف شود،

با تأیید دوباره اینکه در صورتی که جامعه درگیر مخاصمه یا بازسازی پس از آن، در پی تعیین تکلیف با سوءرفتارهای انجام‌شده علیه غیرنظامیان و به دنبال پیشگیری از وقوع چنین رخدادهایی در آینده است، پایان‌دادن به مصونیت از مجازات ضروری است، و با جلب توجه به طیف گسترده سازوکارهای عدالت و صلح برای اجرا، از جمله برگزاری دادگاه‌ها و دیوان‌های کیفری ملی، بین‌المللی و «ترکیبی» و کمیسیون‌های حقیقت‌یابی و آشتی، و با یادآوری اینکه چنین سازوکارهایی علاوه بر تقویت مسئولیت فردی در زمینه جرایم جدی، صلح و حقیقت و آشتی و حقوق قربانیان را نیز بهبود می‌بخشد،

با یادآوری گجاندهشدن طیفی از تخلفات مربوط بهس خشونت جنسی در اساسنامه رم دادگاه کیفری بین‌المللی و اساسنامه دیوان‌های موقت حل اختلاف کیفری بین‌المللی،

با تأکید بر ضرورت تبعیت کامل کلیه طرفهای دولتی و غیردولتی درگیر در مخاصمات، از تعهدات خود بر مبنای حقوق بین‌الملل حاکم، از جمله منوعیت کلیه اشکال خشونت جنسی،

با تصدیق وظیفه رهبران غیرنظامی و نظامی، مطابق اصل مسئولیت‌فرماندهی، به نشان‌دادن تعهد و خواست سیاسی خود برای پیشگیری از بروز خشونت جنسی و مبارزه با مصونیت از مجازات و تقویت پاسخگویی، و اینکه بی‌عملی می‌تواند نافر این پیام باشد که وقوع خشونت جنسی در زمان درگیری تحمل می‌شود،

با تأکید بر اهمیت توجه به مسائل خشونت جنسی از مراحل آغازین روند صلح و تلاش‌های میانجی‌گرانه، به منظور حفاظت از بخشی از جمعیت که در معرض خطرند و برای ارتقای ثبات همه‌جانبه، به ویژه در حوزه کمک‌های بشردوستانه در مرحله پیش از آتش‌بس و توافق‌های حقوق‌بشری و آتش‌بس‌ها و نظارت بر آتش‌بس، خلع سلاح، مرخصی نظامی و بسیج مجدد (SSR) اقدامات اصلاحی بخش امنیتی، عدالت و جبران خسارت، بازسازی و توسعه پس از جنگ،

با ابراز نگرانی از حضور کمرنگ زنان در روندهای رسمی صلح، کمبود میانجیان و ناظران آتش‌بس آموزش‌دهنده در برخورد با خشونت جنسی، عدم حضور زنان در سمت‌های مدیریتی و راهبردی نظارت بر صلح در مناظرات صلح مورد حمایت سازمان ملل متحد،

با تصدیق این نکته که پشتیبانی و قدرتمندساختن زنان و حمایت از سازمان‌ها و شبکه‌های زنان در پایداری صلح و ارتقای مشارکت برابر و همه جانبه زنان ضروری است و با تشویق دولت‌های عضو، اهداکنندگان، جامعه مدنی از جمله سازمان‌های غیردولتی، به حمایت و پشتیبانی در این زمینه،

با استقبال از واردکردن زنان به ماموریت‌های ایجاد صلح در فعالیت‌های انتظامی و نظامی و مدنی، و با تصدیق این واقعیت که زنان و کوکان آسیبدیده در جریان درگیری‌های نظامی احتمالاً از اینکه چنین موضوعی را به یک مامور زن گزارش بدنهند احساس امنیت بیشتری می‌کنند، و این حقیقت که حضور زنان به عنوان پاسداران صلح می‌تواند مشوق زنان محلی به عضویت در نیروهای امنیتی و نظامی ملی

باشد، و از این طریق به ایجاد بخش امنیتی که در دسترس و پاسخگو به کلیه بخش‌های جامعه خصوصاً زنان باشد کمک می‌شود،

با استقبال از تلاش‌های ارگان حفاظت از صلح در انتقال رهنماوهای جنسیتی به پرسنل نظامی عملیات‌های حفاظت از صلح برای تسهیل اجرای قطعنامه‌های ۱۳۲۵ (اصولی ۲۰۰۰) و ۱۸۲۰ (اصولی ۲۰۰۸)، و راهنمایی‌های عملی برای کمک به غیرنظامیان، و دستاندرکاران پلیس و ارتش در ماموریت‌های پاسداری از صلح برای اجرای موثر قطعنامه ۱۸۲۰ (اصولی ۲۰۰۸)

با توجه به گزارش دبیر کل سازمان ملل (S/۲۰۰۹/۴۶۵) مورخ ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۹، و با تأکید بر این نکته که قطعنامه حاضر، در پی ایجاد تمایز حقوقی میان موقعیت‌های اشاره شده در گزارش مذکور و مخاصمات مسلحانه و غیرمسلحانه در چارچوب میثاق‌های زن و پروتکل‌های الحاقی آن نمی‌باشد، و قصد پیش‌داوری راجع به وضعیت حقوقی اعضای غیردولتی درگیر در شرایط مذکور را نیز ندارد،

با یادآوری تصمیم شورا در قطعنامه ۱۸۸۲ مورخ چهارم اوت ۲۰۰۹ (S/RES/۱۸۸۲) مبنی بر اینکه به فهرست ضمیمه گزارش سالیانه دبیر شورای امنیت درباره کودکان و درگیری نظامی‌های در کشورهای درگیر مخاصمه، و عضوگیری یا استفاده از کودکان در مخاصمات مسلحانه که تخلف از قوانین بین‌المللی است، موارد کشتار، ناقص‌کردن کودکان و یا تجاوز و سایر خشونت‌های جنسی علیه کودکان در درگیری‌های نظامی نیز به عنوان رفتارهایی که مخالف با قوانین بین‌المللی است افزوده شود،

با توجه به نقشی که در حال حاضر بر عهده مشاور ویژه در زمینه مسائل جنسیتی گذاشته شده است مبنی بر نظرارت بر اجرای قطعنامه ۱۳۲۵ و نیز ارتقای جریان‌سازی جنسیتی در نظام سازمان ملل متحد، قدرت‌بخشیدن به زنان و برابری جنسیتی، و بیان اهمیت همکاری موثر نظام سازمان ملل متحد در این زمینه،

با تأیید مسئولیت اساسی دولتها در محترم‌شمردن و تضمین حقوق بشر شهروندان خود و نیز کلیه افراد حاضر در قلمرو دولتها چنان‌که در قانون بین‌المللی مربوطه تصریح شده است،

با تأیید مجدد بر مسئولیت اساسی طرفین مخاصمات مسلحانه به انجام کلیه اقدامات لازم برای تضمین حمایت از غیرنظامیان آسیب دیده،

با تأکید بر مسئولیت اصلی این شورا برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و در این مبحث خاص، تعهد این شورا به تداوم بررسی تاثیر گسترده مخاصمات مسلحانه بر غیرنظامیان، از جمله توجه به وقوع خشونت جنسی،

۱- شورا مجدداً تأکید می‌کند که چنانچه خشونت جنسی به عنوان یک تاکتیک نظامی در جنگ به منظور هدف‌گرftن عمدی غیرنظامیان و یا به عنوان وسیله‌ای برای حمله گسترده یا سازمان‌یافته علیه جمعیت غیرنظامی به کار رود، می‌تواند تا حد قابل توجهی بر وحامت بیشتر وضعیت درگیری نظامی بیفزاید و مانع از بازیابی صلح و امنیت بین‌المللی شود؛ و در همین زمینه اعلام می‌دارد که برداشتن گام‌های موثر در جهت پیشگیری و واکنش به خشونت‌های جنسی می‌تواند تا حد زیادی در پایداری صلح و امنیت بین‌المللی سهیم باشد؛ و ضمن در نظر گرفتن دستور کار شورا، آمادگی خود را اعلام می‌کند برای

برداشتن گام‌های مناسب و ضروری برای بررسی خشونت‌های جنسی گستردۀ و سازمان‌یافته در مخاصمات مسلحانه،

۲- مجدداً از کلیه طرفین مخاصمات مسلحانه درخواست می‌کند که کلیه اعمال خشونت‌آمیز جنسی را فوراً و به صورت موثر خاتمه دهد،

۳- از کلیه طرفین مخاصمات مسلحانه می‌خواهد که فوراً اقدامات مناسبی برای حفاظت از غیرنظامیان شامل زنان و کودکان در مقابل کلیه اشکال خشونت جنسی ترتیب دهد، از جمله اجرای اقدامات انتظامی برای نیروهای نظامی، آموزش گروه‌های نظامی در زمینه منوعیت هم‌جانبه کلیه اشکال خشونت جنسی علیه غیرنظامیان، افسانه‌های موهومی که به خشونت جنسی دامن می‌زنند و بررسی پیشینه داوطلبان عضویت در ارتش‌های ملی و نیروهای امنیتی جهت ممانعت از ورود کلیه کسانی که به نوعی با نقض جدی حقوق بشردوستانه و حقوق بین‌المللی، از جمله خشونت جنسی مرتبط بوده‌اند،

۴- از دبیر کل سازمان ملل می‌خواهد که نماینده ویژه‌ای برای تأمین رهبری راهبردی و هماهنگ منصوب کند تا به شکل موثری برای تقویت سازوکارهای موجود همکاری سازمان ملل فعالیت کرده و در اقدامات تزویجی - به طور مثال با نمایندگان نظامی و قضائی حکومت‌ها - شرکت کند و با کلیه طرفین مخاصمات مسلحانه و جامعه مدنی نیز در زمینه توجه ملی و بین‌المللی به خشونت جنسی در مخاصمات مسلحانه تعامل داشته باشد. و در همین حین، برای ارتقای همکاری و همباری میان کلیه افراد سهیم در این موضوع، در مرحله اولیه از طریق ابتکار «اقدام ملل متعدد علیه خشونت جنسی در مخاصمات» تلاش کند،

۵- واحدهای تشکیل‌دهنده «اقدام ملل متعدد علیه خشونت جنسی در مخاصمات» و نیز سایر بخش‌های نظام سازمان ملل را تشویق می‌کند به حمایت از نماینده ویژه مذکور از سوی دبیر کل سازمان ملل و نیز به تداوم و ارتقای همکاری و اشتراک اطلاعات با کلیه افراد سهیم ، تا از این طریق هماهنگی را ارتقا دهد و از همپوشانی کار فرماندهان مرکزی و بخش‌های مختلف کشور اجتناب کند و پاسخ‌گویی به کلیه بخش‌های سیستم را بهبود بخشد،

۶- دولت‌ها را توصیه می‌کند به اجرای اصلاحات قانونی و قضائی فرآگیر آنگونه که مناسب و در سازگاری با قانون بین‌المللی است، این اصلاحات باید بدون تأخیر و به قصد محکمه عادلانه مرتكبان خشونت جنسی در مخاصمات مسلحانه انجام پذیرند تا از دسترسی قربانیان خشونت به مجازی عدالت و برخورد محترمانه با آن‌ها در طول روند اجرای عدالت و حفاظت و پذیرفتن و تلاش برای بهبودی رنج و آسیبی که متحمل شده‌اند اطمینان حاصل شود،

۷- به طرفین مخاصمات مسلحانه توصیه می‌کند که کلیه گزارش‌های مربوط به خشونت جنسی ارتکاب‌یافته از سوی غیرنظامیان یا پرسنل نظامی را کاملاً تحت رسیدگی قرار دهد و مرتكبان مذکور را عادلانه به سزای خود برسانند، و به افراد ارشد جمعیت غیرنظامی و فرماندهان نظامی نیز توصیه می‌کند که مطابق حقوق بشردوستانه بین‌المللی، از اختیارات و قدرتشان برای پیشگیری از وقوع خشونت جنسی مثلاً از طریق مبارزه با مصونیت مرتكبان از مجازات مبارزه نمایند،

۸- دبیر کل سازمان ملل را فرا می‌خواند به شناسایی و تشکیل گروهی از متخصصان در زمینه‌های

دغدغه با توجه به خشونت جنسی در مخاصمات مسلحانه، که در قالب حضور میدانی سازمان ملل در منطقه کار کنند و با رضایت حکومت میزبان، که کمک کنند به مقامات ملی برای تقویت حاکمیت قانون و توصیه می‌کنند استفاده از منابع انسانی موجود در نظام ملل متعدد و همکاری‌های داوطلبانه، استفاده از تخصص‌های لازم در جای مناسب تحت حاکمیت قانون، نظام‌های قضائی غیرنظمی و نظامی، میانجی‌گری، رسیدگی کیفری، بازسازی بخش امنیتی، محافظت از شاهدان، استانداردهای محکمه منصفانه، و دسترسی عمومی به:

(الف) همکاری نزدیک با مقامات قانونی و قضائی ملی و سایر پرسنل سیستم دادگستری نظامی و غیرنظمی حکومت‌های مربوطه جهت بررسی مساله مصونیت از مجازات، و قدرت بخشنیدن به ظرفیت ملی و جلب توجه به گستره وسیع سازوکارهای عدالت که می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند،

(ب) شناسایی خلاهای موجود در عکس‌العمل ملی به این پدیده، و تشویق دیدگاهی تمامیت‌نگر در سطح ملی برای بررسی خشونت جنسی در مخاصمات مسلحانه، از جمله ارتقای پاسخ‌گویی به قربانیان و توسعه ظرفیت قضائی،

(پ) ارائه پیشنهادات برای هماهنگی میان تلاش‌های داخلی و بین‌المللی و منابع جهت تقویت توانایی دولت در توجه به خشونت جنسی در مخاصمات مسلحانه،

(ت) همکاری با مامورین سازمان ملل متعدد، گروه کشوری و نماینده ویژه مذکور از سوی دبیر سازمان ملل جهت اجرای همه‌جانبه راهکارهای ارائه شده در قطعنامه ۱۸۲۰ (مصطفوی ۲۰۰۸)،

۹- دولت‌ها، بخش‌های مرتبط در سازمان ملل متعدد، و جامعه مدنی را به همکاری نزدیک با مقامات ملی جهت ایجاد ظرفیت ملی در نظام‌های اجرایی قانونی و قضائی در موقعیت‌های خاص مرتبه با خشونت جنسی در مخاصمات مسلحانه دعوت می‌کند،

۱۰- بر قصد خود مبنی بر تصویب یا بازنگری در تحریم‌های قانونی موردنظر در مخاصمات مسلحانه جهت تعیین ملاک‌های مربوط به اعمالی مانند تجاوز و سایر اشکال خشونت جنسی تأکید می‌کند، و کلیه مامورین حفاظت از صلح و سایر ماموریت‌های مربوطه و واحدهای مختلف سازمان ملل، به طور خاص «کارگروه کودکان و مخاصمات مسلحانه» را جهت به اشتراک گذاشتن اطلاعات با کمیته‌های تحریم شورای امنیت سازمان ملل، از جمله از طریق گروه ناظران و گروه‌های کارشناسان کمیته‌های تحریم مرتبه شورای امنیت سازمان ملل فرا می‌خواند،

۱۱- اعلام می‌کند که قطعنامه‌های ایجاد یا تجدید ماموریت‌های حفظ صلح، شامل موادی راجع به پیشگیری و پاسخ‌دهی به خشونت جنسی هستند، همراه با امکانات مکاتبه با شورا؛

۱۲- تصمیم دارد به شکل مناسب، موادی جهت حفاظت از زنان و کودکان در مقابل تجاوز و سایر خشونت‌های جنسی مذکور در ماموریت‌های عملیاتی حفظ صلح ملل متعدد تهیه کند، از جمله مبنای مورد به مورد، شناسایی مشاوران حفاظت از زنان در میان مشاوران امور جنسیتی و واحدهای حفاظت از حقوق بشر، و از دبیر کل می‌خواهد از تعداد و نقش مشاوران حفاظت از زنان و نیاز به ارزیابی نظام مند آن‌ها در طول آمدگی برای هر یک از عملیات‌های حفظ صلح سازمان ملل اطمینان حاصل کند؛

۱۳- دولت‌ها را با حمایت جامعه بین‌المللی جهت افزایش دسترسی به خدمات درمانی، حمایت روانی، امداد حقوقی و خدمات بازپروری مجدد برای قربانیان خشونت جنسی به ویژه در مناطق روس‌تایی، تشویق

می‌کند؛

۱۴- خواست خود را برای بهتر از دیدارهای دوره‌ای منطقه‌ای در نواحی وقوع مخاصمه، از طریق سازماندهی دیدارهای متقابل با زنان محلی و سازمان‌های زنان در منطقه درباره نگرانی‌ها و نیازهای زنان در مناطق درگیری نظامی، اعلام می‌کند،

۱۵- رهبران ملی و محلی، از جمله رهبران سنتی در صورت وجود و رهبران مذهبی را دعوت می‌کند به ایفای نقش فعال‌تری در حساس‌کردن جوامع به خشونت جنسی و اجتناب از طرد و بدنام‌کردن قربانیان خشونت، جهت کمک به بازگرداندن آن‌ها به اجتماع، و برای مبارزه با فرهنگ مصونیت این‌گونه جرائم از مجازات؛

۱۶- دبیر کل، دولت‌های عضو و سران سازمان‌های منطقه‌ای را به انجام اقدامات لازم جهت افزایش حضور زنان در روندهای میانجی‌گری و تصمیم‌گیری‌های مربوط به حل‌فصل مناقشات و ایجاد صلح توصیه می‌کند،

۱۷- خواستار گنجاندن مسائل مربوط به خشونت جنسی در دستور کار کلیه مذاکرات صلحی است که از سوی سازمان ملل پشتیبانی می‌شوند، و پرداختن به مسائل خشونت جنسی در مراحل آغازین روندهای صلح را نیز توصیه می‌کند، به ویژه در مراحل پیش از آتش‌بس، دسترسی بشردوستانه و توافقنامه‌های حقوق بشری، آتش‌بس و نظارت بر آتش‌بس، ترتیبات «برنامه خلع سلاح عمومی» و «اصلاح بخش امنیتی»، تحقیق درباره نیروهای مسلح و امنیتی، عدالت، بازگرداندن آوارگان، و بازسازی/توسعه.

۱۸- با توجه به نقش مهم زنان در بازسازی جامعه، بر تاثیر کمیسیون ایجاد صلح در ارتقای رویکردهای کلی مبتنی بر جنسیت در کاهش ناپایداری موقعیت‌های پس از مخاصمه تاکید می‌کند، و به کمیسیون ایجاد صلح توصیه می‌کند که کلیه گروه‌ها در کشورهای مختلف را به کاستن از میزان خشونت جنسی در راهبردهای پس از درگیری تشویق کند،

۱۹- دولت‌های عضو را به استفاده از تعداد بیشتری پرسنل نظامی و پلیس زن برای عملیات‌های حفظ صلح تشویق می‌کند، و از دولت‌ها می‌خواهد که برای کلیه پرسنل نظامی و پلیس، جلسات آموزشی لازم در راستای انجام مسئولیت‌هایشان را برگزار کند،

۲۰- از دبیر کل سازمان ملل می‌خواهد که پشتیبانی‌های فنی لازم برای کشورهای دارای نیروی ارتش و پلیس فراهم شود تا در مراحل اولیه آموزش و احضار به خدمت، رهنمودهایی لازم در زمینه خشونت جنسی به پرسنل پلیس و نظامی ارائه شود،

۲۱- از دبیر کل درخواست می‌کند که تلاش‌های صورت‌گرفته در اجرای سیاست عدم مدارا در زمینه استثمار و آزار جنسی در عملیات‌های حفظ صلح سازمان ملل متحده را کماکان ادامه داده و قوت بخشد، و کشورهای دارای نیروی نظامی و پلیس را توصیه می‌کند به انجام اقدامات پیشگیرانه لازم از جمله برگزاری جلسات آموزشی و عملی پیش از اعزام نیروها، و سایر اقدامات جهت تضمین پاسخگویی در موارد تخلفی که امکان دارد از پرسنل آنها سر برزند،

۲۲- از دبیر کل درخواست می‌کند که کلیه واحدهای مربوطه سازمان ملل متحد را جهت انجام اقدامات لازم برای جریان‌سازی جنسیتی در هر نهاد هدایت کند، از جمله اختصاص منابع انسانی و مالی کافی به کلیه ادارات و واحدهای موجود، و نیز تقویت همکاری و هماهنگی کلیه ماموریت‌ها هنگام پرداختن به موضوع خشونت جنسی در مخاصمات مسلحانه،

۲۳- از نمایندگان ویژه مربوطه و دستیار دبیر کل در کمک‌های اضطراری مصرانه می‌خواهد که با حمایت استراتژیک و فنی شبکه عملیات سازمان ملل، به همکاری با دولت‌های عضو برای توسعه راهبردهای فراگیر مشترک سازمان ملل متحد و دولت‌ها در راستای مبارزه با خشونت جنسی بپردازد، و در این راه از مشاوره با کلیه طرفین استفاده کند، و به طور منظم آخرین گزارش‌ها در این باره را در چارچوب گزارش‌دهی معمول خود به فرماندهی منطقه‌ای ارسال کنند،

۲۴- از دبیر کل سازمان ملل درخواست می‌کند تا از گزارش‌دهی منظم درباره پیشامدها و روندها و الگوهای جدید تهاجم و نشانه‌های اخطار زودرس درباره استفاده از خشونت جنسی در درگیری نظامی در کلیه گزارش‌های مربوط به شورای امنیت اطمینان حاصل کند، و نمایندگان ویژه دبیر کل، دستیار کمک‌های اضطراری، کمیسریای عالی حقوق بشر، گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان و ریس (روسای) هیئت مدیره اقدام عملی سازمان ملل متحد را به هماهنگی با نماینده ویژه فوق‌الذکر جهت تهیه چکیده‌های الحاقی و مستند نمودن خشونت جنسی در مخاصمات مسلحانه و ارائه آن به شورای امنیت تشویق می‌کند،

۲۵- از دبیر کل سازمان ملل درخواست می‌کند که در موقعیت مناسب، در گزارش‌های منظم خود درباره عملیات‌های انفرادی پاسداری از صلح، اطلاعاتی درباره گام‌های برداشته شده درباره اجرای راهکاری محافظت از غیرنظمیان، به ویژه زنان و کودکان، علیه خشونت جنسی را لحاظ کند،

۲۶- با توجه به پیشنهادات مطرح شده در گزارش دبیر کل سازمان ملل و کلیه عناصر مربوطه دیگر، از دبیر کل می‌خواهد که ترجیحاً ظرف سه ماه، پیشنهادات ویژه‌ای درباره راههای تامین نظارت و گزارش‌دهی موثرتر و کارآمدتر در نظام موجود سازمان ملل در زمینه حفاظت از زنان و کودکان در برابر تجاوز و سایر اشکال خشونت در مخاصمات مسلحانه و موقعیت‌های پس از مخاصمه ارائه کند، و در این راه از نظرات کارشناسی و ظرفیت‌های مشورت‌دهی نظام سازمان ملل و دولت‌های ملی، سازمان‌های منطقه‌ای، سازمان‌های غیردولتی و فعالان مختلف جامعه مدنی استفاده کند به منظور فراهم‌آوردن اطلاعات بهنگام، هدفمند، دقیق و قابل اطمینان درباره خلاهایی که در پاسخ‌دهی بخش‌های مختلف سازمان ملل برای اقدام عملی مناسب وجود دارد،

۲۷- از دبیر کل سازمان ملل درخواست می‌کند که به ارائه گزارش‌های سالانه خود به شورا درباره اجرای عملی قطعنامه ۱۸۲۰ (مصوب ۲۰۰۸) ادامه دهد و گزارش بعدی خود را تا سپتامبر ۲۰۱۰ درباره اجرای قطعنامه حاضر و قطعنامه ۱۸۲۰ به شورای امنیت ارائه و موارد زیر را در آن لحاظ نماید:

- (الف) طرح یک هماهنگی دقیق و استراتژیک درباره جمع‌آوری اطلاعات صحیح و بهنگام؛
- (ب) آخرین گزارش‌ها درباره نقاط حساس تلاش‌های ماموریت سازمان ملل درباره خشونت جنسی و همکاری نزدیک با هماهنگ‌کننده مقیم/هماهنگ‌کننده کمک‌های بشردوستانه، گروه‌های کشوری

سازمان ملل و در موقعیت مناسب، نماینده ویژه فوق الذکر و یا تیم کارشناسان، برای بررسی خشونت جنسی؛

(پ) اطلاعاتی درباره طرفین درگیر در مخاصمه مسلحانه که بر اساس شواهد معتبر، مظنون به ارتکاب تجاوز و سایر اشکال خشونت جنسی در موقعیت‌های مذکور در طرح عملی شورای امنیت هستند،

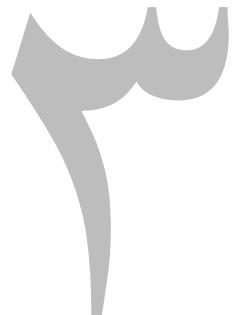
۲۸- تصمیم دارد که در طول دو سال آینده و در صورت نیاز در سال‌های پس از آن، با توجه به روندی که از سوی قطعنامه ۶۳/۳۱۱ مجمع عمومی درباره واحد ترکیبی سازمان ملل درباره جنسیت خواسته شده، ماموریت‌های نماینده ویژه – قیدشده در پاراگراف اجرایی چهارم - و ماموریت‌های تیم کارشناسان – قیدشده در پاراگراف اجرایی هشتم – را مورد بازبینی قرار دهد،

۲۹- مصمم است که فعالانه به پیگیری این موضوع ادامه دهد.

پیوست‌ها

۳ پیوست

قطعنامه ۱۸۲۰ شورای امنیت



قطعنامه ۱۸۲۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد

(۲۰۰۸) S/RES/۱۸۲۰

تصویب شده در شورای امنیت در ۱۶ مین دیدار، در ۱۹ ژوئن ۲۰۰۸

شورای امنیت:

با تایید تعهد خود مبنی بر اجرای کامل و مداوم قطعنامه ۱۳۲۵ (اصوب ۲۰۰۰)، قطعنامه ۱۶۱۲ (اصوب ۲۰۰۵)، و قطعنامه ۱۶۷۴ (اصوب ۲۰۰۶) و با یادآوری بیانیه‌های صادره توسط رئیس این شورا در تاریخ‌های ۳۱ اکتبر ۲۰۰۱ (PRST/۲۰۰۱/۳۱ Security Council)، ۳۱ اکتبر ۲۰۰۲ (۲۰۰۴/۴۰ Security Council/PRST/) ۲۰۰۴ (Security Council/PRST/۲۰۰۲/۳۲) ۲۷ اکتبر ۲۰۰۵ (Security Council/PRST/۲۰۰۵/۵۲)، ۸ نوامبر ۲۰۰۶ (Security Council/PRST/۲۰۰۷/۵ Security Council) ۲۰۰۷ مارس ۲۰۰۶ (Security Council/PRST/۲۰۰۷/۴۰)، و با تایید مفاد آنها،

به تأسی از اهداف و اصول منشور ملل متحد؛

با تائید اراده ابرازشده در سند نهایی اجلاس جهانی سران در سال ۲۰۰۵ برای حذف کلیه اشکال خشونت علیه زنان و دختران، از جمله با خاتمه‌دادن به مصونیت خاطیان از مجازات و با تضمین محافظت از غیرنظمیان، به ویژه زنان و دختران، در جریان و پس از مخاصمات مسلحانه، مطابق با تعهداتی که کشورها بر اساس حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و حقوق بشر بین‌الملل بر عهده گرفته‌اند؛

با یادآوری کلیه تعهدات قطعنامه پکن و برنامه کاری آن (A/۵۲/۲۳۱) و نیز کلیه تعهداتی که در سند نهایی بیست و سومین جلسه ویژه مجمع عمومی سازمان ملل با عنوان «زنان ۲۰۰۰: برابری جنسیتی، توسعه صلح در قرن بیست و یکم» (A/S-۲۳/۱۰/Rev. ۱) به ویژه تعهداتی که مربوط به خشونت جنسی و زنان در موقعیت‌های درگیری نظامی است،

با تأکید دوباره بر تعهدات دولت‌های عضو طبق ميثاق رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و پروتکل اختیاری آن، و ميثاق حقوق کودک و پروتکل‌های اختیاری آن، و با تشویق دولت‌های غیرعضو به تصویب و الحق به این اسناد بین‌المللی،

با توجه به اینکه غیرنظمیان اکثریت عظیم آسیب‌دیدگان از مخاصمات مسلحانه را تشکیل می‌دهند؛ و اینکه زنان و دختران با استفاده از خشونت جنسیت، از جمله به عنوان تاکتیکی جنگی برای تحقیر، تسلیط، القای هراس و وحشت، آواره یا جایه‌جا کردن اجباری اعضای غیرنظمی جامعه یا گروه قومی، به ویژه هدف قرار می‌گیرند؛ و اینکه خشونت جنسی انجامشده به این روش در بعضی موارد ممکن است پس از توقف خصومت‌ها ادامه یابد؛

با یادآوری مکومیت کلیه اشکال خشونت جنسی ارتکابی علیه غیرنظمیان در مخاصمات مسلحانه، بهویژه علیه زنان و کودکان با نیرومندترین واژه‌ها از سوی شورا،

با ابراز نگرانی عمیق از اینکه علی‌رغم مکومیت مکرر خشونت علیه زنان و کودکان از جمله کلیه اشکال خشونت جنسی در درگیری‌های نظامی، و علی‌رغم فراخوان‌های مکرر سازمان ملل خطاب به کلیه گروه‌ها و طرف‌های درگیری‌های نظامی برای توقف فوری و موثر چنین اعمالی، هنوز اعمالی از این قبیل رخ می‌دهد و در بعضی از موقعیت‌ها سازمان‌یافته و گسترشده شده و به سطوح خطرناک برابریت و بی‌رحمی رسیده است،

با یادآوری گنجاندن طیفی از تخلفات مربوط به خشونت جنسی در اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی و اساسنامه‌های دادگاه‌های کیفری بین‌المللی ویژه،

با تأیید نقش مهم زنان در پیشگیری و حل مناقشات و نهادینه‌سازی صلح، و تاکید بر اهمیت مشارکت برابر و همکاری کامل آنان در همه تلاش‌ها برای حفظ و ترویج و حمایت از صلح و امنیت، و ضرورت افزایش نقش ایشان در تصمیم‌گیری در زمینه پیشگیری و حل مناقشات،

با ابراز نگرانی عمیق از وجود موانع و چالش‌های مداوم بر سر راه مشارکت و همکاری زنان در امر پیشگیری و حل و فصل مخاصمات در نتیجه خشونت، ارعاب و تبعیض، که توانایی و مشروعیت زنان را برای مشارکت در زندگی اجتماعی در دوره بعد از مناقشه از بین می‌برد، و با آگاهی از تاثیر منفی این امر بر صلح، امنیت و آشتی پایدار، از جمله در جریان نهادینه‌سازی صلح پس از مخاصمه،

با تصدیق مسئولیت‌نامه دولت‌ها مبنی بر محترم‌شمردن و تضمین حقوق بشر شهروندان خود و نیز کلیه افراد حاضر در قلمرو دولت‌ها چنان‌که در قانون بین‌المللی مربوطه تصریح شده است،

با تایید مجدد بر مسئولیت‌نامه طرفین مخاصمات مسلحانه به انجام کلیه اقدامات لازم برای تضمین حمایت از غیرنظمیان آسیب دیده،

با استقبال از هماهنگی کنونی در تلاش‌های داخل نظام ملل متحد، از جمله در ابتکار بین کارگزاری «اقدام ملل متحد علیه خشونت جنسی در مخاصمات»، برای ایجاد آگاهی درباره خشونت جنسی در مخاصمات مسلحانه و در موقعیت‌های پس از مناقشه و، در نهایت، برای خاتمه‌دادن به آن،

۱- شورا مجددا تاکید می‌کند که چنانچه خشونت جنسی به عنوان یک تاکتیک نظامی در جنگ به منظور هدف‌گرگتن عمدی غیرنظمیان و یا به عنوان وسیله‌ای برای حمله گسترشده یا سازمان‌یافته علیه جمعیت غیرنظمی به کار رود، می‌تواند تا حد قابل توجهی بر و خامت وضعیت درگیری نظامی بیفزاید و مانع از بازیابی صلح و امنیت بین‌المللی شود؛ و در همین زمینه اعلام می‌دارد که برداشتن گام‌های موثر در جهت

پیشگیری و واکنش به خشونت‌های جنسی می‌تواند تا حد زیادی در پایداری صلح و امنیت بین‌المللی سهیم باشد؛ و ضمن در نظر گرفتن دستور کار شورا، آمادگی خود را اعلام می‌کند برای برداشتن گام‌های مناسب و ضروری برای بررسی خشونت‌های جنسی گسترشده و سازمان یافته در مخاصمات مسلحه؛

۲- مجدداً از طرفین مخاصمات مسلحه درخواست می‌کند که کلیه اعمال خشونت‌آمیز جنسی را فوراً و به صورت موثر خاتمه دهدن،

۳- از کلیه طرفین مخاصمات مسلحه می‌خواهد که فوراً اقدامات مناسب برای حفاظت از غیرنظمیان شامل زنان و کودکان در مقابل کلیه اشکال خشونت جنسی ترتیب دهدن، از جمله اجرای اقدامات انتظامی برای نیروهای نظامی، آموزش گروه‌های نظامی در زمینه ممنوعیت همه جانبه کلیه اشکال خشونت جنسی علیه غیرنظمیان، افشاء افسانه‌های موهمی که به خشونت جنسی دامن می‌زنند و بررسی پیشینه داوطلبان عضویت در ارتش‌های ملی و نیروهای امنیتی جهت آگاهی از سابقه افراد در زمینه خشونت جنسی و تجاوز، و ترجیح و اعزام زنان و کودکان در معرض خطر فوری خشونت جنسی به مکان‌های امن؛ و از دبیر کل سازمان ملل می‌خواهد، هرگاه مناسب باشد، برای رسیدگی به این مساله در چارچوب بحث‌های گستردگرتر حل‌فصل مناقشه، گفتگو بین مقامات مربوطه سازمان ملل و طرف‌های مخاصمه را تشویق کند، و در این کار، از جمله دیدگاه‌های ابرازشده از سوی زنان جوامع محلی درگیر را نیز مورد توجه قرار دهد؛

۴- یادآوری می‌کند که تجاوز جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی می‌تواند جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت، یا اقدامی در زمینه کشتار جمعی به شمار آید، بر ضرورت حذف جنایات خشونت جنگی از مفاد مربوط به عفو در مجموعه فرآیندهای حل مخاصمه تاکید می‌کند، و از کشورهای عضو می‌خواهد به تعهدات خود برای محاکمه قانونی چنین اشخاصی عمل کنند، و اطمینان حاصل نمایند که همه قربانیان خشونت جنسی، به ویژه زنان و دختران از حمایت برابر بر اساس قانون و دسترسی برابر به عدالت برخوردار باشند، و بر اهمیت خاتمه‌دادن به مصونیت از مجازات برای چنین اعمالی به عنوان بخشی از نگرشی فراگیر در تلاش و جستجو برای تحقق عدالت، حقیقت، آشتی ملی و صلح پایدار تاکید می‌کند؛

۵- قصد خود را، هنگام تعیین و تمدید نظام‌های تحریم ویژه کشورها، برای در نظر گرفتن تناسب تدابیر هدفمند و تصاعدی علیه طرف‌های فعال در مخاصمه، که مرتكب تجاوز جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی علیه زنان و دختران در موقعیت‌های مخاصمه مسلحه می‌شوند، تاکید می‌کند؛

۶- از دبیرکل درخواست می‌کند با مشورت شورای امنیت، کمیته ویژه عملیات حفظ صلح و کارگروه آن و کشورهای مربوطه، هرگاه مناسب باشد، برنامه‌های آموزشی مناسب برای همه پرسنل حفظ صلح و بشردوستانه که در چارچوب هیات‌های مامور از طرف شورا مستقر شده‌اند تدوین و اجرا کنند تا به آنان کمک شود از خشونت جنسی و سایر اشکال خشونت علیه غیرنظمیان بهتر پیشگیری کنند، آنها را بشناسند و در برابر آنها واکنش نشان دهند؛

۷- از دبیرکل می‌خواهد به تلاش‌ها برای اجرای سیاست عدم تحمل مطلق بھرکشی جنسی در عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد ادامه دهد و آنها را تقویت کند؛ و به کشورهایی که در زمینه فراهم‌کردن سرباز و پلیس برای سازمان ملل کمک می‌کنند تاکید می‌نماید اقدامات پیشگیرانه مناسب، از جمله آموزش پیش از استقرار نیروها و آموزش آنان در محل خدمت، و اقدامات دیگر برای تضمین پاسخگویی کامل در موارد بروز چنین رفتارهایی از پرسنل خود، به عمل آورند؛

۸- به کشورهایی که پلیس و سرباز در اختیار سازمان ملل قرار می‌دهند توصیه می‌کند، با مشورت دبیرکل، انجام اقداماتی را بررسی کنند که می‌توانند برای بالابردن اگاهی و تفاهم و حساسیت‌های متقابل پرسنل خود به عمل آورند پرسنلی که در عملیات حفظ صلح سازمان ملل شرکت دارند تا از غیرنظمیان، از جمله زنان و کودکان محافظت کنند و از خشونت جنسی علیه زنان و دختران در موقعیت‌های مخاصمه و پس از آن، از جمله هرجا ممکن باشد، با استقرار درصد بیشتری از زنان مامور حفظ صلح یا پلیس، پیشگیری کنند؛

۹- از دبیرکل درخواست می‌کند رهنمودها و برنامه‌های موثری برای افزایش توانایی عملیات حفظ صلح سازمان ملل، و متناسب با ماموریت‌های آنها، برای محافظت از غیرنظمیان، از جمله زنان و دختران، از کلیه اشکال خشونت جنسی تدوین کند و مشاهدات خود را درباره محافظت از زنان و دختران و توصیه‌ها در این زمینه را به گونه‌ای سازمان‌یافته در گزارش‌های مکتوب خود که درباره موقعیت‌های مخاصمه به شورا می‌دهد بگذاند؛

۱۰- از دبیرکل و کارگزاری‌های مربوطه سازمان ملل متحد می‌خواهد، از جمله از طریق مشاوره با زنان و سازمان‌های تحت رهبری زنان، هر جا که مناسب باشد، سازوکارهایی موثر برای ارائه حمایت در برابر خشونت، از جمله بهویژه خشونت جنسی، به زنان و دختران در داخل و اطراف اردوگاه‌های پناهندگان و آوارگان داخلی که به وسیله سازمان ملل اداره می‌شوند، همچنین در همه فرآیندهای خلع سلاح، ترخیص نیروها، و بازگشت آنان به اجتماع، و در تلاش‌های اصلاحی در بخش عدالت و امنیت که با یاری سازمان ملل متحد انجام می‌شود، به وجود آورد؛

۱۱- بر اهمیت نقش مهمی تاکید می‌کند که کمیسیون نهادینه‌سازی صلح با گنجاندن راههای برخورد با خشونت‌های جنسی، یعنی خشونت‌هایی که در جریان و پس از مخاصمه صورت گرفته، در توصیه‌ها و پیشنهادهای خود برای برنامه‌های نهادینه‌سازی صلح پس از مناقشه، و در تضمین مشاوره و حضور جامعه مدنی زنان در هیات‌های ویژه کشوری آن، به عنوان بخشی از نگرش گسترشده آن به مسائل جنسیتی، می‌تواند ایفا کند؛

۱۲- به دبیرکل و فرستادگان ویژه وی تاکید می‌کند از زنان دعوت به عمل آورند در بحث‌های مربوط به پیشگیری و حل مناقشه، حفظ صلح و امنیت و نهادینه‌سازی صلح پس از مناقشه شرکت کنند، و همه

طرفها را به شرکت در چنین مذاکراتی توصیه می‌کند تا مشارکت برابر و کامل زنان را در سطوح تصمیم‌گیری تسهیل نماید؛

۱۳- از همه طرفهای مربوطه، از جمله کشورهای عضو، موسسات مالی و نهادهای سازمان ملل می‌خواهد از توسعه و تقویت توانایی‌های موسسات بین‌المللی، بهویژه نظامهای قضایی و بهداشتی، و از شبکه‌های محلی جامعه مدنی به منظور ارائه کمک پایدار به قربانیان خشونت جنسی در موقعیت‌های مخاصمات مسلحانه و پس از آن، حمایت کنند؛

۱۴- از نهادهای مناسب منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای می‌خواهد، به ویژه، موضوع تدوین و اجرای سیاست‌ها، فعالیت‌ها و برنامه‌های ترویجی برای منافع و مصالح زنان و دختران تحت تاثیر خشونت جنسی در مخاصمه مسلحانه را بررسی کنند؛

۱۵- همچنین از دبیرکل درخواست می‌کند تا ۳۰ ژوئن ۲۰۰۹ درباره اجرای این قطعنامه در چارچوب موقعیت‌هایی که در دستور کار شورا قرار دارند، با استفاده از اطلاعات منابع موجود سازمان ملل، از جمله از گروههای کشوری، عملیات حفظ صلح، و سایر کارکنان سازمان ملل متحد، که از جمله شامل اطلاعات درباره موقعیت‌های مناقشه مسلحانه که در آنها خشونت جنسی به حد گسترده یا سازمان یافته علیه غیرنظمیان اعمال شده خواهد بود؛ تجزیه و تحلیل فراوانی و روندهای خشونت جنسی در موقعیت‌های مخاصمه مسلحانه؛ پیشنهادهایی برای اجرای برنامه‌هایی به منظور به حداقل رساندن آسیب‌پذیری زنان و دختران نسبت به چنین خشونتی؛ معیارهایی برای اندازه‌گیری پیشرفت در پیشگیری و برخورد با خشونت جنسی؛ اطلاعات مناسب از شرکای اجرایی سازمان ملل در این زمینه؛ اطلاعات درباره برنامه‌های دبیرکل برای تسهیل گردآوری اطلاعات به موقع، بی‌طرفانه، دقیق، و قابل اتکا درباره استفاده از خشونت جنسی در مخاصمات مسلحانه، از جمله از طریق هماهنگی بهتر فعالیت‌های سازمان ملل در محل و در مقر سازمان ملل؛ و اطلاعات درباره اقدامات انجامشده از سوی طرفهای مخاصمه مسلحانه، به ویژه با قطع فوری و کامل همه اعمال خشونت جنسی و با اتخاذ تدابیر مناسب برای حمایت از زنان و دختران در برابر کلیه اشکال خشونت جنسی، به شورا گزارش دهد؛

۱۶- شورا مصمم است فعالانه به پیگیری این موضوع ادامه دهد.

پیوست‌ها

پیوست ۴

قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت



قطعنامه ۱۳۶۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد

(۲۰۰۰) مصوب S/RES/۱۳۶۵

تصویب شده در چهارهزار و دویست و سیزدهمین جلسه شورای امنیت، در ۳۱ اکتبر ۲۰۰۰

شورای امنیت،

با یادآوری قطعنامه‌های ۱۲۶۱ مصوب ۲۵ اوت ۱۹۹۹، قطعنامه ۱۲۶۵ مصوب ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۹، قطعنامه ۱۲۹۶ مصوب ۱۹ آوریل ۲۰۰۰، و قطعنامه ۱۳۱۴ مصوب اوت ۲۰۰۰، و نیز بیانیه‌های ریاست شورا، و با در نظر داشتن بیانیه ریاست شورا به مطبوعات در خصوص روز سازمان ملل متحد برای حقوق زنان و صلح بین‌المللی (روز بین‌المللی زنان) به تاریخ ۸ مارس ۲۰۰۰ (SC/۶۸۱۶)؛

با یادآوری تعهدات اعلامیه و خط مشی پکن برای افدام (A/۵۲/۲۳۱) و نیز محتوای سند بیست و سومین اجلاس خاص مجمع عمومی سازمان ملل متحد با عنوان «زنان در سال ۲۰۰۰: برابری زن و مرد، توسعه و صلح برای قرن بیست و یکم» (A/S-۲۳/۱۰/Rev.۱)، بهخصوص موارد مربوط به زنان و نبردهای مسلحانه،

با در نظر داشتن اهداف و اصول منشور سازمان ملل متحد و رئیسیت‌های اولیه شورای امنیت تحت منشور مذبور برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی،

با ابراز نگرانی که غیرنظامیان، بهخصوص زنان و کودکان، در زمرة اکثریت وسیعی از نفوذ، از جمله پناهندگان و نیز آوارگان داخل کشورها هستند که به نحوی نامطلوب از منازعات مسلحانه آسیب می‌بینند و به نحوی فزاینده هدف جنگجویان و عناصر مسلح می‌باشند، و با تأکید بر پیامدهای حاصل از آن بر صلح و ائتلاف پایدار،

و اذعان مجدد به نقش مهم زنان در جلوگیری از منازعات، حل و فصل آنها و ایجاد صلح، و تأکید بر اهمیت مشارکت مساوی و ورود کامل آنها در مساعی معطوف به حفظ و ترویج صلح و امنیت، و لزوم افزایش نقش آنها در تصمیم‌گیری در ارتباط با ممانعت از منازعات و حل و فصل آنها،

و نیز با تأیید مجدد لزوم اجرای حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر که در بحبوحه منازعات و پس از آن از حقوق زنان و دختران حمایت می‌کند،

با تأکید بر لزوم تضمین توسط کلیه طرفهای منازعات که در برنامه‌های پاکسازی میادین مین و اطلاع‌رسانی درباره مین، نیازهای خاص زنان و دختران مدنظر واقع خواهد شد،

با تصدیق نیاز میرم به جریان‌سازی جنسیتی در عملیات حفظ صلح، و در این رابطه توجه به اعلامیه ویندهوک و برنامه نامبیبا برای اقدام درباره جریان‌سازی جنسیتی در عملیات حمایت از صلح چندبعدی (S/۲۰۰۰/۶۹۳)،

با تصدیق اهمیت توصیه مندرج در بیانیه ریاست شورا به مطبوعات به تاریخ ۸ مارس ۲۰۰۰ برای آموزش‌های تخصصی جهت کلیه کارکنان حفظ صلح در خصوص صیانت، نیازهای ویژه و حقوق بشر زنان و کودکان در موقع رویداد منازعات،

با تصدیق این نکته که درک تأثیر منازعات مسلحانه بر زنان و دختران، ترتیبات مؤثر نهادی برای تضمین صیانت آنها و نیز مشارکت کامل ایشان در فرایند صلح می‌تواند به نحوی بارز در حفظ و ترویج صلح و امنیت بین‌المللی تأثیر داشته باشد،

با توجه به نیاز به تحکیم داده‌های مربوط به تأثیر منازعات مسلحانه بر زنان و دختران،

۱- شورا به دولت‌های عضو توصیه می‌کند که حضور فزاینده زنان در کلیه سطوح تصمیمگیری در نهادهای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و سازوکار جهت پیشگیری، مدیریت و حل و فصل منازعات را تضمین نمایند؛

۲- شورا دبیر کل را تشویق می‌نماید که نقشه مدبرانه خود برای اقدام (۴۹/۵۸۷/A) را که طالب افزایش مشارکت زنان در سطوح تصمیمگیری در امور مربوط به حل و فصل منازعات و تأسیس صلح می‌باشد به اجرا در آورد؛

۳- شورا به دبیرکل توصیه می‌کند تعداد بیشتری از زنان را برای پیگیری مأموریت‌های ویژه میانجی‌گری به نمایندگی و کارگزاری از طرف خود منصوب نماید و در این رابطه از دول عضو تقاضا می‌شود نامزدهای مناسب در اختیار دبیرکل بگذارند تا در صورت اسامی نفوس مورد نظر که به نحوی منظم روزآمد باشد قرار گیرد؛

۴- شورا به دبیرکل توصیه می‌کند نسبت به توسعه نقش و مشارکت زنان در عملیات میدانی سازمان ملل متعدد و به ویژه در میان ناظران امور نظامی، پلیس غیرنظامی، کارکنان حقوق بشر و امور بشردوستانه مبادرت نماید؛

۵- تمایل خود را به لحاظکردن دیدگاه جنسیتی در عملیات حفظ صلح ابراز می‌دارد و به دبیر کل توصیه می‌کند که تضمین نماید در زمان مناسب در عملیات میدانی جزء مشکله از لحاظ جنسیت را منظور بدارد؛

۶- از دبیرکل تقاضا می‌نماید رهنمودها و مطالب جهت تعلیم موارد مربوط به صیانت، حقوق و نیازهای ویژه زنان، و نیز اهمیت مشارکت‌دادن زنان در کلیه اقدامات مربوط به حفظ صلح و تأسیس صلح را برای دولت‌های عضو فراهم آورد و از دولت‌های عضو دعوت می‌کند این عناصر و نیز آموزش‌های مربوط به ایجاد آگاهی در خصوص بیماری ایدز را برای ایجاد آمادگی در برنامه‌های آموزش ملی خود برای کارکنان نظامی و پلیس غیرنظامی خود بگنجانند، و باز هم از دبیرکل تقاضا دارد اطمینان حاصل نماید که کارکنان غیرنظامی عملیات حفظ صلح از آموزش‌های مشابهی برخوردار می‌شوند؛

۷- به دولت‌های عضو توصیه می‌کند بر حمایت‌های داوطلبانه مالی، فنی و تدارکاتی برای آموزش‌های حساسیت‌سازی درباره جنسیت، از جمله مواردی در ارتباط با بودجه‌ها و دوره‌ها، علاوه بر صندوق

سازمان ملل متحد برای زنان و صندوق کودکان سازمان ملل متحد، و به وسیله دفتر کمیسariای عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان و سایر هیأت‌های مرتبط بیفزایند؛

۸- از تمام عوامل دخیل تقاضا می‌کند، هنگام مذاکره و اجرای توافق‌های صلح، دیدگاه مرتبط با جنسیت اتخاذ نمایند از جمله:

الف - نیاز‌های ویژه زنان و دختران در هنگام بازگشت به وطن و استقرار مجدد و برای بازپروری، الحال مجدد و بازسازی بعد از جنگ؛

ب - اقداماتی که از ابتکارات صلح زنان محلی و فرایندهای بومی برای حل و فصل منازعات حمایت کند و زنان را در کلیه سازوکارهای اجرای توافق‌های مربوط به صلح مشارکت دهد؛

پ - اقداماتی که صیانت و احترام به حقوق بشری زنان و دختران را تضمین کند، به خصوص مواردی که به قانون اساسی نظام انتخابات، پلیس و قوه قضائیه مربوط می‌شود.

۹- از کلیه طرف‌های درگیر در منازعات مسلحانه درخواست می‌کند که قانون بین‌المللی مربوط به حقوق و حفظ زنان و دختران به خصوص غیرنظامیان، به ویژه وظیفه مرتبط با آنها تحت کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن به تاریخ ۱۹۷۷، کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان و پروتکل الحاقی ۱۹۶۷ آن، کنوانسیون ۱۹۷۹ رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و پروتکل اختیاری الحاقی ۱۹۹۹ آن و کنوانسیون ۱۹۸۹ سازمان ملل متحد مربوط به حقوق کودک و دو پروتکل اختیاری الحاقی ۲۰۰۰ مه ۲۵ آن، را به طور کامل رعایت کنند و مواد اساسنامه دادگاه جنایی بین‌المللی رُم را مدنظر قرار دهند؛

۱۰- از کلیه طرف‌های درگیر در منازعات مسلحانه تقاضا دارد برای حفظ زنان و دختران از خشونت‌های مبتنی بر مسائل جنسی، به خصوص تجاوز به عنف و سایر اشکال سوءرفتار جنسی، و کلیه شکل‌های خشونت در بحبوحه منازعات مسلحانه، اقدامات خاص معمول دارند؛

۱۱- بر رئیسیت کلیه دولتها برای خاتمه‌دادن به موارد مصونیت از مجازات تأکید می‌کند و اینکه آنها باید کسانی را که رئیس نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی هستند، از جمله موارد مربوط به خشونت‌های جنسی و سایر موارد علیه زنان و دختران را مجازات نمایند، و در این رابطه بر لزوم مستثنی کردن این جنایات، هر زمان که عملی باشد، از مواد عفو عمومی تأکید می‌نماید؛

۱۲- از کلیه طرف‌های درگیر در منازعه مسلحانه تقاضا دارد در طرح‌ها و نقشه‌های خود به خصوصیت غیرنظامی و انسان‌دوستانه اردوگاه‌ها و اماکن محل استقرار پناهندگان احترام بگذارند و نیاز‌های ویژه زنان و دختران را مدنظر قرار دهند و در این ارتباط قطعنامه‌های ۱۲۰۸ (۱۹۹۸) مورخ ۱۹ نوامبر ۱۹۹۸ و ۱۲۹۶ (۲۰۰۰) مورخ ۱۹ آوریل ۲۰۰۰ خود را به خاطر می‌آورد؛

۱۳- کلیه کسانی را که در برنامه‌ریزی جهت خلع سلاح، مرخص کردن نظامیان از خدمت و الحال مجد آنها به جامعه مشارکت دارند تشویق می‌کند که نیاز‌های مختلف رزمندگان زن و مرد سابق را مدنظر قرار دهند و احتیاجات وابستگان به آنها را نیز منظور نمایند؛

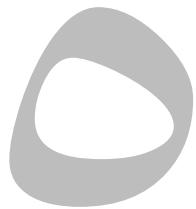
۱۴- آمدگی خود را مجدداً مورد تأیید قرار می‌دهد که هر زمان اقداماتی تحت ماده ۱ منشور سازمان ملل متحد اتخاذ شود، تأثیر بالقوه آنها بر جمعیت غیرنظامی را با توجه به نیاز‌های ویژه زنان، موردملاحظه قرار دهد تا معافیت‌های انسان‌دوستانه متناسب لحاظ گردد؛

- ۱۵- تمایل خود را به تضمین این نکته ابراز می‌دارد که هیأت‌های نمایندگی شورای امنیت ملاحظات مربوط به جنس و نیز حقوق زنان را از جمله از طریق مشورت با گروه‌های محلی و بین‌المللی زنان مدنظر قرار می‌دهند؛
- ۱۶- از دیرکل دعوت می‌کند که تأثیر منازعه مسلحانه بر زنان و دختران، نقش زنان در تأسیس صلح و ابعاد جنسی فرایندهای صلح و حل و فصل منازعه را مورد مطالعه قرار دهد، و نیز از او دعوت می‌کند که گزارشی را در مورد نتایج این مطالعه به شورای امنیت تسلیم نماید و آن را در اختیار کلیه دولت‌های عضو سازمان ملل متحد قرار دهد؛
- ۱۷- از دیرکل تقاضا می‌نماید هر زمان که اقتضا نماید، پیشرفت مربوط به جریان غالب جنسی را در سراسر مأموریت‌های حفظ صلح و کلیه وجوده دیگر مربوط به زنان و دختران را در گزارش خود به شورای امنیت لحاظ نماید؛
- ۱۸- مصمم است فعالانه به پیگیری این موضوع ادامه دهد.

پیوست‌ها

پیوست ۵

قطعنامه ۱۰۴/۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد



قطعنامه ۴/۱۰۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد

اعلامیه منع خشونت علیه زنان

A/RES/۴۸/۱۰۴

مصوب هشتاد و پنجمین جلسه عمومی در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳

مجمع عمومی،

با تایید تعهد خود مبنی بر اجرای کامل و مداوم قطعنامه ۱۳۲۵ (مصطف ۲۰۰۰)، قطعنامه ۱۶۱۲ (مصطف ۲۰۰۵)، قطعنامه ۱۶۷۴ (مصطف ۲۰۰۶)، قطعنامه ۱۸۲۰ (مصطف ۲۰۰۹)، قطعنامه ۱۸۸۸ (مصطف ۲۰۰۹) و کلیه بیانیه‌های مربوطه از سوی روسای شورا، و با تایید مفاد آنها،

با آگاهی به نیاز فوری به اینکه حقوق و اصول مربوط به برابری، امنیت، آزادی، تمامیت، و وقار همه انسان‌ها به طور جهان‌شمول درباره زنان اعمال شود،

با توجه به اینکه این حقوق و اصول در اسناد بین‌المللی محترم شمرده شده، از جمله در «اعلامیه جهانی حقوق بشر»، «ميثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، «ميثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی»، «کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» و «کنوانسیون ضد شکنجه و رفتار یا مجازات خشن، غیر انسانی یا تحقیر کننده»،

با آگاهی به اینکه اجرای موثر «کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» به حذف خشونت علیه زنان کمک می‌کند و «اعلامیه حذف خشونت علیه زنان»، چنان‌که در قطعنامه حاضر ارائه می‌شود، این روند را تقویت و تکمیل خواهد نمود،

با نگرانی از اینکه خشونت علیه زنان مانع در راه دستیابی به برابری، پیشرفت و صلح است، چنان‌که در «راهبردهای آینده‌نگر کنفرانس نایروبی برای پیشرفت زنان» مشخص شده، که در آن لوایحی برای مقابله با خشونت علیه زنان پیشنهاد شده بود، و به منظور اجرای کامل «کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان»،

با تأکید بر اینکه خشونت علیه زنان، مبنای نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی زنان است و برخورداری زنان را از این حقوق و آزادی‌ها به طور ناقص یا کامل نفي می‌کند، و با نگرانی درباره عدم موققیت درازمدت در حمایت و ارتقاء این حقوق و آزادی‌ها در موارد خشونت علیه زنان،

با آگاهی بر اینکه خشونت علیه زنان نمایشی از نابرابری تاریخی روابط قدرت میان زنان و مردان است، که به تحت سلطه کشیدن و تبعیض علیه زنان توسط مردان و جلوگیری از پیشرفت کامل زنان انجامیده، و اینکه خشونت علیه زنان یکی از سازوکارهای مهم اجتماعی است که زنان را به موقعیت‌های فروتر از مردان وادر می‌کند،

با نگرانی از اینکه برخی گروههای زنان، از جمله زنان متعلق به گروههای اقلیت، زنان بومی، زنان پناهندۀ زنان مهاجر، زنانی که در مناطق روستایی یا دورافتاده زندگی می‌کنند، زنان بینوا، زنان زندانی یا در حبس، دخترچه‌ها، زنان معلول و ناتوان، زنان کهنسال و زنان ساکن در مناطق جنگی، به طور ویژه در مقابل خشونت آسیب‌پذیر هستند.

با یادآوری نتیجه پاراگراف ۲۳ پیوست قطعنامه شورای اقتصادی و اجتماعی ۱۹۹۰/۱۵ به تاریخ ۲۴ مه ۱۹۹۰ و تشخیص این که خشونت علیه زنان در خانواده و جامعه فراگیر بوده و از مرزهای درآمد، طبقه و فرهنگ می‌گذرد، و باید با اقدامات فوری و موثر برای محرومی واقعه همراه باشد،

همچنین با یادآوری قطعنامه شورای اقتصادی و اجتماعی ۱۹۹۱/۱۸ به تاریخ ۳۰ مه ۱۹۹۱، که در آن شورا پیشنهاد پیشبرد امر تدوین یک سند بین‌المللی را که به طور صریح مسئله خشونت علیه زنان را مورد توجه قرار دهد،

با استقبال از نقشی که جنبش‌های زنان در جلب توجه روزافزون به ماهیت، جدیت، و ابعاد مسئله خشونت علیه زنان ایفا می‌کنند،

با احساس خطر از این که فرستهای زنان برای دستیابی به برایری حقوقی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در جامعه، به دلایلی از جمله خشونت فراگیر و مداوم، محدود هستند،

با اعتقاد به اینکه با توجه به نکات ذکر شده در بالا نیاز برای تعریف جامع و روشن خشونت علیه زنان، یک بیانیه روشن از حقوقی که باید اعمال شوند که حذف خشونت علیه زنان در همه اشکال آن تضمین شود، یک تعهد توسط دولت‌ها در احترام به رئیسیت‌های آنان، و یک تعهد توسط تمامی اعضای جامعه بین‌المللی به حذف خشونت علیه زنان،

رسماً اعلامیه حذف خشونت علیه زنان را در زیر اعلان می‌دارد و اصرار دارد که هر گونه تلاشی برای شناختن و محترم شمردن آن توسط عموم، به عمل آید:

ماده ۱

در این اعلامیه، عبارت «خشونت علیه زنان» به معنی هرگونه عمل خشونت‌آمیز بر اساس جنسیت است که به آسیب یا رنج جسمی، جنسی، یا روانی زنان منجر شود، یا احتمال بروز که منجر شود، از جمله تهدیدات یا اعمال مشابه، اجبار یا محرومکردن مستبدانه زنان از آزادی، که در منظر عموم یا در خلوت زندگی خصوصی انجام شود.

ماده ۲

تعییر خشونت علیه زنان باید شامل موارد زیر، اما نه محدود به این موارد، باشد:

(الف) خشونت جسمی، جنسی و روانی که در خانواده رخ می‌دهد، از جمله کنکردن، آزار جنسی دخترچه‌ها در خانه، خشونت مربوط به تهیه جهیزیه، تجاوز از سوی شوهر، ختنه زنان و دیگر رسم علی که به زنان آسیب می‌رساند، خشونت در رابطه خارج از ازدواج و خشونت مربوط به استثمار زنان،

(ب) خشونت جسمی، جنسی و روانی که در حوزه زندگی جمیعی و اجتماع اتفاق می‌افتد، از جمله تجاوز، سوءاستفاده جنسی، آزار جنسی و ارتعاب در محیط کار، در مراکز آموزشی و اماکن دیگر، فاچاق زنان و تن‌فروشی اجباری،

(پ) خشونت جسمی، جنسی و روانی، در هر جایی، که توسط دولت انجام شود یا نادیده گرفته شود.

ماده ۳

زنان به طور برابر حق بربورداری و حفظ کلیه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی، و همه عرصه‌های دیگر را دارند. این حقوق از جمله شامل موارد زیر است:

(آ) حق حیات

(ب) حق برابری

(پ) حق آزادی و امنیت شخصی

(ت) حق حمایت برابر از سوی قانون

(ث) حق آزادی از همه اشکال تبعیض

(ج) حق بهرمه‌ی از بالاترین میزان ممکن سلامت جسمی و روانی

(چ) حق شرایط عادلانه و رضایت‌بخش برای کار

(ح) حق فرد بر این‌بودن از شکنجه یا دیگر مجازات‌ها یا رفتار‌های خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز.

ماده ۴

دولت‌ها موظفند خشونت علیه زنان را محکوم نموده و نباید هیچ‌رسم، سنت یا ملاحظات مذهبی را برای وظیفه خود در رابطه با حذف آن بهانه کنند. دولت‌ها باید با استفاده از تمام شیوه‌های مناسب و بدون تأخیر، سیاست حذف خشونت علیه زنان را تا پایان دنبال کنند، و باید:

اگر هنوز به طور کامل به «کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» متعهد نیستند، آن را تصویب کرده یا به طور رسمی به عضویت آن درآیند و از ورود شرطهای خاص درباره آن صرف نظر کنند،

(الف) از همراهی در خشونت علیه زنان پرهیز کنند،

(ب) همه کوشش‌های لازم را برای پیشگیری، انجام تحقیقات مربوطه و مجازات اعمال خشونت علیه زنان بر اساس قانون کشور خود انجام دهند، چه این اعمال توسط دولت انجام شده باشد و یا توسط اشخاص خصوصی.

(پ) در قوانین کشور لوایح رسمی کیفری، مدنی و کاری و اداری تهیه کنند که ظلمی که بر زنان قربانی خشونت رفته مجازات و جبران کند، برای زنانی که تحت اعمال خشونت‌بار قرار می‌گیرند باید دسترسی به راهکارهای قضائی فراهم شود، و با پشتیبانی قوانین کشور، جبران موثر و عادلانه برای صدماتی که متحمل شده اند میسر باشد، دولت همچنین باید زنان را از حقوقشان در تقاضای جبران خسارت و توانیابی از طریق چنین راهکارهایی آگاه سازد،

(ت) امکان تهیه برنامه‌های ملی به منظور گسترش حمایت از زنان در مقابله با هر گونه خشونت، یا الحال موادی برای این منظور در برنامه‌های موجود، یا در مواردی همکاری‌های ممکن با سازمان‌های غیردولتی، به ویژه سازمان‌هایی که درگیر مستله خشونت علیه زنان هستند، را در نظر بگیرند.

(ث) راهکارهای پیشگیری و همه دستورالعمل‌های جامع حقوقی، سیاسی، اداری و فرهنگی که حمایت از زنان را در مقابل هرگونه خشونت ترویج می‌کند تدوین کنند، و تضمین کنند که قربانی شدن مجدد زنان به

خاطر عدم حساسیت قانون به ملاحظات جنسی و شیوه‌های اعمال قانون و دیگر مداخلات دولتی اتفاق نخواهد افتد.

(ج) در راه تضمین این که زنان تحت خشونت، و در صورت اقتضاء، فرزندان آنها، از کمک‌های ویژه مانند توانبخشی، کمک در نگهداری از کودکان و گذران زندگی، درمان، مشاوره، و خدمات بهداشتی و اجتماعی، مراکز و برنامه‌ها و سازمان‌های یاری‌رسانی که باید دیگر اقدامات لازم برای افزایش امنیت و توانبخشی جسمی و روانی آنان را انجام دهد، کار کنند.

(ج) مقادیر کافی برای فعالیت‌های مربوط به حذف خشونت علیه زنان را در بودجه دولت قرار دهند.

(ح) اقدامات لازم برای آموزش به ماموران انتظامی و رئیسین دولتی رئیس اجرای سیاست‌های مربوط به پیشگیری، تحقیقات و مجازات خشونت علیه زنان، انجام دهنده تا این افراد به نیازهای زنان حساس شوند.

(خ) اقدامات لازم، به ویژه در زمینه آموزش به عمل آورند که الگوهای اجتماعی و فرهنگی رفتار مرد و زن اصلاح شود و تبعیض‌ها، رفتارهای مرسوم و همه دیگر رفتارهایی که براساس ایده فردوسی یا فرادستی یک جنس و کلیشه رفتاری مرد و زن است، حذف شود.

(د) تحقیق، جمع‌آوری اطلاعات و آمار، به ویژه درباره خشونت خانگی و رواج اشکال گوناگون خشونت علیه زنان را ترویج کنند و تحقیق درباره علل، ماهیت، میزان جدی‌بودن و نتایج خشونت علیه زنان و میزان تاثیر اقدامات برای پیشگیری و جبران خسارت خشونت علیه زنان را تشویق کنند، این آمار و یافته‌های تحقیق باید در دسترس عموم قرار گیرد.

(ذ) اقداماتی در جهت حذف خشونت علیه زنان، به ویژه آنان که در مقابل خشونت آسیب‌پذیر هستند، اتخاذ کنند،

(ر) در گزارش‌های مربوط به اسناد حقوق بشر که به سازمان ملل متحد ارائه می‌دهند، اطلاعات راجع به خشونت علیه زنان و اقدامات انجام شده برای عملی‌کردن اعلامیه حاضر را جای دهند.

(ز) تدوین دستورالعمل‌های مناسب برای کمک به عملی‌کردن اصول این اعلامیه حاضر را تشویق کنند.

(ژ) نقش مهم جنس و سازمان‌های غیردولتی زنان را در سطح جهانی در ارتقاء سطح آگاهی و کاهش مسئله خشونت علیه زنان تصدیق کنند.

(س) فعالیت‌های جنبش و سازمان‌های غیردولتی زنان را یاری رسانده و پیش ببرند و با آنها در سطح محلی، ملی و منطقه‌ای همکاری کنند.

(ش) سازمان‌های منطقه‌ای بین دولتها را که عضو آنان هستند، تشویق کنند که حذف خشونت علیه زنان را، در صورتی که درخور است، در برنامه خود بگنجانند.

ماده ۵

ارگان‌ها و نمایندگی‌های ویژه سیستم سازمان ملل متحد باید، در حد توانایی خود، به شناساندن و تحقیق حقوق و اصول مندرج در این اعلامیه یاری رسانند و از جمله باید:

(آ) به رشد همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با چشم‌اندازی برای تعریف استراتژی‌های منطقه‌ای برای مبارزه با خشونت، انتقال تجارب و برنامه‌های مالی مربوط به حذف خشونت علیه زنان یاری رسانند،

(ب) همایش‌ها و سمینارهایی با هدف ایجاد و رشد آگاهی میان همه افراد نسبت به مسئله حذف خشونت علیه زنان را ترویج کنند،

(پ) به رشد هماهنگی و مشارکت در میان دوایر عهدنامه‌ای حقوق بشر در سازمان ملل کمک کنند تا امر خشونت علیه زنان به طور موثر توجه واقع شود.

(ت) در تحلیل‌هایی که برای سازمان‌ها و دوایر سیستم سازمان ملل درباره مشکلات و گرایش‌های اجتماعی تهیه می‌شود، مانند گزارش‌های ادواری درباره وضعیت اجتماعی جهان، بررسی گرایش‌ها در خشونت علیه زنان را جای دهند.

(ث) فرمول‌بندی دستور العمل‌ها یا دفترچه‌های راهنمای مربوط به خشونت علیه زنان را تزویج دهد، و اقداماتی را که در این اعلامیه به آنها اشاره می‌شود درج کنند،
(ج) امر حذف خشونت علیه زنان را، در صورت اقتضا، در انجام تعهد خود در عملی‌کردن اسناد حقوق بشر در نظر بگیرند.

۶ ماده

هیچ چیز در اعلامیه حاضر نباید هیچ یک از مواد قانون یک کشور یا هر عهدنامه یا میثاق بین المللی، یا سند دیگری را که در یک کشور اجرا می‌شود و در حذف خشونت علیه زنان ثأق卜ر می‌باشد، تحت الشعاع قرار دهد.

پیوست ۶

میثاق رضایت در ازدواج،
حدائق سن برای ازدواج و
ثبت ازدواج



میثاق رضایت در ازدواج، حداکل سن برای ازدواج و ثبت ازدواج‌ها

این میثاق بر اساس قطعنامه (هفدهم) ۱۷۶۳، مورخ ۷ نوامبر ۱۹۶۲ مجمع عمومی برای امضا و تایید گشوده شده است

این میثاق در ۹ دسامبر ۱۹۶۴ براساس ماده ۶ قوت قانونی یافته است

دولت‌های طرف این معاهده،

با علاقه به ترویج و حمایت از احترام همگانی برای حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی و رعایت این حقوق و آزادی‌ها برای همه انسان‌ها، براساس منشور ملل متحد بدون تمايز از حیث نژاد، جنسیت، زبان یا دین،

با یادآوری ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر که تصریح می‌کند:

- «۱- مردان و زنان در سن قانونی، بدون هیچ‌گونه محدودیتی از نظر نژاد، ملیت یا دین، حق دارند ازدواج کنند و تشکیل خانواده بدهند. مردان و زنان در دوران ازدواج و در فسخ آن دارای حقوق برابر هستند.
- ۲- ازدواج باید تنها با رضایت کامل و آزادانه زوجی که قصد ازدواج دارند، ثبت شود».

با یادآوری مجدد این‌که مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه (نهم) ۸۴۳ مورخ ۱۹۵۴ اعلام کرد که برخی رسوم، قوانین و روش‌های باستانی مربوط به ازدواج و خانواده با اصول تعیین شده در منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر مغایرت دارند،

با تایید مجدد این‌که کلیه کشور‌هایی که مسئولیت‌داره سرزمین‌های غیرخودنمختار و سرزمین‌های تحت قیوموت را تا دستیابی آنها به استقلال، فرضا بر عهده داشته با بر عهده گرفته‌اند، باید تمامی اقدامات مناسب را، با نظر به لغو چنین رسوم، قوانین و روش‌های باستانی، از جمله تضمین آزادی کامل در انتخاب همسر، حذف کامل ازدواج کوکان و نامزدکردن دختران جوان پیش از سن بلوغ، تعیین مجازات‌های مناسب، در موقعیت مقتضی، و تعیین دفتری دولتی یا دفتری دیگر که همه ازدواج‌ها در آن ثبت شود، به عمل آورند، بدین وسیله با اجرای مفاد پیش‌بینی شده در زیر موافقت می‌کند:

ماده ۱

- ۱- هیچ ازدواجی نباید بدون رضایت کامل و آزادانه دو طرف قانونا به ثبت برسد، چنین رضایتی پس از اطلاع‌رسانی مقتضی و در حضور مقام صالح برای اجرای مراسم ازدواج و شهود، به گونه‌ای که توسط قانون تجویز شده، باید شخصا به وسیله دو طرف ابراز شود.
- ۲- علی‌رغم نکات ذکر شده در پاراگراف اول فوق‌الذکر، حضور برای یکی از طرفین الزامي نیست در صورتی که مقام صالح، شرایط را استثنایی تشخیص بدهد و یقین حاصل کند که طرف غایب، در حضور مقام صالح دیگری و به نحوی که قانون تجویز کرده است، رضایت خود به ازدواج را ابراز کرده و از این رضایت صرف‌نظر نیز نکرده است.

ماده ۲

کشورهای طرف معاهده حاضر، باید برای تعیین حداقل سن برای ازدواج، اقدامات قانونی لازم را صورت دهند. ازدواج هیچ فردی که کمتر از این سن داشته باشد نباید قانوناً توسط هیچ فردی به ثبت برسد مگر در شرایطی که مقام صالح با توجه به دلایل جدی و معتبر به نفع زوجی که قصد ازدواج دارند، با آن موافقت کند.

ماده ۳

همه ازدواج‌ها باید به وسیله مقامی صالح در دفتر اسناد رسمی مناسبی به ثبت برسند.

ماده ۴

۱- این ميثاق تا ۳۱ دسامبر ۱۹۶۳ برای امضا از جانب کلیه کشورهای عضو سازمان ملل متحد یا اعضای هر یک از کارگزاری‌های تخصصی و هر کشور دیگر که به وسیله مجمع عمومی سازمان ملل متحد دعوت شده تا طرف این ميثاق شود، مفتوح است.

۲- این ميثاق باید مورد تصویب قرار بگیرد. اسناد تصویب نزد دبیر کل سازمان ملل متحد به امانت گذاشته می‌شود.

ماده ۵

۱- این ميثاق برای الحق کلیه کشورهایی که در ماده ۴، پاراگراف ۱ به آنها اشاره شده باز خواهد بود.
۲- الحق به ميثاق، با تحويل سند الحق به دبیرکل سازمان ملل متحد انجام خواهد شد.

ماده ۶

۱- این ميثاق در نوزدهمین روز پس از تاریخ تسلیم هشتمین سند تصویب یا الحق، نافذ و دارای قدرت قانونی خواهد بود.

۲- این ميثاق برای هر کشوری که پس از تسلیم هشتمین سند تصویب یا الحق آن را تصویب می‌کند یا به آن می‌پیوندد، در نوزدهمین روز پس از سپردن سند تصویب یا الحق آن کشور، قدرت قانونی می‌یابد و نافذ می‌شود.

ماده ۷

۱- هر کشور طرف قرارداد می‌تواند با اطلاع کتبی به دبیرکل سازمان ملل متحد این ميثاق را فسخ کند. فسخ ميثاق یک سال پس از تاریخ دریافت اطلاعیه کتبی به وسیله دبیرکل قطعیت می‌یابد.

۲- این ميثاق از تاریخی که تعداد طرف‌های آن به علت فسخ به کمتر از هشت کاهش یابد، قدرت و اعتبار قانونی خود را از دست می‌دهد.

ماده ۸

هر اختلافی که ممکن است بین دو کشور طرف قرارداد یا بیشتر در ارتباط با تفسیر یا اجرای این ميثاق به وجود آید و با مذاکره برطرف نشود، باید برای تصمیم‌گیری نهایی به درخواست طرفین اختلاف به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع شود، مگر این‌که طرفین با شیوه دیگری برای سازش موافقت کنند.

ماده ۹

دبیرکل سازمان ملل متحد به کلیه کشورهای عضو سازمان ملل متحد و کشورهای غیرعضو که در ماده

۴، پاراگراف یک تصريح شده‌اند، اطلاعات مربوط به اين ميثاق را به شرح زير اعلام می‌کند:

- (الف) امضاءها و اسناد تایید دریافته براساس ماده ۴؛^۴
- (ب) اسناد الحق دریافته براساس ماده ۵؛^۵
- (پ) تاریخی که این ميثاق براساس ماده ۶ قدرت قانونی و رسمیت می‌یابد؛
- (ت) اطلاعات مربوط به اعلام فسخ که براساس ماده ۷، پاراگراف یک دریافت شده؛
- (ث) فسخ براساس ماده ۷، پاراگراف ۲.

۱۰ ماده

- ۱- این ميثاق که متون چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و اسپانیایی آن از اعتبار یکسان برخوردارند، به بایگانی سازمان ملل متحد سپرده می‌شود.
- ۲- دبیرکل سازمان ملل متحد یک نسخه تصدیق شده از این ميثاق را برای کلیه کشورهای عضو سازمان ملل متحد و کشورهای غیرعضو تصريح شده در ماده ۴، پاراگراف یک ارسال می‌دارد.

۷ پیوست

اصول یوگیاکارتا
در زمینه اجرای قانون بین المللی حقوق بشر
در مورد گرایش‌های جنسی و هویت جنسیتی



مقدمه

ما، هیئت بین‌المللی کارشناسان حقوق بشر، در زمینه گرایش جنسی و هویت جنسیتی:

با یادآوری این اصل که همه ابناء بشر، آزاد و با احترام و حقوق برابر به دنیا آمده‌اند، و هر کس باید از حقوق انسانی خود بهرمند باشد، بدون هیچ گونه تبعیضی، مانند تبعیض به خاطر نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، دین، سیاست یا سایر عقاید، اصالات ملی یا اجتماعی، مالکیت، تولد و سایر موقعیت‌ها؛

ناخشنود از اینکه افراد متعلق به مناطق مختلف در سراسر جهان به خاطر گرایش جنسی یا هویت جنسیتی خود در معرض خشونت، تعرض، تبعیض، طرد، بی‌آبرویی و تعصب هستند، از اینکه این تجربیات به خاطر تبعیض بر اساس جنسیت، نژاد، سن، مذهب، ناتوانی جسمی، سلامت و موقعیت اقتصادی تشدید می‌شوند، از اینکه چنین خشونت‌ها، آزارها، تبعیض‌ها، طردها، بی‌آبرویی‌ها و تعصباتی، شرافت و احترام کسانی که در معرض این آزار و اذیت‌ها هستند را تخریب می‌کند، ممکن است حس ارزشمندی و تعلق به اجتماع خویش را در این افراد تضعیف کند، و بسیاری را به اختفا یا سرکوب هویتشان، یا زندگی نامرئی و با ترس و لرز بکشاند؛

آگاه براین واقعیت که به لحاظ تاریخی، افراد چنین نقض حقوقی را تجربه کرده‌اند، به خاطر اینکه هم‌جنس‌گرا یا دوجنس‌گرا بوده‌اند یا از سوی دیگران این‌گونه تلقی شده‌اند، به خاطر رابطه جنسی با رضایت میان دو فرد هم‌جنس یا به خاطر اینکه دوجنسی، دگر جنسیت‌جو یا بین‌جنسیتی بوده‌اند، یا به خاطر تعلق به گروه‌های اجتماعی و انجمن‌هایی که گرایش جنسی یا هویت جنسیتی خاصی داشته‌اند؛

با علم به این که «گرایش جنسی» به معنای کشش عمیق احساسی و جنسی و ارتباط صمیمانه‌ی نزدیک و جنسی با افراد غیر‌هم‌جنس، یا هم‌جنس، و یا با هر دو جنس، تعریف می‌شود؛

با علم به این که «هویت جنسیتی» به معنای دریافت و تجربه‌ی عمیق و شخصی هر فرد از جنسیت خود اوست، که ممکن است با جنس او در هنگام تولد، و با دریافت حسی که فرد از تن و اعضای بدن خود دارد، و دیگر نمودهای جنسیتی، نظیر شیوه‌ی پوشش، گفتار، و رفتار فرد همخوانی نداشته باشد؛

گواه بر این که قوانین حقوق بشر بین‌المللی تاکید می‌کند که همه‌ی افراد، بدون در نظر گرفتن گرایش جنسی و هویت جنسیتی، باید از کلیه حقوق انسانی بهرمند باشند، و اینکه برای کاربردی ساختن حقوق بشر موجود، باید موقعیت‌ها و تجربیات افراد با گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی مختلف در نظر گرفته شود، و در همه‌ی امور مربوط به کودکان، آنچه برای کودک بهترین است باید اولویت نخست باشد، و کودکی که توانایی ساماندهی به دیدگاه‌های شخصی خود را دارد محق است که آن دیدگاه‌ها را آزادانه بیان کند، و نظرات کودک بسته به سن و بلوغ‌وی از اعتبار لازم برخوردارند؛

با یادآوری این نکته که قانون بین‌المللی حقوق بشر، ممنوعیت همه‌جانبه‌ای را در زمینه اعمال تبعیض با در نظر گرفتن بهرمندی کامل از همه حقوق انسانی، مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی اعمال می‌کند، همچنین به این نکته توجه دارد که احترام برای حقوق جنسی، گرایش جنسی و هویت جنسیتی برای درک برابری میان زن و مرد اساسی است و اینکه حکومت‌ها باید معیارهایی برای تلاش در جهت از میان بردن تعصبات و آداب و رسومی که بر اساس ایده فرودستی یا فرادستی یک جنس

با نقش‌های کلیشه‌ای برای زنان و مردان هستند، در نظر بگیرد، و همچنین به این نکته اذعان دارد که جامعه‌ی بین‌المللی، حق تصمیم‌گیری آزادانه و مسؤولانه برای افراد درباره موضوعات مرتبط با جنسیت، منجمله بهداشت جنسی و تولیدمثل را فارغ از تحمل، تبعیض و خشونت به رسمیت می‌شناسد؛

با وقوف بر این نکته که حقوق بشر بین‌الملل باید به روشهای سیستماتیک، و به نحوی که در زندگی و تجربیات افراد با گرایش‌های جنسی و هویت جنسیتی مختلف قابل کاربرد باشد، تنظیم گردد؛

با اذعان به این نکته که چنین تغییراتی باید بر اساس وضع کنونی قانون بین‌المللی حقوق بشر صورت پذیرد و به طور منظم مورد بازبینی قرار گیرد تا تغییر و تحولات قانون و اجرای آن در موارد خاص و تجربیات افراد با گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی در طول زمان و در مناطق و کشورهای مختلف در نظر گرفته شود؛

پیرو دیدار کارشناسان که از ۶ تا ۹ نوامبر ۲۰۰۶ در یوگیاکارتای اندونزی برگزار شد، اصول زیر را بدین‌وسیله تصویب می‌کند:

اصل ۱. حق جهانی بهرمندی از حقوق بشر

همه افراد بشر آزاد و به لحاظ عزت و احترام برابر به دنیا آمده‌اند. افراد بشر با کلیه گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی باید از کلیه حقوق انسانی به طور کامل بهرمند باشند؛

دولت‌ها باید:

الف) اصول جهان‌شمول بودن، داشتن مناسبات مشترک، وابستگی متقابل و جدایی‌ناپذیری کلیه حقوق بشر را در قوانین اساسی ملی کشورشان یا قانون‌های مناسب دیگر تجسم بخشد و از تأمین بهرمندی جهانی و همگانی از حقوق بشر اطمینان حاصل کنند؛

ب) اصلاحات لازم را در تمام قوانین، منجمله قانون کیفری صورت دهند تا از سازگاری این قوانین با بهرمندی جهان‌شمول از حقوق بشر اطمینان یابند؛

پ) با اجرای برنامه‌های آموزشی و افزایش آگاهی افراد بهرمندی کامل همگان از حقوق بشر را بدون توجه به گرایشهای جنسی و هویت جنسیتی ارتقا دهند؛

ت) در سیاست‌های دولتی و فرآگرد تصمیم‌گیری سیاسی خود رهیافتی کثرت گرا در پیش گیرند که تأکید کننده همبستگی و تفکیک ناپذیری همه ابعاد هویت بشری از جمله گرایش‌های جنسی و هویت جنسیتی انسان‌ها باشد.

اصل ۲. حق به برابری و طرد تبعیض

هر انسانی باید از کلیه حقوق انسانی، بدون تبعیض بر پایه گرایش جنسی یا هویت جنسیتی برخوردار

باشد. همه باید در برابر قانون برابر باشند و از حفاظت قانونی به میزان برابر و بدون این‌گونه تبعیض‌ها بهره‌مند باشند، حتی اگر بر بهره‌مندی آنها از حق دیگری تاثیر بگذارد. قانون باید از هر گونه تبعیضی از این دست جلوگیری کند و از کلیه افراد به طور برابر و موثر در برابر چنین تبعیض‌هایی محافظت کند.

تبعیض بر پایه گرایش جنسی یا هویت جنسیتی شامل هر گونه تمایز، طرد، محدودیت یا ترجیح بر پایه گرایش جنسی یا هویت جنسیتی می‌شود که هدف یا تاثیر آن از بین بردن یا تضعیف برابری در مقابل قانون یا برابری در برخورداری از حمایت قانونی، یا به رسمیت شناختن و عملی ساختن کلیه حقوق انسانی و آزادی‌های بنیادی و بهره‌مندی از آنها به طور برابر است. تبعیض بر پایه گرایش جنسی یا هویت جنسیتی می‌تواند توسط تبعیض بر پایه مسائل دیگر مانند جنسیت، نژاد، سن، دین، ناتوانی جسمی، سلامتی و شرایط اقتصادی تشدید شود، که معمولاً هم این‌گونه است.

دولت‌ها باید:

(الف) اگر تاکنون چنین نکرده‌اند، اصول برابری و عدم تبعیض بر پایه گرایش جنسی و هویت جنسیتی را در قوانین اساسی خود یا قوانین مناسب دیگر به روش‌های مانند اصلاح و تفسیر تجسم بخشنده، و درک کارآمد این اصول را تضمین کنند؛

(ب) مقررات کیفری و قانونی‌ای را که روابط جنسی توافق‌آمیز میان افراد هم‌جنس دارای سن رضایت قانونی را منع می‌کنند یا در عمل به این منظور به کار برده می‌شوند، لغو و تضمین کنند که سن قانونی برابر در مورد روابط جنسی میان دو هم‌جنس و دو غیر‌هم‌جنس به کار برده شود؛

(پ) سازوکار‌های مناسب قانونی و راهکار‌های دیگری را نیز در راستای منع و حذف تبعیض در حوزه عمومی و خصوصی بر پایه گرایش جنسی و هویت جنسیتی تصویب کنند؛

(ت) راهکار‌های مناسبی برای ارتقای درخور امنیت افراد با گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسی مختلف اتخاذ کنند، چنان که لازم است اطمینان حاصل کنند که این گروه‌ها و افراد از حقوق بشر یکسان بهره می‌برند یا به طور برابری آن را به عمل در می‌آورند. چنین معیار‌هایی نباید تبعیض آمیز تلقی شوند؛

(ث) در کلیه واکنش‌هایی که به موارد تبعیض بر اساس گرایش جنسی یا هویت جنسیتی نشان می‌دهند، روشی که در آن چنین شکلی از تبعیض ممکن است با سایر اشکال تبعیض تداخل داشته باشد را در نظر گیرند؛

(ج) همه‌ی اقدامات مناسب از جمله برگزاری برنامه‌های تحصیلی و آموزشی را با نظر به محظوظگاه‌های متعصبانه و تبعیض‌آمیز یا رفتار‌هایی که مرتبط با دیدگاه فرودستی و فرادستی هر گونه گرایش جنسی یا هویت جنسیتی یا توصیف جنسیتی هستند، به انجام برسانند.

اصل ۳. حق به برابری در مقابل قانون

هر کس حق دارد در هر جایی به عنوان یک فرد در برابر قانون به رسمیت شناخته شود. افرادی که

گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی مختلف دارند باید از هرگونه اهلیت قانونی در کلیه جوانب زندگی خود بهره ببرند. گرایش جنسی هر فرد، آن‌طور که خودش تعریف می‌کند و نیز هویت جنسیتی برای شخصیت افراد اساسی‌اند و یکی از پایه‌ای‌ترین ابعاد اراده فردی، شرافت و آزادی به شمار می‌روند. هیچ کس نباید به عنوان یک نیاز برای به رسمیت شناخته شدن قانونی هویت جنسیتی‌اش، وادر به پذیرفتن شیوه‌های پزشکی و درمانی خاص از جمله عمل جراحی تغییر جنسیت، عقیم شدن یا درمان هورمونی شود. هیچ وضعیتی، مانند ازدواج یا والد بودن، نمی‌تواند آن گونه تفسیر شود که مانع قانونی شمردن هویت جنسیتی فرد باشد. هیچ کس نباید برای پنهان داشتن، سرکوب یا انکار کردن گرایش جنسی یا هویت جنسیتی خود تحت فشار قرار گیرد.

دولت‌ها باید:

(الف) اطمینان حاصل کنند که همه افراد در مسائل مدنی از اهلیت قانونی و حقوق انسانی برخوردار اند، بدون تبعیض بر پایه گرایش‌های جنسی یا هویت جنسیتی، و امکان عملی کردن و استیفاده این حقوق را نیز دارند، از جمله داشتن حقوق برابر برای بستن قراردادها و انجام اعمال حقوقی، مالکیت، (از جمله از راه ارث بردن)، مدیریت، و بهرمندی از آن؛

(ب) توسل به همه روش‌های حقوقی، اداری و سایر راهکارهای لازم برای احترام کامل به افراد و به رسمیت شناختن تعریف شخصی یا هویت جنسیتی‌اش؛

(ت) بهره جوئی از کلیه روش‌های قانونی، اداری و سایر راهکارهای لازم برای اطمینان یافتن از این که کلیه برگه‌های شناسایی رسمی و دولتی که جنسیت/جنس یک فرد را مشخص می‌کنند. از جمله مدارک تولد، پاسپورت، مدارک مربوط به شرکت در انتخابات، و سایر اسناد- بازتاب دهنده تعریف شخص از هویت جنسیتی اوست؛

(ث) اطمینان حاصل کنند از اینکه این راهکارها موثر، منصفانه و غیرتبعیض‌آمیز هستند، و به عزت نفس و حریم خصوصی فرد موردنظر احترام می‌گذارند؛

(ج) اطمینان حاصل کنند که تغییر در اسناد هویتی در کلیه زمینه‌هایی که شناسایی یا تفرق افراد بر اساس جنسیت از نظر قانون یا سیاست‌های دولت ضروری است، به رسمیت شناخته می‌شود؛

(چ) برنامه‌های ویژه‌ای را اجرا کنند که افراد مایل به تغییر جنسیت خویش را یاری دهد.

اصل ۴. حق زندگی

هر کسی حق زندگی کردن دارد. هیچ کس نباید به اجبار از حق زندگی محروم شود، از جمله برپایه گرایش جنسی یا هویت جنسیتی. مجازات اعدام نباید در مورد کسانی اجرا شود که پس از رسیدن به سن قانونی به اعمال جنسی دست زده اند و یا دارای گرایش جنسی یا هویت جنسیتی خاص اند.

دولت‌ها باید:

(الف) کلیه جرائمی را ملغی کن که هدف یا اثرشان ممنوعیت عمل جنسی مورد توافق میان افراد همجنس

دارای سن قانونی است، و تا زمانی که چنین مقرر اتی لغو می‌شوند، هرگز مجازات اعدام را بر فردی که تحت آن قوانین محکوم شده است، تحمیل نکنند؛

ب) احکام اعدام صادر شده را لغو کنند و همهی کسانی را که، به خاطر جرائم مرتبط با عمل جنسی مورد توافق میان افرادی که دارای سن قانونی هستند در شرف اعدام هستند، آزاد کنند،

ج) هر گونه تهاجم، اعم از دولتی یا شبه دولتی، به زندگی خصوصی افراد بر اساس گرایش جنسی یا هویت جنسیتی آنان را متوقف کنند، و اطمینان حاصل کنند که چنین تهاجمی، چه از طریق مقامات حکومتی و چه از طریق شخص یا گروه خاص، به طور جدی مورد بررسی قرار می‌گیرد و مرتکبان محکوم شده در دادگاه به مجازات می‌رسند.

اصل ۵. حق امنیت فردی

هر کس، ورای گرایش جنسی یا هویت جنسیتی خود، حق بهرمندی از امنیت شخصی و حمایت دولت در مقابل اعمال خشونت و آزار فیزیکی، چه از سوی مقام های حکومتی و چه از سوی فرد یا گروه، دارد.

دولت ها باید:

الف) از همه راهکارهای انتظامی و مانند آن برای جلوگیری از خشونت و فراهم آوردن حفاظت در مقابل کلیه اشکال خشونت و تعرض مرتبط با گرایش جنسی و هویت جنسیتی بهره جوئی کنند؛

ب) کلیه راهکارهای قانونی لازم را برای اعمال مجازات‌های کیفری مناسب برای خشونت، تهدید به خشونت، تحريك به خشونت یا تعرض، بر اساس گرایش جنسی یا هویت جنسیتی هر فرد یا گروهی در کلیه عرصه‌های زندگی از جمله خانواده به مورد اجرا گذارند؛

پ) کلیه راهکارهای لازم قانونی، اداری و غیره را به کار بزنند تا اطمینان حاصل شود گرایش جنسی و هویت جنسیتی فرد قربانی خشونت، حربه و بهانه‌ای برای توجیه، یا نادیده گرفتن چنین خشونتی نشود؛

ت) اطمینان حاصل کنند که ارتکاب چنین خشونت‌هایی به صورت جدی بررسی می‌شود و در صورت وجود مدرک جرم، مرتکبان چنین خشونت‌هایی تحت پیگرد قرار می‌گیرند، و پس از محاکمه در دادگاه به مجازات قانونی می‌رسند، و افزون بر این برای قربانیان این خشونت‌ها، راههای تشییع خاطر، از جمله دریافت خسارت فراهم می‌شود؛

ث) با برگزاری کمپین‌های منظم به آگاه ساختن توده مردم و مرتکبان بالفعل یا بالقوه خشونت پردازند و به محظوظی که مبنای خشونت‌های مرتبط با گرایش جنسی و هویت جنسیتی اند یاری دهند.

اصل ۶. حق داشتن حریم خصوصی

هر کس بدون توجه به گرایش جنسی یا هویت جنسیتی، باید حق بهرمندی از حریم خصوصی را بدون دخالت اجباری یا غیرقانونی دیگران، از جمله در رابطه با خانواده، خانه یا مکاتبات شخصی را داشته

باشد و همچنین از حق محافظت در برابر تجاوز غیرقانونی بر شأن انسانی و آبروی خود نیز برخوردار باشد. حق داشتن حريم خصوصی معمولاً شامل حق پنهان داشتن یا افشاء اطلاعات مرتبط با گرایش جنسی یا هویت جنسیتی فرد و نیز تصمیم‌ها و انتخاب‌های وی درباره‌ی بدن خود یا روابط جنسی مورد توافق یا روابط دیگر با سایرین است.

دولت ها باید:

(الف) از همه‌ی راهکارهای لازم قانونی، اداری، و غیره برای تأمین و تضمین حق هر فرد، فارغ از گرایش جنسی و هویت جنسیتی اش، برای بهره مندی از عرصه‌ی خصوصی، تصمیم‌های خصوصی و روابط انسانی از جمله روابط جنسی مورد توافق میان افرادی که به سن قانونی رسیده اند بدون مداخله و اجبار، استفاده کنند،

(ب) همه قوانینی که فعالیت جنسی مورد توافق میان افراد همجنس دارای شرایط سنی قانونی را جرم می‌انگارند، لغو و اطمینان حاصل کنند که سن قانونی برابر در مورد روابط دو همجنس و دو غیرهمجنس وجود دارد؛

(پ) مطمئن شوند که مقررات و احکام کیفری عمومی برای جرم انگاری اعمال جنسی مورد توافق میان افراد همجنس دارای سن قانونی اجرا نمی‌شوند؛

(ت) هر قانونی که آشکار کردن هویت جنسیتی را، از راه پوشش، گفتار یا رفتار ممنوع می‌کند یا جرم می‌انگارد و نیز هر قانونی که فرست تغییر دادن ویژگی‌های جسمی شان را به عنوان ابزاری برای ابراز هویت جنسیتی از افراد سلب می‌کند ملغی کنند؛

(ث) همه‌ی کسانی را که در انتظار محاکمه‌اند یا بر اساس قانون کیفری بازداشت شده‌اند، در صورتی که بازداشت‌شان در ارتباط با عمل جنسی توافق‌آمیز میان افرادی که دارای سن قانونی هستند یا مرتبط با هویت جنسیتی آنان است، آزاد کنند؛

(ج) از آزادی انتخاب افراد درباره این که چه زمانی و در مقابل چه کسی و چگونه اطلاعات مربوط به گرایش جنسی یا هویت جنسیتی‌شان را فاش کنند، اطمینان حاصل کنند، و از همه افراد در برابر آشکار شدن اجباری یا ناخواسته‌ی اطلاعات‌شان، یا خطر آشکار شدن چنین اطلاعاتی توسط دیگران حمایت کنند.

اصل ۷. حق مصون ماندن از محرومیت از آزادی

هیچ کس نباید در معرض دستگیری یا بازداشت خودسرانه باشد. دستگیری یا بازداشت بر پایه‌ی گرایش جنسی یا هویت جنسیتی، چه در پی حکم دادگاه باشد چه نباشد، خودسرانه شمرده می‌شود. همه افرادی که بازداشت شده‌اند، بدون توجه به گرایش جنسی یا هویت جنسیتی‌شان، باید بر اساس برابری افراد مقابل قانون، از دلایل بازداشت خود و ماهیت اتهاماتی که علیه آن‌ها مطرح شده مطلع شوند و در اسرع وقت در مقابل یک مقام قضایی حاضر شوند تا دادگاه قانون‌مند بودن بازداشت را تأیید یا رد کند، چه فرد متهم به ارتکاب جرمی شده باشد یا نه.

دولت ها باید:

(الف) از کلیه راهکارهای قانونی و اداری لازم استفاده کنند تا اطمینان حاصل شود که گرایش جنسی یا هویت جنسیتی به هیچ وجه مبنای دستگیری یا بازداشت فرد نمی‌شود، از جمله الغای مقررات مبهم قوانین کیفری که مساعد به تفسیرهای تبعیض‌آمیز می‌شوند یا شرایط را برای دستگیری بر پایه تعصب مأموران اجرا فراهم می‌کنند؛

(ب) از کلیه راهکارهای قانونی و اداری لازم و سایر راهکارهای موجود بهره جویند تا اطمینان حاصل شود که کلیه افراد بازداشت شده، فارغ از گرایش جنسی یا هویت جنسیتی‌شان، از دلایل بازداشت و هر گونه اتهامی علیه خود آگاه شده اند و این که به هر صورت قانونی بودن دستگیری یا بازداشت شدنشان از سوی یک مقام قضائی و یا دادگاه صالح تأثید شده باشد؛

(پ) از راه برنامه‌های مناسب آموزشی مأموران انتظامی و اجرائی را بر این واقعیت آگاه کنند که دستگیری و بازداشت فرد بر پایه گرایش جنسی یا هویت جنسیتی او عملی غیرعادلانه و خودسرانه است؛

(ت) گزارش‌های صحیح و به روز شده درباره کلیه دستگیری‌ها و بازداشت‌ها، با ذکر تاریخ، محل و دلیل بازداشت را بایگانی کنند و نهادهای رئیس و مجهر را به نظرات بر کلیه مراکز بازداشت گمارند تا اطمینان حاصل شود که دستگیری و بازداشت هیچ فردی بر مبنای گرایش جنسی یا هویت جنسیتی اش نبوده است.

اصل ۸. حق دسترسی به دادگاه منصفانه

هر کس باید از حق حضور در یک دادگاه عمومی، منصفانه، بی طرف، مستقل و صالح برخوردار باشد؛ دادگاهی که هدف‌ش اعاده حقوق افراد با در نظر گرفتن شکایات خصوصی و هر گونه اتهام کیفری علیه آن‌هاست، بدون هرگونه تعصب و تبعیض بر پایه گرایش جنسی و هویت جنسیتی متهم.

دولت ها باید:

(الف) از کلیه راهکارهای لازم قانونی اداری و اجرائی بهره جویند تا، در تمام مراحل دعواه حقوقی و کیفری و سایر دعاوی قضایی و اداری، هیچ فردی بر مبنای گرایش جنسی و هویت جنسیتی اش قربانی رفتارهای متعصبانه قرار نشود و نیز اطمینان حاصل کنند که اعتبار و شخصیت هیچ کس به عنوان طرف دعوا، شاهد، وکیل یا تصمیم‌گیرنده به خاطر گرایش جنسی و هویت جنسیتی اش آماج تردید و تحقیر نمی‌گیرد؛

(ب) همه گام‌های لازم و منطقی را برای حفاظت افراد از محاکمات کیفری یا روندهای دادرسی حقوقی که همه یا بخشی یا قسمتی از آن‌ها بر اساس تعصب درباره گرایش جنسی و هویت جنسیتی است، بردارند،

(پ) برنامه‌های آموزشی و آگاهی سازی برای قضات و پرسنل دادگاه و بازرسان و وکلا درباره استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر و اصول برابری و منع تبعیض، از جمله در رابطه با گرایش جنسی و هویت جنسیتی، برگزار کنند.

اصل ۹. حق بهره‌مندی از رفتار انسانی در دوره بازداشت

با هر کس که از آزادی خود محروم شده است باید بر اساس انسانیت و با احترامی که در شأن انسان است رفتار شود. گرایش جنسی و هویت جنسیتی بخش مهمی از شأن و احترام فرد است.

حکومت‌ها باید:

(الف) اطمینان حاصل کنند که محل نگهداری فرد در دوران بازداشت به گونه‌ای باشد که از طرد و تحقیر، افراد بر پایه گرایش جنسی یا هویت جنسیتی‌شان و نیز از قرار دادن آن‌ها در معرض خطر خشونت، بدرفتاری و آزار فیزیکی، روانی یا جنسی خودداری شود؛

(ب) دسترسی کافی به تجهیزات پزشکی و مشاوره جهت نیازهای بازداشت شدگان، با تشخیص نیازهای افراد بر پایه گرایش جنسی و هویت جنسیتی‌شان، از جمله درباره سلامت و بهداشت تولید مثل، دسترسی به اطلاعات درباره بیماری ایدز و درمان و دسترسی به درمان هورمونی و سایر درمان‌های مناسب، و نیز در صورت تمایل دسترسی به درمان‌های مربوط به تغییر جنسیتی را فراهم کنند؛

(پ) تا حد امکان اطمینان حاصل کنند که تمام زندانیان در تصمیم‌های مربوط به محل بازداشت مناسب با گرایش جنسی و هویت جنسیتی‌شان شرکت دارند؛

(ت) راهکارهای حفاظتی کارآمدی را برای همه زندانیانی اتخاذ کنند که در برابر خشونت یا آزار بر اساس گرایش جنسی، هویت جنسیتی یا ابراز جنسیت خود شکننده اند و تا جایی که عملی است اطمینان یابند که چنین راهکارهای حفاظتی‌ای محدودیت‌های بیشتری، نسبت به محدودیت سایر زندانیان، برای حقوق آن‌ها ایجاد نمی‌کنند؛

(ث) اطمینان حاصل کنند که ملاقات‌های زناشویی زندانیان، به میزانی برابر و بدون توجه به جنسیت شریک زندگی فرد زندانی یا بازداشت‌شده مجاز است؛

(ج) امکان نظارت بر زندان‌ها را از سوی مقام‌های دولتی و نیز سازمان‌های غیردولتی، از جمله سازمان‌هایی که در زمینه گرایش جنسی یا هویت جنسیتی صلاحیت دارند؛

(چ) به انجام برنامه‌های آموزشی و آگاه سازی برای پرسنل زندان و سایر مقام‌ها در بخش عمومی و خصوصی که در جریان بازداشت فرد نقشی ایفا می‌کنند، و نیز برنامه‌های آموزشی درباره استانداردهای حقوق بشر بین‌المللی و اصول برابری و عدم تبعیض، از جمله درباره گرایش جنسی و هویت جنسیتی، پردازند.

اصل ۱۰. حق ایمن بودن از شکنجه و رفتار یا مجازات‌های غیرانسانی، موهن و بی‌رحمانه

هر کس حق دارد از شکنجه، و از رفتار و مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و موهن، از جمله به دلایل گرایش جنسی یا هویت جنسیتی ایمن.

دولت ها باید:

الف) از کلیه راهکارهای قانونی، اداری لازم برای مصون داشتن افراد از شکنجه، رفتار و مجازات های بی رحمانه، غیرانسانی یا موهن به خاطر مسائل مرتبط با گرایش جنسی و هویت جنسی فرد قربانی و نیز تحريك دیگران به ارتکاب چنین اعمالی، استفاده کنند؛

ب) گامهای عقلانی لازم را برای شناسایی قربانیان شکنجه و برخورد ظالمانه، غیرانسانی و موهن یا مجازات به دلایل مرتبط با گرایش جنسی یا هویت جنسی ای بردارند، و از راههای جبرانی مناسب از جمله جبران خسارت مادی و معنوی و پرداخت غرامت و همچنین در صورت نیاز از حمایت‌های پزشکی و روان‌شناسانه استفاده کنند،

پ) برنامه‌های آموزشی و آگاهی سازی برای پلیس، پرسنل زندان و سایر مقام‌های بخش عمومی و خصوصی برگزار کنند که امکان ارتکاب، یا جلوگیری از، چنین اعمالی را دارند.

اصل ۱۱. حق ایمن بودن از کلیه اشکال بهره‌کشی، فروش و قاچاق انسان

هر کس حق دارد از خطر قاچاق، خرید و فروش و کلیه اشکال بهره‌کشی از جمله بهره‌کشی جنسی بر اساس گرایش جنسی یا هویت جنسیتی واقعی یا احتمالی در امان باشد. راهکارهایی که برای جلوگیری از قاچاق انسان طراحی شده‌اند باید عواملی را که خطر قاچاق را افزایش می‌دهند از میان بردارند، از جمله اشکال مختلف نابرابری و تبعیض بر پایه‌ی گرایش جنسی یا هویت جنسیتی واقعی یا احتمالی فرد، یا ابراز این هویت یا هر هویت دیگری. چنین راهکارهایی نباید ناسازگار با حقوق انسانی افرادی باشند که در خطر افتادن در دام قاچاق اند.

دولت ها باید:

الف) از کلیه راهکارهای قانونی و اداری و سایر راهکارهای بازدارنده و حفاظتی در زمینه قاچاق، خرید و فروش و کلیه اشکال بهره‌کشی از انسان‌ها، از جمله بهره‌کشی جنسی بر پایه گرایش جنسی و هویت جنسیتی واقعی یا دریافتی افراد، استفاده کنند؛

ب) مطمئن شوند که چنین راهکارهایی برضув کسانی که در برابر چنین کارهایی شکننده اند نمی‌افزاید، و گرایش جنسی و هویت جنسیتی آنان را ننگ و قابل کیفر قلمداد نمی‌کند؛

پ) راهکارها، خدمات و برنامه‌های حقوقی، آموزشی و اجتماعی لازم را ارائه کنند که بازدارنده عوامل مؤثر در افزایش ضعف و شکنندگی افراد در مقابل قاچاق، خرید و فروش و سایر اشکال بهره‌کشی از جمله بهره‌کشی جنسی بر اساس گرایش جنسی واقعی یا دریافتی یا هویت جنسیتی باشند. محرومیت اجتماعی، تبعیض، طرد از سوی خانواده یا نهادهای فرهنگی، فقدان استقلال مالی، بی‌خانمانی، دیدگاههای تبعیض‌آمیز اجتماعی، کاهش اعتماد به نفس و ناتوانی در مقابله با تبعیض در ارتباط با دسترسی به مسکن، اشتغال و خدمات اجتماعی شود، از جمله این عوامل اند. **دولت ها باید:**

اصل ۱۲. حق اشتغال

هر کس حق داشتن شغلی آبرومند و مفید، و شرایط عادلانه و مناسب در محل کار را دارد و نیز هر کس حق دارد که از بیکاری، بدون تبعیض بر پایه گرایش جنسی و هویت جنسیتی، در امان باشد.

دولت ها باید:

الف) کلیه راهکارهای قانونی و اداری لازم را برای حذف و منع تبعیض بر پایه گرایش جنسی و هویت جنسیتی در مشاغل عمومی و خصوصی از جمله در دوره‌های کارآموزی، استخدام، ارتقاء، اخراج و شرایط استخدام و اجرت و پاداش فراهم آورند؛

ب) هرگونه تبعیضی بر پایه گرایش جنسی و هویت جنسیتی را از بین ببرند تا از اشتغال و فرصت‌های پیشرفت برابر در کلیه عرصه‌های خدمات عمومی اطمینان حاصل کنند، از جمله در کلیه بخش‌های خدمات دولتی و اشتغال در بخش‌های عمومی، از جمله خدمت در پلیس و ارتش و فراهم کردن آموزش مناسب و برنامه‌های آگاهی سازی برای مبارزه با دیدگاه‌های تبعیض آمیز.

اصل ۱۳. حق برخورداری از امنیت اجتماعی و دیگر پوشش‌های اجتماعی

هر کس حق برخورداری از امنیت اجتماعی و سایر معیارهای حفاظت اجتماعی را، بدون تبعیض بر پایه گرایش جنسی و هویت جنسیتی، دارد.

دولت ها باید:

الف) کلیه راهکارهای قانونی و اداری لازم را به قصد تضمین دسترسی برابر و بدون تبعیض، بر پایه گرایش جنسی یا هویت جنسیتی، برای برخورداری افراد از امنیت اجتماعی و سایر پوشش‌های اجتماعی فراهم آورند از جمله: مزایای شغلی، مرخصی والدین، کمک مالی مختص زمان بیکاری، بیمه‌ی تدرستی، یا مراقبت‌های بهداشتی درمانی، تسهیلات برای تغییر فیزیکی به دلایل مربوط به هویت جنسیتی، سایر بیمه‌های اجتماعی، کمک‌های مالی به خانواده، حقوق بازنشستگی و کمک‌های مالی برای جبران از دست دادن حمایت برای همسر یا شریک زندگی به دلیل بیماری یا مرگ؛

ب) اطمینان حاصل کنند که کودکان در معرض هیچ یک از انواع برخورد تبعیض‌آمیز در نظام امنیت اجتماعی یا در شروط منافع رفاه یا منافع اجتماعی بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسیتی خود یا اعضای خانواده‌شان نیستند؛

پ) از کلیه راهکارهای قانونی، اداری و سایر راهکارهای لازم را جهت تضمین دسترسی به راهبردها و برنامه‌های کاهش فقر، بدون تبعیض بر پایه گرایش جنسی یا هویت جنسیتی، استفاده کنند،

اصل ۱۴. حق برخورداری از استاندارد مطلوب زندگی

هر کس حق دارد از استاندارد مطلوب زندگی، از جمله تغذیه کافی، آب آشامیدنی سالم، بهداشت و پوشак مناسب، و بهتر شدن مستمر شرایط زندگی، بدون تبعیض بر پایه گرایش جنسی یا هویت جنسیتی، برخوردار شود.

دولت ها باید:

از کلیه راهکارهای قانونی و اداری لازم برای تضمین دسترسی برابر افراد به غذای مطلوب، آب آشامیدنی پاک، بهداشت و پوشاك مطلوب، بدون تبعیض بر پایه گرایش جنسی یا هویت جنسیتی، استفاده کنند.

اصل ۱۵. حق برخورداری از محل سکونت مناسب

هر کس حق دارد از محل سکونت مناسب، از جمله اینمی از اخراج غیرقانونی، بدون تبعیض بر پایه گرایش جنسی و هویت جنسیتی، برخوردار شود.

دولت ها باید:

الف) کلیه راهکارهای قانونی و اداری لازم را برای تضمین امنیت حق سکونت دائم و توانایی دسترسی داشتن به محل سکونت مناسب، شرایط مساعد و امن برای زندگی مناسب فراهم آورند، از جمله پناهگاهها و سایر سرپناه های اضطراری، بدون تبعیض بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسیتی یا وضعیت تاہل یا وضعیت خانوادگی.

ب) کلیه راهکارهای قانونی و اداری لازم را فراهم آورند تا از اخراج فرد در مواردی که با قوانین بین المللی حقوق بشر در تضاد است جلوگیری شود. نیز باید اطمینان حاصل کنند که راههای جبران مناسب و کارآمد قانونی برای افرادی که حق سکونت شان نقض شده، یا در خطر نقض شدن است، وجود دارد. از جمله این حقوق میتوان به حق دسترسی به محل سکونت مناسب دیگر، بدون تبعیض بر پایه گرایش جنسی و هویت جنسیتی یا وضعیت خانوادگی یا تاہل، اشاره کرد؛

پ) از برخورداری همگان از حقوق برابر برای مالکیت زمین و خانه و ارثیه، بدون تبعیض بر پایه گرایش جنسی یا هویت جنسیتی، اطمینان حاصل کنند؛

ت) با برگزاری برنامههای اجتماعی، از جمله برنامههای ترویجی و آموزشی، به حذف یا تعديل عواملی پیردازند، که در زمینه گرایش جنسی و هویت جنسیتی، شکنندگی افراد بیخانمان به خصوص کودکان و افراد جوان را تشدید میکنند، از جمله انزوا در اجتماع، خشونت خانگی و سایر اشکال خشونت، تبعیض، فقدان استقلال مالی، و طرد شدن از خانوادهها یا نهادهای فرهنگی، و نیز راهکارهای مناسب را برای تأمین امنیت محلهای فراهم آورند.

ث) با اجرای برنامههای آموزشی و آگاهی سازی مطمئن شوند که آژانسها و سازمانهای ویژه نسبت به

نیازهای افرادی که با بیخانمانی یا کمبودهای اجتماعی مواجه هستند، به عنوان یکی از نتایج تبعیض بر پایه گرایش جنسی یا هویت جنسیتی، آگاهی و حساسیت دارند.

اصل ۱۶. حق آموزش و یادگیری

همه افراد حق دارند از آموزش و یادگیری، بدون تبعیض بر پایه گرایش جنسی یا هویت جنسیتی، برخوردار باشند.

دولت ها باید:

الف) کلیه راهکارهای قانونی و اداری لازم را به کار برند تا دسترسی برابر افراد به آموزش، رفتار برابر با دانشآموزان، کارکنان و معلمان در نظام آموزشی، بدون تبعیض بر اساس گرایش جنسی یا هویت جنسیتی، تضمین شود؛

ب) اطمینان حاصل کنند که هدف اصلی از آموزش و یادگیری تقویت شخصیت هر یک از دانشآموزان، و پرورش استعدادها و توانایی‌های ذهنی و جسمی آنان در حد بهینه است، و نیز مطمئن باشند که شیوه آموزش پاسخ‌گوی نیازهای همه دانشآموزان با هر گرایش جنسی و هویت‌های جنسیتی است؛

پ) مطمئن شوند که آموزش به تعمیق احترام به حقوق بشر و احترام به والدین و اعضای خانواده‌ی همه کودکان، و هویت فرهنگی، زبان و ارزش‌های آنها، در چارچوب همدلی و تقاضا، صلح، انعطاف و برابری، و احترام به گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی مختلف، یاری می‌رساند؛

ت) تضمین کنند که روش‌های آموزشی، برنامه‌های درسی و منابع درسی، احترام به گرایش‌های مختلف جنسی و هویت‌های جنسیتی را افزایش می‌دهد، و نیازهای ویژه دانشآموزان، والدین و اعضای خانواده‌ی آنها را برآورده می‌کند؛

ث) مطمئن شوند که قوانین و مقررات مساعد به تأمین امنیت دانشآموزان، کارکنان و معلمان با گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی مختلف است، به ویژه در مقابله با همه اشکال طرد اجتماعی و خشونت در محیط مدرسه، از جمله در موارد زورگویی و آزار و اذیت دیگران؛

ج) تضمین کنند دانشآموزانی که آماج بی‌اعتنایی یا خشونت اند، به دلایل حفاظتی طرد و به حاشیه راند نمی‌شوند، و نیز با پی بردن به مصالح این گونه دانشآموزان به شیوه‌های مشارکتی شان میزان احترام به آنها افزایش می‌یابد؛

چ) با بهره جوئی از همه راهکارهای قانونی و اداری، و روش‌های مناسب اطمینان حاصل شود که نظام انصباطی و نوع مدیریت در مراکز آموزشی سازگار با حفظ عزت و احترام انسانی است و بدون تبعیض یا مجازات برپایه‌ی گرایش جنسی یا هویت جنسیتی دانشآموز؛

ح) تضمین کنند که همه افراد به فرصت‌ها و منابع لازم برای یادگیری و ادامه تحصیل در طول عمر،

بدون تبعیض بر پایه گرایش جنسی یا هویت جنسیتی، دسترسی دارند، از جمله بزرگسالانی که از چنین رفتارهای تبعیض آمیز در نظام آموزشی رنج برده‌اند.

اصل ۱۷. حق دسترسی به بالاترین استانداردهای تدرستی

هر کس حق دارد از کارآترین استاندارد سلامت روانی و جسمی، بدون تبعیض بر پایه گرایش جنسی یا هویت جنسیتی، برخوردار باشد دسترسی داشته باشد زیرا سلامت جنسی و تولیدمثل از جنبه‌های مهم این حق است؛

دولت ها باید:

(الف) از کلیه راهکارهای قانونی، اداری لازم استفاده کنند تا افراد به بالاترین استاندارد ممکن سلامتی، بدون تبعیض بر پایه گرایش جنسی و هویت جنسیتی، برخوردار شوند؛

(ب) کلیه راهکارهای قانونی و اداری لازم را به کار برند تا اطمینان حاصل کنند که همه افراد از امکانات، فرآورده‌ها و خدمات بهداشتی و درمانی از جمله در ارتباط با سلامت جنسی و تولید مثل برخوردارند، و نیز به پرونده‌ها و مدارک پزشکی شخصی خود، بدون تبعیض بر پایه گرایش جنسی یا هویت جنسیتی، دسترسی دارند؛

(پ) تضمین کنند که امکانات، فرآورده‌ها و خدمات بهداشتی و درمانی به هدف بهینه کردن وضع سلامتی و پاسخگویی به نیازهای تمام افراد، بدون تبعیض بر اساس و با در نظر گرفتن گرایش جنسی و هویت جنسیتی، طراحی شده‌اند، و نیز دیگران به مدارک و پرونده‌های پزشکی افراد دسترسی نخواهند داشت؛

(ت) برنامه‌هایی را طرح ریزی و عملی کنند که با تبعیض، تعصب و سایر بیماری‌های اجتماعی‌ای که سلامتی افراد را به خاطر گرایش جنسی یا هویت جنسیتی‌شان تضعیف می‌کنند، مبارزه کنند؛

(ث) اطمینان حاصل کنند که تمام افراد از آگاهی و توانایی‌های لازم برای تصمیم‌گیری در رابطه با درمان و نیازها پزشکی و بهداشتی خود برخوردارند بی‌آن که آماج تبعیض بر اساس گرایش جنسی یا هویت جنسیتی باشند؛

(ج) مطمئن باشند که تمام برنامه‌های مربوط به سلامت جنسی و تولید مثل، آموزش و پیشگیری از بیماری، مراقبت‌های پزشکی و درمان‌ها و خدمات، به گوناگونی گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی احترام می‌گذارند و نیز این که این خدمات و برنامه‌ها، بدون تبعیض و به گونه‌ای برابر، در دسترس همگان اند؛

(چ) امکان دسترسی به پزشک و درمان و مراقبت‌های بهداشتی و حمایت لازم را بدون تبعیض، برای کسانی که به دنبال تغییر در بدنشان برای تغییر جنسیت هستند، فراهم کنند،

(ح) اطمینان حاصل کنند که کلیه فراهم‌آورندگان خدمات درمانی، با مراجعان و شریک‌های زندگی آن‌ها

بدون اعمال تبعیض بر پایه گرایش جنسی یا هویت جنسی رفتار می‌کند، از جمله هنگام شناسایی و پذیرش خویشاوند درجه یک بیمار؛

خ) سیاست‌ها و برنامه‌های تحصیلی و آموزشی لازم را اتخاذ کنند تا افراد شاغل در بخش بهداشت و درمان برای ارائه مطلوب ترین خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به کلیه افراد، با احترام کامل به گرایش جنسی و هویت جنسی‌شان، آماده شوند؛

اصل ۱۸. اینمنی از خطاهای پزشکان

هیچ فردی نباید به خاطر گرایش جنسی یا هویت جنسی‌اش و دار به پذیرفتن درمان دارویی یا روانی و یا و دار به تن دادن به آزمایش یا بهره جوئی از مرکز پزشکی خاصی شود. گرایش جنسی فرد و هویت جنسی‌تی او به خودی خود بیماری یا پدیده‌های پزشکی نیستند و نیازی به معالجه، درمان یا سرکوب ندارند، علی‌رغم تعریف‌ها و تقسیم‌بندی‌های ناسازگار با این واقعیت.

دولت ها باید:

الف) تمام راهکارهای قانونی و اداری لازم را به کار ببرند تا از حفاظت کامل از افراد در مقابل فعالیت‌های مضر پزشکی که بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسی و نیز بر پایه خرافات، چه برآمده از فرنگ چه غیر از آن، درباره رفتار، ظاهر فیزیکی یا هنگارهای جنسی‌تی بالقوه هستند، اطمینان حاصل کنند؛

ب) تمام راهکارهای قانونی و اداری لازم را به کار ببرند تا اطمینان حاصل شود که بدن هیچ کودکی به طرز غیرقابل برگشت با دخالت پزشک و به قصد تحمیل هویت جنسی‌تی خاص بدون موافقت کامل و آزادانه و آگاهانه کودک، با توجه به سن و بلوغ وی، و بر مبنای این اصل که مصلحت کودک از بالاتری اولویت برخوردار است، تعییر داده نمی‌شود؛

پ) مکانیزم‌های حفاظت از کودک را برای تضمین این که هیچ کودکی در معرض خطر یا آزار پزشکی قرار نمی‌گیرد، ایجاد کنند؛

ت) حق افراد با گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسی‌تی مختلف را به نپذیرفتن شیوه‌ها و آزمایش‌های پزشکی و درمانی غیر اخلاقی یا ناخواسته، از جمله در رابطه با واکسینه کردن و درمان یا میکروب شناسی ایدز یا سایر بیماری‌ها، تضمین کنند؛

ه) برنامه‌های سرمایه‌گذاری در زمینه‌های بهداشتی و پزشکی، مانند برنامه‌های توسعه یا کمک رسانی، را که ممکن است چنین آزارهایی را تسیه‌ل و تجویز کند، مورد بازبینی و اصلاح قرار دهد؛

و) تضمین کنند که هیچ درمان یا مشاوره پزشکی یا روانی، چه پنهانی و چه علنی، منجر به دخالت در گرایش جنسی یا هویت جنسی‌تی افراد به عنوان پدیده‌ای قابل معالجه نخواهد شد.

اصل ۱۹. حق آزادی عقیده و بیان

هر کس حق دارد از آزادی بیان و نظر، بدون توجه به گرایش یا هویت جنسیتی اش، برخوردار شود. این حق، شامل آزادی در افشاءی هویت و ویژگی های شخصی از طریق سخن گفتن، طرز رفتار، نوع پوشاش، انتخاب نام است، و نیز شامل آزادی جست و جو، دریافت و یا ارسال اطلاعات و مبادله عقیده از جمله درباره حقوق بشر، گرایش جنسی و هویت جنسیتی به هر وسیله و شیوه ای و بدون توجه به مرز های بین المللی.

دولت ها باید:

(الف) تمام راهکار های قانونی و اداری لازم را به کار بردند تا همه افراد از آزادی بیان و نظر به طور کامل بهره مند شوند، و در عین حال به حقوق و آزادی های دیگران، بدون اعمال تبعیض بر اساس گرایش جنسی یا هویت جنسیتی، احترام گذاشته شود. این حق شامل دریافت و ارسال هرگونه اطلاعات و تبادل نظر از جمله درباره حقوق بشر، گرایش جنسی و هویت جنسیتی و نیز اشاعه و ترویج حقوق بشر، انتشار مطالب، خبررسانی، سازماندهی یا مشارکت در کنفرانس ها، و نیز اشاعه و دسترسی به اطلاعات مربوط به رابطه جنسی بی خطر، می شود؛

(ب) مطمئن شوند که مطالب رسانه های خبری تحت کنترل دولت درباره مسائل مربوط به گرایش جنسی و هویت جنسیتی تکثیرگرا و غیرتبعیض آمیزند و این که استخدام کارکنان و سیاست های ارتقای شغلی چنین سازمان هایی بر اساس گرایش جنسی یا هویت جنسیتی انجام نمی شود؛

(پ) تمام راهکار های قانونی و اداری لازم را به کار بردند تا از بهره مندی کامل افراد از حق افشاءی هویت یا ویژگی های شخصی فریدت، از جمله از راه سخن گفتن، طرز رفتار، انتخاب پوشاش، ویژگی های فیزیکی، انتخاب نام اطمینان حاصل کنند؛

(ت) مطمئن شوند که مفاهیم نظم عمومی، اخلاق عمومی، بهداشت عمومی و امنیت عمومی برای محدود کردن آزادی تفکر و بیان و عمل، یا ابراز نظر معطوف به گرایش های جنسی متعدد یا هویت های جنسیتی، به شیوه ای تبعیض آمیز تفسیر و به کار برده نمی شوند؛

(ث) مطمئن شوند که آزادی بیان و عقیده، حق و آزادی های افراد با گرایش های جنسی و هویت های جنسیتی مختلف را نقض نمی کند،

(ج) مطمئن شوند که همه افراد بدون توجه به گرایش جنسی یا هویت جنسیتی شان، از دسترسی برابر به اخبار و اندیشه ها و نیز از مشارکت در تبادل نظر های عمومی بهره مند اند.

اصل ۲۰. حق تشکّل و تجمع صلح آمیز

هر کس از حق تشکیل انجمن و گردهمایی و تظاهرات مسالمت آمیز، بدون توجه به گرایش جنسی یا هویت جنسیتی، برخوردار است. افراد می توانند بدون هیچ تبعیضی انجمن هایی بر پایه گرایش جنسی یا

هویت جنسیتی به هدف انتشار اخبار و عقاید و حمایت از حقوق افراد با گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی مختلف حمایت کنند.

دولت ها باید:

(الف) از کلیه راهکارهای قانونی، مدیریتی و سایر راهکارهای لازم استفاده کنند تا حقوق سازماندهی صلح‌آمیز، تشکیل انجمن، گرد همایی و رایزنی پیرامون مسائل مربوط به گرایش جنسی و هویت جنسیتی را تضمین کنند، و چنین انجمن‌ها و گروه‌هایی باید بدون تبعیض بر پایه گرایش جنسی یا هویت جنسیتی به لحاظ قانونی به رسمیت شناخته شوند،

(ب) به ویژه اطمینان حاصل کنند که مفاهیمی مانند نظم عمومی، اخلاق عمومی، بهداشت عمومی و امنیت عمومی به هدف محدود کردن حق تجمع و تشکل آزادانه، تنها بر اساس گرایش جنسی یا هویت جنسیتی افراد تفسیر و به کار برده نمی‌شوند؛

(پ) در هیچ شرایطی حق تجمع آزاد و تظاهر و تشکیل افراد را بر اساس گرایش جنسی یا هویت جنسیتی آنان نقض نکنند، و نیز باید اطمینان حاصل کنند که برای حمایت از کسانی که از این حقوق بهره می‌برند و نیز برای جلوگیری از خشونت و تعریض نسبت به آنان، نیروی پلیس به حد کافیت وجود دارد؛

(ت) برنامه‌های آموزشی و آگاهی سازی برای توانمند کردن مجریان قانون، و دیگر مقام‌های اداری و اجرائی، به ارائه این گونه حمایت‌ها برگزار کنند؛

(ث) تضمین کنند که در عمل قوانین ناظر بر افشای اطلاعات مربوط به انجمن‌ها و گروه‌های مستقل و غیر دولتی، برای انجمن‌ها و گروه‌هایی که به مسائل مربوط به گرایش جنسی یا هویت جنسیتی می‌پردازنند، و یا برای اعضا‌یشان، پیامدهای تبعیض آمیز در پی ندارد؛

اصل ۲۱. حق آزادی اندیشه، وجدان و مذهب

هر کس از حق آزادی تفکر، وجدان و مذهب، بدون توجه به گرایش جنسی و هویت جنسیتی خود، برخوردار است. این حقوق باید دستاواریز دولت برای توجیه قوانین و سیاست‌ها یا اعمالی شود که حمایت برابر قانون از افراد را انکار می‌کنند یا به کارهای تبعیض آمیز بر پایه گرایش جنسی یا هویت جنسیتی افراد می‌پردازند؛

دولت ها باید:

(الف) تمام راهکارهای قانونی و اداری لازم را به کار برند تا حق افراد را به پیروی از مذهبی خاص و یا به خداشناسی، چه به صورت شخصی و چه گروهی، و برای داشتن و بیان عقاید مذهبی و غیر مذهبی، به صورت فردی یا به همراهی دیگران، و حق اینمی از دخالت دیگران در اعتقادات خود، و حق اینم بودن از تحمیل و اجبار هر باور و اعتقادی، بدون توجه به گرایش جنسی و هویت جنسیتی‌شان، تضمین کنند؛

(ب) اطمینان حاصل کنند که ابراز عقیده، پیروی و حمایت از عقاید مختلف، باورها و اعتقادات درباره

مسائل مربوط به گرایش جنسی یا هویت جنسیتی، به گونه‌ای ناسازگار با حقوق بشر صورت نمی‌گیرد.

اصل ۲۲. حق حرکت کردن و جابجاشدن

هر کس در داخل یک حکومت، به طور قانونی حق آزادی حرکت و سکونت در داخل مرزهای آن حکومت را، بدون توجه به گرایش جنسی و هویت جنسیتی، دارد. گرایش جنسی و هویت جنسیتی هرگز نباید بهانه‌ای برای محدود کردن یا منع ورود یا خروج یا بازگشت فرد به هیچ کشوری، از جمله کشور خود فرد شود.

دولت‌ها باید:

تمام راهکارهای قانونی و اداری لازم را به کار بردند تا اطمینان حاصل کنند حق آزادی حرکت یا اسکان همگان بدون توجه به گرایش جنسی یا هویت جنسیتی، تضمین شده است.

اصل ۲۳. حق درخواست پناهندگی

هر کس حق پناه جستن در کشورهای دیگر به خاطر آزار و تعقیب، من جمله آزار و تعقیب مرتبط با گرایش جنسی یا هویت جنسیتی را دارد. دولت نمی‌تواند فردی را از کشور خود بیرون کند یا او را به دولت دیگری تحويل دهد که در قلمروش ترس رویارویی فرد با شکنجه و تعقیب و رفتار یا مجازات بی رحمانه و غیرانسانی به خاطر گرایش جنسی یا هویت جنسیتی وی وجود دارد.

دولت‌ها باید:

الف) قوانین پناهندگی خود را بازبینی و اصلاح کنند تا مطمئن شوند که ترس واقعی و شدید از تعقیب افراد به خاطر گرایش جنسی و هویت جنسیتی، یکی از دلائل موجه و قابل قبول برای به رسمیت شناختن پناهندگی و پناهجویی افراد است،

ب) مطمئن شوند که هیچ سیاست یا سنتی نسبت به پناهجویان به خاطر گرایش جنسی یا هویت جنسیتی‌شان وجود ندارد؛

پ) اطمینان حاصل کنند که هیچ فردی که با خطر جدی شکنجه، تعقیب یا هر شکل دیگری از مجازات یا رفتار بی رحمانه، غیرانسانی و موهن، در کشور دیگری، بر اساس گرایش جنسی یا هویت جنسیتی‌اش، رو به رو است اخراج یا به کشور ناقص حقوق بشر برگردانده نمی‌شود.

اصل ۲۴. حق تشکیل خانواده

هر کس، بدون توجه به گرایش جنسی و هویت جنسیتی، از حق تشکیل خانواده برخوردار است. هیچ خانواده‌ای نباید در معرض تبعیض بر اساس گرایش جنسی یا هویت جنسیتی هیچ یک از اعضاش قرار گیرد.

دولت ها باید:

الف) تمام راهکارهای قانونی و اداری لازم را به کار برند تا حق تشکیل خانواده برای افراد بدون اعمال تبعیض بر پایه گرایش جنسی یا هویت جنسی تضمین کنند، از جمله پذیرفتن سرپرستی کودک دیگری یا از راه تلقیح مصنوعی برای داشتن فرزند؛

ب) اطمینان حاصل کنند که قوانین و مقررات کشور آشکال مختلف خانواده را به رسمیت می‌شناسند، و تمام راهکارهای قانونی و اداری لازم را به کار برند تا اعضای هیچ خانواده‌ای، براساس گرایش جنسی یا هویت جنسی، در معرض اعمال تبعیض آمیز قرار نمی‌گیرد از جمله در مورد پوشش بیمه‌های اجتماعی، اشتغال و مهاجرت؛

پ) تمام راهکارهای قانونی و اداری لازم را به کار برند تا تضمین کنند که در همه امور و تصمیم‌گیری‌های راجع به کودکان، چه از طریق نهادهای عمومی و چه از طریق نهادهای رفاه اجتماعی خصوصی، دادگاه‌های حقوقی، مقامات اداری یا ارگان‌های قانون‌گذاری، مصالح و منافع کودک در اولویت قرار دارد و گرایش جنسی و هویت جنسی کودک یا هر یک از دیگر اعضای خانواده‌ی او نباید با چنین منافعی در تعارض نلای شود؛

ت) در کلیه کارها و تصمیم‌گیری‌ها درباره کودکان، اطمینان حاصل کنند که کودکی که توانایی شکل دادن به دیدگاه‌های شخصی خود را دارد از حق بیان آزادانه‌ی آن دیدگاه‌ها برخوردار است و رئیسان باید به چنین دیدگاه‌هایی، با توجه به سن و بلوغ کودک، اهمیت و جایگاه درخوری قائل شوند؛

ث) تمام راهکارهای قانونی و اداری لازم را به کار برند تا مطمئن شوند حکومت‌هایی که ازدواج دو هم‌جنس یا رابطه‌های مشترک ثبت شده را به رسمیت می‌شناسند، هر گونه حق و حقوق قانونی، امتیاز، مسئولیتو امتیازی که برای افراد مزدوج یا شریک‌های غیرهم‌جنسیت قائل هستند، به میزان برابر به زوج‌ها و شریک‌های هم‌جنس نیز تعلق می‌گیرد؛

ج) تمام راهکارهای قانونی و اداری لازم را به کار برند تا مطمئن شوند که هر گونه تعهد، حق قانونی، امتیاز یا منفعتی که در دسترس شریک‌های غیر مزدوج غیرهم‌جنس وجود دارد به میزان برابر برای شریکان غیرمزدوج هم‌جنس هم در دسترس است،

چ) تضمین کنند که ازدواج‌ها و روابط قانونی شراکتی دیگر هم تنها با موافقت آزادانه و کامل زوج‌ها یا شریک‌هایی که مایل به این کارند قانونی شمرده خواهند شد.

اصل ۲۵. حق مشارکت در زندگی عمومی

کلیه شهروندان، از حق مشارکت در امور عمومی زندگی، از جمله حق نامزد شدن و شرکت در تنظیم سیاست‌هایی که در کیفیت رفاهشان مؤثر است، و نیز از حق دسترسی کامل به همه مراتب و سطوح خدمات عمومی و اشتغال در بخش‌های عمومی، از جمله خدمت در پلیس و ارتش، بدون تبعیض بر اساس گرایش جنسی یا هویت جنسی، برخوردارند.

دولت ها باید:

(الف) با بازبینی، اصلاح و تصویب قوانین بهرمندی کامل افراد از حق مشارکت در زندگی و امور عمومی و سیاسی که شامل کلیه مراتب و سطوح خدمات دولتی و اشتغال در بخش‌های عمومی از جمله خدمت در پلیس و ارتش می‌شود را بدون تبعیض بر اساس گرایش جنسی یا هویت جنسیتی و با احترام کامل به گرایش جنسی و هویت جنسی هر فرد تضمین کنند؛

(ب) تمام روش‌های لازم را به کار بزند تا خرافات و عقاید نادرست رایج و تعصبات راجع به گرایش جنسی و هویت جنسیتی را که حق مشارکت افراد در زندگی اجتماعی را سلب یا محدود می‌کنند، خنثی کنند؛

(پ) از حق هر فرد برای شرکت در طراحی و اجرای سیاست‌هایی که رفاه آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد، بدون تبعیض بر پایه‌ی گرایش جنسی یا هویت جنسیتی‌شان، و با احترام کامل به آن، اطمینان حاصل کنند.

اصل ۲۶. حق مشارکت در زندگی فرهنگی

همه افراد حق دارند آزادانه، و بدون توجه به گرایش جنسی یا هویت جنسیتی، در زندگی فرهنگی مشارکت داشته باشند، همچنین حق دارند از طریق مشارکت فرهنگی، تنوع گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی را تشریح کنند.

دولت ها باید:

(الف) تمام راهکارهای قانونی و اداری لازم را به کار بزند تا اطمینان حاصل کنند تمام افراد، بدون در نظر گرفتن گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی‌شان، و با احترام کامل به این گرایش‌ها و هویت‌ها، از امکان مشارکت در زندگی و امور فرهنگی برخوردار اند؛

(ب) گفتگو و احترام متقابل را میان هواداران گروه‌های مختلف فرهنگی در دولت تقویت کنند، از جمله میان گروه‌هایی که دیدگاه‌های مختلفی درباره موضوع‌های مرتبط با گرایش جنسی و هویت جنسیتی، که مدام در رابطه با حقوق بشر در این اصول به آن‌ها اشاره شده است، دارند.

اصل ۲۷. حق ترویج حقوق بشر

هر کس حق دارد چه به صورت انفرادی و چه در اجتماع با دیگران، در زمینه‌ی تأمین، تضمین و عینیت بخشیدن به حقوق بشر در سطوح ملی و بین‌المللی، بدون تبعیض بر اساس گرایش جنسی یا هویت جنسیتی، تلاش کند. این حق شامل فعالیت‌های معطوف به ثبت و حمایت از حقوق کسانی که گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی مختلف دارند می‌شود، و نیز شامل حق طرح و بحث در باره معانی تازه حقوق بشر افراد و ترویج شان نیز خواهد بود.

دولت ها باید:

(الف) تمام راهکارهای قانونی و اداری لازم را به کار برند تا از ایجاد محیطی مطلوب برای فعالیتهای معطوف به تقویت، حمایت و عینیت بخشیدن به حقوق بشر، من جمله حقوق مربوط به گرایش جنسی و هویت جنسیتی، اطمینان حاصل کنند؛

(ب) از همه راهکارهای مناسب برای مبارزه با فعالیت‌ها یا کمپین‌هایی استفاده کنند که مدافعان حقوق بشری را در زمینه مسائل مربوط به گرایش جنسی و هویت جنسیتی کار می‌کنند، و نیز کوشندگان حقوق بشر که دارای گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی مختلف هستند، هدف قرار داده‌اند؛

(پ) مطمئن شوند همه مدافعان حقوق بشر، بدون توجه به گرایش جنسی یا هویت جنسیتی‌شان، از دسترسی غیرتبعیض‌آمیز به سازمان‌ها و نهادهای حقوق بشر ملی و بین‌المللی و مشارکت و ارتباط با آنها بهرمند هستند؛

(ت) حقوق انسانی مدافعان حقوق بشری را که روی مسائل مربوط به گرایش جنسی و هویت جنسیتی کار می‌کنند، در مقابل هر گونه خشونت، تهدید، مجازات، تبعیض (بالفعل یا بالقوله)، فشار یا هر شکل رفتار خوسرانه دیگری که توسط دولت یا اشخاص عادی در پاسخ به فعالیت‌های حقوق بشری‌شان انجام می‌شود، تضمین کنند.

(ث) از رسمیت و اعتبار قانونی سازمان‌هایی دفاع کنند که در پیشبرد حقوق انسانی افراد با گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی متفاوت در سطوح ملی و بین‌المللی می‌کوشند.

اصل ۲۸. حق قربانی از جبران نقض حقوق بشر

هر قربانی نقض حقوق بشر، از جمله کسانی که حقوقشان به خاطر گرایش جنسی یا هویت جنسیتی‌شان نقض شده، حق دارد از جبران خسارت موثر، مطلوب و مناسب بهرمند شود. راهکارهایی که برای جبران جبران این گونه خسارت‌ها، یا برای تسهیل روند تأمین حقوق افراد با گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی مختلف اتخاذ می‌شوند، از اجزای لاینفک حق بهره جوئی قربانی اند.

دولت ها باید:

(الف) راهکارهای لازم قانونی را از راه بازبینی و اصلاح قوانین و سیاست‌ها ایجاد کنند تا اطمینان حاصل شود که قربانیان نقض حقوق بشر، به خاطر گرایش جنسی و هویت جنسیتی، به تشییعی کامل از راه جبران خسارت، توان‌بخشی، درمان، و ضمانت عدم تکرار، و یا هر راه مناسب دیگری، دسترسی دارند؛

(ب) اطمینان حاصل کنند که روش‌های جبرانی و درمانی در زمان مناسب اجرا می‌شوند؛

(ج) تضمین کنند که نهادهای کارآمد و استانداردهای مناسب برای آماده‌سازی روش‌های درمانی و جبرانی ایجاد شده‌اند و همه کسانی که به مسائل مختلف نقض حقوق بشر بر پایه گرایش جنسی و هویت جنسیتی

می پردازند از آموزش کافی بهره بردند؛

(د) تضمین کنند که افراد به کلیه اطلاعات لازم درباره روند و شیوه جستجوی درمان و بهبودی دستررسی دارند؛

(و) تضمین کنند که کمک مالی برای کسانی که توانایی برآمدن از پس هزینه‌های درمانی را ندارند، فراهم است و اینکه سایر موانع برای تضمین چنین درمانی، چه مالی و چه غیر از آن، از میان برداشته شده‌اند،

(ه) تضمین کنند که برنامه‌های آموزشی و آگاهی سازی، از جمله برنامه‌های مربوط به معلمان و دانش آموزان در کلیه سطوح آموزش عمومی، بخش‌های حرفه‌ای، و نیز برنامه‌های آموزشی ناقضان بالقوه حقوق بشر، در راستای افزایش احترام و حمایت از استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر با توجه به این اصول، و همچنین رویارویی با دیدگاه‌های تبعیض آمیز بر اساس گرایش جنسی یا هویت جنسیتی، برگزار می‌شود.

اصل ۲۹. مسئولیت پذیری

تمام کسانی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم، حقوق انسانی‌شان، از جمله حقوقی که در این اصول به آن‌ها پرداخته شده است، نقض شود حق دارند کسانی را که مستقیم یا غیرمستقیم باعث نقض حقوقشان شده‌اند، چه مقامات حکومتی باشند و چه نباشند، رئیس اعمالشان تلقی کنند و شاهد مجازاتشان به گونه‌ای متناسب با شدت نقض حقوق آنها، باشند. هیچ گونه معافیت از مجازات برای ناقضان حقوق بشر در رابطه با گرایش جنسی یا هویت جنسیتی نباید وجود داشته باشد.

دولت‌ها باید:

(الف) راهکارهای مناسب، قابل دستررس و کارآمد کیفری، مدنی مناسب و نیز شیوه‌های نظارتی کارآ برای اطمینان حاصل کردن از تعقیب مدنی و کیفری کسانی که مرتكب نقض حقوق بشر، مرتبط با گرایش جنسی یا هویت جنسیتی شده‌اند، اتخاذ کنند؛

(ب) اطمینان حاصل کنند که مرتكبان جرایمی که به خاطر گرایش جنسی یا هویت جنسیتی فرد قربانی صورت گرفته، از جمله جرایمی که در این اصول به آن‌ها اشاره شده است، به سرعت و دقیقت مورد رسیدگی، و در صورت کشف مدارک و اسناد جرم، آماج پیگرد، محکمه و مجازات متناسب قرار می‌گیرند؛

(پ) نهادها و روندهای مستقل و موثری را برای نظارت بر شکل گیری و اجرای قوانین و سیاست‌ها ایجاد کنند تا از رفع تبعیض بر پایه گرایش جنسی یا هویت جنسیتی اطمینان حاصل شود؛

(د) هر گونه عاملی را که مانع تعقیب مدنی و کیفری مرتكبان نقض حقوق انسانی افراد، بر پایه گرایش جنسی و هویت جنسیتی شان، می‌شود، از میان بردارند.

توضیحات و پیشنهادهای تکمیلی

اعضای هرجامعه ای و جامعه بین‌المللی مسئولیت‌هایی درباره تحقیق بخشیدن به حقوق بشر دارند، بنابراین توصیه می‌کنیم که:

الف) کمیسarıای عالی حقوق بشر سازمان ملل با استقبال از این اصول از اجرای آن‌ها در سراسر جهان حمایت کند، و این اصول را در دستور کار دفتر کمیسarıای عالی حقوق بشر، در سطح فعالیت‌هاییش در سراسر جهان.

ب) شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز با تأیید این اصول به موارد نقض حقوق بشر بر اساس گرایش جنسی یا هویت جنسیتی به نحوی جدی رویرو شود و دولت‌های جهان را نیز به پیروی از این اصول فراخواند؛

پ) آئین‌نامه‌های ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز باید به موارد نقض حقوق بشر بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسیتی توجهی جدی نشان دهند و این اصول را هنگام اجرای مسئولیت‌های خود در نظر داشته باشند؛

ت) شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل، با توجه به قطعنامه ۳۱/۱۹۹۶، سازمان‌های غیردولتی که هدف‌شان ارتقا و حفاظت از حقوق انسانی افراد با گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی مختلف است به رسمیت و معترض بشناسد؛

ث) بخش‌های گوناگون پیمان حقوق بشر سازمان ملل متحد قاطعانه این اصول را در آئین‌نامه‌های ویژه خود ادغام کنند، از جمله در رویه‌های قضائی و در بررسی گزارش‌های دولتی و در صورت لزوم به نگارش و ارائه ملاحظات خود و متون تفسیری مشابهی بپردازند که ناظر بر تأمین حقوق بشر افرادی هستند که دارای گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی گوناگون‌اند.

ج) سازمان جهانی بهداشت و برنامه‌های «ایدز» سازمان ملل رهنمودهایی درباره چگونگی تدارک خدمات درمانی و مراقبت‌های پزشکی مناسبی ارائه کنند که پاسخگوی نیازهای بهداشتی افراد درباره گرایش جنسی یا هویت جنسیتی‌شان باشد آن‌هم در قالب احترام کامل به حقوق و شرافت انسانی آنها؛

چ) کمیسarıای عالی پناهندگان سازمان ملل این اصول را در تلاش‌های خود برای محافظت و حمایت از افرادی ادغام کند که آماج تبعیض به خاطر گرایش جنسی و هویت جنسیتی بوده اند یا در این زمینه نگرانی‌های موجه و جدی دارند. و نیز اطمینان حاصل کنند که هیچ فردی به خاطر گرایش جنسی یا هویت جنسیتی‌اش در مورد دریافت کمک‌ها و خدمات بشردوستانه یا تعیین وضع پناهندگی‌اش مورد تبعیض قرار نمی‌گیرد؛

ح) سازمان‌های بین‌المللی منطقه‌ای و شاخه‌های آن‌ها، با توجه به تعهدی که به حقوق بشر و نیز به نهادهای منطقه‌ای حقوق بشری دارند، اطمینان حاصل کنند که تقویت این اصول برای اجرای رهنمودهای مربوط به مکانیزم‌ها، روندها، و سایر سیاست‌ها و تصمیم‌های مربوط به حقوق بشر، ضروری است؛

خ) دادگاههای حقوق بشر منطقه‌ای آن اصولی را که به معاهده‌های حقوق بشر مربوطند در رویه های قضایی خود درباره گرایش جنسی و هویت جنسیتی ادغام کنند؛

د) سازمان‌های غیر دولتی که درزمنینه مسائل حقوق بشر در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی کار می‌کنند، احترام به این اصول را در چارچوب وظائف ویژه خود بشمرند؛

ذ) سازمان‌های انسان مدار این اصول را در برنامه های انسان دوستانه یا امدادگرانه خود بگجانند و از اعمال تبعیض علیه افراد به خاطر گرایش جنسی یا هویت جنسیتی‌شان در زمینه کمکرسانی و سایر خدمات پرهیز کنند؛

ر) سازمان‌های ملی حقوق بشر تصمیم گیران بخش دولتی وخصوصی را به محترم شمردن و رعایت این اصول تشویق کنند و در فعالیت های شان حقوق انسانی افراد با گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی مختلف را منظور دارند؛

ز) سازمان‌های حرفه‌ای، از جمله آن‌هایی که در بخش‌های حقوقی، پزشکی، کیفری یا مدنی یا بخش‌های آموزشی کار می‌کنند، با بازنگری در فعالیت‌ها و راهکارها و آین نامه‌های خود از تحقق این اصول حاصل کنند؛

س) سازمان‌های تجاری به نقش مهمی که در دو حوزه تضمین احترام به این اصول، با توجه به نیروی کار خودشان، و در ارتقای این اصول به لحاظ ملی و بین‌المللی دارند، آگاه باشند و برای تحقق آنها به جدّ عمل کنند؛

ش) رسانه‌های مردمی، ضمن رد و نفی اعتبار کلیشه‌های مرتبط با گرایش جنسی یا هویت جنسیتی، به افزایش آگاهی مخاطبان خود نسبت به ضرورت پذیرش تکثر گرایش جنسی و هویت جنسیتی افراد بپردازند؛

ص) سرمایه‌گذاران دولتی و خصوصی، با ارائه کمک های مالی به سازمان‌های غیر دولتی، آن‌ها را به حفاظت از حقوق افراد با گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی مختلف ترغیب کنند؛

این اصول و پیشنهادها، بازتابنده کاربرد قوانین حقوق بشر بین‌المللی در زندگی و تجربه افراد با گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی مختلف اند. هیچ یک از این اصول نباید به گونه‌ای تفسیر شود که حقوق و آزادی‌های چنین افرادی را که در قوانین ملی، منطقه‌ای یا بین‌المللی به رسمیت شناخته شده اند محدود یا تضعیف کند.

امضاکنندگان اصول یوگیاکارتا

- استرالیا، گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد اعدام‌های فرماقونی، خودسرانه و شتابزده، و استاد حقوق، در دانشگاه نیویورک، آمریکا.

- مولداوی، منطقه اروپایی انجمن بین‌المللی زنان و مردان هم‌جنس‌گرا.
Maxim Anmeghichean
Mauro Cabral - آرژانتین، پژوهشگر دانشگاه ملی کوردوبا، آرژانتین، کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر زنان و مردان هم‌جنس‌گرا.

- آفریقای جنوبی، قاضی دادگاه عالی تجدید نظر، بلومفانتین، آفریقای جنوبی.
Edwin Cameron
- برزیل، محقق انجمن میان‌رشته‌ای ایدز و رئیس دیدهبان سیاست‌های جنسیتی.
Sonia Onufer Corrêa
Yakin Ertürk - ترکیه، گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان، استاد دانشکده جامعه‌شناسی، خاورمیانه،
دانشگاه پلی‌تکنیک خاورمیانه، آنکارا، ترکیه.

- استرالیا، عضو سابق و رئیس کمیته سازمان ملل در زمینه رفع تبعیض علیه زنان،
عضو سابق کمیته حقوق بشر سازمان ملل و کمیسار کمیسیون بین‌المللی حقوق‌دانان.
Elizabeth Evatt

- نیوزلند، گزارشگر ویژه سازمان ملل در زمینه حق دسترسی به بالاترین استاندارد
سلامتی، استاد دانشکده حقوق دانشگاه اسکس، انگلستان

- پاکستان، رئیس کمیسیون حقوق بشر پاکستان
Asma Jahangir
Maina Kiai - کنیا، رئیس کمیسیون ملی حقوق بشر کنیا

- هندوستان، گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره حقوق بھرمندی از اسکان مطلوب،
Miloon Kothari

- انگلستان، محقق ارشد، مرکز حقوق بشر، دانشگاه اسکس، انگلستان،
Judith Mesquita
Alice M. Miller - ایالات متحده آمریکا، استادیار، مدرسه بهداشت عمومی، رئیس برنامه حقوق بشر،
دانشگاه کلمبیا، آمریکا

- بوتسوانا، قاضی دادگاه دیوان عالی (جمهوری گامبیا)، رئیس
کمیسیون حقوق بشر آفریقا، رئیس کمیته پیگیری اجرایی در زمینه پیگیری اجرای اصول جزیره رو بن در
مورد متنوعیت و پیشگیری از شکنجه و رفتارها یا مجازات‌های غیرانسانی و تحقیرآمیز.

- تایلند، گزارشگر ویژه سازمان ملل در زمین و ضعیت حقوق بشر در جمهوری
Vitit Muntarbhorn

کره و استاد حقوق در دانشگاه چولالونکور (دستیار رئیس‌دیدارهای کارشناسان).

- کنیا، عضو کمیسیون ملی حقوق بشر کنیا Lawrence Mute

- اتریش، گزارشگر ویژه سازمان ملل در زمینه شکنجه و رفتارها یا مجازات‌های غیرانسانی و تحقیرآمیز، عضو کمیسیون بین‌المللی حقوق‌دانان، استاد حقوق بشر دانشگاه وین، اتریش و رئیس موسسه حقوق بشر لودویگ بولتزمن.

- کاستاریکا، وکیل فمینیست، فعال حقوق بشر و مشاور بین‌المللی، Ana Elena Obando Mendoza

- ایرلند، عضو کمیته حقوق بشر سازمان ملل و استاد حقوق بشر کاربردی و رئیس مرکز حقوق بشر در دانشگاه ناتینگهام، انگلستان (گزارشگر توسعه اصول یوگی‌اکارتا)

- نپال، رئیس انجمن الماس آبی، Nipal Sunil Pant

- بلغارستان، مدیر اجرایی، صندوق حقوق برابر Dimitrina Petrova

- اندونزی، گزارشگر ویژه سازمان ملل در اتحاد بین‌المللی و مربی ارشد و نایب رئیس مرکز علمی دانشکده حقوق دانشگاه Padjadjaran اندونزی، Rudi Mohammed Rizki

- ایرلند، بنیانگذار مؤسسه دستیابی به حقوق: طرح اخلاقی جهانی‌شدن، رئیس پیشین ایرلند و کمیونر عالی حقوق بشر سازمان ملل، Mary Robinson

- صربستان، عضو کمیته حقوق بشر سازمان ملل در زمینه کودکان و رئیس مرکز حقوق کودکان، بلگراد، صربستان Nevena Vuckovic Sahovic

- فنلاند، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در زمینه مقابله با تروریسم، استاد حقوق اساسی و بین‌المللی و رئیس انسٹیتوی حقوق بشر، دانشگاه ابو‌آکادمی، فنلاند Martin Scheinin

- چین، بنیانگذار پژوهش AIZHI ، رئیس موسسه آموزش بهداشت Wan Yanhai پکن.

- انگلستان، استاد حقوق برابری در دانشگاه متزوپولیتن منچستر، انگلستان Stephen Whittle

- لهستان، عضو کمیته حقوق بشر سازمان ملل و رئیس مرکز حقوق بشر Roman Wieruszewski پُزنان، لهستان.

- کانادا و انگلیس، استاد حقوق بشر، کینگز‌کالج لندن، انگلستان Robert Wintemute

۱- «گرایش جنسی» به معنای کشش عمیق احساسی و جنسی و ارتباط صمیمانه‌ی نزدیک و جنسی با افراد غیرهمجنس، یا همجنس، و یا با هر دو جنس.

۲- «هویت جنسیتی» به معنای آگاهی عمیق و شخصی هر فرد از جنسیت خویش که ممکن است با جنس او در هنگام تولد و یا با دریافت حسی که فرد از تن و اعضای بدن خود دارد، و دیگر رفتارهای جنسیتی نظیر شیوه پوشاندن، گفتار، و آداب معاشرت همخوانی نداشته باشد.

کتاب‌شناسی تفصیلی

پیش زمینه‌های فرهنگ خشونت‌های جنسیتی، فقر و روانشناسی:

Afkhami, Mahnaz, ed. *Faith and Freedom: Women's Human Rights in the Muslim World*. Syracuse, NY: Syracuse University Press, ۱۹۹۰.

دانشگاهیان و فعالین اجتماعی با بررسی ساختارهای پدرسالارانهای که حقوق انسانی زنان را نقض می‌کنند نشان می‌دهند که چگونه تبعیض و خشونت از تفسیر متکلمان مرد از دین حاصل می‌شود و تبعیض جنسیتی و قوانین تفرقه‌افکن به همراه می‌آورد. همچنین آن‌ها به نحوه توانمندسازی زنان جهت ارائه بازتعاریفی از فرهنگ خود، تعیین اولویت‌ها و شرکت در روند سیاسی می‌پردازند.

Afkhami, Mahnaz and Friedl, Erika, eds. *Muslim Women and the Politics of Participation: Implementing the Beijing Platform*. Syracuse, NY: Syracuse University Press, ۱۹۹۷.

دانشگاهیان و فعالین اجتماعی برای اجرای تصمیمات «نشست پکن جهت عمل به مفاد چهارمین کنفرانس سازمان ملل درباره زنان در سال ۱۹۹۵» طرح‌هایی ارائه می‌کنند. پیشنهادهای آنان برای توانمندسازی زنان مسلمان مجموعه‌ای است از مطالعه انتقادی منابع تا آگاه‌ساختن آنان از امر آموزش حقوق بشر و همکاری با سازمان‌های غیردولتی و بین‌المللی.

Ahmadi Khorasani, Noushin. *Iranian Women's One Million Signatures Campaign for Equality: The Inside Story*. Bethesda, MD: Women's Learning Partnership for Rights, Development and Peace, ۲۰۰۹.

یکی از بنیان‌گذاران کمپین، جزئیات خاستگاه، استراتژی و همچین فلسفه شکل‌گیری جنبش مردمی مبارزه برای برابری زنان در ایران را که از سال ۲۰۰۶ آغاز شده، شرح می‌دهد و روشی برای حذف موانع فرهنگی، سیاسی، اقتصادی-اجتماعی در راستای بهبود حقوق بشر توسط شهروندان ارائه می‌کند.

AWID, ed. *Feminists on the Frontline: AWID Case Studies of Resisting Fundamentalisms*. Toronto, Canada: Association for Women's Rights in Development, ۲۰۱۰.

انجمن حقوق زنان در توسعه (AWID) هجده مطالعه موردى از زنان سراسر جهان را که بنیادگرایی سنت‌های عقیدتی گوناگون را به چالش کشیده‌اند، گردآوری کرده است تا بر جایگاه مؤثر دین در تعریف و همچنین امکان انکار حقوق بشر را تأکید کند و در عین حال، استراتژی‌های فعالین اجتماعی را برای تضمین برابری و منزلت همه افراد برجسته نماید.

Bancroft, Lundy. *Why Does He Do That?: Inside the Minds of Angry and Controlling Men*. New York, NY: The Berkley Publishing Group, ۲۰۰۲.

یکی از سرپرست‌های سابق برنامه *Emerge* (اولین برنامه مشاورها تجاوزگران در ایالات متحده آمریکا) به علت دستزدن مردان به خشونت خانگی می‌پردازد. او نشانه‌های هشداردهنده پیش از وقوع آزار را بر می‌شمارد، گونه‌های شخصیتی متباختان را دسته‌بندی می‌کند و اعتقادات فرد متباخت را توضیح می‌دهد، و بررسی می‌کند که چگونه یک زن می‌تواند کنترل زندگی خود را بازپس بگیرد و یا مردی رفتارش را تغییر بدهد.

Ertürk, Yakin. “**Intersections between Culture and Violence against Women.**” Report of Special Rapporteur on Violence against Women, Its Causes and Consequences. UN Human Rights Council. ۲۰۰۷. A/HRC/۴//۳۴.

گزارشگر ویژه مدعی است که توجیه‌های مبتنی بر فرهنگ در باب نقض حقوق زنان، اساس سیاسی و اقتصادی پویایی فرهنگ را نادیده می‌گیرد و از بین می‌برد. او با دنبال‌کردن چگونگی ظهور هنجارهای بین‌المللی که حق زیستن آزادانه بدون خشونت جنسیتی را به رسمیت می‌شناسند، وجه پنهان فرهنگ را آشکار می‌کند و توضیح می‌دهد که چگونه جنبش‌های زنان توانستند گفتمان اعلامیه جهانی حقوق بشر را با خود همراه کنند تا به امر خشونت بپردازد.

Ertürk, Yakin. “**Political Economy of Women’s Rights.**” Report of the Special Rapporteur on Violence against Women, Its Causes and Consequences. UN Human Rights Council. ۲۰۰۹. A/HRC/۱۱/۶.

گزارشگر ویژه مدعی است که نظام نؤلیپرال بر رواج خشونت علیه زنان و تلاش‌های انجام‌شده برای از بین بردن آن تاثیرگذار بوده است، چرا که قدرت چه در اجراء و چه در روابط تولید عمل می‌کند. او معتقد است که این رویکرد اقتصاد سیاسی فقر زنان و حذف آنان از روند تصمیم‌گیری را مد نظر قرار می‌دهد، از رفتار ایزوله‌ی خشونت‌آمیز دوری می‌کند و چارچوبی در اختیار دولتها و دیگر فعالین می‌گذارد تا به وظایف خود در زمینه حقوق بشر زنان عمل کنند.

Greiff, Shaina. *No Justice in Justifications: Violence against Women in the Name of Culture, Religion, and Tradition.* The Global Campaign to Stop Killing and Stoning Women (SKSW) and Women Living Under Muslim Laws, ۲۰۱۰.

این نویسنده، کمپین SKSW را با همکارانی از سنگال، افغانستان، نیجریه، پاکستان و ایران معرفی می‌کند تا رابطه میان فرهنگ و خشونت علیه زنان را بررسی کند. او همچنین به ارزیابی تلاش‌های صورت گرفته در مبارزه با خشونت و ناهنجاری‌های جاری به نام دین و فرهنگ می‌پردازد، تلاش‌هایی که شامل تفاسیر مترقی از دین، فعالیت‌های جامعه مدنی، دلالت‌های سازمان ملل و نظارت بر پاسخ‌گویی دولت می‌شوند.

Kapadia, Karin, ed. *The Violence of Development: The Politics of Identity, Gender & Social Inequalities in India.* London, UK and New York, NY: Zed Books, ۲۰۰۳

پژوهشگران رشته‌های علمی گوناگون به تحقیق در باب اوضاع فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زنان هند می‌پردازند و توضیح می‌دهند که علی‌رغم رشد شاخص‌های سواد و اشتغال، مشکلات زنان و خیلی‌تر شده است. این نویسنده‌گان توضیح می‌دهند که چگونه پویایی توسعه اقتصادی، ارزش‌های مردسالارانه را ترویج و گسترش می‌دهد و موجب افزایش خشونت علیه زنان در هر صنف و طبقه‌ای

می‌شود.

Katz, Jackson. *The Macho Paradox: Why Some Men Hurt Women and How All Men Can Help*. Naperville, IL; Sourcebooks, ۲۰۰۶.

یکی از بنیان‌گذاران برنامه «مربیان پیشگیری از خشونت» (MVP) می‌گوید از آنجا که تجاوز، آزار و سوءاستفاده‌های جنسی بسیار عادی شده‌اند، باید آن‌ها را بیشتر به عنوان بیماری‌ای که در فرهنگ ما ریشه دوانده ببینیم تا مشکل افراد خاطری. با بررسی محیط‌هایی چون تیم‌های ورزشی و ارتش، نویسنده از مردان برای جلوگیری از خشونت یاری می‌طلبد. او از آن‌ها می‌خواهد تا با زن‌ستیزی مقابله کنند و برای افزایش آگاهی آن‌ها، برنامه‌ها و تمرین‌هایی از الگوی MVP ارائه می‌کند.

Kristof, Nicholas D. and WuDunn, Sheryl. *Half the Sky: Turning Oppression into Opportunity for Women Worldwide*. New York, NY: Vintage Books, ۲۰۱۰ ed.

این روزنامه‌نگاران به فشار‌های وارد به زنان و دختران در جوامع گوناگون مثل افغانستان، کامبوج و اتیوپی می‌پردازند و بر روی تلاش‌های فردی جهت شکوفایی توانایی‌های اقتصادی زنان که نیمی از جمعیت هستند مرکز می‌شوند. به نظر آن‌ها زنان بزرگ‌ترین منبع کشفنشده در سراسر جهان هستند و توامندسازی آنان، امری اخلاقی و اقتصادی ضروری است. آن‌ها نشان می‌دهند که چیز‌های کوچک چه طور می‌تواند به تغییر زندگی زنان و دخترانی کمک کند که در کشورهای مختلف به سر می‌برند و معتقدند که آموزش زنان و حضورشان در اقتصاد رسمی، آنان را قادر می‌سازد تا به مبارزه با خشونت‌های جنسیتی و همچنین فقر بپردازنند.

Phillips, Beth and Phillips, Debby A. “Learning from Youth Exposed to Domestic Violence: Decentering DV and the Primacy of Gender Stereotypes.” *Violence Against Women*. Vol. ۱۶, No. ۳, March ۲۰۱۰.

این نویسنده‌گان که روی نحوه نگرش شاهدان جوان خشونت‌های خانگی به تجربیاتشان مطالعه کرده‌اند، به این نکته پی می‌برند که جوانان برای رفتارهایی که اغلب در مقابله با آموزش‌ها و راحمل‌های موجود برای وفق‌دادهشدن است، به کلیشه‌های جنسیتی متولّ می‌شوند. آن‌ها در می‌یابند که دخالت‌های رسمی متخصصان با هنجارهای جنسیتی جوانان در تصادم است، اما تعاملات ناخواسته آن‌ها سهوا هویت‌ها و رفتارهای کلیشه‌ای را گسترش می‌دهد.

Raj, Anita and Silverman, Jay. “Violence against Immigrant Women: The Roles of Culture, Context and Legal Immigrant Status on Intimate Partner Violence.” *Violence Against Women*. Vol. ۸, No. ۳, March ۲۰۰۲.

نویسنده‌گان این کتاب با بررسی منابع حقوقی، پژوهشی و علوم اجتماعی نتیجه می‌گیرند که اطلاعات اندک موجود درباره خشونت شریک زندگی علیه زنان مهاجر نشانگر فرهنگ، محیط و جایگاه‌های حقوقی‌ای است که آنان را در مقابل متجاوزان و خاطیان آسیب‌پذیر کرده و کمکرسانی به آنان را دشوار نموده است. با این حال، دو مورد اول جزء موارد قابل تغییرند و سیاست‌گذاران می‌توانند از آنان جهت خدمات بهتری برای این زنان استفاده کنند.

Sokoloff, Natalie J., ed. with Pratt, Christina. *Domestic Violence at the Margins: Readings on Race, Class, Gender, and Culture*. Rutgers, NJ: Rutgers University

Press, ۲۰۰۵.

محققان رشته‌های مختلف مباحث خشونت خانگی را با نگاهی بر فشارهای ساختاری بر زنان امریکایی‌ای که به خاطر نژاد، قومیت، دین، جنسیت و طبقه به حاشیه رانده شده‌اند، گسترش می‌دهند. آن‌ها با تأکید بر نحوه ارتباط نسبت‌های قدرت و دسترسی به خدمات می‌گویند که امتیازهای مبتنی بر عوامل مذکور باید به همراه سوءاستفاده از زنان و کودکان بررسی شوند.

Tomsen, Stephen. “A Top Night: Social protest, masculinity and the culture of drinking violence,” in Stanko, Elizabeth A., ed. *Violence*. Hampshire, England and Burlington, VT: Ashgate Publishing Limited, ۲۰۰۲.

در مطالعه قومنگاری این جرم‌شناس روی ضربوشتمن در نوشگاه‌های عمومی، رابطه میان خشونت، هویت مردانه و مصرف الکل در برخوردهای اجتماعی بررسی می‌شود. او نشان می‌دهد که بسیاری از این مشتریان، شرکت خود در رفتارهای ناهمجارت و خشونت‌آمیز را به عنوان یک تفریح، سرکشی اجتماعی و سرپیچی از اخلاقیات طبقه متوسط می‌بینند، که به آن‌ها حس رهایی، سرخوشی و سرور می‌دهد.

Vaziri, Haleh, ed. *Strategizing for Safety: Essays from the Expert Group Meeting on Eliminating Violence Against Women and Girls*. Bethesda, MD: Sisterhood Is Global Institute (SIGI), ۱۹۹۹.

متخصصانی با فرهنگ‌ها و تخصص‌های مقاومت به تحلیل موضوعات نظری، تجربی و عملی‌ای می‌پردازند که تلاش‌ها برای حذف خشونت جنسیتی را در بر گرفته‌اند. آن‌ها با هم‌فکری هم، راه حل‌هایی جهت جلوگیری، مقاومت و مقابله با آثار نقض حقوق بشر علیه زنان و دختران ارائه می‌کنند.

مبارزه با خشونت جنسیتی و برای تندرستی به عنوان یک حق انسانی:

Firth Murray, Anne. *From Outrage to Courage: Women Taking Action for Health and Justice*. Monroe, Maine: Common Courage Press, ۲۰۰۸.

ریس مؤسسه صندوق جهانی زنان، سوءاستفاده‌هایی را که زنان متحمل شده‌اند به تفصیل شرح می‌دهد تا دلایل بروز آن‌ها را روشن کند؛ سوءاستفاده‌هایی مانند سقط جنین، ازدواج کودکان، بردگی جنسی و قتل برای مهریه یا قتل‌های ناموسی. او همچنین برای نشان‌دادن بخش روشن و امیدوارکننده ماجرا، به مواردی از فعالیت‌های ریشه‌ای زنان در راستای مبارزه برای بهداشت و عدالت می‌پردازد.

Garcia-Moreno, Claudia; Watts, Charlotte; Jansen, Henriette; Ellsberg, Mary; and Heise, Lori. “Responding to Violence against Women: WHO’s Multicountry Study on Women’s Health and Domestic Violence.” *Health and Human Rights*. Vol. ۶, No. ۲, ۲۰۰۳.

نویسنده‌گان یافته‌های مطالعه سازمان بهداشت جهانی (WHO) درباره کشورهای بنگلادش، برباد، ژاپن، نامبیا، پرو، ساموا، تانزانیا و تایلند که در سال ۱۹۹۸ انجام گرفت را بررسی می‌کنند. ایشان تأکید می‌کنند که همکاری میان محققان و سازمان‌های زنان برای جمع‌آوری اطلاعات درباره وسعت، دلایل و تأثیر سوءرفتار خانگی موجب پیشرفت تلاش‌ها برای مبارزه با خشونت علیه زنان می‌گردد.

Guedes, Alessandra C.; Bott, Sarah; Güezmes, Ana; and Helzner, Judith F. "Gender-Based Violence, Human Rights, and the Health Sector: Lessons from Latin America." *Health and Human Rights*. Vol. 6, No. 2, 2002.

نویسنده‌گان نکاتی را از پژوهش‌ای مطرح کرده‌اند که موضوع خشونت جنسیتی را در خدمات کلینیک‌های باروری و بهداشت جنسی در جمهوری دومینیکن، پرو و ونزوئلا بررسی کرده بودان‌ها به موارد پیش رو اشاره می‌کنند: جاهایی که تلاش کلینیک‌ها جهت دنبال کردن رویکردی حقوق بشری در خدمات ناقص است؛ نیاز به قرار دادن خشونت جنسیتی در حق مراقبت و حمایت از بازماندگان؛ عوامل اجتماعی-اقتصادی و سیاسی که بر بهداشت زنان مؤثر است؛ بهبود مراقبت‌ها با تأکید بر حقوق بشر و نگرشی همه‌جانبه به خدمات.

Heise, Lori L., with Pitanguy, Jacqueline and Germain, Adrienne. *Violence against Women: The hidden health burden*. Washington, DC: World Bank, 1994.

نویسنده‌گان به گردآوری اطلاعات خشونت جنسیتی در سراسر جهان می‌پردازنند که نشان می‌دهد خشونت خانگی، سوءاستفاده جنسی، تجاوز، قطع عضو و قتل‌های زنان هم باید به عنوان مسئولیت‌خطیری در کنار دیگر مشکلات موجود جهانی در حوزه بهداشت و سلامت درنظر گرفته شود. همچنین پیشگیری، اصلاح نظام کیفری، واکنش‌های بخش بهداشت و سلامت و برنامه‌های مددکاری به قربانیان و بازآموزی عاملان را بررسی می‌کنند، و در عین حال تأکید دارند که ورای درمان علائم، به ریشه‌های علی چنین رفتارهای خشونت‌آمیزی هم باید پرداخته شود.

Miller, Elizabeth; Decker, Michele R.; Silverman, Jay G.; and Raj, Anita. "Migration, Sexual Exploitation, and Women's Health: A Case Report from a Community Health Center." *Violence Against Women*. Vol. 13, No. 5, May 2007.

نویسنده‌گان با تمرکز بر یک زن قربانی قاچاق که در سیستم بهداشت و درمان امریکا شناسایی شده است، تلاش دارند تا عواقب بهداشتی و اجتماعی حدود ۵۰ هزار زن و کودکی که سالانه به ایالات متحده قاچاق می‌شوند را به تصویر بکشند. با تحلیل خطر کشیده شدن پای این قربانیان به فحشا و چالش‌های موجود در مسیر دستیابی به نیازهای اینمی و بهداشتی، از آموزش و تربیت متخصصان بهداشت و درمانی حمایت می‌کنند که به طور خاص به شناسایی و یاری رساندن به قربانیان قاچاق پردازنند.

Murthy, Padmini and Lanford Smith, Clyde, eds. *Women's Global Health and Human Rights*. Sudbury, MA; Ontario, Canada; and London, UK: Jones and Bartlett Publishers, 2010.

فعالان و دست‌اندرکاران پژوهشکی، حقوقی و حقوق بشری به ارزیابی چالش‌های بهداشت و درمان زنان و دختران در کشورهای در حال توسعه می‌پردازند (خشونت‌هایی نظیر کشتن نوزاد، اجبار به عقیم شدن و ناباروری، قاچاق و جنگ) تا بر رابطه میان سطح رفاه زنان و حمایت از حقوق بشر را تأکید کنند.

Phinney, Alison and de Hovre, Sarah. "Integrating Human Rights and Public Health to Prevent Interpersonal Violence" *Health and Human Rights*. Vol. 6, No. 2, 2003.

دو مأمور فنی بخش پیشگیری از خشونت و آسیب سازمان بهداشت جهانی سلامت عمومی و رویکردهای حقوق بشری بر خشونت‌های فردی و تبیین اهداف و استراتژی‌های مشترک آن‌ها را بررسی می‌کنند. به

نظر این نویسنده‌گان ادغام این رویکردها از جمله معاہدات بین‌المللی برای تلاش‌های پیشگیرانه، منجر به تسهیل جوابی ماندگارتر برای خشونت می‌شود.

Velzeboer, Marijke; Ellsberg, Mary; Clavel Arcas, Carmen; and García- Moreno, Claudia. *Violence Against Women: The Health Sector Responds*. Washington, DC: Pan American Health Organization (PAHO), ۲۰۰۳.

نویسنده‌گان کتاب بر نیاز به رسیدگی به سلامت و بهداشت زنان در معرض خطر و قربانی خشونت جنسیتی تأکید و به پیشرفت‌های موجود در این زمینه به خصوص در کشورهای امریکای مرکزی اشاره می‌کنند. با توجه به تحقیقات به عمل آمده از بازماندگان و فعالان منطقه، پیشنهادهایی برای همکاری حوزه بهداشت و درمان، دولت و دیگر بخش‌های جامعه جهت مقابله مستقیم با خشونت جنسیتی و تضمین حمایت‌های لازم از زنان آسیب‌دیده جهت رفع گرفتاری‌های شخصیشان ارائه می‌شود.

World Health Organization and Joint United Nations Programme on HIV/ AIDS (UNAIDS). *Addressing Violence against Women and HIV/AIDS: What works?* Geneva, Switzerland: World Health Organization (WHO), ۲۰۱۰.

گروهی از محققان، سیاست‌گذاران و فعالیت‌های موجود در گسترش و اعمال استراتژی‌های ملی و بین‌المللی حول ارتباط میان خشونت علیه زنان و HIV می‌پردازند و پیشنهادهایی در این راستا ارائه می‌کنند.

World Health Organization and London School of Hygiene and Tropical Medicine. *Preventing Intimate Partner and Sexual Violence against Women: Taking action and generating evidence*. Geneva, Switzerland: World Health Organization (WHO), ۲۰۱۰.

این کتاب راهنمای اطلاعات و پیشنهادهایی برای طراحی برنامه‌های جمع‌آوری اطلاعات بر اساس شواهد جهت جلوگیری از خشونت شریک جنسی علیه زنان ارائه می‌کند.

آزار زبانی در خانه، فضاهای عمومی و محیط کار:

Bowman, Cynthia Grant. "Street Harassment and the Informal Ghettoization of Women." *Harvard Law Review*. Vol. 106, No. 3, January 1993.

نویسنده به آسیب‌هایی که با آزار جنسی متوجه زنان و جامعه شده است می‌پردازد و روش‌های حقوقی جدیدی را برای گشودن عرصه عمومی برای زنان ارائه می‌کند: ۱. تصویب قانون یا احکامی علیه آزار و اذیت و ۲. راهاندازی کمپین دادخواهی جهت بازتعریف بزه‌های تجاوز، ایجاد عامدانه ناراحتی و پریشانی روحی، نقض حریم خصوصی تا این موارد شامل آزار و اذیت هم شوند. با وجود چالش‌های بالقوه قانونی، نویسنده معتقد است که این موارد گام‌های ابتدایی برای به رسمیت شناختن قانونی باری است که آزار و اذیت‌های خیابانی بر زنان وارد کرده است.

Evans, Patricia. *The Verbally Abusive Man, Can He Change?: A Woman's*

Guide to Deciding Whether to Stay or Go. Avon, MA: Adams Media, ۲۰۰۶.

نویسنده که چهار اثر دیگر هم در این زمینه دارد، سوءاستفاده کلامی را تعریف می‌کند و مشاوره‌هایی عملی به قربانیان و خاطیان این امر ارائه می‌کند. با مطرح کردن نمونه‌هایی از زنان قربانی و مردان خاطی، او نشان می‌هد که ۱. چگونه یک رابطه مبتنی بر سوءاستفاده و تعرض را تغییر دهیم، ۲. چگونه مطمئن شویم که فرد خاطی واقعاً تغییر کرده است؛ ۳. آیا باید زن باید یک رابطه را ترک کند؟ چه زمانی؟ چگونه؟

Fairchild, Kimberly and Rudman, Laurie A. "Everyday Stranger Harassment and Women's Self-Objectification." **Social Justice Research.** Vol. ۲۱, No. ۳, September ۲۰۰۸.

نویسنده‌گان نشان می‌دهند که برای زنان جوان، آزار و اذیت افراد غریبیه در فضاهای عمومی عادی شده است؛ همچنین گفته می‌شود که این معضل چه آثار منفی بر رفاه زنان دارد. به عقیده آن‌ها، زنانی که در مواجه با آزار و اذیت منفعل هستند یا خود را سرزنش می‌کنند تمايل به خود مفعول پنداشی دارند -اما کسانی که در مقابل آزار و اذیت می‌ایستند اینگونه نیستند. که این موضوع به درک آن‌ها از ریسک و ترس از تجاوز جنسی و در نهایت محدودیت‌های خودخواسته بر آزادی رفتارشان بستگی دارد.

Howerton Child, R. J. (RN, MSN) and Mentes, Janet C. (PhD, APRN, BC, FGSA). "Violence Against Women: The Phenomenon of Workplace Violence Against Nurses." **Issues in Mental Health Nursing.** Vol. ۳۱, No. ۲, February ۲۰۱۰.

نویسنده‌گان با پرداختن به خشونت‌های محل کار پرستاران، خاطرنشان می‌کنند که برای ارائه آمار دقیقی از حوادث، روش گزارش و خبررسانی کافی و مناسبی وجود ندارد و فقدان تعریف استاندارد در این زمینه جهت راهنمایی، مداخله، قانون‌گذاری و تحقیق مشهود است. از آنجا که ممکن است استخدام و حفظ پرستاران با مشکل مواجه شود، آن‌ها خواستار تحقیق بر عوامل منجر به خشونت و همچنین مداخله برای رسیدگی به این پدیده می‌شوند. تحلیل‌های آن‌ها بر میزان هزینه‌های عملی خشونت بر کارکنان و کارفرمایان تأکید دارد.

Kearl, Holly. **Stop Street Harassment: Making Public Places Safe and Welcoming for Women.** Santa Barbara, CA; Denver, CO; Oxford, England: Praeger, ۲۰۱۰.

این کارشناس تحقیقات دانشگاهی، آمارهای غیررسمی، مقالات خبری و مصاحبه‌های فعالین اجتماعی را در کنار هم قرار می‌دهد تا به تعریفی از آزار جنسی در خیابان برسد، رواج آن را بررسی کند و دریابد که در چه زمینه‌های اجتماعی روی می‌دهد و نقش عواملی چون نژاد و گرایش جنسی در وقوع آن چیست. وی با تبیین چگونگی آزار و اذیت زنان، استراتژی‌هایی عملی برای مقابله با آن و تلاش برای پایان دادن به این نقض حقوق زنان ارائه می‌کند.

Langelan, Martha J. **Back Off! How to Confront and Stop Sexual Harassment and Harassers.** New York, London, Toronto, Sydney, Tokyo, Singapore: A Fireside Book, Simon & Schuster, ۱۹۹۳.

نویسنده جایگاه جنسیت و قدرت را در آزار و اذیت‌های واقع در مکان‌های تقریحی، وسایل حمل و نقل

عمومی، خیابان، محیط کار و حتی کلیسا تحلیل می‌کند تا انگیزه‌های آزار و اذیت را بشناسد و دلایل عدم کارایی واکنش‌های سنتی نظیر مماشات یا برخورد تند در این زمینه را دریابد. با نگاهی به تجربه زنان و دختران جوانی که در مقابل مرتكبین آزار جنسی ایستاده‌اند، نویسنده استراتژی‌های ایستادگی موفق در برخورد با این مسئله را نظیر تکنیک‌های غیرخشونت‌آمیز، مقابله گروهی، برخوردهای اداری و دادخواهی و شکایت رسمی حقوقی پیشنهاد می‌دهد.

Luthar, Harsh K.; Tata, Jasmine; and Kwasiga, Eileen. "A Model for Predicting Outcomes of Sexual Harassment Complaints by Race and Gender." *Employee Responsibilities and Rights Journal*. Vol. 21, No. 1, March 2009.

نویسنده‌گان در این کتاب خاطر نشان می‌کنند که اندیشمندان رفتارهای سازمانی به قدر کافی به تأثیر نژاد بر آثار موارد آزار جنسی در محیط کار نپرداخته‌اند. با اعمال تئوری هویت اجتماعی در رفتارهای درون‌گروهی این محیط، آن‌ها ثابت می‌کنند که زنان آفریقایی-آمریکایی بیش از زنان سفید پوست تمایل دارند که رفتار منفی داشته باشند، و به این ترتیب نژاد باعث به حاشیه رفتن جایگاه سابق قربانیان و شاکیان پرونده‌های آزار و اذیت جنسی می‌شود.

Nielsen, Laura Beth. *License to Harass: Law, Hierarchy and Offensive Public Speech*. Princeton and Oxford: Princeton University Press, 2004.

نویسنده بررسی می‌کنند که آیا برچسب‌ها و سخنان نژادپرستانه و جنسی آنقدر توهین‌آمیز هستند (به طور روانی و فیزیکی باعث ایجاد حس تهدید و خطر مخاطبان می‌شوند) که غیرقانونی شوند و یا آیا اولین اصلاحیه قانون اساسی امریکا از حق آزادی بیان مرتكبین آزار و اذیت حمایت می‌کند؟ او آگاهی حقوقی شهروندان را با مطالعه ۱۰۰ زن و مرد، که بسیاری از آنان مخاطب آن برچسب‌ها و سخنان بوده‌اند، بررسی می‌کند و نتیجه می‌گیرد که سخنان نژادپرستانه و جنسی سلسله مراتب موجود را تولید و حفظ می‌کند، در حالی که قانون به عادی ساختن و توجیه این رفتارهای عمومی می‌پردازد و به نوعی «اجازه آزار و اذیت» صادر می‌کند.

Smith, Joanne; Huppuch, Meghan; and Van Deven, Mandy. *Hey Shorty! A Guide to Combating Sexual Harassment and Violence in Schools and on the Streets*. New York, NY: The Feminist Press at the City University for New York, 2011.

نویسنده‌گان کتاب (که با سازمان دختران برای برابری جنسیتی (GGE) مستقر در نیویورک کار می‌کنند) می‌گویند که آزار جنسی در تمامی دوره‌های تحصیل امری مرسوم است، اما وقتی از نوجوانان درباره تجربه خودشان پرسیده شود، می‌گویند که چنین اتفاقی نمی‌افتد. با نگرانی از معمول شدن آزار جنسی در مدارس، این فعالان الگویی به نوجوانان ارائه می‌کنند تا به یکدیگر درباره این رفتار اشتباہ بیاموزند و از تبعات آن بر شخصیت و امنیت دختران آگاه شوند و به دلایل آن بپردازند، در نتیجه، نگرش‌ها و رفتار گروه‌های اجتماعی خودشان را تغییر دهند.

Yang, Sadie and Li, Ao. "Legal Protection against Gender Discrimination in the Workplace in China." *Gender & Development*. Vol. 17, No. 2, July 2009.

نویسنده‌گان در این کتاب آثار گزارش سال ۲۰۰۵ هیأت دولت چین درباره برابری جنسیتی را که ادعا دارد نظام حقوقی از حقوق زنان شاغل حفاظت می‌کند، ارزیابی می‌کنند. آن‌ها مدعی هستند از زمانی که

نمونه‌های سنتی تعصبات جنسی غیرقانونی قلمداد شده، انواع جدید و زیرکآن‌های از تبعیض جنسی در محیط‌های کار پدید آمده است. با توجه به آمار ۲۵ شهر، این نویسندها نشان می‌دهند که چگونه در محیط‌های کار، دید موجود به زنان به آنان آسیب می‌رساند. ایشان با شناسایی نقاط ضعف قوانین برابری جنسیتی چین، پیشنهادهای ملموسی به قانون‌گذاران، نظام قضایی و حامیان بین‌المللی جهت مقابله با تبعیض در محیط کار ارائه می‌کنند.

بدرفتاری با کارگران خانگی:

Abu-Habib, Lina. "The Use and Abuse of Female Domestic Workers from Sri Lanka in Lebanon." *Gender & Development*. Vol. 6, No. 1, March ۱۹۹۸.

نویسنده می‌پرسد که چرا سازمان‌های غیردولتی فعال در امور بشر دوستانه و حقوق بشر، به خشونت‌های مبتنى بر جنسیت، نژاد و طبقه علیه کارگران خانگی سریلانکایی در لبنان بی‌توجه هستند. او در خلال گفت‌وگوهایش با کارکنان و فعالان توسعه، بی‌تفاوتو و انکار موجود را نشان می‌دهد و از نهادهای مردمی می‌خواهد تا تحقیقات میدانی روی کارکنان مهاجر انجام دهد، آگاهی‌های مردمی را افزایش دهد، افراد را از مهاجرت دلسوز و منصرف کنند و به دولت‌ها فشار بیاورند تا پیمان‌های مرتبط را امضا کنند.

Anderson, Bridget. *Doing the Dirty Work? The Global Politics of Domestic Labour*. London, UK and New York, NY: Zed Books, ۲۰۰۰.

نویسنده به بررسی زندگی زنان کشورهای فقیر و توسعه‌نیافرته که در اروپا و امریکای شمالی به عنوان کارگران خانگی مشغول به کارند می‌پردازد. با توجه به خود کارگران، اطلاعات موجود از زنان مهاجری که به عنوان کارگران خانگی به کار گمارده شده‌اند، توصیف نژادپرستی، مهاجرت و قوانین استخدامی که زندگی آن‌ها را محدود ساخته، وی پرده از نژادپرستی در باب کارگران خانگی کشورهای توسعه یافته بر می‌دارد و نظر برخی از فمینیست‌ها که تمامی این مسائل را ناشی از پدرسالاری موجود در جامعه میدانند، رد می‌کند.

Bottom of the Ladder: Exploitation and Abuse of Girl Domestic Workers in Guinea. New York, NY: Human Rights Watch, June ۱۵, ۲۰۰۷.

این گزارش به تفصیل سوءاستفاده کارفرمایان از کارگران خانگی در گینه را شرح می‌دهد. بیشتر این کارگران را کودکان و دخترانی که از مالی می‌آیند تشکیل می‌دهد. همچنین این گزارش راهکارهایی برای چگونگی پایان دادن به این سوءاستفاده در اختیار دولت‌های گینه و مالی، سازمان‌های غیردولتی، گروه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا و یونیسف می‌گذارد.

Domestic Plight: How Jordanian Laws, Officials, Employers, and Recruiters Fail Abused Migrant Domestic Workers. New York, NY: Human Rights Watch, September ۲۷, ۲۰۱۱.

این گزارش گرفتاری‌های کارگران خانگی اهل اندونزی، سریلانکا و فلیپین در کشور اردن را شرح می‌دهد و از قوانین کار و مهاجرت که این سوءاستفاده‌ها را تسهیل می‌کنند، انتقاد می‌کند. این گزارش از حکومت می‌خواهد که به قوانین خودش احترام بگذارد و آن دسته از قوانینی را هم که معارض با معاهده

سازمان بین‌المللی کار مصوب ۲۰۱۱ در باب «کار شایسته برای کارگران خانگی» است و کشور اردن هم از آن حمایت کرده، تغییر دهد.

Ehrenreich, Barbara and Hochschild, Arlie, eds. *Global Woman: Nannies, Maids, and Sex Workers in the New Economy*. New York, NY: Metropolitan Books, Henry Holt and Company, LLC, ۲۰۰۲.

همکاران این کتاب موضوع «زنان در سایه جهانی‌شدن» را بررسی می‌کنند. یعنی زنانی که کشورهای فقیر توسعه‌نیافرته را برای کار خانگی در جوامع ثروتمند ترک می‌کنند، مهاجرانی که مانند «بازیگر خاموش» کارهایی را انجام می‌دهند که توسط مردان پس زده شده و زنان هم تمایلی به انجام آن ندارند. این نویسنده‌گان نتیجه می‌گیرند که این روند جایه‌جایی مهارت‌های زنان، در حالی «کمبود سرمایه مراقبتی» در جوامع ثروتمند را برطرف می‌کند، منجر به ایجاد همین مشکل در کشورهای فقیر می‌شود.

Graunke, Kristi L. “‘Just Like One of the Family’: Domestic Violence Paradigms and On-The-Job Violence against Household Workers in the United States.” *Michigan Journal of Gender & Law*. Vol. ۹, No. ۱, ۲۰۰۲.

نویسنده معتقد است که تبعیض‌های جنسیتی کاری در عرصه خصوصی که فقیرترین زنان مشغول کارند رخ می‌دهد. همان‌طور که نویسنده توضیح می‌دهد این زنان متهم سوءاستفاده‌های خانگی در خانه‌های دیگران می‌شوند که به خشونت شریک جنسی شباهت دارد. او طرحی چندوجهی ارائه می‌کند که متکی است بر نقاط قوت زنان برای پایان دادن به این سوءاستفاده‌ها که نشان‌دهنده دستمزد کم و کارهای حاشیه‌ای فاقد حمایت قانونی هستند. این طرح با توجه به جنسیت، نژاد، قومیت و وضعیت مهاجرت تقسیک شده است.

Lutz, Helma. *The New Maids: Transnational Women and the Care Economy*. London, UK and New York, NY: Zed Books, ۲۰۱۰.

نویسنده در یک مطالعه قومیتی بر روی کارگران خانگی مهاجر و کارفرمایانشان در آلمان به تحلیل رابطه میان جنسیت، اقتصاد مراقبتی و روند جهانی‌شدن می‌پردازد. او با اشاره به سؤال‌هایی درباره افزایش تعداد نظافت‌چیان، پرستاران کودک و مراقبت‌کنندگان، از نقش مهم این نوع کار در تعریف و تقویت سلسله مراتب جنسیتی و نژادی در جهان سخن می‌گوید.

Slow Reform: Protection of Migrant Domestic Workers in Asia and the Middle East. New York, NY: Human Rights Watch, April ۲۷, ۲۰۱۰.

این گزارش به پیشرفت‌های تدریجی انجام گرفته در بحرین، اردن، کویت، لبنان، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، هنگ کنگ، مالزی و سنگاپور در حفاظت از کارگران خانگی نگاهی می‌اندازد. این گزارش همچنین بهترین فعالیت‌های حاکمیت – قوانین کار قدرتمند، اصلاح نظام‌های حمایت از مهاجرین، تحمل اتحادیه‌های کارگری و سازمان‌ها و نهادهای مدنی در کنار پلیس مؤثر و برخوردهای قضایی مناسب به خشونت- را بررسی و پیشنهادهایی برای بهبود بیشتر اوضاع ارائه می‌کند.

“They Deceived Us at Every Step” Abuse of Cambodian Domestic Workers Migrating to Malaysia. New York, NY: Human Rights Watch, November ۱, ۲۰۱۱.

این گزارش از سوءاستفاده فرآگیر کارگران خانگی کامبوجی در کشور مالزی که حمایت ناچیزی از طرف دولت خودشان و دولت میزبان می‌بینند، پرده بر می‌دارد. بر اساس تحقیقات انجام شده بر کارگران خانگی در کامبوج و مالزی، رئیسان دولتی، سازمان‌های غیردولتی و آژانس‌های استخدامی، این گزارش راه حل‌هایی به هر دو حکومت، آژانس‌های استخدامی کارگران خانگی کامبوج و نهادهای کمک‌کننده بین‌المللی پیشنهاد می‌دهد و نشان می‌دهد که چگونه می‌توانند گرفتاری‌های مهاجران را جبران کنند.

Walls at Every Turn: Abuse of Migrant Domestic Workers through Kuwait's Sponsorship System. New York, NY: Human Rights Watch, October ٦, ٢٠١٠.

این گزارش نشان می‌دهد که چگونه قوانین و دولت کویت کارگران خانگی مهاجر را که بدون اجازه کارفرما و برای فرار از سوءاستفاده کارشان را ترک می‌کنند مورد مجازات قرار می‌دهد. این گزارش به کمک‌های دولت کویت یا بحث کفالت اشاره می‌کند که تقریباً به کارفرمایان کنترل کامل بر این کارگران را اعطا می‌کند؛ و قانون کار مصوب سال ٢٠١٢، آن‌ها را حتی از مراقبت‌های اولیه هم محروم ساخته است. با ارائه پیشنهادهایی که چگونه از حقوق مهاجران حمایت شود، این گزارش به دولت فشار می‌آورد تا قانون کار خود را مورد بازنگری قرار دهد و به مقررات سخت و غیرانسانی مهاجرت در بحث کفالت پایان دهد.

خشونت شریک زندگی در معاشه و ازدواج:

Duvvury, Nata; Kes, Aslihan; Chakraborty, Swati; Milici, Noni; Ssewanyana, Sarah; Mugisha, Frederick; Nabiddo, Winnie; Mannan, M.A.; Raihan, Selim; Mahmud, Simeen, and Bourqia, Rahma; Mellakh, Kamal; Abdelmajid, Ibenrissoul; Abderebbi, Mohammed; Nafaa, Rachida; and Be, Jamila. *Intimate Partner Violence—High Cost to Households and Communities.* Washington, DC: International Center for Research on Women (ICRW) and New York, NY: United Nations Population Fund (UNFPA), ٢٠١١.

نویسندهان خشونت شریک زندگی را به عنوان رایج ترین نوع خشونت علیه زنان در کشورهای بنگلادش، مراکش و اوگاندا ارزیابی می‌کنند، تا هزینه‌های آن را در سطوح خانواده و جامعه که اولین آثار را از آن می‌پذیرد، بسنجند. آن‌ها بر فوریت و اهمیت این مشکل به مثابه نقض حقوق بشر تأکید می‌کنند و معتقدند که آسیب‌پذیری اقتصادی خانوارها و همچنین انحراف منابع عمومی اختصاص یافته برای سلامت، زیرساخت‌ها و خدمات امنیتی در بروز این مشکل مؤثرند.

Enander, Viveka. “‘A Fool to Keep Staying’: Battered Women Labeling Themselves as Stupid as an Expression of Gendered Shame.” *Violence Against Women.* Vol. ١٦, No. ١, January ٢٠١٠.

نویسنده به این موضوع می‌پردازد که چرا زنانی که روابط همراه با سوءاستفاده جنس مخالف را ترک می‌کنند خود را «احمق» میدانند و همچنین در می‌یابد که تم اصلی این روابط اجازه سوءاستفاده دادن و ماندن با مردان است. او چهار جنبه را برای تفسیر یافته‌های کیفی خود ارائه می‌کند - عوامل محرك رابطه همراه با سوءاستفاده، شرم مبتنی بر جنسیت، زمینه‌های برابری جنسیتی در کشورهای اسکاندیناوی و

روند ترک کردن رابطه. این نویسنده به این نتیجه می‌رسد که احساس حمایت بازتاب شرم مبتنی بر جنسیت یا دقیق‌تر شرم ناشی از ضرب و شتم است.

Fernandez, Marilyn. **Restorative Justice for Domestic Violence Victims: An Integrated Approach to Their Hunger for Healing**. Plymouth, UK: Lexington Books, ۲۰۱۰.

این جامعه‌شناس با توجه به گفت‌وگوهای کیفی و آماری با بازماندگان خشونت خانگی، مجموعه‌ای از راهنمایی‌های مبتنی بر اصول عدالت ترمیمی را برای برنامه‌های کمک به زنان ارائه می‌کند. با توجه به مناقشات موجود پیرامون محل تلاقي خشونت خانگی و عدالت ترمیمی، او مجموعه گزینه‌هایی را که در این اصول ریشه دارند معرفی می‌کند تا نظام حقوقی را با اولویت‌دادن به نگرانی‌ها و نیازهای بازماندگان به درمان، تکمیل کند.

Graham-Bermann, Sandra A. and Levendosky, Alytia A., eds. **How Intimate Partner Violence Affects Children: Developmental Research, Case Studies, and Evidence-Based Intervention**. Washington, DC: American Psychological Association (APA), ۲۰۱۱.

نویسنده‌گان آخرین تحقیقات درباره چگونگی تأثیر خشونت شریک زندگی بر سلامت روانی و جسمی کودکان، رفتار عاطفی و اجتماعی، پیشرفت نوروپیولوژیک و ارتباطی و عملکرد شناختی را ارائه می‌کنند. ایشان این تحقیق را با دیگر موارد و شواهد مطالعه موردي بر چهار گروه سنی از کودکان: قبل از تولد تا دوران شیرخوارگی؛ کودکان نوپا تا اوایل دوران کودکی؛ کودکان در سنین مدرسه و نوجوانان ترکیب می‌کنند.

International Center for Research on Women. **Domestic Violence in India**. Washington, DC: (ICRW). Part ۱, ۱۹۹۹; Part ۲, ۲۰۰۰; Part ۳, ۲۰۰۰; Part ۴, ۲۰۰۲; and Part ۵, ۲۰۰۲.

فعالانی با تخصص‌های گوناگون به شکلی جامع به بررسی دلایل و آثار خشونت خانگی در هند در قالب یک مجموعه پنج جلدی می‌پردازند و برای این کار از مطالعات و بررسی‌های کیفی و کتابخانه‌ای برای فهم آثار هنجارهای فرهنگی، مفهوم مردانگی و شرایط اقتصادی-اجتماعی در گسترش سوءاستفاده و مبارزه برای حذف آن‌ها، و شناسایی تبعات آن برای قربانیان و عاملان، و همچنین کشف ابتکارهای مؤثر زنان، و واکنش‌ها در سطح جامعه به این مشکل استفاده می‌کنند.

Johnson, Michael P. **A Typology of Domestic Violence: Intimate Terrorism, Violent Resistance, and Situational Couple Violence**. Lebanon, NH: Northeastern University Press, A division of the University Press of New England, ۲۰۰۸.

به نظر این نویسنده خشونت خانگی یک پدیده واحد و تنها نیست، بلکه با توجه به نقشی که قدرت و کنترل در رابطه میان زن و مرد بازی می‌کند، در سه شکل دیگر هم وجود دارد: ایجاد ترس در رابطه، ایستادگی در برابر خشونت و خشونت‌های موقعیتی زوجین. او تأکید می‌کند که این موارد برای تصحیح تعمیم دادن‌های بیش از اندازه، رمزگشایی نتایج تحقیقاتی که به نظر متناقض می‌ایند و در نهایت برای فهم و کشف بهترین راه پرداختن به دلایل و تبعات خشونت در رابطه توسط سیاست‌گذاران و ارائه‌کنندگان

خدمات از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

Meyersfeld, Bonita. *Domestic Violence and International Law*. Oxford, UK and Portland, OR: Hart Publishing, ۲۰۱۰.

به نظر این نویسنده، برخی از شکل‌های خشونت خانگی قوانین حقوق بشر بین‌المللی را نقض می‌کنند. او براساس داده‌های عینی و تحلیل‌های حقوقی به تعمیم «مسئولیت پاسداری از حقوق بشر» دولت‌ها می‌پردازد و مدعی می‌شود که وقتی دولت در حمایت و محافظت از بخشی از مردم آسیب‌پذیرش در برابر خدمات شکست می‌خورد – چه مقصراً دولت باشد و چه عوامل خصوصی – آن دولت قوانین موجود برای برپایی حقوق بشر را نقض کرده است. با مقایسه خشونت‌های خصوصی شدید با خشونت‌های سیاسی نظیر پاکسازی نژادی، تجاوز‌های جنسی گروهی، بردگی جنسیتی و شکنجه، او تأکید می‌کند که شکست دولت‌ها در ایفای نقش ترویجی مؤثر از زنان در موارد خشونت خانگی، به مثابه سکوت تأییدآمیز و همدستی آنان است.

Noonan, Rita K. and Charles, Dyanna. “Developing Teen Dating Violence Prevention Strategies: Formative Research with Middle School Youth.” *Violence Against Women*. Vol. ۱۵, No. ۹, September ۲۰۰۹.

نویسنده‌گان به تحلیل یافته‌های حاصل از گروه‌هایی از دانش آموزان دبیرستانی می‌پردازند تا باورها و رفتارهایشان را در زمینه خشونت در روابط عاشقانه تعیین کنند. این گروه‌ها هنجره‌های رابطه، ویژگی‌های دوستیابی، تقواوت میان روابط سالم و ناسالم، شکل‌های سوءاستفاده، مداخله در شرایط خشونت‌آمیز و منابع اطلاعاتی درباره خشونت روابط عاشقانه را بررسی می‌کنند. نویسنده‌گان این اثر همچنین جهت جلوگیری از خشونت، استراتژی‌هایی ارائه می‌کنند از جمله تأکید بر ایجاد مهارت، تلاش‌های پیوسته برای زیرگروه‌های مشخص و شناسایی روش‌های نو برای جلب نظر جوانان.

Walker, Lenore E. A. *The Battered Woman Syndrome*. New York, NY: Springer Publishing Company, ۲۰۰۹, ۳rd ed.

سومین ویرایش این نویسنده از این کتاب، همانند اولین ویرایش آن در سال ۱۹۸۴، بر اساس اطلاعاتی از اصلاحیه اخیر پرسشنامه سندروم زنان مضروب (BWSQ) نوشته شده است که به پاسخ‌دهندگان این فرصت را می‌دهد که تجربیات خود را از خشونت خانگی مطرح کنند. با تمرکز به فرهنگ و قومیت، این کتاب به توضیح تجربه‌های زنان خارجی که در کشور خود یا ایالات متحده به سر می‌برند، می‌پردازد تا تحقیق بازنگری شده‌ای بر عنوانین اصلی کتاب نظیر اختلالات روانی پس از حادثه، درمانگی آموخته، خوشبینی آموخته و نظریه چرخه خشونت ارائه کند.

Weitzman, Susan. “*Not to People Like Us*”: *Hidden Abuse in Upscale Marriages*. New York: Basic Books, ۲۰۰۰.

این روان‌درمان افسانه خشونت خانگی را محدود به زوج‌های با سطح اجتماعی -اقتصادی پایین نمیداند و به نمونه‌های تاریخی خشونت علیه زنان شاغل آموزش دیده که با کارمندان هم ازدواج کرده‌اند، اشاره می‌کند. همان‌طور که در این کتاب توضیح داده می‌شود، ارائه‌کنندگان خدمات فاقد چارچوبی برای پوشش دادن این روابط هستند و این قربانیان را چندان جدی نمی‌گیرند. او به زنانی که در پی فرار از

«خشونت‌های شدت‌یافته» هستند توصیه‌هایی می‌کند و همچنین آموزش‌هایی برای ارائه‌کنندگان خدماتی که با این موضوع سر کار دارند ارائه می‌کند.

ختنه زنان (FGM) :

Abdulcadir, Jasmine; Margairaz, Christiane; Boulvain, Michel; and Irion, Olivier. “Care of Women with Female Genital Mutilation/cutting.” *Swiss Medical Weekly*. ٦ January ٢٠١١.

نویسنده‌گان ذکر می‌کنند که همکاران پزشک آنان در جوامع اروپایی شاهد افزایش زنان بیمار از کشورهایی هستند که خته زنان در آن‌ها انجام می‌گیرد. آن‌ها جنبه‌های همه‌گیری‌شناسی، انسانی و حقوقی خته زنان را توضیح می‌دهند و با اشاره به اطلاعات ناکافی فعالان بهداشت و سلامت در اروپا، از رویکردی چندجانبه جهت درمان این بیماران و همکاری با پزشک اطفال که نقش مهمی در جلوگیری از خته دختران دارند، حمایت می‌کنند.

Broussard, Patricia A. “Female Genital Mutilation: Exploring Strategies for Ending Ritualized Torture; Shaming, Blaming, and Utilizing the Convention Against Torture,” *Duke Journal of Gender Law and Policy*. Vol. ١٥, No. ١, January ٢٠٠٨.

به اعتقاد این نویسنده خته زنان نوعی شکنجه است و فقط به خاطر آن‌که امری فرهنگی است نقد آن غیرممکن نیست. به نظر او انتقاد به خته زنان امری درست و شایسته است چرا که همه رفتارهای فرهنگی ارزش ادامه یافتن ندارند. او همچنین استراتژی‌هایی مانند استفاده از پیمان منع شکنجه را برای پایان دادن به خته زنان معرفی می‌کند. از آنجا که اجرائکنندگان ختم‌دختران معمولاً زنان هستند، نمی‌خواهد آن‌ها مجازات شوند چرا که آن‌ها را قربانیانی میدانند که نقاب تلاش‌های مردان برای کنترل تمایلات جنسی زنان را دارند، او می‌خواهد که دولت‌هایی که خته زنان را تحمل و ترویج می‌کنند، مجازات شوند و در عوض اجرائکنندگان خته تحت آموزش قرار گیرند.

Feldman-Jacobs, Charlotte and Clifton, Donna. *Female Genital Mutilation/Cutting: Data and Trends, Update ٢٠١٠*. Washington, DC: Population Reference Bureau (PRB), ٢٠١٠.

این نویسنده‌گان با تحقیق روی ٢٧ کشور افریقایی و عرب - مطالعه آماری سلامت و مردم‌شناسی (DHS)، مطالعات شاخص خوش‌های چندگانه (MICS)، مطالعه انجام گرفته توسط پروژه پان عرب‌ها برای بهداشت خانواده (PAPFAM) و UNICEF - روند خته زنان را به تصویر می‌کشند. آن‌ها همچنین به سیر کاهشی گزارش‌های رسیده از موارد خته دختران ١٩ تا ١٥ سال در دهه گذشته اشاره می‌کنند.

Feldman-Jacobs, Charlotte and Ryniak, Sarah. With Wilcher, Rose and Shears, Kathleen - Family Health International (FHI); Ellsberg, Mary and Fua, Imogen – PATH; Raney, Laura and Gleason, Joanne -Population Council; and Krieger, Laurie and Pearson, Amy - The Manoff Group. *Abandoning Female Genital Mutilation/Cutting: An In-Depth Look at Promising Practices*. Washington, DC:

Population Reference Bureau (PRB), ۲۰۰۶.

این نویسنده‌گان بهترین فعالیت‌ها برای ترویج ممنوعیت ختنه زنان را بازگو می‌کنند. بر اساس تحقیق‌ها و ارزیابی‌ها کیفی و آماری، آن‌ها سه برنامه موفق در این زمینه را نام می‌برند: عملیات ناورنگو FGM در کشور غنا، رویکرد پنج‌گانه به آموزش درباره ختنه زنان که توسط کمیته بین‌المللی و ملی بهداشت داخلی بر رفتارهای سنتی کشور اتیوپی (NCTPE) انجام گرفت، و برنامه توامندسازی جامعه (CEP) که توسط تستان ابتدا در سنگال و اکنون در شش کشور همسایه آن آغاز شده است.

Khady. With Cuny, Marie-Thérèse. *Blood Stains: A Child of Africa Reclaims Her Human Rights*. Levin, Tobe, transl. Frankfurt am Main, Germany: UnCut/Voices Press, ۲۰۱۰.

این نویسنده دوران کودکی خودش در یک خانواده سنتی اهل سنگال و مهاجرتش به پاریس را مرور می‌کند. او که از ختنه در سن ۷ سالگی رنج می‌برد، در ۱۳ سالگی با مردی ازدواج کرد که دو دهه بزرگتر از او بود، او را کنک می‌زد و برایش پنج فرزند آورد. او که تصمیم داشت قربانی نباشد، از تحمل جامعه مهاجر خود بر سوءاستفاده و تعرض به زنان پرده بر می‌دارد و برای آموزش و تحصیل می‌جنگد، زندگی خودش را به دست می‌آورد و بنیان گذار و ریس نهاد اروپایی مبارزه با ختنه زنان می‌شود.

Mottin-Sylla, Marie-Hélène and Palmieri, Joëlle. *Female Genital Mutilation: The youth are changing Africa with ICTs*. Oxford, UK and Nairobi, Kenya: Fahuma Books & Pambazuka Press, ۲۰۱۱.

این نویسنده‌گان از تحقیقات و اقدامات دختران و پسران در کشورهای بورکینافاسو، مالی و سنگال که با به کارگیری فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در پی پایان‌دادن به ختنه زنان هستند، تحقیقاتی انجام می‌دهند. آن‌ها نشان می‌دهند که چگونه در عصر اینترنت، که شهروند جهانی را محقق کرده، تغییرهای واقعی در عقاید و رفتارهای جوانان، حتی پیرامون موضوعی به پیچیدگی و قدمت ختنه زنان ممکن است.

Rahman, Anika and Toubia, Nahid. *Female Genital Mutilation: A Practical Guide to Worldwide Laws & Policies*. London, UK and New York, NY: Zed Books, ۲۰۰۰.

این نویسنده‌گان به توضیح پدیده ختنه و آثار آن بر سلامت و بهداشت زنان می‌پردازن و دلایل توجیه‌کننده‌گان و تاریخچه تلاش‌هایی را که برای از بین بردن آن شده است تشریح می‌کنند. آن‌ها همچنین نرخ ختنه زنان در ۴۰ کشور را به همراه عهدنامه‌های بین‌المللی مبارزه با آن و اقدامات رسمی صورت گرفته در این زمینه را مرور می‌کنند.

Rogo, Khama; Subayi, Tshiya; Toubia, Nahid; and Hussein Sharief, Eiman. *Female Genital Cutting, Women's Health, and Development: The Role of the World Bank*. Washington, DC: The International Bank for Reconstruction and Development/The World Bank, ۲۰۰۷.

این نویسنده‌گان وسعت ختنه زنان و فرصت‌ها و چالش‌هایی را که تاکنون در مسیر مبارزه با آن وجود داشته است بررسی می‌کنند و نشان می‌دهند که چگونه جوامع، نهادهای فعال در امر توسعه و دولت‌ها می‌توانند با هم در این زمینه همکاری داشته باشند. آن‌ها همچنین روی مزیت نسبی بانک جهانی در کمک

به دولت‌ها برای مبارزه با ختنه زنان و رشد بهداشت و بهره‌وری زنان مطالعه می‌کنند.

Toubia, Nahid. *Female Genital Mutilation: A Call for Global Action*. New York, NY: Women Ink., 1995 ed.

نویسنده این کتاب پژوهشی است که پیشگام تلاش برای پایان دادن به ختنه زنان است، به خصوص در آفریقا که بیش از هر جای دیگر معمول است. او با برجسته کردن منطق غیرقابل قبول ختنه زنان و آثار آن بر بهداشت زنان، استراتژی‌هایی برای اقدامات ملی و جهانی علیه این رفتار ارائه می‌کند.

Winterbottom, Anna; Koomen, Jonneke; and Burford, Gemma. "Female Genital Cutting: Cultural Rights and Rites of Defiance in Northern Tanzania." *African Studies Review*. Vol. 52, No. 1, April 2009.

این نویسنده‌گان با مرور کمپین‌هایی علیه ختنه زنان یا «بریدن» که کودکان ماسایی جوامع شمال تانزانیا را هدف قرار داده بود، می‌گویند که تلاش‌های مبتنی بر آموزش، بهداشت، قانون و حقوق بشر که به زمینه‌های بومی و محلی توجهی ندارند – از جمله تاریخ و سیاست‌های مبارزات پایان دادن به FGM- ممکن است ختنه زنان را به امری حیاتی برای هویت جمعی تبدیل کند و در نهایت منجر به تقویت آن شود.

ازدواج اجباری و عروسان خردسال:

Ali, Nujood. With Minoui, Delphine. *I Am Nujood, Age 10 and Divorced*. Coverdale, Linda, transl. New York, NY: Three Rivers Press, The Crowne Publishing Group, 2010.

این دختر یمنی بازگو می‌کند که چگونه والدین فقیرش او را برای ازدواج با مردی که سه برابر خودش سن داشت فروختند، اما او شجاعانه از سوءاستفاده او فرار می‌کند و با کمک یک وکیل فعل، یک قاضی دلسوز و رسانه‌های بین المللی طلاق می‌گیرد، در سن ۱۰ سالگی، او با هیجان به مدرسه بازمی‌گردد و تلاش می‌کند تا خواهرش و دیگر دختران را از ازدواج زودهنگام حفظ کند

Amin, Sajeda. "Impact of Trade Liberalization for Working Women's Marriage: Case Studies of Bangladesh, Egypt and Vietnam" in Grown, Caren; Braunstein, Elissa; and Malhotra, Anju, eds. *Trading Women's Health and Rights? Trade Liberalization and Reproductive Health in Developing Economies*. London, UK and New York, NY: Zed Books, 2006.

این نویسنده اثبات می‌کند که آزادسازی تجارت می‌تواند نهاد ازدواج را تغییر دهد که باعث شده ازدواج به خصوص برای دختران بالغی که موقعیت‌های شغلی و استقلال مالی به دست می‌آورند، کم‌همیت‌تر باشد. هرچند، همان طور که او نشان می‌دهد کشورهای بنگلادش، مصر و ویتنام به شکل مشابهی مبادرت به آزادسازی تجارتشان نمودند اما آثار متفاوتی بر روی سن ازدواج زنان، شرکت آن‌ها در نیروی کار و

شرایط اقتصادیشان داشته است.

Early Marriage, a Harmful Traditional Practice: A Statistical Exploration. New York, NY: United Nations Children's Fund (UNICEF), ۲۰۰۵.

این گزارش بر اساس مطالعه آماری سلامت و مردم شناسی (DHS) که در بین سالهای ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۳ در ۳۰ کشور از کشورهای فقیر انجام گرفته، به بررسی اطلاعات درباره میزان ازدواج کودکان می‌پردازد؛ بر اساس ویژگی‌های جمعیتی تفاوت‌ها را تقسیم‌بندی می‌کند و مشخصات جوامعی که کودک با آن‌ها سروکار دارد مانند آگاهی و دسترسی به بهداشت جنسی و باروری را بر می‌شمارد. با توضیح رابطه میان شاخص‌های موجود، این گزارش خواستار ارتباط و همکاری میان برنامه‌ها جهت به بالا رفتن سن ازدواج و یکی شدن حمایت‌ها و کمپین‌ها برای تغییر رفتار می‌شود.

Ezer, Tamar; Kerr, Kate; Major, Kara; Polavarapu, Aparna; and Tolentino, Tina. "Child Marriage and Guardianship in Tanzania: Robbing Girls of their Childhood and Infantilizing Women." **The Georgetown Journal of Gender and the Law**. Vol. 7, Special Issue ۲۰۰۶.

نویسنده‌گان به مرور قوانین تانزانیا که با وضعیت زنان و دختران، ازدواج و سرپرستی آن‌ها مرتبط است، می‌پردازند و نشان می‌دهند که چگونه این قوانین باعث برتری و حقوق ویژه مردان می‌شود و نتایج متقاضی به همراه دارد-ربودن دخترچه‌ها با اجازه ازدواج زودهنگام آن‌ها را دادن و در مقابل با قراردادن زنان بالغ تحت سرپرستی مردان طوری با آن‌ها برخورد می‌شود که انگار بچه‌اند. به اعتقاد این نویسنده‌گان، قوانینی که حقوق زنان و دختران را نقض می‌کنند موجب ضعیف شدن خانواده‌ها و بی‌خاصیت شدن جامعه تانزانیا می‌شود.

Gill, Aisha K. and Sundari, Anitha, eds. **Forced Marriage: Introducing a Social Justice and Human Rights Perspective**. London, UK and New York, NY: Zed Books, ۲۰۱۱.

فعالان و دانشگاهیان رشته‌های جرم شناسی، جامعه‌شناسی و حقوق به بررسی پیشرفت‌های مباحث تئوریک و تحقیقات موجود درباره ازدواج اجباری می‌پردازند و با ارائه مدارک و اسناد جدیدی، توضیحات ذاتگرایان فرهنگی حتی توجیه‌های آن‌ها درباره نقض حقوق بشر بانوان را به چالش می‌کشند. با نگاهی بر ازدواج اجباری در جوامع گوناگون، ایشان این مشکل را در مباحث خشونت جنسیتی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی قرار می‌دهند. در نهایت این کتاب نگرشی را به همراه دارد که می‌تواند به تلاش‌های عملی و نظری برای پایان دادن به خشونت علیه زنان کمک کند.

Jain, Saranga and Kurz, Kathleen. **New Insights on Preventing Child Marriage: A Global Analysis of Factors and Programs**. Washington, DC: International Center for Research on Women (ICRW), ۲۰۰۷.

این نویسنده‌گان خطرها و عوامل ترویجی در ارتباط با ازدواج کودکان را مورد بررسی قرار می‌دهند و به تحلیل اطلاعات به دست آمده از مطالعه آماری سلامت و مردم شناسی (DHS) سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵ در ۲۰ کشور که از نقاط شایع و مرسوم ازدواج کودکان هستند، می‌پردازند. آن‌ها همچنین با انجام برنامه‌ای ۶۶ نمونه از مداخلات را مرور می‌کنند و با معرفی هفت دسته -افزایش آگاهی جامعه، آموزش دختران، اصلاح قوانین و سیاست‌ها، ارائه فرصت‌های اقتصادی، حمایت از حقوق، انجام تحقیقات و دادن

خدمات به دختران متأهل. کارایی هر کدام را بررسی و پیشنهادهایی ارائه می‌نمایند.

Malhotra, Anju; Warber, Ann; McGonagle, Allison; and Lee-Rife, Susan. *Solutions to End Child Marriage: What the Evidence Shows*. Washington, DC: International Center for Research on Women (ICRW), ۲۰۱۱.

نویسندهان برنامه‌های پیشگیری از ازدواج کودکان را که دارای ارزیابی‌های مستندی هستند، مرور می‌کنند و به تحلیل پیامدهای اجرای راهکارها برای حل این معضل می‌پردازند. آن‌ها درمی‌یابند که تعداد و اندازه برنامه‌ها افزایش یافته است، و با توجه به این‌که بیشتر برنامه‌های ارزیابی شده متعلق به آسیا جنوبی و برخی در افریقا و خاورمیانه بودند، زمینه‌های مستند بیشتری برای مداخلات بعدی اضافه می‌کند.

Mikhail, Susanne Louis B. "Child Marriage and Child Prostitution: Two Forms of Sexual Exploitation" in Masika, Rachel, ed. *Gender, Trafficking and Slavery*. Oxford, UK: Oxfam Publishing, ۲۰۰۲.

این نویسنده با تمرکز بر حقوق کودکان در خاورمیانه و شمال آفریقا، نشان می‌دهد که چقدر ازدواج کودکان و روپیگری با آن‌ها شبیه‌اند. با توجه به تجربه شخصی خودش در منطقه، اسناد شفاهی، ارتباط با افراد محلی و مطلعه یک نمونه کوچک، او در می‌یابد که هر دو ازدواج و فحشای کودکان شامل مبادلات اقتصادی، انکار و رد آزادی و نقض حق رضایت کودکان می‌شوند. او همچنین نواوری‌های نهادهای گوناگون برای پایان‌دادن به هر دو نوع خشونت دهنده بررسی می‌کند.

Otoo-Oyortey, Naana and Pobi, Sonita. "Early Marriage and Poverty: Exploring links and key policy issues." *Gender & Development*. Vol. ۱۱, No. ۲, July ۲۰۰۳.

این نویسندهان به پیوند ازدواج اجباری و فقر در کشورهای در حال توسعه نگاهی می‌اندازند. آن‌ها معتقدند که فقر یک دختر را در معرض این آسیب قرار می‌دهد چراکه والدینش می‌خواهند او و آینده خودشان را تأمین کنند؛ هرچند که ازدواج زودهنگام مشکلاتی را به همراه دارد که بدتر از فقر است مثل قدرت بی‌تناسب مرد بر همسرش، احتمال بسیار بیشتر به سوءاستفاده خانگی، وضع حمل در حالی که دختر هنوز آمادگی فیزیکی و روحی آن را ندارد، مخالفت با تحصیل و خطر بالای ایدز. برای شکستن چرخه فقر و ازدواج زودهنگام، نویسندهان خواستار اقدامی مشترک میان دولت، جوامع مدنی و زنان و دختران می‌شوند. آن‌ها همچنین روش‌های کاربردی را که به دختران در معرض خطر یا درگیر ازدواج زودهنگام کمک می‌کند مرور می‌کنند.

Warner, Elizabeth. "Behind the Wedding Veil: Child Marriage as a Form of Trafficking in Girls." *American University Journal of Gender, Social Policy & the Law*. Vol. ۱۲, No. ۲, September ۲۰۰۴.

نویسنده می‌پرسد که چرا علی‌رغم اعتراضات و مخالفت‌های رو به رشد بین‌المللی پیرامون ازدواج کودکان، این پدیده هنوز شایع باقی مانده است. به اعتقاد او قوانین داخلی و بین‌المللی مربوط به ازدواج کودکان یا ناقص هستند و یا به شکل ضعیفی اجرا می‌شوند؛ برای مثال سوءاستفاده‌هایی نظیر کار کودکان و ضرب و شتم که در حوزه عمومی قابل تحمل نیستند در ازدواج زودهنگام غیرقانونی نشده‌اند و یا مجازات نمی‌شوند. نگارنده خاطرنشان می‌کند که ویژگی‌های ازدواج کودکان شبیه قاچاق کودکان است و اجرای قوانین ضد قاچاق کودکان شاید بتواند در مبارزه با ازدواج کودکان هم اثربخش باشد. وی همچنین پیشنهادهایی برای رشد در چهارچوب حقوقی در کنار دیگر ابزارهای فرآانونی تغییر رفتار اجتماعی

برای پایان دادن به این رفتار ارائه می‌کند.

قتل‌های ناموسی:

Chesler, Phyllis. “Are Honor Killings Simply Domestic Violence?” *Middle East Quarterly*. Vol. 16, No. 2, Spring 2009.

نویسنده نظر برخی از سازمان‌های مسلمان در امریکا و کانادا را که قتل‌های ناموسی را نوعی خشونت خانگی منجر به قتل میدانند رد می‌کند و به تفاوت‌های قتل‌های ناموسی و خشونت خانگی می‌پردازد: طبیعت جنایتکار و قربانی، برنامه‌ریزی و تعداد اعضای خانواده درگیر در آن، راهی که قربانی به قتل می‌رسد، عکس العمل جامعه و امکان پشمیمانی و ندامت فرد مرتكب جنایت. او در حمایت از راحل‌های آموزشی مذهبی به اتحاد علمای دینی حامی زنان و آگاهی رئیسان مهاجرت در اطلاع‌رسانی پیرامون جرم‌انگاری ضرب و شتم و کشتن زنان و دختران توسط قانون به مهاجرین اشاره می‌کند.

Hussain, Mazna. “‘Take My Riches, Give Me Justice’: A Contextual Analysis of Pakistan’s Honor Crimes Legislation.” *Harvard Journal of Law & Gender*. Vol. 29, No. 1, Winter 2006.

نویسنده با عنایت به انگیزه‌های فرهنگی و اقتصادی در جرایم ناموسی، به بررسی تلاش‌ها برای وضع قوانین جهت جلوگیری و مجازات این دست جرایم در پاکستان می‌پردازد. او مدعی است که قوانین باید به تبعیض‌های زنان در تمامی مراحل قانونی و پروسه‌های حقوقی بپردازند و نقص‌های موجود در سیستم قضایی را اصلاح کنند – از جمله بازنگری در احکام دیه، قصاص و زنا.

Husseini, Rana. *Murder in the Name of Honour: The true story of one woman’s heroic fight against an unbelievable crime*. London, UK: One World Publications, 2009.

این نویسنده به جزئیات سفر کاری خود می‌پردازد: از ابتدا که به عنوان یک روزنامه‌نگار ماجراجی قتل ناموسی یک دختر در امان، پایتخت اردن، را پوشش می‌داد، تا تشکیل کمپین برای تغییر قانون در اردن، تا مبارزه علیه جرایم ناموسی و برای حقوق بشر زنان و دختران در سراسر جهان. با بررسی شرایط کنونی و تعداد قتل‌های ناموسی و قوانین مربوطه در این زمینه، حمایت او در هرجا که شرافت مردانه وابسته عفت زنان بروز می‌یابد مانند جوامع مهاجرتی اروپا و امریکای شمالی، دوچندان می‌شود.

Kardam, Filiz. With contributions from: Alpar, Zeynep; Yüksel, İlknur; and Ergün, Ergül. *Honor Killings in Turkey: Prospects for Action*. Ankara, Turkey: Population Association, United Nations Development Program (UNDP) and United Nations Population Fund, 2007.

این نویسنده بر اساس ۱۹۵ گفت‌وگوی کیفی با سازمان‌های غیردولتی، متخصصان و مردمی که با یکی از جرایم ناموسی به نوعی در ارتباط بوده‌اند، به بررسی «قتل‌های ناموسی» در ترکیه می‌پردازد. او مفهوم ناموس، عواقب «رفتار‌های بی‌ناموسی» و رابطه مفهوم بی‌ناموسی با ساختارهای ذهنی، سبک زندگی و ساختارهای اجتماعی متمرکز را مورد مطالعه قرار می‌دهد و دو دسته راه حل ارائه می‌کند: ۱. دسته‌ای که از خطر قربانی شدن افراد در قتل‌های ناموسی جلوگیری می‌کند، مانند پناهگاه‌ها ۲. آن دسته که رفتارها

را در بلند مدت تغییر می‌دهد، مانند برنامه‌های تربیتی هدفمند.

Mai, Mukhtar. With Cuny, Marie-Thérèse. *In the Name of Honor: A Memoir*. Coverdale, Linda, transl. New York, London, Toronto and Sydney: Washington Square Press, ۲۰۰۷.

این نویسنده پاکستانی به بازگویی حکم شورای قبیله‌ای روسایش می‌پردازد که برای مجازات برادر ۱۲ ساله‌اش که متهم به اغوای زن مسن‌تری بود، او را به تجاوز دسته‌جمعی محکوم کرده بود. بعد از آنکه این ادعای دروغ به بهای تنش تمام شد، او به انگیزه‌ها و وسوسه‌های خودکشی محل نگذشت و از شورای قبیله به دادگاه عالی شکایت کرد، قاضی به نفع او حکم داد و به خاطر شجاعتش مورد تحسین جهانی قرار گرفت. با ۸۵۰۰ دلاری که دولت به عنوان خسارت به او پرداخت یک مدرسه دخترانه در روستای خود تاسیس کرد، با این اعتقاد که آموزش بهترین راه برای مبارزه با سنت‌های رشت و رنج‌آور است.

Onal, Ayse. *Honor Killings: Stories of men who killed*. London, San Francisco and Beirut: Saqi Books, ۲۰۰۸.

این روزنامه‌نگار با ده مرد که در زندان‌های ترکیه به سر می‌برند و دختران، خواهران و مادرانشان را برای پاککردن لکه ننگ بر دامن هفت خانواده کشته‌اند، به گفت‌وگو می‌نشیند. رویکرد نویسنده به ماجرا با اکثر مطبوعات ترکی که با نگاهی از زاویه گروه‌های زنان که مردان را چون اهربینی جلوه می‌دهند که می‌کشدند، متفاوت است. او معتقد است که برای تغییر رفتارهای اجتماعی برای پایان دادن به این قتل‌ها، فهم ذهن و احساسات فرد قاتل ضروری است - او متوجه اندوه و اضطراب آن‌ها از حرف‌های مردم جامعه درباره زنان فامیلیشن می‌شود و به تضاد میان اجبار به کشتن و در برخی موارد احساسات بی‌میلی و پشمیمانی اشاره می‌کند.

Prieto-Carrón, Marina; Thomson, Marilyn; and Macdonald. Mandy. "No more killings! Women respond to femicides in Central America." *Gender & Development*. Vol. ۱۵, No. ۱, March ۲۰۰۷.

این نویسنده‌گان درباره کشtar زنان در مکزیک و امریکای مرکزی به عنوان یکی از نمونه‌های گسترده خشونت جنسیتی تحقیق می‌کنند. آن‌ها کشtar زنان را با تبعیض، فقر و مصونیت دولتی در فعالیت‌های علیه زنان مرتبط می‌دانند. آن‌ها با نگاهی به فمینیست‌های منطقه و سازمان‌های زنان که به تحقیق برای ثبت این قتل‌ها و دیگر خشونت‌های جنسیتی مشغولند و به بازماندگان و خانواده‌های آن‌ها در کنار پرداختن به امور حقوقی و قانونی‌شان کمک می‌کنند، خواستار حمایت از آنان می‌شوند.

Souad. In collaboration with Cuny, Marie-Thérèse. *Burned Alive: A Victim of the Law of Men*. Armbruster, Judith, transl. New York, NY: Time Warner Book Group and Grand Central Publishing, ۲۰۰۵.

این نویسنده که اهل کرانه باختری فلسطین است، تلاش ناکام شوهرخواهش در به آتش‌کشیدن او که بدون ازدواج حامله شده بود بازگو می‌کند - حقیقتی که او برای ۶ ماه پنهانش کرده بود، چون میدانست اگر خانواده‌اش بفهمند برای ننگ و رسوایی که به بار آورده، او را خواهند کشتم. حال بیش از دو دهه پس از آنکه زنان روستا و کارگری امدادرسان او را نجات دادند، سواد به خاطر مسائل امنیتی در مکانی نامعلوم در اروپا زندگی می‌کند.

Tintori, Karen. *Unto the Daughters: The Legacy of an Honor Killing in a Sicilian-American Family*. New York, NY: St. Martin's Press, ۲۰۰۷.

این نویسنده با دنبال کردن سفر خانواده سیسیلی خود در سال ۱۹۱۴ به دیتروید، از راز یک قتل ناموسی قدیمی پرده بر می‌دارد. پیدا کردن پاسپورت پدر پدربرگ که نام تمام زنان و فرزندانش در آن آمده بود به جز یک نام که با خراشیدن سعی در حذف آن شده بود، منجر به این گردید که نویسنده تکه‌های داستان زندگی عمه پدری اش فرانسیسکا را کنار هم قرار دهد. فرانسیسکا در سن ۱۶ سالگی به یکی از شاخه‌های مافیا و عده داده شده بود، اما او با فرزند یک آرایشگر فرار می‌کند و توسط برادرانش کشته می‌شود تا از سوابق خانواده پاک گردد - نویسنده به جزییات فرهنگ سنتی سیسیلی‌ها می‌پردازد که فرمابنده‌داری و مقهور بودن زن را به شرافت و مسائل ناموسی تعبیر می‌کنند.

Welchman, Lynn and Hossain, Sara, eds. “Honour”: *Crimes, Paradigms, and Violence Against Women*. London, UK and New York, NY: Zed Books, ۲۰۰۵.

دانشگاهیان و فعالین اجتماعی در یک بحث نظری و عملی درباره جرایمی که به نام ناموس صورت می‌گیرند، گرد هم آمدند. پس از بررسی این جرایم در جوامع مسلمان و غیرمسلمان، آن‌ها با تأیید تحلیل‌هایی که بر اساس رویکرد حقوق بشر جهانی استوارند، به رد روش‌های فرهنگی نسبی می‌پردازند. این افراد در فهم انگیزه‌ها و محرك‌های چنین جرایمی و ارائه راه حل برای این معضل اجتماعی تا حدودی از هم فاصله می‌گیرند، اما می‌پنیرند که جرایم ناموسی نمی‌توانند جدای از پدیده جهانی خشونت علیه زنان مطالعه شوند.

تجاوز به زور و تعرّض جنسی:

Abrahams, Naeemah; Jewkes, Rachel; Hoffman, Margaret; and Laubsher, Ria. “Sexual Violence against Intimate Partners in Cape Town: Prevalence and risk factors reported by men.” *Bulletin of the World Health Organization*. Vol. ۸۲, No. ۵, May ۲۰۰۴.

این نویسنده‌گان با مطالعه آماری ۱۳۶۸ مرد در شهر کیپتاون به تحقیق درباره چرایی غلبه و شیوع خشونت جنسی علیه زنان توسط شریک زندگی در طول ده سال گذشته و کشف عوامل خطرناک در ارتکاب به این جرم می‌پردازند. مطالعات آن‌ها آشکار می‌سازد که ۱۵/۳ درصد مردان مذکور اقدام به خشونت جنسی کرده‌اند، و احتمال خطر ارتکاب به آن با تعارض بر سر خواسته‌های جنسی مردان و غلبه آنان در یک رابطه و همچنین استفاده از خشونت برای حل مشکلات، داشتن بیش از یک شریک زندگی، و تعرّض کلامی و استفاده از الکل در ارتباط است. این نویسنده‌گان نتیجه می‌گیرند که تلاش‌های بازدارنده باید بر روابط جنسیتی و راحل‌های غیرخشونت‌آمیز برای مردان و جوانان تمرکز داشته باشند.

Bridges, Ana J.; Wosnitzer, Robert; Scharrer, Erica; Sun, Chyng; and Liberman, Rachael. “Aggression and Sexual Behavior in Best-Selling Pornography Videos: A Content Analysis Update.” *Violence Against Women*. Vol. ۱۶, No. ۱۰, October ۲۰۱۰.

این نویسنده‌گان با بررسی محتويات فیلم‌های پورن محبوب و به روز کردن داده‌ها، اقدام به مقایسه محتويات

بصری تهاجمی و خشونت‌آمیز، بی‌مایگی و رفتارهای جنسی‌شان با نمونه‌های قبلی می‌کنند. مطالعه آن‌ها سطح بالایی از خشونت در ۳۰۴ صحنه مورد مطالعه را نشان می‌دهد: ۸۸/۲ درصد موارد شامل خشونت بدینی، عمدتاً ضربه به کفل، بستن دهان و کشیده زدن و ۴/۷ درصد صحنه‌ها دارای تعرض‌های کلامی بوده‌اند. همچنین یافته‌های آنان می‌گوید که افراد اعمال‌کننده خشونت اصولاً مردان بوده‌اند و اکثر زنانی که مورد این رفتار خشن قرار گرفته‌اند رفتاری خنثی داشته‌اند و یا ظاهر به لذت بردن می‌کرده‌اند.

Buchwald, Emilie; Fletcher, Pamela R.; and Roth, Martha, eds. *Transforming a Rape Culture*. Minneapolis, MN: Milkweed Editions, ۲۰۰۵ edition.

فعالان اجتماعی صداهای ایستادگی برابر تجاوز جنسی و فرهنگی را که این تجاوز‌ها را در ایالات متحده تحمل و حتی ترویج می‌کند به گوش می‌رسانند. آن‌ها با مرور آمار و ارقام تعرض‌های جنسی علیه زنان و کودکان، عوامل مشوق این تشویق‌ها را مرور می‌کنند و استراتژی‌هایی برای تغییر ارائه می‌دهند.

Davis, Lisa and Bookey, Blaine. “*Fam ayisyen pap kase*: Respecting the right to health of Haitian women and girls.” *Health and Human Rights*. Vol. ۱۳, No. ۱, ۲۰۱۱.

این محققان دانشگاهی تصریح می‌کنند که حق زن بر آزادی از خشونت جنسی، جزء اولیه‌ای از حق او بر سلامت و بهداشت است که نیازمند توجه به مراتب بیشتری در موارد پس از وقوع فاجعه است. آن‌ها به این نکته می‌پردازند که چرا واکنش‌های بشردوستانه به زلزله هاییتی سال ۲۰۱۰، در زمینه حمایت از زنان و دختران شکست خورد و حتی باعث افزایش آسیب‌پذیری آن‌ها برابر خشونت شد. این نویسنده‌گان معتقدند که این شکست به دلیل محرومیت زنان از مشارکت مؤثر در مداخلات رسمی بشردوستانه است.

Felten-Biermann, Claudia. “Gender and Natural Disaster: Sexualized violence and the tsunami.” *Development*. Vol. ۴۹, No. ۳, September ۲۰۰۶.

نویسنده به تأثیر حوادث طبیعی در آسیب‌پذیری زنان برابر خشونت‌های جنسیتی نگاهی می‌اندازد. او با اشاره به افزایش تجاوز جنسی در کشورهای آسیایی آسیب‌دیده از سونامی ۲۰۰۴، می‌گوید که خشونت جنسیتی هنگام فجایع به حد کافی کنترل نمی‌شود و از همین رو از مجتمع امدادرسان می‌خواهد که فشار بیشتری را در این زمینه بر دولت‌های گیرنده کمک وارد سازند.

Haskell, Molly. *From Reverence to Rape: The Treatment of Women in the Movies*. Chicago, IL: University of Chicago Press, ۱۹۸۷ ed.

این نویسنده با مرور تصاویر سینمایی زنان و روابط جنسیتی در طول قرن بیستم، نشان می‌دهد که چگونه فیلم‌ها نگاه حاکم بر افسانه دختران باکره‌ای که ازدواج می‌کنند و مورد احترام واقع می‌شوند و یا دختران بدی که از رابطه جنسی با مردان لذت می‌برند تقویت می‌کنند. به اعتقاد او، چنان تصاویری زنان را سوق می‌دهد تا خودشان را در قالب چیزی که در تصویر می‌بینند درآورند - زنانی که به خاطر سرسپاری و اطاعت از مردان احترام گذاشته می‌شوند، و برای برآورده کردن نیاز مرد به قدرت جنسی، به طور غیر مستقیم یا به معنای واقعی کلمه مورد تجاوز قرار می‌گیرند.

Konradi, Amanda. *Taking the Stand: Rape Survivors and the Prosecution of Rapists*. Westport, CN and London, UK: Praeger, ۲۰۰۷.

این نویسنده ۴۷ قربانی تجاوز به عنف در ایالات متحده را از تجاوز تا روند اجرای احکام قانونی دنبال

می‌کند. او که خود نیز قربانی تجاوز به عنف بوده اصرار دارد که کارکنان دستگاه قضا باید به تفاوت تجربیات هر کس توجه کنند تا بتوانند به بازماندگان به شکل مؤثری خدمت‌رسانی کنند. او معتقد است که درک درست از تحقیقات جنایی و تعقیبات قضایی به بازماندگان در راه رسیدن به عدالت کمک می‌کند.

Mbaru-Mwangi, Monica. "Women with Disabilities and Sexual Violence in Kenya" in Burnett; Karmali, Patrick Shereen; and Manji, Firoze, eds. *Grace, Tenacity and Eloquence. The struggle for women's rights in Africa*. Oxford, UK and Nairobi, Kenya: Fahuma Books and Networks for Social Justice and Solidarity for African Women's Rights, ۲۰۰۷.

این فعال اجتماعی تصدیق می‌کند که اعاده حق برای زنان از کار افتاده کنیایی امری رعب‌آور است. هرچند کنیا میثاق بین‌المللی حقوق بشر زنان را امضا کرده است، اما به دلیل آگاهی کم از خشونت جنسی، اجرای مفاد این سند به ندرت انجام می‌گیرد و زنان قربانی برای استیفای حق خود در حمایت و محافظت، باید به همان قوانین ملی متکی باشند. او با اشاره به این‌که «قانون افراد ناتوان و از کار افتاده» در کنیا حقوق زنان را پاس داشته است اما از نبود یک مکانیزم اجرایی رنج می‌برد، این نویسنده می‌گوید که کمیسیون ملی کنیا برای حقوق بشر (KNCHR) پلی است میان حقوق بین‌الملل و دعاوی داخلی و امید دارد که شورای افراد ناتوان جسمی بتواند حقوق زمین مانده از جمله آزادی از خشونت‌های جنسی زنان را اجرا کند.

Trebon, Kimberly M. "There Is No 'I' in Team: The Commission of Group Sexual Assault by Collegiate and Professional Athletes." *DePaul Journal of Sports Law & Contemporary Problems*. Vol. ۴, Summer ۲۰۰۷.

نویسنده دو سؤال درباره تعرض جنسی گروهی توسط اعضای مذکور کالج و ورزشکاران حرفه‌ای در آمریکا مطرح می‌کند: ۱- چرا وقتی «تجاورهای گروهی» در کنار شغل «به لحاظ اخلاقی ارزشمند» ورزشکاران قرار می‌گیرد به آن به عنوان یک عمل انحرافی نگریسته می‌شود؟ ۲- آیا با تجاوزهای گروهی باید به عنوان نشانه یک فرهنگ فدرتمند و وابسته به ورزش برخورد کرد؟ نویسنده به نظریه‌هایی درباره رابطه میان ورزشکاران و خشونت جنسی و نیز به مشکلاتی که درباره اجرای قانون وجود دارد نگاه می‌کند. نویسنده این بحث را مطرح می‌کند که ورزشکاران نباید به خاطر توانایی بالایشان سخت‌تر تتبیه شوند (به ندرت)، یا این‌که به خاطر این‌که مردان محترمی هستند که هوادارن زن دارند، بخشیده شوند (گزینه رایج).

Weiss, Karen G. "'Boys Will Be Boys' and Other Gendered Accounts: An Exploration of Victims' Excuses for Unwanted Sexual Contact and Coercion." *Violence Against Women*. Vol. ۱۵, No. ۷, July ۲۰۰۹.

نویسنده روایت‌های ۹۴۴ قربانی از تحقیق ملی آمریکا درباره جرم خشونت علیه قربانیان را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که از هر پنج زن بررسی شده، یک زن قربانی خشونت جنسی شده است، این شرایط را با تکیه بر زبان اجتماعی‌ای که خشونت جنسی مرد را در رابطه طبیعی قلمداد می‌کند و یا آن را خطای قربانی به شمار می‌آورند، توجیه می‌کنند. این مطالعه نشان می‌دهد که چگونه کلیشه‌های جنسیتی و افسانه‌های مربوط به تجاوز، دریافت‌های قربانیان از شرایط خشونت جنسی ناخواسته را شکل می‌دهند و چگونه زبان فرهنگی مانع آن می‌شود که زنان قربانی جنسی شدن را به عنوان یک جرم ببینند و آن‌ها را از گزارش دادن به پلیس باز می‌دارد.

جرائم ناشی از نفرت‌پراکنی علیه زنان همجنس‌گرایان:

Crimes of Hate, Conspiracy of Silence: Torture and ill-treatment based on sexual identity. London, United Kingdom: Amnesty International, ۲۰۰۱.

این گزارش تبعیض و حتی شکنجه لزین‌ها، گی‌ها، دوجنس‌گراها و دگرجنسیت‌جوها (ترنس‌جندرا) توسط نظام قضایی، پلیس، سیستم زندان، نهادهای پزشکی و جامعه را توصیف می‌کند. این گزارش همچنین توضیح می‌دهد که چگونه قوانین حکومت، همجنس‌گرایی را ممنوع می‌کند و اینکه این آزار، موجب نقض قوانین بین‌المللی است. پیوست این گزارش، جزئیات «برنامه ۱۲ مرحله‌ای برای منع شکنجه توسط عوامل حکومت» را توضیح می‌دهد.

Lester, Toni. “‘Talking About Sexual Orientation, Teaching About Homophobia’—Negotiating the Divide Between Religious Belief and Tolerance for LGBT Rights in the Classroom.” *Duke Journal of Gender Law & Policy*. Vol. ۱۵, August ۲۰۰۸.

این فعال ال.جی.بی.تی درباره تجربه خود در تدریس درسی با عنوان «عدم تساهل، فرهنگ و قانون» توضیح می‌دهد. نویسنده از یک پرسشنامه استفاده می‌کند و آن را در اختیار دانش آموزان می‌گذارد تا تاثیر تکنیک‌های آموزشی در رسیدن به اهداف این درس را ارزیابی کنند. تا بدین وسیله سیاست‌های هویتی را به آن‌ها بفهماند و تحمل را تشویق کند. نویسنده تأکید می‌کند که معلمان می‌توانند تفکر باز را از طریق: استقبال از نظرات دانش آموزان لزین، گی، دوجنس‌گرا و دگرجنسیت‌جو و حامیان آن‌ها، احترام به دیدگاه‌های مذهبی درباره حقوق این افراد و ترغیب دانش آموزان به ارزیابی دیدگاه‌هایی که نیازمند ظرفیت روشنفکرانه هستند، الگو سازی کنند.

Lewin, Simon and Meyer, Ilan H. “Torture and Ill-Treatment Based on Sexual Identity: The Roles and Responsibilities of Health Professionals and Their Institutions.” *Health and Human Rights*. Vol. ۶, No. ۱, ۲۰۰۲.

نویسنده‌گان نقش و مسئولیت‌های کسانی که مسوولیت فراهم آوردن امکانات بهداشت و درمان دارند را در رابطه با حقوق انسانی زنان همجنس‌گرا، مردان همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا و دگرجنسیت‌جوها با کمک گزارش سال ۲۰۰۱ سازمان صلح بین‌الملل تحت عنوان جنایت‌های ناشی از نفرت، توطئه سکوت‌شکنجه و بدرفتاری بر پایه هویت جنسیتی (ن.ک. به مطلب فوق) تحلیل می‌کنند. آن‌ها مشارکت متخصصان و نهادهای درمانی را در آزار افراد لزین، گی، دوجنس‌گرا و دگرجنسیت‌جو را اعلام می‌کنند و بر اینکه آن‌ها باید وظیفه خود را در باب کار کردن با سازمان‌های دیگر در راستای تحقق بخشیدن به سلامت و حقوق انسانی این افراد قبول کنند، تأکید می‌کنند.

Loudes, Christine. With the help of Gill, Iain. *Meeting the Challenge of Accession: Surveys on sexual orientation discrimination in countries joining the European Union*. Brussels, Belgium: The European Region of the International Lesbian and Gay Association (ILGA-Europe), April ۲۰۰۴.

نویسنده گزارش‌های ملی بر اساس تحقیق‌هایی که در ده کشور انجام شده- جمهوری چک، استونی،

مغولستان، لاتویا، لیتوانی، مالتا، لهستان، اسلواکی و اسونی- که در آن زمان اعضای جدید اتحادیه اروپا بودند و رومانی که نامزد پیوستن به اتحادیه اروپا بود- را با هم مقایسه می‌کنند تا تبعیض و خشونت علیه زنان همجنس‌گرا، مردان همجنس‌گرا و دوجنس‌گراها را برجسته کنند. نویسنده پیشنهاد می‌کند که اعضا جدید در راستای منع تبعیض و ایجاد بخش‌های برابر برای نظارت و منع خشونت کار کنند، و این‌که نهادهای اتحادیه اروپا اطمینان حاصل کنند قانون‌گذاری و سیاست‌ها برای دسترسی به کالاهای، امکانات و خدمات فراتر از حیطه استفاده قرار می‌گیرد.

Love, Hate and the Law: Decriminalizing Homosexuality. London, United Kingdom: Amnesty International, ۲۰۰۸.

این گزارش تحلیلی از جرم‌انگاری همجنس‌گرایی در سراسر جهان توجیهاتی را که حکومت‌ها برای چنین قوانینی استفاده می‌کنند توضیح می‌دهد، از جمله بحث‌های غیرمستقیم بر پایه حمایت از کودکان و بحث‌های مرتبط با نگرانی‌های مربوط به سلامت عمومی. کتاب همچنین مثال‌هایی از چگونگی تاثیر جرائم، حتی در زمانی که غیرفعال هستند و اینکه این قوانین بر زندگی افراد گی، لزبین، دوجنس‌گرا و دگرجنست‌جو تاثیر می‌گذارد پیشنهاد می‌دهد. این گزارش تأکید می‌کند که چنین قوانینی این اجازه را به افرادی که از همجنس‌گرایی و دگرجنسبیت‌جوبی هراس دارند می‌دهد که این گروه از افراد، سازمان‌ها و برنامه‌های آن‌ها را هدف بگیرند. این گزارش با پیشنهاداتی درباره گام‌هایی مشخص به سوی عدم جرم‌انگاری پایان می‌یابد.

Murray, Rachel and Viljoen, Frans. "Towards Non-Discrimination on the Basis of Sexual Orientation: The Normative Basis and Procedural Possibilities before the African Commission on Human and Peoples' Rights and the African Union." ***Human Rights Quarterly.*** Vol. ۲۹, No. ۱, February ۲۰۰۷.

نویسنده‌گان این قضیه را بازبینی می‌کنند که چگونه منشور حقوق بشر آفریقا تبعیض علیه زنان همجنس‌گرا، مردان همجنس‌گرا و دوجنس‌گراها را مورد توجه قرار می‌دهد، و اینکه چگونه از طریق کار این کمیسیون، این قضیه به عنوان یک روش پویا و رو به صعود از زمان تاسیس آن در سال ۱۹۸۶ فهمیده شده است. با این وجود، همان‌طور که نویسنده‌گان هم به آن اشاره می‌کنند، آزار بر اساس گرایش جنسی تا میزان زیادی خارج از قانون‌گذاری مبتکرانه کمیسیون آفریقا قرار می‌گیرد. نویسنده‌گان بررسی می‌کنند که افرادی که برای پایان بخشیدن به این آزارها کار می‌کنند چگونه می‌توانند از مکانیزم‌های موجود در کمیسیون استفاده کنند.

O'Flaherty, Michael and Fisher, John. "Sexual Orientation, Gender Identity and International Human Rights Law: Contextualising the Yogyakarta Principles." ***Human Rights Law Review.*** Vol. ۸, No. ۲, June ۲۰۰۸.

نویسنده‌گان در اولین حاشیه انتقادی بر اصول یوگیاکارتا در باب عملی کردن قانون حقوق بشر در زمینه گرایش جنسی و هویت جنسی از زمان اعلام آن در سال ۲۰۰۶، این سند را در شرایط ذیل قرار می‌دهند: ۱ - شرایط واقعی افراد با گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسی مختلف ۲ - قانون عملی حقوق بشر بین‌الملل. نویسنده‌گان از طریق قوانین یوگیاکارتا، روند تهیه پیش‌نویس و متن، اثر اولیه این اصول را ارزیابی می‌کنند.

Ottosson, Daniel. ***State-sponsored Homophobia: A world survey of laws***

prohibiting same sex activity between consenting adults. Stockholm, Sweden: Södertöm University, for the International Lesbian, Gay, Bisexual, Trans and Intersex Association, May ۲۰۱۰.

این گزارش سالانه، که در سال ۲۰۰۷ تصویب شد، قوانین ۷۶ کشور که اعمال جنسی خصوصی و مورد توافق میان افراد همجنس را جرم می انگارند را مورد بازبینی قرار می دهد، تا از این طریق حکومت هایی که حقوق انسانی زنان و مردان همجنس گرا، دوجنس گرا، دیگر جنسیت جو و درون جنسی را نام ببرند و تکریه شان کنند، با این امید که هر سال، کشورهای بیشتری سیاست ها و قانون گذاری های همجنس ه را اساسه خود را ترک کنند.

Polácek, Richard and Le Déroff, Joël. *Joining Forces to Combat Homophobic and Transphobic Hate Crime: Cooperation between police forces and LGBT organizations in Europe.* Brussels, Belgium: The European Region of the International Lesbian, Gay, Bisexual, Trans & Intersex Association (ILGA-Europe), August ۲۰۱۰.

نویسنده کان نیاز به سازمان های غیر حکومتی اروپایی و نیروهای پلیس گی، لژبین، دوجنس گرا و دیگر جنسیت جو برای همکاری با مبارزه علیه جرائم ناشی از نفرت را بررسی می کنند. تحقیق آنها پنج حیطه ای که این نوع همکاری می تواند در آن موثر باشد را توضیح می دهد: ۱- افزایش آگاهی و ایجاد ظرفیت، ۲- گزارش اتفاقات و حمایت از قربانیان، ۳- پیشرفت نظارت و جمع آوری داده، ۴- جلوگیری از بروز اتفاق ها و ۵- تقویت قوانین و سیاست های مربوط به جرائم نفرت پر اکنی.

Together, Apart: Organizing around Sexual Orientation and Gender Identity Worldwide. New York, NY: Human Rights Watch, June ۱۱, ۲۰۰۹.

این گزارش نشان می دهد گروه هایی که از حقوق انسانی زنان و مردان همجنس گرا، دوجنس گرا و دیگر جنسیت جویان دفاع می کنند به خصوص در آفریقای جنوبی دسترسی شان به کمک های مالی محدود است و مورد خشونت قرار می گیرند بدون اینکه از سوی دیگر فعالان حقوق بشر حمایت شوند. این گزارش بر اساس تحقیق روی بیش از ۱۰۰ فعال در آفریقای جنوبی و خاور میانه، شمال آفریقا، اروپای شرقی، آسیای میانه و منطقه آسیایی و مدیترانه و آمریکای لاتین و منطقه آسیا-اقیانوسیه، آزارها و دیگر چالش های موجود برای فعالان را توصیف می کند و فرصت هایی که آنها پیش بینی می کنند و استراتژی هایی برای تغییر اجتماعی را بیان می کند.

روسپی گری:

Bernstein, Elizabeth. *Temporarily Yours: Intimacy, Authenticity and Sex Work.* Chicago, Ill: University of Chicago Press, ۲۰۰۷.

نویسنده رشد و متوجه شدن رابطه جنسی برای فروش به خصوص در جوامع پس اصنعتی را مطالعه می کند و نشان می دهد که چگونه ساختارهای فرهنگی و اقتصادی کار جنسی (سکس) را تغییر داده است. نویسنده بر اساس تحقیق روی روسپیان، مشتری های آنها و عوامل حکومتی، تأکید می کند که تجارت سکس در میان خطوط تکنولوژی، فضای اجتماعی در حال تغییر است. نویسنده مشاهده می کند که در شهرهای نظری

سن فرانسیسکو، استکهلم و آمستردام، خدماتی که خریداری می‌شود جدید است، به روپی‌ها برای یک تجربه اروپیک بر اساس انجام رابطه جنسی صادقانه و برقراری یک رابطه شخصی پول داده می‌شود. همچنین نویسنده نتیجه‌گیری می‌کند که خطوط میان صمیمت و نزدیکی و تجارت، و خطوط میان زندگی خصوصی و عمومی از نو کشیده می‌شود.

Jeffreys, Sheila. *The Idea of Prostitution*. North Melbourne, Victoria, Australia: Spinifex Press, ۲۰۰۹ ed.

نویسنده تغییر مفهوم روپی‌گری را بررسی می‌کند. از یک شکل آزادی جنسی تا راهی برای فرار زنان از فقر و تا روپی‌گری به عنوان مصدق نقض حقوق بشر. نویسنده تفاوتی که فمینیست‌های پست‌مدرن میان روپیانی که مجبور به روپی‌گری هستند و آن‌ها که «آزادند» که سکس را به عنوان «کار»، «انتخاب» کنند، را به چالش می‌کشد. از طریق به کار گرفتن یک رویکرد جهان‌شمول، نویسنده روپی‌گری را با برده‌داری و تجاوز در چارچوب ازدواج مقایسه می‌کند و آن را تحت هر شرایط جغرافیایی و اجتماعی-سیاسی نقض حقوق زنان قلمداد می‌کند. در توجیه نظر خود، نویسنده مسائل مرتبط با این قضیه مانند روپی‌گری مردان، فاحشه‌خانه‌ها نظامی، پورنوگرافی و جنبش حقوق روپیان و رشد صنعت سکس را بررسی می‌کند.

Kuo, Lenore. *Prostitution Policy: Revolutionizing Practice through a Gendered Perspective*. New York, NY: New York University Press, ۲۰۰۵.

نویسنده مطالعات قانونی و نظریه فمینیسم اجتماعی را با هم تلفیق می‌کند تا درباره مسائل مربوط به روپی‌گری در ایالات متحده آمریکا بحث کند. نویسنده به موضوع چالش‌برانگیز رشد یک سیاست حقوقی درباره روپی‌گری که آزار روپیان را به حداقل می‌رساند وارد می‌شود و گزینه‌های جرم‌انگاری، قانون‌گذاری و عدم جرم‌انگاری را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. نویسنده با نگاهی به ابعاد مختلف مدل هلند-بی‌میلی هلندی‌ها به منع حتی رفتارهای غیراخلاقی- یک مدل یگانه عدم جرم‌انگاری را برای اقدام جدی حقوقی و خدمات اجتماعی الزامی به روپیان پیشنهاد می‌کند.

Liu, Min and Finckenauer, James O. “The Resurgence of Prostitution in China: Explanations and Implications.” *Journal of Contemporary Criminal Justice*. Vol. ۲۶, No. ۱, February ۲۰۱۰.

نویسندگان تاریخ روپی‌گری در چین را از ریشه تا ظهرور مجدد آن در طول ۱۹۸۰ و رشد آن از آن دوره به بعد بررسی می‌کنند. آن‌ها همچنین تاثیر محدود قوانین و سیاست‌های چین در جلوگیری از صنعت سکس و رابطه محتمل میان روپی‌گری و قاچاق را ارزیابی می‌کنند. آن‌ها نتیجه می‌گیرند که مطالعات تجربی درباره روپی‌گری در چین لازم و ضروری است.

Monto, Martin A. “Female Prostitution, Customers, and Violence.” *Violence Against Women*. Vol. ۱۰, No. ۲, February ۲۰۰۴.

نویسنده تحقیق‌ها درباره روپی‌گری را بازبینی می‌کند و پنج نکته را به بحث می‌گذارد: ۱- مشتریان معمولاً از مباحثت مربوط به روپی‌گری کنار گذاشته می‌شوند، یه حساب آوردن آن‌ها یک گفتگوی متعادل برای آگاهی از سیاست عمومی ایجاد می‌کند. ۲- در تجربیات مردان به جستجوی روپیان معمولاً به عنوان امری طبیعی نگریسته می‌شود، ولی بیشتر آن‌ها دنبال روپی‌ها نمی‌روند، تعداد کمی مشتریان ثابت هستند. ۳- دریافت‌های عامیانه از دلایلی که برای خرید سکس وجود دارد با تحقیق سازگاری دارند.

۴- دیدگاه خاصی نشان می‌دهند که چرا مردان نیاز هایشان را از طریق روپیه‌ها برطرف می‌کنند و خشونت آن‌ها علیه این زنان را توضیح می‌دهد. ۵- مشتریانی که ملاقات‌های خود با روپیان را شکل می‌دهد تا درک آن‌ها از روپیگری را حمایت کنند اغلب سعی می‌کنند که یک حس دوطرفه و توافق را ایجاد کنند.

Raymond, Janice G. "Prostitution on Demand: Legalizing the Buyers as Sexual Consumers." *Violence Against Women*. Vol. ۱۰, No. ۱۰, October ۲۰۰۴

نویسنده درباره مردانی که روپیان را می‌خرند و آن‌ها را آزار می‌دهند بحث می‌کند و تأکید می‌کند که حکومت‌ها، آژانس‌های سازمان ملل و سازمان‌های غیردولتی و سایرین طوری رفتار می‌کنند که انگار تقاضا برای استثمار جنسی اهمیتی ندارد یا اینکه روپیگری غیرقابل تغییر است چون «مردان مرد باقی خواهند ماند». نویسنده تقاضای مشتری- معنای آن، افسانه‌هایی که چرایی نیاز مرد به خرید سکس را توجیه می‌کنند، اطلاعات کیفی درباره خریداران سکس از انتلاف علیه قاچاق زنان و بهترین کارهایی که برای تحت بررسی قرار دادن جنسیت مورد تقاضا وجود دارد را بررسی می‌کند. نویسنده بدون اینکه به مشتری به عنوان علت ریشه‌ای روپیگری بنگرد، تأکید می‌کند که قوانین و برنامه‌ها مفهوم حقوق مردان برای خرید زنان و کودکان را در جای خود حفظ می‌کنند.

Ringdal, Nills Johan. *Love For Sale: A World History of Prostitution*. Daly, Richard, transl. New York, NY: Grove Press, ۲۰۰۵.

این مورخ کل تاریخ ضبط شده روپیگری که تاریخ آن به ۴۰۰۰ سال پیش تا منطقه چراغ قرمز در دنیای مدرن باز می‌گردد را ردیابی می‌کند، و توضیح می‌دهد که جوامع مختلف با روپیه‌ها چگونه برخورد کرده‌اند. از یونان باستان تا هند، که این زنان را به طبقه‌های مختلف سازمان‌های اجتماعی وارد می‌کرده‌اند، از طبقه راهبه‌ها تا ویکتوریایی‌ها که علیه آن‌ها کمپین کردن، و ظهور جنبش حقوق کارگران سکس در دوران معاصر. بنابراین، نویسنده پرتره‌ای پیچیده از روپیگری ترسیم می‌کند، که آن‌چه بر اساس درک او پاداش‌ها و خطرات یکی از قدیمی‌ترین حرفة‌های جهان است، مورد توجه قرار می‌دهد.

Specter, Jessica, ed. *Prostitution and Pornography: Philosophical Debate about the Sex Industry*. Stanford, CA: Stanford University Press, ۲۰۰۶.

دانشگاهیان، افراد سابقه‌دار در صنعت سکس و نجات‌یافته‌گان روپیگری مطلوبیت پاسخ لیبرال به منتقدان روپیگری و پورنوگرافی را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. آن‌ها با تأکید بر این که این دو شکل از سکس تجاری با واکنش‌های متفاوتی روبرو شده‌اند، نقشی که نظرات ما درباره فردیت، هویت فردی و آزادی در نگرش ما به صنعت سکس بازی می‌کند را مورد بحث قرار می‌دهند.

Valandra. "Reclaiming Their Lives and Breaking Free: An Afrocentric Approach to Recovery From Prostitution." *Affilia: Journal of Women and Social Work*. Vol. ۲۲, No. ۲, May ۲۰۰۷.

نویسنده با تأکید بر اینکه تحقیقات محدودی درباره نیازهای خاص درمانی زنان آفریقایی-آمریکایی که وادار به روپیگری شده‌اند وجود دارد، یک تحقیق کیفی بر روی هشت مراجع در یک آژانس آفریقایی که خدمات ویژه فرهنگی ارائه می‌دهد انجام می‌دهد. داده‌هایی که از گروه مورد تمرکز و مصاحبه‌های نیمه ساختارمند به دست آمده، هفت دسته تجربه را نشان می‌دهد: ۱- میراث خشونت و گزارش‌دهی ناکافی و ناقص، ۲- خانواده و صیانت نفس ۳- حمایت خویشاوندی و معنویت، ۴- برخورد شدید، ۵- موافع

بهبودی، ۶- خدمات مفید و مضر و ۷- منشور خشونت. نویسنده پیامدهای یافته‌های خودش برای وكلاء سیاستگذاران و کارکنان اجتماعی را در نظر می‌گیرد و تحقیق بیشتر در این گونه تجربیات زنان را تشویق می‌کند تا از این طریق متخصصان نیازهای آن‌ها به طرز موثرتری برطرف کنند.

Whisnant, Rebecca and Stark, Christine, eds. *Not for Sale: Feminists Resisting Prostitution and Pornography*. North Melbourne, Victoria, Australia: Spinifex Press, ۲۰۰۵ ed.

نجات‌یافته‌گان، فعالان و دانشگاهیان این مسئله را ارزیابی می‌کنند که چگونه روپیگری و پورنوگرافی به کسانی که در صنعت سکس درگیر هستند، آسیب می‌رساند در حالیکه امکان‌هایی که برای عدالت جنسیتی، برابری انسانی و روابط جنسی باثبات وجود دارد را تضعیف می‌کند. نویسنده‌گان این کتاب، نژادپرستی، فقر، نظامیگری و سرمایه‌داری کمپانی‌ها برای خرید سکس از طریق استریپ کلوب‌ها، فاحشهخانه‌ها، روپی‌های سفارشی از طریق پست و پورنوگرافی کودکان را نشان می‌دهند.

قاچاق برای برده‌داری جنسی:

Agustin, Laura Maria. *Sex at the Margins: Migration, Labour Markets and the Rescue Industry*. London, UK and New York, NY: Zed Books, ۲۰۰۷.

نویسنده مرز مشترک میان کارگران مهاجر در اروپا که فروشنده سکس هستند و بخش «اجتماعی» یا «امداد» را بررسی می‌کند. او افسانه‌هایی از قبیل این‌که: فروش سکس با کارهای دیگر متفاوت است، مهاجرانی که فروشنده سکس هستند قربانی هستند و کسانی که تلاش می‌کنند مهاجران را نجات دهند هیچ منفعت شخصی ندارند را رد می‌کند. بر اساس تحقیق میدانی، نویسنده این بحث را مطرح می‌کند که اصطلاح «قاچاقی» به طور نادرستی مهاجران را توصیف می‌کند و این‌که «صنعت نجات‌بخشی» قدرت آن‌ها را تضعیف می‌کند. اغلب مهاجران عاقلانه انتخاب می‌کنند که در صنعت سکس کار کنند و علی‌رغم به حاشیه رانده شدن، آن‌ها بخشی از سازوکار اقتصاد جهانی هستند.

Crawford, Mary and Kaufman, Michelle R. “Sex Trafficking in Nepal: Survivor Characteristics and Long-Term Outcomes.” *Violence Against Women*. Vol. ۱۴, No. ۸, August ۲۰۰۸.

نویسنده‌گان ویژگی‌ها و پیامدهای قاچاق سکس در مورد نجات‌یافته‌گان اهل نپال را مورد بررسی قرار می‌دهند تا تأثیر روان‌درمانی، بازتوانی و بازگشت دوباره به اجتماع را بر روی این زنان بررسی کنند. نویسنده‌گان با گزینش تصادفی ۲۰ مورد از نجات‌یافته‌گانی که در یک آسایشگاه تحت بازتوانی بودند، بیان می‌کنند که همه آن‌ها از لحاظ فیزیکی و عاطفی آسیب دیده بودند، ولی سه چهارم آن‌ها به روتاهاشیان بازگشتند. داده‌های آن‌ها به موفقیت بازتوانی و بازگشت به اجتماع اشاره می‌کند و همچنین نیاز به شناسایی سیستماتیک، نگه داشتن آمار، مطالعه نتیجه‌ها، تحصیلات در مبارزه با شرم و فعالیتهای امن مهاجرت را هم مطرح می‌کند.

Frisendorf, Cornelius, ed. *Strategies against Human Trafficking: The Role of the*

Security Sector. Geneva, Switzerland: Geneva Centre for the Democratic Control of Armed Forces (DCAF), ۲۰۰۹.

نویسنده‌گان این کتاب راهکاری درباره این‌که چگونه متخصصان در بخش امنیتی می‌توانند به طریق مؤثری با قاچاق مبارزه کنند، پیشنهاد می‌کنند. نویسنده‌گان با تشخیص موافع، سبک‌وسنگین‌کردن و پیامدهای ناخواسته تلاش در مبارزه علیه قاچاق، بر این نکته پافشاری می‌کنند که به پیشرفت در سه بخش نیاز است- سیاست‌های اجرایی با نظم بیشتر، شبکه‌هایی که در میان نیروهای امنیتی در سطوح مختلف همکاری بهتری دارند و محتاطترند و تأکید بیشتر بر روی تحقیق درباره ارزیابی برنامه‌های ضدقاچاق دارند.

Gallagher, Anne T. *The International Law of Trafficking*. New York, NY: Cambridge University Press, ۲۰۱۰.

نویسنده یک تحلیل جزئی از قانون بین‌المللی درباره قاچاق انسان ارائه می‌کند. با ارجاع به کار خود درباره قوانین بین‌المللی در حال توسعه سازمان ملل، میان این قوانین و قانون بین‌المللی و مسئولیت‌حکومت و هنجارهای مربوط به قوانین حقوق بشر بین‌المللی، قانون کیفری فرامليتی، قانون پناهندگی، و قانون کیفری بین‌المللی ارتباط برقرار می‌کند. نویسنده همچنین الزامات قانونی اصلی حکومت در منع قاچاق و محافظت از قربانیان و تعقیب و پیگرد مقصراً را شناسایی می‌کند.

Kara, Siddharth. *Sex Trafficking: Inside the Business of Modern Slavery*. New York, NY: Columbia University Press, ۲۰۱۰.

نویسنده یک گزارش دست اول درباره صنعت قاچاق بر اساس تحقیق خود در هندستان، نپال، برمه، تایلند، لائوس، ویتنام، بریتانیا، ایتالیا، هلند، دانمارک، آلبانی، مولداوی، مکزیک و ایالات متحده آمریکا ارائه می‌دهد. با پیش زمینه‌ای در امور مالی، اقتصاد و حقوق، نویسنده یک تحلیل تجارت با تمرکز بر سودآورترین شکل بردهداری مدرن را پیشنهاد می‌کند: قاچاق سکس. نویسنده نیروهای جهای محلی را که زیادکننده این قاچاق‌اند بررسی می‌کند. با بررسی اندازه، رشد و سودآوری آن، نویسنده بخش‌های صنعتی را که می‌تواند به صورت مؤثری توسط معیارهای قانونی، تاکتیکی و سیاست‌گذاری که وی برای پایان دادن به قاچاق سکس پیشنهاد می‌کند مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

Mahdavi, Pardis. *Gridlock: Labor, Migration, and Human Trafficking in Dubai*. Stanford, CA: Stanford University Press, ۲۰۱۱.

نویسنده تصویر دوبی به عنوان مرکزی برای قاچاق سکس و استثمار جنسی را نفی می‌کند و تصویری متفاوت از زندگی مهاجران در آن‌ها به دست می‌دهد. مشاهدات نویسنده می‌گویند که همه کارکنان مهاجر مورد سوءاستفاده قرار نمی‌گیرند و مانند افراد دیگر، انتخاب‌هایی برای پیشرفت زندگی‌شان می‌کنند، علی‌رغم ریسک بالایی که قانون‌گذاران آمریکا که در مبارزه با قاچاق به خصوص درباره کار جنسی زنان متحمل می‌شوند، به عقیده نویسنده، زنان و مردان مهاجر هر دو به صورت بالقوه در معرض روبارویی با آزار جنسی در شغل‌های مختلف هستند. نویسنده با مقایسه داستان‌های مهاجران و مصاحبه با سیاست‌گذاران آمریکا، نتیجه می‌گیرد که فرار قرن از کلیشه‌ها برای از بین بردن خلاً میان سیاست‌ها و واقعیت‌های زندگی مهاجران و مورد بررسی قرار دادن چالش‌های واقعی آن‌ها ضروری است.

Sawa – All the Women Together Today and Tomorrow. *Trafficking and Forced*

Prostitution of Palestinian Women and Girls: Forms of Modern Day Slavery: A Briefing Paper. Jerusalem and Ramallah: Sawa, and New York, NY: United Nations Development Fund for Women (UNIFEM), ۲۰۰۸.

این مطالعه، درباره علل و پیامدهای قاچاق در میان فلسطینیان را با بررسی شش مورد می‌کاود- دو پدر که دخترانشان را فروخته‌اند، سه قاچاقچی و یک روسپی. اسناد استثمار و راههای ممکن قاچاق، شامل اطلاعات و شواهد از هتل‌داران، افسران پلیس، زنانی که قاچاق شده‌اند و رانندگان تاکسی است. این مطالعه با تحلیل میزان که قاچاق زنان در منطقه فلسطین، سازمان‌های مدنی جامعه و نهادهای حکومتی فلسطین را به عکس العمل سریع و مشخص در مقابله با این مورد نقض حقوق بشر فرا می‌خواند.

Shelley, Louise. **Human Trafficking: A Global Perspective.** New York, NY: Cambridge University Press, ۲۰۱۰.

نویسنده کلیه اشکال جهانی قاچاق، از قاچاق اعضا تا قاچاق سکس را بررسی می‌کند تا عملیات تجاری و ذات خود قاچاقچیان را آشکار کند. نویسنده با تکیه بر سال‌ها تحقیق میدانی در آفریقا، آسیا، اروپای غربی و شرقی و امریکای لاتین، نشان می‌دهد که قاچاق میان مناطق مختلف تقاضه زیادی با هم دارند این‌که بیش از یک مدل تجاری وجود دارد. نویسنده نتیجه می‌گیرد که قاچاق انسان در قرن بیست و یکم به عنوان یکی از نتایج اقتصادی، جمعیتی و نابرابری، افزایش تقاضاها و امکان تغییر آب و هوای جهانی افزایش می‌یابد. نویسنده تلاش برای همکاری با حکومت، جامعه مدنی و جامعه تجاری و سازمان‌های چندحزبی و رسانه‌ها برای جلوگیری از رشد قاچاق را ترغیب می‌کند.

Trafficking in Persons Report ۲۰۱۰. Washington, DC: U.S. Department of State, ۲۰۱۰. <http://www.state.gov/g/tip/rls/tiprpt/۲۰۱۰/>.

سازمان ایالت متحده آمریکا وسعت دامنه قاچاق و سیاست‌های مرتبه با این مشکل در ۱۷۷ کشور را ارزیابی می‌کند. گزارش ۲۰۱۰ که به صورت سالانه تصویب می‌شود و برای اولین بار ایالات متحده آمریکا را با استانداردهایی که برای کشورهای دیگر در زمینه جلوگیری، محافظت و تعقیب وجود دارد می‌سنجد.

Warnath, Stephen. **Best Practices in Trafficking Prevention in Europe and Eurasia.** Washington, DC: United States Agency for International Development (USAID) with cooperation and support from the NEXUS Institute to Combat Human Trafficking, Creative Associates International, Inc. and the Aguirre Division of JBS International, Inc., ۲۰۰۹.

نویسنده بهترین کارها برای جلوگیری از قاچاق را در یک مطالعه درباره کمک‌های آمریکا به اروپا و اوراسیا مشخص می‌کند و برای کسانی که می‌خواهند کمک مالی کنند و کسانی که در چنین تلاش‌هایی دخیل‌اند، ۸ پیشنهاد دارد: ۱- تقویت فهم عوامل مؤثر، ۲- مشخص کردن مجدد ارتباط میان فعالیت‌ها و پیامدهای جلوگیری، ۳- پیشرفت گروههایی که در معرض خطر هستند، ۴- اولویت بخشیدن به پروژه‌های افزایش آگاهی، ۵- محکم کردن ارتباطات میان فعالیت‌های اشتغال‌محور و درآمدزا و فعالیت‌های تقویت کننده قدرت و نتایج بلندمدت، ۶- ایجاد پروژه‌های امن مهاجرت برای رسیدن به اهداف پیش‌گیرنده ۷- در نظر گرفتن رویکردهای کاهش تقاضا برای نشان دادن نتایج منع به عنوان بخشی از استراتژی تکمیلی، ۸- در نظر گرفتن تأثیر عوامل پیشگیری جنسیت‌محور

خشونت جنسی در دشمنی های مسلحه. تجاوز به مثابه سلاح جنگی:

Amy, Lori E. *The Wars We Inherit: Military Life, Gender Violence, and Memory*. Philadelphia, PA: Temple University Press, ۲۰۱۰.

نویسنده خاطرات شخصی را با یک تحلیل انتقادی تلفیق می کند تا پلی میان خشونت خصوصی و عمومی بزند و بررسی کند که چگونه قدرت نظامی در جامعه با خشونت عاطفی، فیزیکی و جنسی در می آمیزد. پدر نویسنده که سابقه طولانی از شرکت در جنگ دارد تأثیر زدودن انسانیت از افراد را آشکار می کند و نشان می دهد که چگونه خشونت تجربه می شود و به یاد آورده می شود. همان طور که نویسنده توضیح می دهد، شکنجه ابوغریب با خشونت طبیعی جنسیتی و نظامهای ملی در تداوم است. نویسنده بر این باور است که با تغییر شکل دادن خشونت به زندگی افراد، تغییر فرهنگی که نطفه خشونت در آن است نیز ممکن است.

Chandler, Robin M.; Fuller, Linda K.; and Wang, Lihua, eds. *Women, War, and Violence: Personal Perspectives and Global Activism*. New York, NY: Palgrave Macmillan, ۲۰۱۰.

نویسندگان کتاب نشان می دهد که جنگ چگونه بر وضعیت زنان و خانواده ها در اطراف جهان تأثیر می گذارد. دانشگاهیان، فعالان و متخصصان در زمینه های مختلف درباره خشونت جنسی در دوران جنگ و نظامی کردن زنان غیرنظمی، جنایت های پس از جنگ، فعالیت های ضدنظمی و مداخله در مقابله با خشونت از میان سایر موضوعاتی که سرکوب جنسیتی مرتبط با جنگ را در خط مشترک میان هویت ملی، نژاد، دین و طبقه اجتماعی بررسی می کند.

Chang, Iris. *The Rape of Nanking: The Forgotten Holocaust of World War II*. New York, NY: Basic Books, ۲۰۱۱ ed.

این روزنامه نگار حمله ژاپن به نانکینگ چین در سال ۱۹۳۷ را توضیح می دهد که در آن بیش از ۳۰۰ هزار غیرنظمی و سرباز مورد تجاوز قرار گرفتند، شکنجه یا کشته شدند. همان طور که نویسنده می گوید، نانکینگ آزمایشگاه آموزشی ارتش ژاپن برای تاکتیک های جنگش در آسیا بود. او با تأکید بر این که همه جوامع از این مقاطع تاریخی دارند، ژاپن را ترغیب می کند که دست از انکار بردارد و غرامت چین را بپردازد.

Csáky, Corinna. *No One to Turn To: The Under-Reporting of Child Sexual Exploitation and Abuse by Aid Workers and Peacekeepers*. London, UK: Save the Children UK, ۲۰۰۸.

نویسنده به تحلیل استثمار جنسی کودکان توسط بزرگسالانی که وظیفه شان کمک به آنها در موقع اضطراری است می پردازد. بر اساس تحقیق میدانی روی افراد جوان و متخصصان در Côte d'Ivoire واقع در هائیتی و جنوب سودان، نویسنده در می یابد که: کودکان برای حرفزدن درباره این قضایا نشویق نمی شوند، به رهبری بین المللی قدرتمند نیاز است تا اطمینان حاصل کنند که بهترین کارهای جدید صورت می گیرند و سرمایه گذاری برای پرداختن به مسئله استثمار کودکان و دلایل مؤثر آن کم است. نویسنده سه پیشنهاد برای راهنمای نجات کودکان در اجرایی ساختن سیاست های ویژه مطرح می کند: ۱. تأسیس یک

مکانیزم محلی مؤثر برای شاکیان، ۲. ایجاد یک آژانس دیدهبان، ۳. بررسی خشونت. زیرا استثمار کودکان در آژانس‌ها به این مربوط می‌شود در شرایط معمولی چه اتفاقی می‌افتد.

Dombrowski, Nicole A., ed. *Women and War in the Twentieth Century: Enlisted with or without Consent*. Abingdon, Oxon, UK and New York, NY: Routledge, ۲۰۰۴.

همکاران این کتاب تجربیات زنان در دوران جنگ را در طول قرن ببیستم، از جنگ جهانی اول تا دوره بعد از جنگ سرد و در مجموعه متنوعی از کشورهای چین، گواتمالا و ایالات متحده آمریکا را بررسی می‌کنند. آن‌ها درباره مشکلات زندگی روزمره، تأثیر آن بر روی کودکان، تجاوز به عنوان جرم جنگی، دسترسی به موقعیت برابر در ارتش و مقاومت در مقابل خشونت و درباره این‌که زنان با و بدون رضایت خودشان به عنوان عامل، شریک جرم، مخالف یا قربانی در دوران درگیری فهرست‌بندی می‌شوند صحبت می‌کند.

Giles, Wenona; de Alwis, Malathi; Klein, Edith; Silva, Neluka; and Korac, Maja, eds. *Feminists Under Fire: Exchanges Across War Zones*. Toronto, Ontario, Canada: Between the Lines, ۲۰۰۳.

نویسنده‌گان کتاب با تمرکز بر جنگ شهری سریلانکا و یوگسلاوی سابق، روی زنانی که در مناطق درگیری زندگی و کار می‌کنند، مطالعه می‌کنند. نویسنده‌گان پیامدهای این درگیری‌ها برای زنان - استفاده از خشونت جنسیتی از جمله تجاوز، تأثیر جنگ بر روی این جوامع و سیاست‌های فمینیستی - را با هم مقایسه می‌کنند. بر اساس مشاهدات آن‌ها، تجربه زنان در درگیری پیچیده است، آن‌ها از خشونت مربوط به جنگ رنج می‌برند ولی کسانی که در جوامع سنتی زندگی می‌کنند، شاید از سلسله‌مراتب موجود رها شوند. مقالات این کتاب این ابهام میان قربانی‌انگاری و مقاومت را از بین می‌برد.

Hardi, Choman. *Gendered Experiences of Genocide: Anfal Survivors in Kurdistan-Iraq*. Hampshire, England and Burlington, VT: Ashgate Publishing Limited, ۲۰۱۱.

نویسنده تجربیات زنان کرد عراق را در طول کمپین انفال که در سال ۱۹۸۸ و بحران‌های بعد بررسی می‌کند. نویسنده به شهادت‌های زنان می‌پردازد من جمله روایت‌های آن‌ها از تجاوز که با بی‌میلی بیان می‌کنند، و به این وسیله چهار مسئله را بررسی می‌کند: ۱. زنان به عنوان بازماندگانی که تحت تأثیر بلندمدت هجوم سلاح‌های شیمیایی هستند و به تنها منبع درآمد خانواده و بزرگ کردن بچه‌ها تبدیل می‌شوند، ۲. نیاز به بهبود گروه‌های انسانی که برای هویت آن‌ها حیاتی است و به خاطر خشونت از هم پاشیده‌اند، ۳. مدعیات زنان برای عدالت و ۴. موانع برای ناراحتی به خاطر فقدان‌هایی که در نتیجه کمپین ایجاد شده‌اند.

Heineman, Elizabeth D., ed. *Sexual Violence in Conflict Zones: From the Ancient World to the Era of Human Rights*. Philadelphia, PA: University of Pennsylvania Press, ۲۰۱۱.

نویسنده‌گان تاریخ خشونت جنسی در جنگ و درگیری را بررسی می‌کنند، و مواردی را برای جهان باستان، اروپای قرون وسطی و جنگ جهانی اول و دوم، جنگ انقلاب آمریکایی‌ها و جنگ استقلال بنگلادش در نظر می‌گیرند. مقالات آن‌ها به تجربیات قربانیان نگاهی می‌اندازد و همچنین انگیزه‌های

مقرران، ارتباط میان خشونت جنسی در زمان جنگ و صلح و تاریخ فعالیت‌های حقوق بشری گروه‌های فمینیستی را هم بررسی می‌کند. آن‌ها عواملی که منجر به خشونت جنسی در مناطق جنگی را روش می‌کند و خسارت‌های روانی کموبیش ویرانگر و نیز استراتژی‌های حقوقی و سایر استراتژی‌ها برای بهبود اوضاع را بررسی می‌کنند.

Jones, Adam, eds. *Gendercide and Genocide*. Nashville, TN: Vanderbilt University Press, ۲۰۰۴.

نویسنده‌گان کتاب، نمونه‌های تجربی و رویکردهای نظری را درباره «کشتار جنسیت‌محور» که به عنوان کشتار جمعی با انتخاب جنسیت تعریف شده ارائه می‌کنند. آن‌ها طیی از موضوعات مانند نسل‌کشی در رواندا در سال ۱۹۹۴، سرکوب جنسیت‌محور مردان سیاپوست در آمریکا و ارتباط فمینیسم و مطالعات درباره مردان در فهم کشتار جنسیت‌محور را بررسی می‌کنند. ویراستار کتاب تلاش می‌کند که مشخص کند آیا کشتار بر پایه جنسیت یک عنصر اصلی در درگیری‌های انسانی و احیاناً سازمان اجتماعی بوده است یا خیر.

Leatherman, Janie L. *Sexual Violence and Armed Conflict*. Cambridge, UK and Malden, MA, ۲۰۱۱.

نویسنده علل، پیامدها و واکنش‌های خشونت جنسیتی در جنگ را تحلیل می‌کند. وی کارکرد و تأثیر خشونت جنسیتی و شرایطی را که زنان را در مقابل چنین کارهایی شکننده می‌کند، بررسی می‌کند. به باور نویسنده، نقش عوامل سیستماتیک و محیطی مانند مردسالاری و مردانگی نظامی، در ایجاد انگیزه برای مقرران مؤثر است. نویسنده ضمن ستایش فعالان بومی و جهانی که درباره خشونت جنسی سخن می‌گویند، استراتژی‌های منع و حفاظت از زنان و دخترانی که در خطر هستند و بهبود نجات‌یافته‌گان و جوامع آن‌ها را بررسی می‌کند.

Onekalit, Catherine. "The Frightful Actuality: Girls, Tools of War in Africa" in Rodríguez Montero, Dina and Natukanda-Togboa, Edith, eds. *Gender and Peace Building in Africa*. San José, Costa Rica: University for Peace, ۲۰۰۵.

نویسنده تأکید می‌کند که دخترچه‌ها و جنگ در آفریقا با یکدیگر ارتباط دارند. جایی که جنگ وجود داشته باشد، یک دخترچه آزار می‌بیند. نویسنده با ذکر مثال‌هایی از کشورهای مختلف، توضیح می‌دهد که چگونه خشونت علیه دختران در جنگ منجر به جراحت فیزیکی، تولد زودهنگام کودک و انتشار ایدز و بحران عاطفی و شرم و طرد اجتماعی می‌شود. نویسنده اعلام می‌کند که از دختران در جنگ استفاده‌ی ابزاری می‌شود چرا که جوامع آفریقایی آن‌ها را مجبور می‌کنند که بار مشکلات خودشان را در سکوت به دوش بکشند. پیشنهادات او بر روی نقش سازمان‌های بین‌المللی و غیرکومنی، جنبش‌ها و سیاست‌گذاران در تنظیم قوانین برای حفاظت از دختران و نظارت بر اجرای این قوانین تأکید می‌کند.

Oosterveld, Valerie. "Lessons from the Special Court for Sierra Leone on the Prosecution of Gender-Based Crimes." *American University Journal of Gender, Social Policy & the Law*. Vol. ۱۷, No. ۲, ۲۰۰۹.

نویسنده پیگرد جرائم جنسیت‌محور جنگی در سیرالئون، مثل تجاوز و ازدواج اجباری را مطالعه می‌کند. نویسنده با ذکر جزئیات مربوط به احکام دادگاه ویژه سیرالئون، سه نتیجه را بیان می‌کند: ۱. جرائم جنسیت‌محور ممکن است پیچیده باشند و جرائمی که ظاهراً به لحاظ جنسیتی خنثی هستند ممکن است

عنصر جنسیت را در خودشان داشته باشد. ۳. نظارت بر مدرک جرم باید به جنسیت حساس باشد. ۴. برقراری تعادل قضایی میان حقوق کسی که متهم شده است، کسانی که قربانی خشونت بوده‌اند و سایر مسائل مربوط لازم است تا در مورد پیگردهای جنسیت‌محور اطمینان حاصل شود. این درس‌ها و نتایج، اگرچه ممکن است خاص روند دادگاه ویژه باشد، ممکن است که به کارهای آینده دادگاه کیفری بین‌المللی هم مربوط باشد.

Tanaka, Yuki. *Japan's Comfort Women: Sexual slavery and prostitution during World War II and the US occupation*. London, UK and New York, NY: Routledge, ۲۰۰۲.

نویسنده به کارگیری زنان به عنوان روسپی را در ارتش ژاپن در طول جنگ جهانی دوم در آسیا بررسی می‌کند. نویسنده تجاوز گروهی توسط ارتش در طول سال‌های ۱۹۳۱-۱۹۴۵ و تلاش برای سرکوب اطلاعات درباره نقش ژاپن در ایجاد سیستم «زنان تسلی‌دهنده» را وارسی می‌کند. نویسنده همچنین از اطلاعات جدید و جنجال‌برانگیزی درباره نقش نیروهای اشغال‌گر آمریکا در روسپی‌گری تحت کنترل ارتش پرده بر می‌دارد که ظاهرا در جهت منع تجاوز به زنان ژاپنی توسط نیروهای نظامی و متوقف کردن بیماری‌های جنسی بوده است. نویسنده بیان می‌کند که سیستم‌های بردهداری جنسی چگونه زنان را به خاطر حفظ سازمان نظامی و نظم مورد آزار و سوءاستفاده قرار می‌دهند

Turshen, Meredith. "The Political Economy: An Analysis of Systematic Rape and Sexual Abuse of Women during Armed Conflict in Africa" in Moser, Caroline N. O. and Clark, Fiona, eds. *Victims, Perpetrators or Actors?: Gender, Armed Conflict and Political Violence*. London, UK and New York, NY: Zed Books, ۲۰۰۱.

نویسنده استفاده از تجاوز به عنوان سلاح جنگی در طول جنگ در موزامبیک و رواندا تحت عنوان هویت زنان و مالکیت و کیفیت آن‌ها بررسی می‌کند. نویسنده بیان می‌کند که زنان به عنوان «بازتولیدکنندگان اجتماعی» اول توسط تجاوزگران مورد خشونت قرار می‌گیرند و سپس توسط خانواده‌ها و جوامعی که آن‌ها را طرد می‌کنند. همان‌طور که نویسنده توضیح می‌دهد، انزواجی که نجات‌یافته‌گان تجاوز تحمل می‌کنند به چشم‌انداز بقای اقتصادی آن‌ها ضربه می‌زنند. بینش نویسنده به لحاظ عملیاتی برای متخصصانی که برنامه‌های مربوط به حقوق انسانی زنان، توسعه اجتماعی-اقتصادی و/یا بازسازی پس از جنگ را تنظیم می‌کنند، مربوط است

Zawati, Hilmi M. and Mahmoud, Ibtisam M. *A Selected Socio-Legal Bibliography on Ethnic Cleansing, Wartime Rape, and Genocide in the former Yugoslavia and Rwanda*. Lewiston, NY and Ceredigion, UK: Edwin Mellen Press, ۲۰۰۴.

این کارشناسان، یک کتابشناسی دقیق و جزئی متشکل از بیش از شش هزار مدخل را که از منابعی که در انگلیسی و سایر زبان‌های اروپایی درباره پاکسازی نژادی و نسل‌کشی و خشونت جنسی در طول درگیری‌های نظامی در یوگسلاوی و رواندای سابق را جمع‌آوری کرده اند.

نقش و حقوق زنان در ایجاد صلح و بازسازی پس از جنگ

قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل:

Afkhami, Mahnaz, ed. *Toward a Compassionate Society*. Bethesda, MD: Women's Learning Partnership for Rights, Development and Peace, ۲۰۰۲.

فعالان و محققان درباره نشان می‌دهند چگونه انسان‌ها و به ویژه زنان در نقش‌های گسترده‌شان، می‌توانند یک جامعه همدل و یک فرهنگ صلح را با توجه به توزیع نابرابر قدرت اقتصادی و فن‌آوری ایجاد کنند آن‌ها روی مسائلی از قبیل توسعه، حقوق فردی در قبال ارزش‌های جامعه و ابعاد رهایی بخش دین برای زنان و رهبری بر اساس گفتگو برای تغییر سازمان‌ها و ایجاد برابری جنسیتی تمرکز می‌کنند.

Anderlini, Sanam Naraghi. *Women Building Peace: What They Do, Why It Matters*. Boulder, CO: Lynne Rienner, ۲۰۰۷.

این متخصص بر اساس تجربه گسترده میدانی و تحقیق، چرایی و چگونگی اهمیت خدمات زنان در فعالیت‌های صلح‌آمیز را مورد بررسی قرار می‌دهد. نویسنده تحلیلی میان‌منطقه‌ای و مقایسه‌ای درباره تصمیمات زنان درباره صلح در سراسر دنیا ارائه می‌دهد و تأکید می‌کند برنامه‌ریزی‌های حساس به جنسیت می‌تواند عامل فعل و انفعال در فعالیت پیچیده ایجاد صلح پایدار باشد. نویسنده همچنین به نمونه‌هایی از چگونگی استفاده از پتانسیل‌های استفاده‌نشده زنان اشاره می‌کند.

Bouta, Tsjeard; Frerks, Georg; and Bannon, Ian. *Gender, Conflict, and Development*. Washington, DC: The International Bank for Reconstruction and Development/The World Bank, ۲۰۰۵.

نویسنده‌گان ابعاد جنسیتی درگیری و جنگ را برجسته می‌کنند و در میان سایر موضوعات، نگرانی‌هایی که حول موضوع زنان مبارز، خشونت جنسی، روندهای رسمی و غیررسمی صلح، بازسازی خدمات اجتماعی و پیشرفت‌های ناشی از اجتماع را بررسی می‌کنند. آن‌ها همچنین درباره این‌که چگونه جنگ و درگیری نقش‌های جنسیتی را دگرگون می‌کند تحقیق می‌کنند و سیاست‌های موجود در زمینه برجسته کردن فرصت‌هایی را بررسی می‌کنند که به شکل طعنه‌آمیزی از وحشی‌گری‌های نظامی ایجاد می‌شوند و جامعه‌ای با تعادل جنسیتی بیشتر، اقتصاد فراگیر و روابط سیاسی و اجتماعی در جوامع پس از جنگ می‌سازند.

Butler, Maria; Mader, Kristina; and Kean, Rachel. *Women, Peace and Security Handbook: Compilation and Analysis of United Nations Security Council Resolutions Language*. New York, NY: PeaceWoman Project and Women's International League for Peace and Freedom (WILPF), ۲۰۱۰.

نویسنده‌گان به ارزیابی این قضیه می‌پردازند که آیا شورای امنیت طرح امنیت، صلح و زنان را از زمان تصویب قطعنامه ۱۳۲۵ وارد برنامه و ساختار خود کرده است یا خیر. آن‌ها بر روی قطعنامه‌های شورای امنیت که مربوط به کشورهای خاص و بعد سیزده‌گانه تجربه زنان در جنگ هستند، تمرکز می‌کنند. آن‌ها تحلیل می‌کنند که این اسناد تا چه حد زبان و نیت قطعنامه ۱۳۲۵ را بازتاب می‌دهند و در عین حال به کارگیری زبانی قابل فهمتر درباره زنان و جنسیت در قطعنامه‌های آینده ویژه کشورها را توصیه می‌کنند.

Carlman, Åsa; Flensburg, Annika; Hellström, Katarina; Strand, Lovisa; Wassholm, Christina; and Zillén, Eva. *Building Security—A contribution to the debate on security policy*. Stuart, Katherine, transl. Stockholm, Sweden: The Kvinna till Kvinna Foundation, ۲۰۱۱.

نویسنده‌گان تأکید می‌کنند که به خصوص بعد از یازدهم سپتامبر، سیاست‌های امنیتی به دیدگاه‌های کمارزش به واکنش نظامی برای دسترسی به صلح پایدار از طریق نادیده گرفتن زنان و/یا مورد خشونت قرار دادن آن‌ها اولویت بخشیده است. نویسنده‌گان با تکیه بر تجربه کار با سازمان‌های زنان در بالکان، کاراکاس، خاورمیانه، لیبیریا و کنگو، این مفهوم که تنها طرفین جنگ باید در قطعنامه درگیری شرکت کنند را نفی می‌کند، تا تأکید کند که شرکت زنان خشونت را بعد از آتش‌بس کاهش می‌دهد و روند تصمیم‌گیری دموکراتیک را تقویت می‌کند و به صلح عادلانه و بلندمدت منتهی می‌شود.

Cheldelin, Sandra I. and Eliatamby, Maneshka, eds. *Women Waging War and Peace: International Perspectives of Women's Roles in Conflict and Post-Conflict Reconstruction*. New York, NY and London, UK: Continuum International Publishing Group, ۲۰۱۱.

نویسنده‌گان این کتاب این روایت را که تنها نقش زنان در جنگ قربانی بودن است و آن‌ها بیشتر از مردان آمادگی ایجاد صلح دارند نفی می‌کند. نویسنده‌گان با ارائه ۱۶ مورد مطالعاتی که به لحاظ جغرافیایی متنوع هستند، درباره زنان و دختران در خط مقدم، کودکان سرباز، بمبگذاری انتحراری و مذاکره‌گندگان و بنیان‌گذاران صلح، عاملیت زنان در مناطق جنگی را آشکار می‌کنند. آن‌ها این نکته را روشن می‌کنند که زنان و مردان، هر دو می‌توانند قربانیان جنگ باشند و زنان می‌توانند صدایشان را بلند کنند، استراتژی‌های بقا را توسعه بخشدند و در مذاکرات داخل شوند و خواهان جایگاه خود در روند بازسازی و حکومت پس از جنگ باشند.

Cockburn, Cynthia. *From Where We Stand: War, Women's Activism and Feminist Analysis*. London, UK and New York, NY: Zed Books, ۲۰۰۷.

نویسنده با تکیه بر تحقیق میدانی در مناطق جنگی مختلف- کمپیا، اسرائیل و سیرالئون- به توضیح فعالیت زنان علیه جنگ می‌پردازد. آن‌طور که مشاهدات او نشان می‌دهند، گروه‌ها و طرح‌های عملی زنان همانند هم نیستند: برخی غیرقابل توجیه‌اند، بعضی عدالت را بر عدم خشونت ترجیح می‌دهند، برخی ناسیونالیسم را عامل جنگ می‌خوانند و دیگران ملت را یک منبع مشروع برای هویت می‌دانند. نویسنده نتیجه می‌گیرد که فمینیسم ضدنظامی جگونگی فهم جنگ را با مرتبط کردن خشونت پدرسالاری، سرکوب طبقاتی و تبعیض قومیتی تغییر داده است.

Hudson, Heidi. “Peacebuilding through a Gender Lens and the Challenges of Implementation in Rwanda and Côte d'Ivoire.” *Security Studies*. Vol. ۱۸, No. ۲, ۲۰۰۹.

نویسنده بر تلاش‌های ایجاد صلح در رواندا و ساحل عاج با استفاده از «فمینیسم‌های آفریقایی» نگاهی می‌اندازد تا مفاهیم طرح صلحی کامل‌تر و رئیسانه‌تر را بنیان گذارد. نویسنده ضمن هشدار به «افزودن زنان» به روند صلح بدون به رسمیت شناختن تأثیرگذاری آن‌ها، بیان می‌کند که چگونه قوانین بین‌المللی که حقوق زنان را توسعه می‌دهند می‌توانند در سطح بومی هم پیاده شوند. نویسنده بر این باور است که کار موفقیت‌آمیز در زمینه صلح به این‌که فمینیست‌های آفریقایی چگونه استراتژی‌های جریان اصلی، همه‌شمول

و متغیر را در شرایط فعالیت‌های صلح‌آمیز بومی را به کار می‌گیرند بستگی دارد.

Kronsell, Annica. *Gender, Sex and the Postnational Defense: Militarism and Peacekeeping*. Oxford, UK and New York, NY: Oxford University Press, ۲۰۱۲.

نویسنده تغییر موضع دموکراسی‌های ثروتمند لیبرال در استراتژی دفاعی‌شان از برپاسازی جنگ به ایجاد صلح را تحلیل می‌کند که باعث تأکید بر امنیت انسان از جمله نیازهای زنان بدان گونه که در قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل آمده شده است. نویسنده نشان می‌دهد که چگونه تلاش‌های دفاعی فراملی، روابط جنسیتی نظامی را تغییر می‌دهد، و اشاره می‌کند که تعداد اندکی از زنان در روند ایجاد صلح نظامی دخیل هستند. نویسنده توضیح می‌دهد که تا زمانی که نظامیان بر بر ساخته‌های مردانه تکیه کنند، برابری جنسیتی قابل دستیابی نخواهد بود. نویسنده همچنین این بحث را مطرح می‌کند که آیا فمینیسم همواره باید ضدنظامی باشد یا این‌که بر اساس اخلاقیات فمینیستی، خشونت نظامی می‌تواند به افزایش امنیت انسانی انجامد.

Kuehnast, Kathleen; de Jonge Oudraat, Chantal; and Hernes, Helga, eds. *Women and War: Power and Protection in the 21st Century*. Washington, DC: United States Institute of Peace, ۲۰۱۱.

متخصصان و محققان وضعیت آگاهی و دانش درباره زنان، صلح و امنیت را در پرتو دهمین سالگرد قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل می‌سنجند. نویسنده‌گان ضمن توضیح تلاش‌هایی برای حمایت از زنان در مقابل خشونت جنسی در دوران جنگ، و مشمول کردن آن‌ها در روند ایجاد صلح و بازسازی و پیشرفت حقوق انسانی آن‌ها نشان می‌دهند که کارهای زیادی برای مفهوم‌سازی و عملیاتی کردن استراتژی‌هایی که زنان را در تصمیم‌گیری و جلوگیری از درگیری دخیل می‌کنند باقی مانده است.

Moghadam, Valentine M. "Peacebuilding and Reconstruction with Women: Reflections on Afghanistan, Iraq and Palestine." *Development*. Vol. 48, No. 3, September ۲۰۰۵.

نویسنده رهیافت‌های فمینیستی در باب علل و تأثیر درگیری، ایجاد صلح و حقوق زنان در سه جامعه درگیر جنگ- افغانستان، عراق و فلسطین- ارائه می‌دهد. نویسنده با بررسی وضعیت و نقش زنان در این جوامع، از مشارکت زنان و جنسیت در کلیه سطوح تصمیم‌گیری درباره درگیری و بازسازی و حکومت در دوران پس از جنگ حمایت می‌کند.

Porter, Elisabeth. *Peacebuilding: Women in International Perspective*. Abingdon, Oxon, UK and New York, NY: Routledge, ۲۰۰۷.

نویسنده بر روی فعالیت‌های زنان در راستای ایجاد صلح در مناطق جنگی و پس از جنگ تمرکز می‌کند. طبق مشاهدات نویسنده، زنان در تلاش‌های سطح دوم و سوم که به دیپلماسی غیررسمی شهر ونده و فعالیت‌های مردمی مربوط است بیشتر موفق بوده‌اند تا فعالیت‌های سطح یک یا مذاکرات رسمی که بیشتر غایب بوده‌اند. نویسنده درس‌هایی از بهترین فعالیت‌های مرتبط با ایجاد صلح پیرامون قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل بیان می‌کند مانند نیاز به ایجاد سیاست همدلی و برگرداندن شرافت قربانیان و دخیل کردن مهارت‌های زنان در بخش سیاسی و تصمیم‌گیری.

Rehn, Elisabeth and Sirleaf, Ellen Johnson. *Women, War and Peace: The*

Independent Experts' Assessment on the Impact of Armed Conflict on Women and Women's Role in Peace-building. New York, NY: United Nations Development Fund for Women (UNIFEM), ۲۰۰۲.

گزارش نویسنده‌گان که در پاسخ به قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل نوشته شده، اثر جنگ بر زنان را تحلیل می‌کند و چگونگی وارد ساختن زنان به فعالیت‌های صلح را بیان می‌کند. نویسنده‌گان بر اساس تحقیق میدانی ۱۴ منطقه جنگی، مشاهده می‌کنند که زنان قبل، در طول و بعد از جنگ متحمل خشونت می‌شوند و همچنین زنان مکانیزم‌های محافظتی ابداع می‌کنند و از ترویجی که توسط سازمان‌های غیر حکومتی و آژانس‌های سازمان ملل ارائه می‌شود برای بقای خود و نیز پیشرفت برابری جنسیتی استفاده می‌کنند. نویسنده‌گان توصیه‌هایی درباره چگونگی پرداختن به چالش‌های موجود ارائه می‌کنند، چالش‌هایی مثل آثار خشونت بر سلامت و بازسازی تلاش‌ها در جهت پایان دادن امنیتی که حول ارتکاب به خشونت جنسیتی وجود دارد، تضمین شهروندی کامل زنان به عنوان رأی‌دهنده و نامزد برای پست‌های سیاسی و تصمیم‌گیرنده‌ها.

Suthanthiraraj, Kavitha and Ayo, Cristina. *Promoting Women's Participation in Conflict and Post-Conflict Societies: How Women Worldwide are Making and Building Peace.* New York, NY: Global Action to Prevent War; NGO Working Group on Women Peace and Security; and Women's International League for Peace and Freedom, ۲۰۱۰.

نویسنده‌گان تصمیمات جامعه‌محور را که توسط سازمان‌های زنان و جامعه مدنی در سطح جهان و با هدف تقویت مشارکت زنان در روندهای صلح اتخاذ می‌شوند، بررسی می‌کنند. گزارش آن‌ها بر دو عنصر در روند صلح تمرکز می‌کند. ایجاد صلح، و برقراری صلح در مرحله اولیه پس از جنگ. آن‌ها فاصله‌هایی را که در سیاست‌های غیررسمی و رسمی به پیاده‌سازی قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت منجر شد بررسی می‌کنند و در نهایت پیشنهاداتی برای افزایش مشارکت زنان در همه ابعاد برقراری صلح ارائه می‌کنند.

Tirman, John. "UNSCR ۱۳۲۵: Slow Progress, Uncertain Prospects." *Foreign Service Journal.* Vol. ۸۸, No. ۳, April ۲۰۱۱.

نویسنده یافته‌های مطالعه‌ای که توسط شبکه فعالیت جامعه مدنی بین‌المللی و مرکز تکنولوژی مطالعات بین‌المللی انجام شده را بررسی می‌کنند تا ارزیابی کنند که قطعنامه ۱۳۲۵، ده سال بعد از تصویب‌ش چگونه اجرا می‌شود. این تحقیق در شش کشوری که از جنگ خلاص شده‌اند یا هنوز در حال تجربه آن هستند انجام گرفته است. آچه در اندونزی، کلمبیا، اسرائیل/فلسطین، لیریا، سریلانکا و اوگاندا. صورت گرفته و نشان می‌دهد که سازمان‌های بین‌المللی از جمله آژانس‌های سازمان ملل و حکومت‌ها قطعنامه را تا جای ممکن به بهترین وجه پیاده کرده‌اند، و سازمان‌های خصوصی زنان بیشترین پیشرفت را داشته‌اند. نویسنده بر این قضیه تأکید می‌کند که اجرای قطعنامه ۱۳۲۵ ضروری است زیرا نه تنها زنان در جنگ بسیار آسیب می‌بینند، بلکه این قطعنامه، نگاه‌های مختلفی درباره علم، روابط و مهارت‌های حل مشکل که ممکن است به پیشرفت نتایج فعالیت‌های برقراری و حفظ صلح کمک کند ارائه می‌کند.

کتاب‌ها و کتابچه‌های راهنمای خودآموز

Afkhami, Mahnaz and Eisenberg, Anne. In consultation with: Abou Habib, Lina; Khader, Asma; Medar-Gould, Sindi; and Pitanguy, Jacqueline. *Leading to Action: A Political Participation Handbook for Women*. Bethesda, MD: Women's Learning Partnership for Rights, Development, and Peace (WLP), ۲۰۱۰.

این کتاب راهنمای ابزاری مؤثر برای افرادی است که به دنبال ایفای نقش سیاسی مهمتری در جوامع خودشان هستند و تلاش می‌کند که زنان را خصوصاً در راه تبدیل شدن به رهبران دموکرات و فعال تقویت کند. این کتاب راهنمای با برگسته ساختن نمونه‌های واقعی از دادگاه‌های زنان و پیروزی‌هایی در این زمینه، سؤالاتی برای بحث و تجربه‌های یادگیری که زنان را برای یادگیری مهارت‌هایی که برای کنش سیاسی مؤثر به آن‌ها نیازمند کمک می‌کند. چه هدف‌شان نامزدی در انتخابات باشد، چه حمایت از یک کمپین، تشویق حضور رای‌دهندگان یا تنظیم بهتر قوانین اجتماعی.

Afkhami, Mahnaz; Eisenberg, Anne; and Vaziri, Haleh. In consultation with: Azzouni, Suheir; Imam, Ayesha; Lemrini, Amina; and Naciri, Rabèa. *Leading to Choices: A Leadership Training Handbook for Women*. Bethesda, MD: Women's Learning Partnership for Rights, Development, and Peace (WLP), ۲۰۰۱.

هدف این کتاب تقویت رهبری زنان بر اساس مدلی است که تعامل، یادگیری دو جانبی و خلق یک بینش مشترک و توافق حول یک هدف مشترک را در ارجحیت قرار می‌دهد. این کتاب مطالعات موردی افراد در سراسر دنیا را بیان می‌کند تا شرایط چالش‌برانگیز در اجتماعات را مورد توجه قرار دهد و پژوهش‌های مبتکرانه سازمان‌های حل مسئله را نشان می‌دهد. سؤالات کتاب راهنمای بحث و تمرین‌های آموزشی‌اش نظریه و عمل رهبری به عنوان امری مشخص، جمعی و همه‌جانبه را ترویج می‌دهد.

Afkhami, Mahnaz; Nemiroff, Greta Hofmann; and Vaziri, Haleh. In consultation with: Arsanios, Afifa Dirani; Khader, Asma; and Tadros, Marilyn. *Safe and Secure: Eliminating Violence and Girls in Muslim Societies*. Bethesda, MD: Sisterhood Is Global Institute (SIGI), ۱۹۹۸.

این کتاب معطوف به زنان مسلمان و افزایش آگاهی آن‌ها درباره خشونت جنسیت‌محور است. با قبول این‌که این خشونت پدیده‌ای جهانی است، این کتاب راهنمای روی مسائل مشترک در جوامع مسلمان به آن شکلی که در تحقیق‌های میدانی و مشاوره‌های کارشناسان آمده تمرکز می‌کند. سناریوها، سؤال‌های برای بحث و تمرین‌های آموزشی بر اساس گفتمان جهانی حقوق بشر و تعامل آن با سنت‌های بومی، نظرات، الگوها و متون دینی و فرهنگی تنظیم شده‌اند. کتاب راهنمای گفتگو درباره فرهنگ و دینی که در مقابل تفسیر سیال و باز بوده‌اند و بنابراین ظرفیت رهایی‌بخشی برای زنان قربانی خشونت را داشته‌اند را تشویق می‌کند.

Afkhami, Mahnaz and Vaziri, Haleh. *Claiming Our Rights: A Manual for Women's Human Rights Education in Muslim Societies*. Bethesda, MD: Sisterhood is Global Institute (SIGI), and distributed by Women, Ink. Press of the International Women's Tribune Centre in New York, NY, ۱۹۹۷ ed.

مخاطب این کتاب زنان مسلمان هستند و کوشش می‌شوند که آگاهی آن‌ها را درباره حقوق بشر ابتدایی که حق آن‌هاست افزایش دهد. همچنین در هر جلسه سناریوی‌های داستانی را که در یک جامعه فرضی مسلمان اتفاق افتد بیان می‌کنند و سؤال برای بحث در مورد چالش‌های حقوق بشر که شخصیت‌های داستان با آن

روبرو هستند مطرح می‌کند. این سؤالات و تمرين‌های آموزشی، اصول جهانی حقوق بشر در رابطه با سنت‌ها، ایده‌ها، الگوهای بومی و متون دینی و فرهنگی را به خواننده منتقل می‌کند. کتاب از گفتگو درباره فرهنگ و دینی که در مقابل تفسیر سیال و بازنده و بنابراین می‌توانند حامی بحث‌های حقوق بشر باشند، حمایت می‌کند.

Ahmed, Aziza and Menon, Sunita. *Rights and Desire: A Facilitator's Manual to Healthy Sexuality*. New Delhi, India: Breakthrough, ۲۰۰۶.

کتاب ابزاری برای معلمان و برگزارکنندگان و مدیران است تا ارزش‌های حقوق بشر مانند همدلی، عزت و برابری را وارد حوزه سکس و امور جنسی کنند. این کتاب با پوشش چنین مسائلی به عنوان دانش بدن یک نفر، صمیمت، سلامت جنسی و نقش‌های جنسیتی، امور جنسی احترام‌آمیز و سالم را از طریق سؤال برای بحث، تمرين‌های آموزشی و ابزارهای چندرسانه‌ای بررسی می‌کند.

Anti-Trafficking Training Material for Judges and Prosecutors in EU Member States and Accession and Candidate Countries. In three parts—Background Reader, Curriculum and Handbook. Vienna, Austria: International Centre for Migration Policy Development (ICMPD), ۲۰۰۶.

این کتاب راهنمایی به دنبال افزایش آگاهی درباره قاچاق انسان به عنوان نقض حقوق انسانی و به دنبال پیشرفت توانایی‌های قضات و بازرسان برای بازرسی موارد قاچاق و اجرای قوانین ضد قاچاق همسو با استانداردهای اروپایی و بین‌المللی است. کتابچه از سؤالات برای مباحثه و از فعالیت‌های آموزشی برای پرداختن به مسائلی مانند دلایل و اثر قاچاق، بازجویی از قربانیان خسارت‌دیده و دیدگاه‌های حقوق بشر در پایان دادن به این جرم استفاده می‌کند.

Be-Free Center/WLP Bahrain. *Yes I Can: Leadership for Teens, Ages ۱۳-۱۷ Years*. Bethesda, MD: Women's Learning Partnership for Rights, Development, and Peace (WLP), ۲۰۱۱.

این کتاب راهنمایی چارچوب برای کارگاه‌های تعاملی معطوف به نوجوانان ارائه می‌دهد تا به اهداف پیش رو برسند: توسعه ظرفیت‌های مدیریتی‌شان، کمک به آن‌ها در طراحی راه حل‌های جمعی برای چالش‌هایی که در جامعه با آن رویرو هستند، به کارگیری هنجارهای برابری جنسیتی در خانواده‌هایشان و ترغیب آن‌ها به مشارکت در فعالیت‌های سیاسی برای ایجاد جوامع صلح‌آمیز و دموکراتیک. جلسات از تمرين‌های انرژی‌زا، تمرين‌های بنیادی و داستان‌های واقعی تاثیرگذار و سؤالاتی برای بحث استفاده می‌کند که هدف همه آن‌ها احترام دو طرفه، گفتگو و همکاری است.

Carroll, Aengus. *Make It Work: Six steps to effective LGBT human rights advocacy*. Brussels, Belgium: The European Region of the International Lesbian, Gay, Bisexual, Trans & Intersex Association (ILGA-Europe), October ۲۰۱۰.

این کتاب راهنمای ساختاری منطقی و ابزارها و مهارت‌هایی برای استفاده فعالانی که از حقوق انسانی افراد لزبین، گی، دوچنگرا و فراجنسیت‌جو حمایت می‌کنند ارائه می‌دهد. کتاب راهنمای شش قدم برای حمایت مؤثر را خلاصه می‌کند: ۱. دانستن استانداردهای مربوط حقوق بشر و نهادها، ۲. تحقیق و تحلیل مسائل ۳. شناسایی سهامدارانی که روی مسائل تأثیر می‌گذارند تا ائتلاف‌هایی تشکیل شود. ۴. تهیه گزارش عملکرد برای جمع‌آوری پیام‌های حمایت، ۵. استفاده از روش‌های متعدد و کالت و ۶. ایجاد مؤلفه‌هایی

برای ارزیابی پیامدهای وکالت.

Dey, Kathleen; Chiyangwa, Judith; Odoi, Netsy Fekade; Carter, Rachel; and Ahluwalia, Kanwal. *Stop the Bus! I Want to Get On: Lessons from Campaigns to End Violence Against Women in South Africa, Zimbabwe and Ghana*. London, UK: Womankind Worldwide, and Cape Town, South Africa: Rape Crisis Cape Town, ۲۰۰۸.

این ابزار آموزشی کمپین‌هایی که توسط سه سازمان در جهت تلاش برای توقف خشونت علیه زنان ایجاد شده‌اند را تحلیل می‌کند. بنگاه کیپ تاؤن برای بحران تجاوز در آفریقای جنوبی، پروره موسسای زیمبابوه و مرکز اسناد حقوق بشر و مطالعات جنسیتی غنا. این کتاب درس‌ها و راهکارهایی برای سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌هایی که اساس اجتماعی دارند ارائه می‌دهد و در راستای ایجاد آگاهی در زمینه خشونت جنسیت محور و طراحی استراتژی‌های کمپین و نظارت اثر آن‌ها تلاش می‌کند.

Good and Bad Examples: Lessons learned from working with United Nations Resolution ۱۳۲۵ in international missions. Stockholm, Sweden: Genderforce (a joint project between the Swedish Armed Forces, the National Rescue Services Agency, the Swedish Police Service, the Swedish Women's Voluntary Defence Service, the Association of Military Officers in Sweden and the Kvinna till Kvinna Foundation), ۲۰۰۷.

متخصصان نمونه‌هایی از غیرنظمیان و نظامیانی که بر روی قطعنامه درگیری، برقراری و حفظ صلح و بازسازی پس از جنگ کار می‌کنند ارائه می‌کنند تا نشان دهند چگونه قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت ممکن است مؤثر واقع شود. بر اساس مصاحبه‌های انجام‌شده با کارکنان در محيط‌های مختلف - تیمور شرقی، فیلیپین یا افغانستان و دیگر جوامع - این کتاب درس‌هایی درباره چگونگی ارتقای حقوق زنان و اثرباری آن‌ها در روند ایجاد و حفظ صلح ارائه می‌دهد. هر بخش با سوالات برای بحث جهت ترغیب بازتاب و گفتگو درباره مسائلی که در آن زمینه خاص پیش می‌آید پایان می‌یابد.

Handbook for Legislation on Violence against Women. New York, NY: United Nations, Department of Economic and Social Affairs, ۲۰۱۰.

این کتاب به سهامداران، قانون‌گذاران، مقامات رسمی حکومت، جامعه مدنی، آژانس‌های سازمان ملل راه‌هایی برای حمایت از تصویب و اجرایی نمودن قوانین جهت منع خشونت علیه زنان، تنبیه مقصران و دفاع از حقوق نجات یافتن ارائه می‌کند. این کتابچه الگویی برای قانون‌گذاری درباره خشونت علیه زنان، ارائه می‌کند و پیشنهاداتی می‌دهد تا بر مثال‌های معهود قانونی در سراسر جهان و فهرست گام‌هایی که باید در زمان تصویب چنین قانون‌هایی برداشته شود، تأکید کند.

Kubany, Edward S., Ph.D., ABPP and Ralston, Tyler C., Psy.D. *Treating PTSD in Battered Women: A Step-by-Step Manual for Therapists and Counselors*. Oakland, CA: New Harbinger Publications, ۲۰۰۸.

این کتاب به متخصصان بهداشت روانی در درمان زنان مضروب معطوف است. کتاب راهنمای بر پایه یک مدل درمانی مدرن برای اختلال استرسی بعد از آسیب روانی (PTSD) است که توسط دکتر کوبانی راهاندازی شده و به نام درمان آسیب روانی شناختی (CCT) شناخته می‌شود. کتاب راهنمای CCT را در

مدل‌هایی توضیح می‌دهد که موارد ذیل را پوشش می‌دهند: بررسی تاریخ آسیب روانی، نظارت بر مکالمه منفی با خود، کنترل اضطراب، آموزش PTSD، عوامل یادآور آسیب روانی، فائق آمدن بر استیصال آموزش دیده شده، به چالش کشیدن باورهای «مفروض»، ایجاد اعتماد به نفس، برخورد با بی‌اعتمادی، شناسایی آزاردهنگان بالقوه، کنترل روابط با شرکای پیشین، بحران عصبانیت، تصمیم‌گیری، حمایت از خود، بررسی حس گناه مرتبط با آسیب روانی.

Medica Mondiale, ed. *Violence against Women in War: Handbook for professionals working with traumatized women*. Cologne, Germany: Medica Mondiale (mm), 2nd edition, ۲۰۰۸.

این کتابچه بازبینی چندوجهی خشونت‌های جنسی جنگ و آسیب‌های روانی آن است. اطلاعاتی درباره وسعت خشونت جنسی در مناطقی که جنگ و بحران سیاسی در آن‌ها جریان دارد بیان می‌کند و همچنین بر پیامدهای جنگ برای زنان و دختران در محیط فرهنگی خود و نیز دشواری‌هایی که زنان در هنگام حضور در دادگاه به عنوان شاهد با آن رویرو هستند تأکید می‌کند. کتاب با توصیف رویکردهایی که در کار با زنانی که دچار آسیب روانی بوده‌اند ارزشمند به حساب می‌آیند، پیشنهاداتی برای متخصصان در زمینه‌هایی مانند متخصص زایمان، بهداشت روانی، مشاوره حقوقی و نظام دادگاه و همکاری انسانی و توسعه ارائه می‌دهد.

Smales, Philippa. With contributions from: Lappin, Kate; Lestari, Eni; Bultron, Ramon; Chong, Vivian; Masamloc, Lilibeth; Hsia, Hsiao-Chuan; Abdon-Tellez, Cynthia; and Somwong, Pranom. *The Right to Unite: A Handbook on Domestic Worker Rights across Asia*. Chiangmai, Thailand: Asia Pacific Forum on Women, Law and Development (APWLD), ۲۰۱۰.

این کتاب خواندنگان را با مسائل زندگی زنان مشغول به کارهای خانگی در آسیا آشنا می‌کند و همچنین نقض حقوق آن‌ها را در ده کشور (بنگلادش، هنگکنگ، هندوستان، اندونزی، ژاپن، مالزی، فیلیپین، سری‌لانکا، تایوان و تایلند) توضیح می‌دهد. کتاب شامل آخرین ابزار سازمان‌های کارگری بین‌المللی درباره کار خانگی است و آن‌ها را در رابطه با حقوق زنان کارگر برای شناسایی فاصله‌ها و نگرانی‌ها تحلیل می‌کند. این کتابچه که برای تسهیل وکالت تهیه شده، پیشنهاداتی برای فعالیت‌ها و سازمان‌های کارگران خانگی و همچنین تغییرهایی درون دولت‌ها ارائه می‌دهد.

Women and Men: Hand in Hand against Violence, Strategies and approaches to working with men and boys for ending violence against women. Oxford, UK: Oxfam Publishing, in collaboration with KAFA and the United Nations Trust Fund to End Violence Against Women, ۲۰۱۰ [Originally published in Arabic].

این کتاب بر پایه‌ی این فرض نوشته شده است که مردانی که با زنان همکارند، می‌توانند و باید نقش کلیدی در پایان دادن به خشونت جنسیت‌محور ایفا کنند. این کتاب، که برای استفاده در جوامع غربی تهیه شده، از بررسی‌های نمونه‌ای، درس‌های گرفته شده از تجربیات مختلف و برنامه‌هایی که مردان را شریک در منع خشونت دست‌بندی می‌کنند استفاده می‌کند. کتاب راهنمای طریق کاوش مفاهیمی که حول محور خشونت علیه زنان و دختران و دلایل و پیامدهای آن شکل گرفته، از دیدگاه‌ها، دانش و مهارت‌هایی که برای بهبود برابری جنسیتی از طریق مشارکت مردان وجود دارد بهره می‌گیرد.



Women's Learning Partnership

4343 Montgomery Avenue, Suite 201

Bethesda, MD 20814, USA

www.learningpartnership.org